

آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

جوانه

۵۸

رشد

samanketab.roshdmag.ir

ISSN 1735-4862

فصل نامه تخصصی سامان دهی منابع آموزشی و تربیتی / زمستان ۱۳۹۶ / ۲۰۸ صفحه
برای ناشران، پدیدآورندگان، معلمان، مدیران مدارس، اولیا و کارشناسان آموزشی و پرورشی

ویژه پانزدهمین
جشنواره کتاب رشد



ترجمہ کاغذِ خلق

مقامِ شہرِ بہری:

کتابِ احیاءِ امورِ مسلمہ

امروز کتابخوانی و علمِ انور منی تنہا کی

و طبعی ملے

و فیضی بلکہ یک و جب دینی است

و حسی ملے

کتابِ احیاءِ امورِ مسلمہ

امروز کتابخوانی و علمِ انور منی تنہا کی و فیضی بلکہ یک و جب دینی است و از ہمہ شہرِ جوانان و نوجوانان و بزرگواران



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی

جوانه

۵۸

رشد

فصل نامه تخصصی سامان‌دهی
منابع آموزشی و تربیتی

۲

مدیر مسئول:

محمد ناصری

۳

سر دبیر:

فریبا کیا

۱۲

شورای برنامه‌ریزی:

فریبرز بیات

بهروز رضایی

دکتر محمود معافی

ناصر نادری

محبت‌الله همتی

حبیب یوسف‌زاده

مدیر داخلی:

معصومه شجاعی

ویراستار:

کبری محمودی

طراح گرافیک:

سید جعفر ذهنی

کاریکاتوربست:

سعید رزاقی

عکاس‌ها

رضا بهرامی

اعظم لاریجانی

۳۶

۵۰

نشانی پستی دفتر مجله:

تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۷۰

صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵

تلفن: ۸۸۸۳۹۱۶۶

دورنگار: ۸۸۳۰۶۰۷۱

پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۱۸

وبگاه: samanketab.roshdmag.ir

پیام‌نگار: javaneh@roshdmag.ir

۵۹

۹۴

۱۱۱

۱۷۳

۲۰۲

یادداشت سردبیر

مرغ همت را به معنی بال ده / فریبا کیا

گفت‌وگو با رئیس سازمان و دبیر جشنواره

مسائل فرهنگی با قوه قهریه پیش نمی‌رود / نصرالله دادار

سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی، گام‌های امید بخش به سوی افق‌های روشن / محمد دشتی

گزارش میزگردها

جشنواره‌های دور از سیاست بازی ■ نویسندگان ما در حال وهوای کودکان امروز نیستند ■ منابع کمک‌درسی

جایگزین کتاب درسی نیستند ■ سندیت در کتاب‌های دینی مهم است ■ فرد متفکر از همه ابزارهای

شناختی استفاده می‌کند / سمانه آزاد

یادداشت داوران

نشانی غلط ناشران و مؤلفان در تولید کتاب‌های حوزه تربیت‌بدنی / جواد آزمون ■ بندبازی روی لبه زبان /

محمدعلی قربانی ■ راه‌های تازه در ادبیات خردسال / جعفر ابراهیمی «شاهد» ■ می‌توانی شریک ماجراها باشی! /

سوسن طاق‌دیس ■ فهرست‌ها به من آرامش می‌دهند / فاطمه شبیری ■ مد کتاب‌خوانی! / مجید راستی

گفت‌وگو با صاحب‌نظران و اعضای کمیته علمی

آموزش و پرورش ما تک‌کاری است، نه کوثری! / هوشنگ غلامی

از حقوق ناشران و مؤلفانی که آثارشان را به ما سپرده‌اند صیانت می‌کنیم! / محمد دشتی

هر جشنواره برای ما، یعنی مأموریت‌هایی تازه / بهروز رضایی

نقد و بررسی کتاب

وقتی پای پدر و مادرها به آموزش باز می‌شود! / حسین نامی ساعی

رنگ و بوی ایجاز و اندیشه در خنده برگ / حسین احمدی

انگار آمده‌ایم به یک سؤال پاسخ دهیم! / نرگس افروز

داستان‌هایی که گاهی رنگ دل نوشته می‌گیرند / مجید ملامحمدی

گفت‌وگو با مؤلفان

ضرورت استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی / هوشنگ غلامی

معلم انتخابگر می‌خواهیم ■ تقلیل یادگیری به خواندن و حفظ کردن / محمد دشتی

به کتاب‌های منطق‌ساز نیاز داریم / بهروز رضایی

دانش‌نامه‌ای با چاشنی داستان / سمانه آزاد

این جانوران دوست‌داشتنی / علیرضا باقری جبلی

چگونه نظریه را در کلاس به کار بگیریم؟ / مهتاب میرایی

خاستگاه افسانه‌ها دغدغه‌های مشترک بشر است / حمیدرضا داداشی

جادوی شعر و موسیقی در تربیت / سمانه آزاد

کودکان پاک و سالم بار می‌آیند / صدیقه رضائزاد

قصه‌های بیداری / لیلا عابدینی

از خدا ممنونم که شاعر کودکانم! / طاهره خردور

گفت‌وگو با داوران

ضرورت بازنگری شاخص‌های تولیدات دوره پیش‌دبستانی ■ رشد تألیف با تربیت معلم - مؤلف / سمانه آزاد

اندیشه تا لباس فاخر هنر نباشد، جذابیت ندارد ■ وقتی «ورزش» و «تربیت‌بدنی» مترادف پنداشته می‌شوند

■ نقطه ضعف مؤلفان و ناشران بی‌توجهی به مهارت‌افزایی است ■ تصویرسازی برای کودکان و نوجوانان را

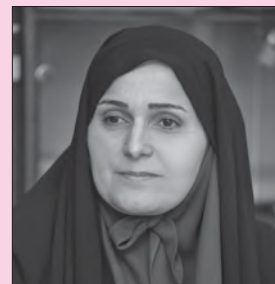
غالباً افراد تازه‌کار انجام می‌دهند ■ کتاب‌های کشاورزی باید مجموعه گیاهان قابل کشت در هر منطقه را

هدف قرار دهند ■ نوش‌داروی عصر دیجیتال / عاطفه بزرگ‌نیا

کارنامه و بیانیه گروه‌های داوری پانزدهمین جشنواره کتاب رشد / معصومه شجاعی

تا مرز برگزیدگی - فهرست کامل نامزدهای پانزدهمین جشنواره کتاب رشد / دبیرخانه پانزدهمین جشنواره کتاب رشد

بازتاب رسانه‌ای جشنواره پانزدهم



جشنواره کتاب رشد و راه‌های رفته

مرغ همت را به معنی بال ده

همت عالی و رأی درست کارشناسان دوراندیش و آینده‌نگر را باید تحسین کرد؛ بلندنظری که افراشتن بنای رفیع همراهی و هم‌نوایی صاحب‌نظران و فرهیختگان را با نظام آموزشی کشور وجهه همت خویش قرار دادند؛ معلمان نوآوری که در پی هم‌سخنی همه ظرفیت‌های علمی و فرهنگی برای اعتلای تعلیم و تربیت کشور بودند و هستند.

پانزدهمین شماره ویژه‌نامه جشنواره را با یاد نیک‌پایه‌گذاران این تلاش مقدس آغاز می‌کنیم تا با مرور اندیشه‌های آغازین، همت و تلاش خود را برای وصول به آن آرمان‌ها مجدداً سامان دهیم و مضاعف سازیم.

برگزاری نخستین جشنواره «سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی رشد» با اعلام رسمی رئیس «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» مرحوم زنده‌یاد مهندس جعفر علاقه‌مندان و انتشار فراخوان آن در روزنامه‌های کثیرالانتشار و در چندین نوبت، در خرداد ۱۳۷۹ کلید خورد. در آن سال، ۱۹۰۰ عنوان کتاب که در فاصله یک دهه چاپ شده بودند، به دبیرخانه جشنواره رسید (ویژه‌نامه شماره ۱، ۱۳۸۰). آن نهال، امروز درختی تنومند است که نظام تعلیم و تربیت کشور از ثمرات شیرین آن بهره می‌گیرد. مهندس علاقه‌مندان هدف جشنواره را فراهم کردن فرصتی برای قضاوت کارشناسی از منظر آرمان‌ها و ایده‌های نظام آموزشی، ایجاد خلاقیت در جامعه ناشران در کنار رقابت، تفاهم و همکاری‌ها شمرده بود. او معتقد بود این تلاش، کارکردهای متفرق را به هم‌گرایی بدل می‌سازد و موضوعات محدود را تنوع می‌بخشد و در درازمدت «ضعف و بی‌صبری تولیدکنندگان» را به «قوت و صبر کارشناسی»، «بی‌انضباطی حاکم بر بازار نشر» را به «انضباط»، و «بی‌معیاری» را به «استانداردسازی» تبدیل می‌کند (سرمقاله جوانه، شماره ۷، پاییز ۱۳۸۳).

مهندس مهدی نوید ادهم، جانشین او، کتاب را تجسم یافته‌های علمی، پژوهشی و تجربی دیگران خوانده و از جشنواره کتاب رشد، تصویری چنین ترسیم کرده است:

نقطه تلاقی دنیای جدید با آموزش و پرورش؛
محل تلاقی عصر اطلاعات و ارتباطات با عصر مشارکت؛
فرصتی برای تولید کتاب‌های استاندارد و سودمند در تمام زمینه‌ها؛

زمینه‌ای برای حضور جدی در صحنه تولید علم و جنبش نرم‌افزاری؛

کانونی برای هم‌افزایی و توانمندی به منظور بسط مطالعه و

سواد، و تعمیق فرهنگ مطالعه و تحقیق؛

محلی برای هم‌گرایی و همراهی فزون‌تر به منظور تقویت دینی و پایداری هویت ملی نسل جوان؛

امکانی برای مشارکت در بازار نشر بین‌المللی و بیان ارزش‌ها و یافته‌های نظام تربیتی ما برای دیگر نظام‌های آموزشی جهان (جوانه شماره ۲۰، ۱۳۸۶).

و حجت‌الاسلام دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان، رئیس کنونی این سازمان، جشنواره را دارای آثار مثبت و فراگیر آموزشی، فرهنگی و تربیتی دانسته است که با گسترش دامنه آن به همه حوزه‌های مواد، منابع و نرم‌افزارهای آموزشی، اعم از کتاب، نشریه و تولیدات الکترونیکی از یک‌سو، و تکمیل حلقه‌های حمایت و پشتیبانی از ناشران و مؤلفان کتاب‌های آموزشی مناسب از سوی دیگر، می‌توان به توسعه آثار مطلوب فرهنگی در سطح ملی دل بست. این جشنواره معیارهای روشنی را در اختیار تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و خانواده‌ها قرار می‌دهد و به سامان‌دهی منابع ملی مدد می‌رساند (جوانه، شماره ۲۴۰، پاییز ۱۳۸۷).

آنچه از بانیان و ادامه‌دهندگان این مسیر ذکر شد، مبین آن است که تا رسیدن به سرمنزل مقصود، هنوز بسیار مانده است. ضمن پاس‌داشت کوشش‌های همه کسانی که گامی در این مسیر برداشته‌اند، باید بار دیگر عزم را برای شتاب گرفتن این تلاش فرهنگی جزم کرد.

تلاش این مجموعه برآن است که افزون بر پدیدآورندگان منابع آموزشی، بهره‌برداران این منابع اعم از معلمان، مدیران، دانش‌آموزان و خانواده‌ها، نیز باید با آگاهی از استانداردها و معیارهای مواد و منابع آموزشی مطلوب، از دستاوردهای جشنواره و سامان‌دهی مراقبت و از آن پشتیبانی کنند و دست‌اندرکاران نیز متناسب با نیازها، پیوسته به بازنگری، اصلاح و روزآمدسازی استانداردها بپردازند تا مسیر برای برداشتن گام‌های بلندتر و سریع‌تر روزبه‌روز هموارتر شود.

امید است برگزاری پانزدهمین جشنواره کتاب رشد، با بهره‌گیری از دیدگاه‌های فرهیختگان و فرهیختگان، تراز بالاتری از کیفیت آموزشی و تربیتی را برای منابع آموزشی به ارمغان آورد.

هر که را شد همت عالی پدید

هر چه جست آن چیز، حالی شد پدید

مرغ همت را به معنی بال ده

عقل را دل بخش و جان را حال ده



مسائل فرهنگی با قوه قهریه پیش نمی‌رود

پای صحبت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

اشاره

«مسائل فرهنگی با قوه قهریه پیش نمی‌رود. اگر اراده عمومی بر این تعلق نگیرد که خودش وضع را تغییر دهد، هیچ تغییری اتفاق نمی‌افتد. در موضوع سامان‌بخشی و معرفی کتاب و نهادینه کردن رفتارهای فرهنگی، باید سراغ آگاه‌سازی و جنبه‌های تبشیری قضیه برویم. ما باید به خانواده‌ها و معلمان با صراحت بگوییم که آثار غیراستاندارد، فکر فرزندان شما را تخریب می‌کنند!»

حجت‌الاسلام والمسلمین، دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان، معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به مناسبت برگزاری پانزدهمین «جشنواره کتاب رشد»، در گفت‌وگو با رشد جوانه، ضمن بیان مطالب بالا، چشم‌انداز سامان‌بخشی منابع و مواد آموزشی و پرورشی را مثبت ارزیابی کرد. متن گفت‌وگو با ایشان را در ادامه پی می‌گیریم.



❖ **آقای دکتر محمدیان، اکنون در حال برگزاری پانزدهمین جشنواره کتاب رشد هستیم. ارزیابی شما از روند این جشنواره چیست؟**

بدون شک هر جشنواره باید نسبت به جشنواره قبل چند قدم جلوتر باشد و نوآوری‌هایی داشته باشد. خانم کیا گزارش کردند که داوران یک تفاوت معنادار و خوب نسبت به نوع کتاب‌هایی که قبلاً ارائه شده، اعلام کرده‌اند. معلوم می‌شود که جشنواره آثار مثبت خودش را بر جای گذاشته است و این روش و منش تشویقی و به تعبیری آگاه‌سازی ناشران، مؤلفان، خانواده‌ها، و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش از کتاب استاندارد، موفق بوده است. ضمن اینکه رایج کردن فرهنگ و کلیدواژه کتاب استاندارد، خودش یک گام به جلوست. من از این بابت، هم از مجریان سامان‌دهی مواد و منابع آموزشی و تربیتی و هم از همه همکاران آشکار و پنهان که در کل آموزش و پرورش هستند، تشکر می‌کنم. خدا را هم شکر می‌کنیم که این توفیق را عنایت کرده است که ما در جهت در دسترس قرار دادن کتاب مطلوب برای معلم و دانش‌آموز گام‌های خوبی برداریم.

نکته بعد که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که مسائل

فرهنگی با قوای قهریه پیش نمی‌رود. قوای قهریه می‌تواند جایی مانع توسعه و گسترش آن شود، اما اگر اراده عمومی بر این تعلق نگیرد که خودش وضع را تغییر دهد، هیچ تغییری اتفاق نمی‌افتد.

اگر تغییر فرهنگی در نهاد ملی اتفاق نیفتد، هیچ‌کس نمی‌تواند افراد را مجبور به این معنا کند. ما باید در موضوع سامان‌بخشی و معرفی کتاب و نهادینه کردن رفتارهای فرهنگی، سراغ آگاه‌سازی

و جنبه‌های تبشیری قضیه برویم.

البته با کسانی که در فرایند این آگاه‌سازی و این جریان تشویقی، عالماً و عامداً اختلال ایجاد می‌کنند، باید برخورد کرد. چرا که این‌ها اجازه نمی‌دهند فرهنگ به‌صورت مثبتش توسعه پیدا کند. به همین دلیل من از اقداماتی که اتفاق افتاده‌اند، به آینده امیدوارم. اینکه امروز ۲۸۰۰ کتاب مناسب به دبیرخانه جشنواره بیاید و ۱۳۰۰ جلد از آن‌ها درجه یک و درجه دو باشند و ما بتوانیم آن‌ها را داور کنیم، شرایط مناسبی است.

البته بازار نشر کتاب‌های کمک درسی انگیزه‌هایی هم برای تخلف دارد. شما اگر بخواهید کتاب علمی، فرهنگی، اجتماعی و... چاپ کنید، نهایت شمارگان آن سه هزار، پنج هزار یا ده هزار جلد خواهد بود. شمارگان آن‌ها دیگر از ده هزار جلد بالاتر نمی‌رود. اما کتاب آموزشی ممکن است شمارگان یک میلیونی

داشته باشد و به چاپ دهم و یازدهم هم برسد؛ کم‌هزینه و کم‌مؤنه هم هست. یعنی این‌ها از روی کتاب‌های ما، کتاب می‌نویسند و کسی زحمت مطالعه و تحقیق را روی این کتاب‌ها نمی‌کشد. حق التالیف هم نمی‌دهند. آنچه ناشران در این قسمت می‌پردازند، حق تنظیم است. یا به تعبیری مناسب‌سازی است. در حالی که در کتاب‌های علمی، هنری و اجتماعی باید حتماً محقق تحقیق کرده باشد و مخاطب را شناخته باشد. الان اینجا مخاطب‌ها شناخته شده و طبقه‌بندی شده‌اند. لذا ناشر می‌داند این کتاب برای اول ابتدایی است. چون هزینه‌اش کم است و فایده‌اش زیاد، خودش تحریک‌کننده است برای اینکه تخلف هم انجام بدهد. می‌گوید: نهایتاً مرا به دادگاه معرفی می‌کنند و اگر یک جرمه یک میلیونی یا دو میلیونی یا ده میلیونی هم از من بگیرند، باز هم من سود کرده‌ام.

ما الان قیمت کتاب درسی ریاضی مان دو هزار تومان است، اما این‌ها کتاب را به قیمت بیست هزار تومان می‌فروشند. در حالی که هیچ صفحه از متنش را هم خودشان تحقیق نکرده‌اند و برای تحقیق هزینه نداده‌اند.

حالا این کسانی که کتاب غیراستاندارد می‌نویسند، می‌آیند پایش هم دو یا سه صفحه سؤال طرح می‌کنند. یعنی همه این‌ها را اگر از ۲۰۰ صفحه کتاب درسی جمع کنید، می‌شود مثلاً ۵۰ برگ. جواب‌ها را هم نداده‌اند و همه را آخر کتاب آورده‌اند. این نوع کارهای غیراستاندارد خطرناک‌اند. از طرف دیگر، جریان‌های رسانه‌ای، به دلیل تنگنای مالی که خودشان اقرار می‌کنند دارند، به این‌ها سرویس می‌دهند. یعنی جریان رسانه‌ای به آثار غیراستاندارد سرویس می‌دهند! این هم یکی از موانع کار و راه ماست.

لذا با این راه سنگلاخ، اگر ناشر و مؤلف، معلم، دانش‌آموز و مدرسه به این نتیجه برسند که از کالای غیر استاندارد استفاده نکنند، ما قدم خوبی برداشته‌ایم. البته ما باید از این ضعف‌هایی هم که خانم کیا عنوان کردند و از هماهنگی‌های درون‌سازمانی و برون‌سازمانی دستگاه آموزش و پرورش و خارج از آن دستگاه هم غفلت نکنیم.

❖ **تأثیرات منفی کتاب‌های کمک‌آموزشی غیراستاندارد بر نظام آموزشی کشور چیست؟**

من تنها اشکال کتاب‌های آموزشی و کمک‌آموزشی غیراستاندارد را در این نمی‌بینم که در فرایند یاددهی و یادگیری ما اختلال ایجاد می‌کنند. بلکه بالاتر از این، کتاب‌های مزبور هدف‌های سند تحول را نشانه رفته‌اند. این کتاب‌ها مانع تحقق هدف‌های برنامه درسی ملی و سند تحول هستند. برای مثال، سند تحول یا برنامه درسی ملی گریز از حافظه‌مداری

من به اقداماتی که انجام شده‌اند، امیدوارم. اینکه ۲۸۰۰ جلد کتاب مناسب جشنواره به ما برسد که ۱۳۰۰ جلد آن‌ها آثار درجه یک و دو باشند، شرایط مناسبی است



دوستش دارند و آن را در اتاقشان می‌زنند. اما اگر یک تابلوی زیبا به کودک بدهید، شاید بگوید که قشنگ است و در اتاقش هم بزند، اما اگر پاره شود، عکس‌العملی نشان نمی‌دهد. پس آفت کتاب‌های کمک درسی غیراستاندارد تنها اختلال در فرایند یاددهی و یادگیری نیست، بلکه نشانه رفتن هدف‌های سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی است.

ما باید خیلی صریح‌تر با معلم‌ها و خانواده‌ها صحبت کنیم. بگوییم که آثار غیراستاندارد، فکر فرزندان شما را تخریب می‌کنند. آن‌ها که در پی آسان‌سازی متن کتاب درسی هستند، با توجه به بی‌توجهی، کارهایی انجام می‌دهند که اگر از اندازه بگذرد، دانش‌آموز را تنبل می‌کند. ما باید به خانواده‌ها و معلم‌ها بگوییم که در سال جاری تنها ۲۷ درصد کتاب‌های کمک‌درسی تأیید و باقی رد شده‌اند و تولید این مقدار کتاب کمک‌درسی در کشور فراتر از استاندارد است.

❖ **آقای دکتر، آماری وجود دارد که وزارت ارشاد به صورت رسمی در سال ۱۳۹۵ منتشر کرده است. براساس این آمار،**

۱۲ درصد از عناوین کل کتاب‌های منتشر شده کشور، کمک‌درسی بوده است، ولی شمارگان آن‌ها ۲۳ درصد و قیمت آن‌ها ۳۴ درصد کل کتاب‌های منتشر شده است.
خب این نشانه سودآوری است! یعنی وقتی می‌بینید، کتاب‌های آموزشی و کمک‌درسی ۱۲ درصد عناوین، ۲۳ درصد شمارگان و ۳۴

اگر اراده عمومی بر این تعلق نگیرد که خودش وضع را تغییر دهد، هیچ تغییری اتفاق نمی‌افتد

درصد قیمت همه کتاب‌های منتشر شده را به خود اختصاص داده‌اند، می‌فهمید که این موضوع به یک صنعت تبدیل شده است. دیگر به استعدادسنجی و این‌ها کاری ندارد. این سری‌دوزی است. مثل لباس‌های سری‌دوزی شده که حالا به تن کسی بیاید یا نیاید. به ضرب و زور تبلیغات هم می‌گوییم که باید تن کنید. این را باید ارشاد متوجه شود و ببیند که این موضوع در کشورهای صاحب فرهنگ و صاحب نشر چگونه است. به اعتقاد من این کمیت خودش غیراستاندارد است. این شمارگان منطقی نیست و نمی‌تواند مایه افتخار ما در تولید فرهنگی باشد.

❖ **چه برنامه‌ای برای پررنگ کردن نقش معلمان در سامان‌دهی منابع و آثار تربیتی و آموزشی دارید؟**

معتمد که ان‌شاءالله سال آینده دوره‌های آموزش معلمان را، ولو کوتاه‌مدت و پودمانی، برگزار کنیم، تا معلمان، هم با هنر تألیف و هم با هنر تشخیص کتاب خوب آشنا شوند. کتاب درسی را همان‌طور که می‌توانند نقد کنند، کتاب‌های بیرونی

و ورود به فرایند خلاقیت، تفکر و اندیشه را برای ما تکلیف کرده است. اولین عنصر از عناصر پنج‌گانه برنامه درسی ملی ارتقای تفکر و حکمت است. اما وقتی این کتاب‌ها می‌آیند، اصلاً موضعی برای تفکر و حکمت نمی‌ماند.

ما الان کتاب‌ها را با رویکرد حل مسئله و با نگاه انتقادی تدوین می‌کنیم که دانش‌آموز ما با نگاه انتقادی به متن توجه و مراجعه کند و با رویکرد حل مسئله به موضوعات بپردازد. اما کتاب کمک‌درسی به دانش‌آموز می‌گوید که من به جای تو فکر می‌کنم و به جای تو می‌پزم. حالا بیا تو این را که من پخته‌ام، بخور. دانش‌آموز هم همان یک جواب پخته شده را به مسئله می‌دهد. او خودش دیگر نمی‌رود تجربه کند، آزمایش کند و با خطا مواجه شود و یا روش‌های حل مسئله یا تدوین پروژه را خودش یکی یکی تجربه کند.

یکی از آثار رویکرد حل مسئله و توانمند شدن دانش‌آموز برای حل مسئله، ایجاد لذت یادگیری است. برخی از کتاب‌های کمک درسی لذت یادگیری را محو می‌کنند و از بین می‌برند. چرا؟ چون دانش‌آموز تلاش و کاری نکرده و لذا این جواب برایش مثل باقی نوشته‌هاست.

دانش‌آموزی که خودش مسئله را حل کند، مسئله را می‌فهمد و لذت می‌برد و از نظر خودش دفاع می‌کند. چرا امروزه بسیاری از محققان نسبت به پایان‌نامه‌ها و پروژه‌هایی که می‌نویسند، هیچ تعصبی ندارند؟ برای اینکه خودشان تحقیق نکرده‌اند. برای اینکه یافته مال آن‌ها نیست، فقط جمع‌آوری کرده‌اند. لذا هیچ‌کدام از این محقق‌ها مانند گالیله نمی‌شوند که تا پای جان از نظریه‌اش دفاع کند.

ما باید به دانش‌آموز یاد بدهیم که مسئله را خودش حل کند. خودش زحمت بکشد. کودکان وقتی خودشان نقاشی می‌کشند،





را هم بتوانند نقد کنند و اجازه ندهند منابع غیراستاندارد وارد مدرسه شوند.

ما باید انجمن‌های علمی معلمان را در زمینهٔ پرورش معلمان مؤلف فعال کنیم. مثلاً انجمن‌های علمی درسی که الان داریم، خودشان معلمان را به تألیف تشویق کنند و ما هم نهایتاً حمایتشان می‌کنیم. لازم است بگوییم، آثار خوبی را که تألیف کرده‌اند و شما نقد و بررسی کرده‌اید و خوب هستند، بیاورند تا منتشر کنیم. یا اگر منتشر شده‌اند، از آن‌ها حمایت کنیم. حدود چند صد انجمن در استان‌ها و شهرستان‌ها داریم. به این‌ها بگوییم، انجمن علمی شما با این ملاک‌ها و معیارها، آثار اعضایتان و معلم‌های شهرتان را، چه کتاب درسی، چه کتاب کمک‌درسی و چه کتاب دیگری در حوزهٔ تخصصی شما باشد، بررسی کنید و اگر خوب است، معرفی کنید تا ما حمایت کنیم.

با این کار معلم‌های ما هویت جدیدی پیدا می‌کنند. خودشان می‌بینند که تولیدکنندهٔ علم شده‌اند. معلم‌های ما الان فقط آموزش‌دهنده هستند. عمدتاً برنامه‌ریز درسی و پژوهشگر نیستند. من انتظار دارم که به این کار در برنامهٔ سال ۱۳۹۷ جدی‌تر بپردازیم. در سازمان، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی باید متولی آن باشد و من هم حمایت می‌کنم. «انتشارات مدرسه» هم باید پای این کار بیاید. مثلاً ما معلم شاعری داریم یا معلم خطاطی را پرروز از کردستان به من معرفی کردند که خودش قرآن را از اول تا آخر نوشته است و ۱۵۰ میلیون تومان خرج کرده است. حالا می‌خواهد این اثرش را منتشر کند. ما با جایی که کار قرآن می‌کند، ارتباط برقرار کردیم تا کارش را چاپ کنند. ما باید از معلم‌هایمان این‌گونه حمایت کنیم.

من تنها اشکال آثار غیراستاندارد را ایجاد اختلال در فرایند یاددهی یادگیری نمی‌بینم. این‌ها هدف‌های سند تحول یا برنامه درسی ملی را هم نشانه رفته‌اند

و ناشرش را بالا ببریم. او را تشویق و از او قدردانی کنیم. در جشنواره یکی از هدف‌هایمان شناسایی است. این شناسایی خدمت کردن به خانواده، معلم و دانش‌آموز است. کار دوم ما این است که همین افرادی را که معرفی کرده‌ایم، تشویق کنیم. سوم اینکه آن‌ها را به دیگران هم معرفی کنیم. جشنواره این کارها را می‌کند. همین را باید توسعه دهیم. دامنهٔ تعریف و معرفی‌مان باید گسترش پیدا کند. ما که گفتیم نام کتاب‌های مناسب، آخر کتاب‌های درسی بیاید، معنایش این نیست که همه ساله نام همان کتاب‌هایی در آخر کتاب درسی بیاید که در سال ۱۳۸۵ آمده است. شما هر ساله باید به هنگام تألیف کتاب‌ها به روزآوری کنید. چون همه ساله کتاب‌های چاپ اول را می‌گیرید. یک کتاب هم یک بار یا دو بار بیشتر نباید معرفی شود. این را ضابطه بگذارید. نباید کتابی پشت کتاب درسی برای همیشه جا خوش کند. کتاب‌های جدید که آمد، باید عوض کنید. این حق ناشر و مؤلف است که کتابش معرفی شود.

❖ پخش مدرسه چه جایگاهی در سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی و تربیتی دارد؟

پخش مدرسه را در جهت دسترسی آسان معلم و دانش‌آموز به کتاب استاندارد پیش‌بینی کردیم. از طرف دیگر، برخی ناشران امکان توزیع سراسری ندارند. ما گفتیم، کتابی که پشت جلد کتاب درسی معرفی کرده‌ایم و دانش‌آموزی می‌خواهد بخرد، اگر در شهرش نمایندگی ناشر نیست و یا در کتابفروشی‌ها پیدا نمی‌شود، می‌تواند الکترونیکی بخرد و از اینجا بایش پست کنند. این را هم باید فعال کنیم. چون هنوز به آن معنی فعال نشده است.

ناشران هم باید کمک کنند و خودشان بیایند پای کار. همچنان که برای عمده‌فروشی‌های دیگر تخفیف قائل می‌شوند و هزینه‌های پستی را می‌دهند، اینجا هم باید برای انتشارات مدرسه هزینه‌های پستی و امکان دسترسی را پیش‌بینی کنند. یعنی کتاب را به قیمت پشت جلد به انتشارات مدرسه ندهند و همهٔ این‌ها را محاسبه کنند. انتشارات مدرسه هم اینجا باید به‌صورت حرفه‌ای وارد کار شود. اما هدف اینجا سودآوری نیست. سود ما در این است که متن خوب و کتاب خوب در دسترس معلم و دانش‌آموز ما قرار بگیرد. ما دنبال سود ریالی، حاشیهٔ سرمایه و این‌ها نیستیم. اگر کتاب خوب به دست دانش‌آموزان برسد، ما سود کرده‌ایم. ما اگر بتوانیم فرصت مطالعه را برای دانش‌آموزانمان توسعه بدهیم، سود کرده‌ایم.

❖ سیاست شما در مورد آثار استاندارد و خوب مؤلفان و ناشران آن‌ها چیست؟

ما واقعاً آثار تولید شدهٔ خوب را باید تشویق کنیم. همان‌طور که می‌گوییم از معلم‌ها حمایت کنیم، از ناشران خوب هم باید حمایت کنیم. من ناشران خوب را رقیب نمی‌دانم. اعتقاد ما این نیست که ناشر رقیب است. ناشران خوب، مؤلفان خوب، تولیدکنندگان مواد آموزشی و تربیتی خوب، رفقا و شرکای ما هستند. باید از این‌ها مواظبت و از آثارشان حمایت کنیم. در همین جشنواره باید آثار خوب را شناسایی کنیم و دست مؤلف

❖ **نظرتان دربارهٔ راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی که در معاونت سامان‌دهی تولید می‌شود، چیست؟**

محتوای اسناد باید به‌روز شوند. این اسناد باید گویا و شفاف باشند. هم ناشر را بتوانند توجه دهند و هم خانواده و مصرف‌کننده را تا بدانند که چه چیزی استاندارد است. البته خیلی پیچیده و مغلق هم نباشند. مثلاً تصویر و تصویرگری باید جذاب باشد، یعنی چه؟ جذابیت‌های بصری کتاب چیست؟ در دوره‌های پیش‌دبستانی و ابتدایی، درخصوص دانش‌آموز پسر و دختر، روان‌شناسی رنگ‌ها یا روان‌شناسی محتوا چه می‌گوید؟ خط باید چگونه باشد؟

❖ **نکته‌ای که تولیدکنندگان منابع آموزشی و تربیتی روی آن تأکید دارند و از آثار خودشان دفاع می‌کنند، این است که ما براساس نظام ارزشیابی و آزمون‌های گوناگونی که خود وزارت آموزش و پرورش برگزار می‌کند، کتاب تولید می‌کنیم، نظر شما در این مورد چیست؟**

باید جلوی این آزمون‌ها گرفته شود. من هم مثل همه معتقدم که نباید شبه‌کنکور را در آموزش و پرورش رواج دهیم. نظام ارزشیابی ما باید براساس سند تحول باشد. یکی از آن‌ها ارزشیابی تکوینی است. یکی هم ارزشیابی انتقال از پایه به پایه است که تجمعی است. ارزشیابی ما در دورهٔ ابتدایی ارزشیابی توصیفی تکوینی است. بخشی از ارزشیابی‌هایمان «شایستگی‌محور» است. باید آن شایستگی‌ها احصا شوند، نه نمره.

این شبه‌کنکورها ایجاد اختلال می‌کنند. برخی از این کتاب‌ها یا برای دوپینگ کردن هستند یا فست‌فودند! برای اینکه کسانی که تنبل هستند و کار نکرده‌اند، چیز آماده‌ای برای شب امتحان دستشان باشد.

❖ **در این رابطه چه پیامی برای مسئولان دارید؟**

مسئولان شورای عالی آموزش و پرورش ما که این نظام را طراحی کرده‌اند، باید در مورد نظام ارزشیابی سفارش کنند. مرکز سنجش باید این کار را انجام دهد و این یکی از وظایف حتمی دستگاه تعلیم و تربیت است که «نظام جامع ارزشیابی» را ارائه بدهد.

❖ **آقای محمدیان، نهاد و واحد اصلی نظارت بر رساندن منابع استاندارد به دست دانش‌آموز و مردم، کیست؟ در جامعهٔ امروز**

ما ظاهراً صداوسیما و دیگر ارگان‌ها راه خودشان را می‌روند. آیا نهاد مشخصی برای این کار هست؟

براساس مصوبهٔ ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش، نهاد ناظر بر آنچه که به مدرسه وارد می‌شود، سازمان پژوهش و دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی است. مسئولیت نظارت بر آنچه هم که به شکل کتاب وارد جامعه می‌شود، با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. البته اینجا خلأیی وجود دارد: کتاب تولید می‌شود و ما بعداً دربارهٔ آنچه تولید شده قضاوت می‌کنیم که خوب است یا خوب نیست. چه بهتر که از همان اول وزارت ارشاد استانداردهایی را که ما اعمال می‌کنیم، اعمال کند. متأسفانه برخی از دوستان ما در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌گویند ما بیست و چهار ساعته باید جواب آثار رسیده را بدهیم و نمی‌رسیم. اگر وزارت ارشاد استانداردهایی را که ما داریم اعمال می‌کنیم، اعمال کند، شاید دیگر نیازی به این کاری که ما الان انجام می‌دهیم، نباشد.

❖ **دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی ناظر بر محتوای آثار معرفی شده به مدرسه است. در مدارس چه کسی نظارت می‌کند که این منابع استاندارد وارد شوند؟**

نظارت بر ورود کتاب به مدرسه بر عهدهٔ مدیر مدرسه است. تعیین چارچوب‌های کلی و اینکه کتاب استاندارد است یا نه، به عهدهٔ

دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی است. اما دیگری هستند که کتاب را به مدرسه می‌برند تا بفروشند. این مثل آن است که از دروازه‌ها و مرزهای غیرمجاز وارد شوند. یعنی ما گمرک هستیم و اگر کسی از خارج گمرک چیزی وارد کند، کالای قاچاق وارد کرده است.

❖ **با صداوسیما چه کسی باید برخورد کند که مهم‌ترین نهاد فرهنگی کشور است و بسیاری از منابع غیراستاندارد را تبلیغ می‌کند؟**

صداوسیما الان از هفت دولت آزاد است. این را باید مجلس محترم و دولت محترم پیگیری کنند. ما تا به حال هفت یا هشت بار نامه نوشته‌ایم و در برنامه‌های زندهٔ صداوسیما گفته‌ایم. اما همین که مصاحبه با من تمام شده، پشت سرش، تبلیغ فلان انتشارات دوباره پخش شده است!

نظارت بر ورود کتاب به مدرسه بر عهدهٔ مدیر مدرسه است. تعیین چارچوب‌های کلی و اینکه کتاب استاندارد است یا نه، به عهدهٔ دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی است





سامان دهی کتاب‌های آموزشی، گام‌های امید بخش به سوی افق‌های روشن

پای صحبت محمد ناصری، مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی و دبیر پانزدهمین جشنواره کتاب‌های رشد

اشاره

پانزدهمین جشنواره کتاب رشد در دی ماه سال ۱۳۹۶ در حالی برگزار می‌شود که حدود ۱۸ سال از آغاز طرح «سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی رشد» می‌گذرد. محمد ناصری، مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، در ۹ سال اخیر دبیری این جشنواره را بر عهده داشته است و در سمت مدیرمسئول مجموعه مجلات رشد، این جشنواره و مجموعه اقدامات مربوط به سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی رشد را نیز مدیریت کرده است. اما گفت‌وگوی ما در آستانه برگزاری این دوره از جشنواره شکل دیگری گرفت و ایشان به جای ارائه گزارش دبیری جشنواره، موضوع خواندن، اهمیت مطالعه و توسعه سواد خواندن را با نگاهی تاریخی و تحلیلی مبنای صحبت‌های خود قرار داد. به همین دلیل هم گفت‌وگوی ما از شکل مصاحبه به گفتاری میسوط و منسجم سوق پیدا کرد که برای حفظ انسجام آن، مطالب ایشان را، به همان شکل که بیان شده است، تقدیم حضور خوانندگان عزیز می‌کنیم.

❖ توسعه خواندن (مطالعه) و رابطه ناگسستنی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی با این مأموریت اساسی
ترجیح می‌دهم بحث را از موضوع «خواندن» که به نوعی فلسفه وجودی تشکیل و تأسیس دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی هم هست، شروع کنم. این دفتر در سال ۱۳۴۱ تأسیس شد. بعد از دو سال کار کارشناسی و تحقیقات اولیه، به این نتیجه رسید که یکی از مشکلات آموزش و پرورش (در آن دوران) کم خواندن یا حتی نخواندن است. چون در آن موقع (دهه ۴۰) خواندنی‌های مناسبی تولید نمی‌شدند و یا مقدار آن‌ها کم بود و مثل الان ناشران متنوع و زیادی در حوزه نشر کودک و نوجوان فعال نبودند، سعی کردند مشکل را حل کنند. بنابراین تصمیم گرفتند مجلاتی را منتشر و خواندنی‌های خوب و مناسب را بین دانش آموزان اقصانقاط کشور، با قیمت خیلی ارزان، توزیع کنند. البته این نکته هم مورد توجه بود که مجله‌ای که متولی آن آموزش و پرورش

است، هم از نظر اطمینان خاطر خانواده‌ها و هم از حیث محتوا و سلامت زبان و ایده‌هایی که در آن مطرح می‌شود، موفق خواهد بود. در هر صورت، از آن زمان به بعد بود که مجلات پیک منتشر شدند. در این زمینه، گزارشی (مربوط به سال ۱۳۵۱) موجود است که مدیرمسئول آن موقع مجلات، یعنی مرحوم آقای جهانشاهی، توضیح داده است یکی از مهم‌ترین گام‌هایی که در زمینه توسعه خواندن در کشور برداشته شده و می‌تواند ملاک و مدل خوبی برای ارزیابی این حوزه باشد، همین مجلات کمک آموزشی است.

❖ ترویج خواندن غیراجباری، کاملاً اختیاری و توأم با لذت

به تعبیری دیگر، آن موقع مجلات پیک مهم‌ترین منبعی بودند که در نظام آموزش و پرورش، برای توسعه سواد خواندن طراحی شدند. البته کتابخانه‌هایی که کمابیش در مدارس وجود داشتند و بعضی‌ها فعال بودند و بعضی هم چندان فعال نبودند و یا کتابخانه‌های کانون‌های پرورش فکری کودکان و نوجوانان و از طرف دیگر کتابخانه‌های بعضی مساجد نیز در این زمینه فعال بودند، اما آنچه به عنوان منبعی برای خواندن و آن هم خواندن غیراجباری و کاملاً اختیاری و توأم با لذت در سیستم طراحی شد، این مجلات بود. دلیلش هم این بود که قالب‌های مجلات جذاب بودند و البته طیف پدیدآورندگان مجلات نیز، چه در زمینه‌های هنری و چه در زمینه‌های ادبی و علمی، آدم‌های قابل و کاردانی بودند.

در هر شکل، آموزش و پرورش از دهه ۴۰ به بعد در کنار کتاب‌های درسی زمینه‌ای را فراهم کرد که خوش‌بختانه، هم به جهت نیازی که خود آموزش و پرورش تشخیص می‌داد و هم نیازی که خود دانش‌آموزان و اولیا بدان عنایت داشتند، باعث تقویت و توسعه خواندن می‌شد؛ به نحوی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز مجلات پیک با همه مختصاتی که قبل از انقلاب داشتند و بلکه قوی‌تر از آن، به مجلات «رشد» تبدیل شدند. یعنی آن گروه هنری که شالوده‌ای از آدم‌های قبل از انقلاب و جوان‌های بعد از انقلاب بودند و در زمینه تألیف و تحریریه مجلات آدم‌های کاردان و کاربلدی بودند، این جریان را ادامه دادند، به گونه‌ای که من می‌توانم بگویم، مهم‌ترین آدم‌هایی که در حوزه ادبیات کودک و نوجوان نقش‌آفرینی کرده‌اند، به نوعی قبلاً در مجلات پیک نقش داشته‌اند. در همین ارتباط آقای محمود کیانوش که عضو بسیار مهم و مؤثر مجلات پیک قبل از انقلاب و جزو انگشت‌شمار شاعران آن زمان بود، بعد از انقلاب، در نامه‌ای که به آقای مصطفی رحماندوست (از نخستین مسئولان مجلات رشد) نوشت، به این نکته اذعان کرد که: «شما که نسل انقلاب هستید، به مراتب از ما جلوترید و شعرهایتان هم از ما بهتر است.» در زمینه‌های داستان و نوشته‌های علمی، (هم نویسندگان قبل و هم بعد از انقلاب) در این مجلات همین‌گونه مؤثر و کارآمد بودند.

❖ مجلات رشد پایگاهی برای گسترش موضوع خواندن در آموزش و پرورش

در ابتدای صحبت‌های این نکات را یادآور شدم تا گفته باشم که خوش‌بختانه، بعد از انقلاب، مجلات رشد پایگاهی برای گسترش موضوع خواندن در آموزش و پرورش شد و دیگر عوامل داخلی آموزش و پرورش هم دست به دست هم دادند تا این اتفاق مبارک در زمینه «خواندن و تقویت سواد خواندن» تداوم یابد. شاید یکی از دلایل ماندگاری‌شان این بود که مجلات پیک و رشد، هیچ موقع از نظر مالی از آموزش و پرورش تغذیه نمی‌شدند و به نوعی خودگردان بودند. همین امر یکی از مهمترین عوامل بقا و دوام آن‌ها شد. بعد هم که دیدند کاری مفید، مؤثر و مرتبط با نیازهای بچه‌هاست، به آن دامن زدند. شما می‌بینید، مجلات پیک که در ابتدای راه، هفت عنوان بیشتر نبودند، در سال‌های بعد از انقلاب و به خصوص در سال‌های اخیر، به بیش از سی و چند عنوان ارتقا پیدا کرده‌اند و از نظر کیفی هم شما می‌توانید آن‌ها را با هم مقایسه کنید. خواهید دید خوش‌بختانه این رشد، قابل توجه است. از نظر کمی هم بسیار قابل اعتنا و مؤثر است و شمارگان مجلات حداقل ده برابر شده است. آخرین آماری که از شمارگان مجلات داریم، تولید و توزیع سالانه بالغ بر ۴۰ میلیون جلد است. مجلات رشدی که در این دفتر تولید می‌شوند، شاید از حیث سیستماتیک مهم‌ترین و تنها مرجعی باشند که این‌گونه انبوه و متنوع تولید و به اقصا نقاط کشور ارسال می‌شوند. در این میان، نکته مهم این است که در بعضی از نقاط دور دست و روستاهای خیلی دور افتاده کشور ممکن است به آن معنی کتابخانه‌ای وجود نداشته باشد و به همین دلیل کتاب و نشریه‌ای در اختیار بچه‌های این مناطق قرار نگیرد، اما مجلات رشد به دلیل مدل توزیع مویرگی، به آنجاها هم می‌رسد و خیلی اوقات تنها مجلاتی هستند که بچه‌ها می‌توانند از آن استفاده کنند. پس راجع به موضوع خواندن که سؤال کردید برای رونق آن چه اتفاقاتی افتاده است، یکی از مهم‌ترین وجوه همین کارهاست.

❖ طرح سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی، واکنشی مسئولانه به نابسامانی امور مربوط به کتاب‌های آموزشی

یکی دیگر از کارهایی که متولی اجرای آن این دفتر است و وجهی از سامان‌دهی بحث کتاب‌های این حوزه و نیز وجهی از ترغیب و تشویق به خواندن است، همین داستان سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی است که ما در این دفتر دنبال می‌کنیم. شروع سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی به سال ۱۳۷۸ برمی‌گردد، پیشنهاد این طرح به خاطر نابسامانی در امور مربوط به کتاب‌های آموزشی، به خصوص کتاب‌های کمک درسی موجود و توسعه بی‌رویه آن‌ها و در عین حال کیفیت پایین این‌گونه تولیدات، مورد توجه قرار گرفت و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تمهیداتی را در این زمینه اندیشید. اولین کار این بود که از ناشران خواست کتاب‌هایشان را بفرستند تا کارشناسان مطلع و آگاه به برنامه‌ریزی آموزشی و





درسی آن‌ها را بررسی کنند که اگر به لحاظ آموزشی کتاب‌های مناسب و استاندارد باشند و حداقل امتیازها را بیاورند، به عنوان کتاب‌های مناسب به جامعه معرفی شوند. در آغاز راه، این کار به شکل کاغذی و تحت عنوان کتاب‌نامه‌های رشد بود. بعد با حضوری که در فضای مجازی پیدا کردیم، این کار در این فضا هم گسترش یافت. خوشبختانه اکنون هم ما از این فضا به نحو احسن استفاده می‌کنیم، هم ناشران با ارتباط از طریق این فضا کارشان خیلی دقیق‌تر، منظم‌تر و سریع‌تر به نتیجه می‌رسد و هم ما به طور مرتب و منظم، کتاب‌های مناسب هر سال را در سایت مربوطه بارگذاری می‌کنیم.

کار دیگری که انجام می‌دهیم، درخصوص کتاب‌هایی است که از کیفیت بالاتری برخوردارند، آن‌ها را به شکل کتابی با عنوان فهرستگان رشد معرفی می‌کنیم و در ضمن نسخه رایگانی را به همه مدارس کشور اهدا می‌کنیم. غیر از این روش‌ها، جهت کمبود جا در کتاب‌های درسی، تنها کتاب‌هایی را که بسیار مناسب تشخیص داده می‌شوند و آن‌هایی را که خیلی بهتر باشد در انتهای کتاب‌های درسی معرفی می‌کنیم. کار دیگری که در همین راستا و البته به طور سمبولیک انجام می‌دهیم، برگزاری جشنواره‌ای است که امسال هم پانزدهمین دوره آن را شاهد هستیم و در طی این جشنواره، کتاب‌های مهم و ناشران برتر را شناسایی و به جامعه معرفی می‌کنیم.

❖ دامن زدن به امر خواندن و رونق موضوع کتاب و کتابخوانی توأم با لذت و اختیار

در بخش دوم صحبت هم می‌خواستم این را بگویم که همه این فعالیت‌ها با محوریت کتاب، درواقع دامن زدن به امر خواندن و رونق امر کتاب و کتابخوانی است و این‌ها نشان دهنده این موضوع است که ما همچنان فلسفه وجودی دفتر، یعنی ترغیب و تشویق جامعه به خواندن و البته خواندنی توأم با لذت و اختیار را پی می‌گیریم و از آن غافل نیستیم.

در همین زمینه و در ادامه ارتباط و تعامل با ناشران و مؤلفان کتاب‌های درسی، میزگردهایی راجع به مسائل، مشکلات و ابهاماتی که در این زمینه وجود دارد، تشکیل دادیم و کارگاه‌های آموزشی را برگزار کردیم تا مؤلفان کتاب‌های درسی، رویکردهای آموزشی درسی‌شان را تبیین کنند. شایان ذکر است که حدوداً ۹۰۰ ناشری که با ما ارتباط دارند، عمدتاً در این میزگردها، نشست‌ها و کارگاه‌ها شرکت کرده و حضور فعال داشته‌اند.

اقدام دیگر در این خصوص، انتشار فصل‌نامه‌ای تخصصی با عنوان «رشد جوانه» است که مجله‌ای الکترونیکی است و در سایت سامان کتاب بارگذاری می‌شود. همه این‌ها و اقدامات

متعددی که این چند ساله انجام شده‌اند، ارتباط ما را با ناشران بیشتر و بهتر کرده است.

❖ کتاب‌هایی که خوانده نمی‌شوند، پولی که اولیا هزینه می‌کنند!

آخرین آمار در زمینه کتاب‌های آموزشی که در آستانه برگزاری پانزدهمین جشنواره کتاب رشد، استخراج شد و قابل توجه هم هست، نشان می‌دهد، ما از سال ۱۳۹۴ تا پایان آبان ماه سال جاری (۱۳۹۶)، ۱۱۱۰۰ عنوان کتاب را بررسی کرده‌ایم، از این تعداد، ۳۴۰۰ عنوان کتاب‌های داستانی بوده‌اند که ۲۴۵۰ عنوان‌شان از نظر ما مناسب هستند. در همین آمار، ۷۲ درصد این کتاب‌ها، مناسب هستند. در حوزه کتاب‌های آموزشی دیگر (به غیر از کتاب‌های کمک درسی) از ۴۸۵۴ عنوان کتاب ۲۸۵۵ عنوان، یعنی ۵۹ درصد کتاب‌ها مناسب بوده‌اند، اما در حوزه کتاب‌های کمک درسی، از ۲۸۴۲ عنوان کتابی که برای ما فرستاده‌اند، ۷۶۳ عنوان، یعنی ۲۷ درصد آن‌ها کتاب مناسب تشخیص داده شده‌اند، یعنی کمترین عدد و رقم کتاب‌های مناسب به کتاب‌های کمک درسی مربوط است. معلوم است که این ناشران (البته ناشرانی که من می‌گویم، ممکن است در حوزه‌های دیگر کتاب هم فعالیت کنند)، در این بخش، (کتاب‌های کمک درسی) تنها ۲۷ درصد کتاب‌های مناسب و متأسفانه بالغ بر ۷۳ درصد کتاب نامناسب داشته‌اند. نکته‌ای که باید بدان توجه کنیم و از این آمارها نتیجه‌گیری می‌شود، این است که متأسفانه این بازار در جامعه ما به صورت عینی وجود دارد. البته خیلی چیزهای دیگر هم به این بازار دامن می‌زند. مثلاً یک بخش از دامن زدن به این بازار، سازوکار فروش این کتاب‌ها و نوع تصویری است که بین اولیا وجود دارد. با کمال تأسف بسیار از والدین فکر می‌کنند با خرید حجم بیشتری از کتاب‌های کمک درسی می‌توانند به موفقیت بیشتر فرزندانشان کمک کنند، در حالی که مشاهده شده است، به خصوص در موضوع کنکور، این نوع نگاه و حجم انبوه کتاب‌هایی که غالباً هم خوانده نمی‌شوند، به بچه‌های ما آسیب می‌زنند و دانش‌آموز از این رهگذر امتیاز مثبتی کسب نمی‌کند.

❖ آسیب‌های فراگیر و کودکانی که به جای بازی کردن تست می‌زنند

اما نکته‌ای که برای ما نگرانی بیشتری ایجاد کرده، این است که دامنه کتاب‌های کمک‌درسی دائماً به سمت سنین پایین‌تر و کلاس‌های ابتدایی می‌آید و اگر این جریان به این سمت پیش برود، قطعاً با اهداف وزارت آموزش و پرورش مغایرت‌هایی دارد که اصلاً قابل چشم‌پوشی نیست. این شکل از یادگیری که ملاک

ارزیابی دانش آموز موفق، تنها تست زدن است. هیچ خلاقیتی در آن نیست و یادگیری واقعی شکل نمی گیرد، به همین دلیل ممکن است بسیار آسیبزا و برای دانش آموزان تهدیدکننده باشد. نکته دیگر که در جای خودش آسیبزا است و به جامعه معلمان ما بر می گردد. این است که تنوع موجود در کتابهای کمک درسی، ظاهراً کار معلمان را از باب طراحی سؤالهای بیشتر و تنوع سؤالها، ساده تر کرده است. اما این وظیفه ذاتی معلم است که وقتی درسی را تدریس می کند، راجع به آن پرسشهایی هم مطرح کند و آموخته های دانش آموز را ارزیابی کند و مثلاً دانش آموز را از نقطه الف به نقطه ب برساند. منتها انبوه سازی این کتابها، همان طور که دانش آموز را جست و جوگر و فکور نمی کند، معلم را هم از خلاقیت و پویایی باز می دارد و در کل، جریان تدریس و آموزش و یادگیری را مختل می کند.

❖ در ادامه راه باید تمرکز را بر سامان دهی کتابهای کمک درسی بگذاریم

با تصویری که مقابل چشم مخاطبان عزیز قرار گرفت، شاید بتوان گفت، مشکل سامان دهی کتابهای آموزشی، به طور عمده در خصوص کتابهای کمک درسی است، چون اگر روندی که در کتابهای داستانی و کتابهای کمک آموزشی وجود دارد، ادامه پیدا کند، ما پیش بینی می کنیم در سالهای آینده اساساً بحث کتابهای داستانی و کمک آموزشی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی حل و فصل شود و با همان مجوزی که ارشاد می دهد و حمایت هایی که آموزش و حوزه پرورش می کند، بالغ بر ۹۰ درصد کتابهای این حوزه مناسب تشخیص داده شوند که سطح و حد مناسبی هم هست. البته با چنین تصویری، ما دیگر کتاب مناسب و نامناسب نخواهیم داشت و تنها فهرستگان کتابهای برتر را انتخاب خواهیم کرد و به جشنواره رونق بیشتری خواهیم داد.

منتها به نظر می رسد این داستان کتابهای کمک درسی همچنان ادامه دارد و دیالوگ و گفت و گویی که بین ما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شروع شده است، هنوز خیلی جدی نیست و به تعمیق و توسعه بیشتر نیاز دارد.

ما اعتقاد داریم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید راهنماها و استانداردهایی را که ما برای کتابهای موفق و مناسب، و غیر مناسب تدوین کرده ایم، در چرخه داوری و گزینش کتابها بگذارد. چون ۷۲ درصد کتابهای داستانی مناسب هستند، نشان دهنده این است که دو وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و آموزش و پرورش در این زمینه خیلی به همدیگر نزدیک شده اند.

❖ **مصوبه ۸۲۸؛ پیمانی که می تواند کارها را به سامان تر کند**
توجه به مصوبه ۸۲۸ هم می تواند خیلی راهگشا باشد، چون این مصوبه قانونی اساساً برای ایجاد مشارکت و همکاری معاونتها و سازمانهای وابسته به آموزش و پرورش و سایر دستگاههای آموزشی و فرهنگی کشور است. همچنین، همراهی همه دستگاههای مربوطه در اجرای این مصوبه الزامی است. مصوبه های شورای عالی آموزش و پرورش را که رئیس جمهور ابلاغ می کند، لازم الاجراست و این مصوبه به روشنی می گوید که وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید تعامل داشته باشند و این بند از مصوبه در حال حاضر مغفول است. در همین زمینه، لازم است در داخل آموزش و پرورش هم معاونت پرورشی همراهی بیشتری کند و معاونان آموزشی مدارس هم از باب نظارت بر محتوای آموزشی در مدارس، نسبت به تجهیز کتابخانه ها به منابع استاندارد و مناسب، اشراف داشته باشند و اهتمام بیشتری به خرج دهند.

آنچه در پایان می توان گفت، این است که ما تا به امروز در خصوص توسعه کتابهای مناسب موفقیت های نسبی خوبی داشته ایم. فراموش نکنیم، در سال اول اجرای طرح سامان دهی، تنها ۱۸ درصد کتاب مناسب داشتیم و این تعداد در حال حاضر به ۶۰ درصد رسیده که عدد خوبی است. البته وقتی می گوئیم در حوزه کتابهای داستانی ۵۵ درصد رشد داشته ایم، باید اشاره کنیم که این رشد به این دلیل بوده که سیاست گذاری در این زمینه کاملاً جنبه اغنایی، ترویجی و تبیینی داشته است. شاید الان و بعد از ۱۶-۱۷ سال از اجرای این طرح، جا داشته باشد کمی هم به جنبه های جدی تر و مؤخذهای اضافه کنیم.

به تصور من همه کسانی که در حوزه تولید و استفاده از کتابهای آموزشی فعال هستند، یک حرف دارند و آن هم این است که نباید اجازه دهیم این کتابها مخل آموزش و باعث آسیب رسیدن به دانش آموزان باشند. به همین دلیل، باید نسبت به موضوع کتابهایی که عمده تا هم جنبه تجاری دارند و مخل آموزش هستند، بیش از گذشته حساس باشیم و دقت کنیم که این کتابها اگر منطبق بر استانداردهای آموزشی تدوین نشوند، باعث دور شدن دانش آموزان از امر مطالعه و خواندن می شوند، در حالی که کتاب می تواند خیلی روحیه بخش باشد و آنهایی که کتابخوان شوند و لذت مطالعه را بچشند، آن را با هیچ لذتی عوض نخواهند کرد. همین است که آدم هایی که اهل مطالعه می شوند، در شرایطی که احساس تنهایی و خلأ می کنند، این تنها کتاب است که می تواند نجاتشان بدهد. متأسفانه باید گفت، کتابهایی که این روزها بخش بزرگی از بازار را در اختیار خود گرفته اند، دانش آموزان را نه تنها از خواندن، بلکه در کل از عنوان کتاب بیزار می کنند و این هم از آفات بزرگی است که از نگاه فرهنگی، درمان آن ضروری و غیر قابل چشم پوشی است.





جشنواره‌ای دور از سیاست بازی

گزارشی از جلسه هم‌اندیشی با برخی از مدیران نشر

اشاره

ناشران بخش خصوصی همواره یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل در فرایند سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی بوده‌اند. از این‌رو تعامل با آن‌ها همواره اهمیت زیادی برای سیاست‌گذاران و مجریان جشنواره کتاب رشد داشته است. دست‌اندرکاران جشنواره در این دوره نیز مانند گذشته، میزبان تنی چند از ناشران بودند تا نقاط قوت و ضعف فرایند سامان‌دهی را از زبان آن‌ها بشنوند و نقدهای آن‌ها را پذیرا شوند. مدیران مسئول انتشارات «تیمورزاده»، «خیلی سبز»، «بداهه»، «نغمه نواندیش»، «مرآت» و «طلایی» دعوت جشنواره را پذیرفته و در این نشست حضور یافته بودند.

افزایش چشمگیر آثار مناسب

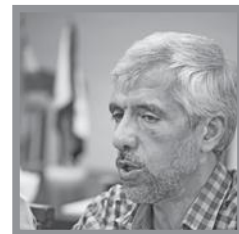
در ابتدای این نشست فریبا کیا، معاون سامان‌دهی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، با بیان اینکه دیدگاه‌های عوامل مؤثر بر جشنواره از جمله ناشران، مؤلفان و کتاب‌هایشان به روش‌های گوناگون در ویژه‌نامه جوانه بازتاب خواهند داشت، افزود: «خوش‌بختانه از جشنواره نهم به بعد، شاهد برگزاری هرساله جشنواره هستیم که فرصت رقابت کتاب‌های جدید در هر سال را فراهم کرده است. ما به زعم خودمان تعامل خوبی با ناشران داشته‌ایم. بیش از ۹۰۰ ناشر



آموزشی و تربیتی با ما در تعامل و ارتباط هستند. همچنین، ما به منظور ارتباط بیشتر، در شش دوره از نمایشگاه کتاب شرکت کرده‌ایم. نتایج نشست‌ها و کارگاه‌هایی که با حضور ناشران برگزار شده‌اند نشان می‌دهد که قدم‌ها رو به جلو بوده‌اند، گرچه هنوز با نقطه مطلوب فاصله داریم.»
کیا با اشاره به افزایش آثار مناسب افزود: «با وجود آنکه فیلترهای انتخاب آثار مناسب تخصصی‌تر شده‌اند، اما ۶۰ درصد آثاری که به دست ما می‌رسند، مناسب هستند، درحالی‌که ۱۶ سال پیش این رقم تنها ۱۸ درصد بود. این موضوع مبین آن است که تعامل خوبی بین ما و ناشران شکل گرفته، اما انتظار ما بیش از این‌هاست.»
معاون دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در ادامه خطاب به

ناشران حاضر در این نشست گفت: «ما طالب شنیدن حرف‌های شما و دریافت بازخورد در مورد فعالیت‌های خود هستیم و می‌خواهیم از نظرات شما برای تقویت و توسعه فعالیت‌هایمان استفاده کنیم.»

سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی به دور از سیاست‌بازی‌ها



در ادامه، کاظم طلایی که مدیر مسئول انتشارات طلایی و نیز یکی از همکاران قدیمی دفتر انتشارات است، گفت: «مشکل اغلب ناشران بخش کودک و نوجوان این است که از فعالیت‌های سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی آگاهی کافی ندارند. به نظر من نظام سامان‌دهی بی‌نقص نیست، اما به دور از سیاست‌بازی‌هاست.»

وی با اشاره به تاریخچه کوتاهی از فعالیت‌های سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی افزود: «نمره قبولی کتاب‌ها ۶۰ از ۱۰۰ است. اگر نمره کتاب‌ها بالاتر از ۶۰ درصد باشد، جزء آثار مناسب قرار می‌گیرند. علاوه بر این، کتاب‌هایی که امتیازی بین ۸۰ تا ۱۰۰ داشته باشند، درجه یک؛ کتاب‌های داوری نمره ۷۰ تا ۸۰ درجه دو و کتاب‌های داوری نمره ۶۰ تا ۷۰ درجه سه را کسب می‌کنند. علاوه بر این، اگر ارزیاب با امتیاز قاطعی کتاب را تایید یا رد نکرده باشد، معمولاً کتاب به کارشناسان دوم یا سوم و گاه چهارمی سپرده می‌شود تا یقین حاصل شود که کتاب مناسب است یا خیر.»

پاسخ‌گویی به ناشران و مؤلفان از دیگر نکات مثبتی بود که طلایی بر آن انگشت گذاشت و گفت: «یکی از مواردی که برای ناشران کمک‌کننده است، اعلام ایرادهای کتاب‌هایی است که نمره کافی به دست نیاورده‌اند. اگر ناشری علاقه‌مند باشد، می‌تواند ایرادهای کتاب خود را در چاپ‌های بعد برطرف کند. از سوی دیگر، وقتی کتابی مناسب معرفی می‌شود، به ناشر اعلام و در سامانه کتاب‌های مناسب معرفی می‌شود. همه این فرایند ظرف یک ماه به انجام می‌رسد. همچنین آثاری که بین (۶۰ تا ۱۰۰) امتیاز آورده‌اند، در کتاب‌نامه رشد معرفی می‌شوند که فایل آن به صورت «pdf» در سامانه بارگذاری می‌شود. علاوه بر این، آثاری که بین (۷۰ تا ۱۰۰) امتیاز داشته باشند نیز در فهرستگان معرفی و به همه ۱۱۰ هزار مدرسه کشور ارسال می‌شوند.»

شان سامان‌دهی را حفظ کنیم

طلایی درباره دسترسی ناشران به معیارهای تولید آثار

استاندارد نیز گفت: «یکی از دغدغه‌های ناشران این است که چگونه می‌توانند کتاب استاندارد تولید کنند. به این منظور از سال‌ها پیش سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی راهنماهایی را درباره استانداردها برای همه دوره‌ها و پایه‌ها تولید کرده که برای همه ناشران در دسترس است.»

وی درباره انتخاب داوران نیز توضیح داد: «یکی از فعالیت‌های سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی تربیت داوران است. به این ترتیب که معلمان علاقه‌مند شناسایی می‌شوند و پس از گذراندن دوره‌هایی به عنوان داور کار خود را شروع می‌کنند. این اتفاق خوبی است اما انتخاب داورانی که با ناشران تعامل دارند از آفت‌های بزرگ است. چرا که باعث می‌شود داوری جانب‌دارانه و آسیب‌پذیر باشد.»

کاظم طلایی در آخر گفت: «برخی ناشران آثار ضعیفی تولید می‌کنند و چون با ۶۰ امتیاز هم اثرشان مناسب شناخته می‌شود، بر روی کتاب عبارت «مورد تایید وزارت آموزش و پرورش» را درج می‌کنند. باید برای استفاده از نشان استاندارد یا چنین جملاتی راهکاری اتخاذ شود که شأن سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی با کتاب‌های ضعیف آسیب نبیند. بخش نظارتی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی باید با قوت بیشتری کار نظارتی خود را در این زمینه انجام دهد.»

یک ضرورت: نیاز مخاطب



مریم جدلی، مدیر مسئول انتشارات نغمه نواندیش، از دیگر ناشرانی بود که در این نشست حضور داشت. وی با تأکید بر اینکه ناشران باید از معیارهای جشنواره آگاهی داشته باشند، گفت: «متأسفانه برخی ناشران اهل تقلید هستند و به این می‌نگرند که چه کتابی پرفروش است مشابه آن را تولید کنند. در حالی که باید نیاز خانواده‌ها و دانش‌آموزان در نظر گرفته شود. مثلاً براساس یک پژوهش، از دهه ۱۳۸۰ تاکنون در آثار کودکان و نوجوانان اقبال به اسطوره‌سازی و نیز توجه به طبیعت بیشتر به چشم می‌خورد.» این ناشر درباره دسترسی به کتاب‌های برتر نیز افزود: «ما ناشران در تبلیغ آثار مناسب به شکل گسترده ضعیف هستیم و فقط سعی می‌کنیم کتاب‌هایمان را زودتر به مراکز دولتی که کتاب می‌خرند، بفروشیم. اما اگر کتاب به شکل گسترده‌ای

تیمورزاده: معتقدم جشنواره رشد معتبرترین جشنواره کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی است و واقعاً حرکت رو به رشدی داشته است

جهانگیری: به نظر می‌رسد اگر قرار است تبلیغی صورت بگیرد، ابتدا باید از بدنه آموزش و پرورش شروع شود



به دست خانواده‌ها برسد، قطعاً فروش بیشتری خواهد داشت. بنابراین باید در کنار هم قرار بگیریم و برای خانواده‌ها تبلیغات بیشتری داشته باشیم.»

جدلی با اعلام آمادگی همکاری از سوی ناشران گفت: «ما هر کاری از دستان بر بیاید، انجام می‌دهیم. اما داوری آثار اهمیت زیادی دارد.»

دوری از تکرار با پالایش داوری



در ادامه این نشست مریم صباغ‌زاده، مدیر مسئول «نشر بداهه»، خطر افتادن به ورطه تکرار را یکی از آسیب‌های برخی جشنواره‌ها دانست. وی گفت: «من با جشنواره کتاب رشد آشنایی زیادی ندارم، اما اگر می‌بینم برخی از جشنواره‌های بزرگ کتاب ثمری نمی‌دهند، به این دلیل است که سال‌هاست داوران آن‌ها تغییر نکرده‌اند. باید افکار کهنه را دور ریخت. مراقبت کنید، داوری هم در این جشنواره پالایش شود، ولو اینکه داوران معلمان خیلی خوبی باشند، اما اگر قرار باشد پس از مدتی سلیقه و نگاهی خاص را تحمیل کنند، تنوع و نوآوری از بین می‌رود. این‌ها همه صدماتی است که به پیکره فرهنگ کشور وارد می‌شود.»

وی با اشاره به اهمیت ارزیابی کتاب‌های آموزشی و بیان اینکه اولین اشتباه علمی در کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی آخرین اشتباه است، افزود: «اشتباه کوچک در کتاب آموزشی اشتباه فاحشی است. اگر کتابی دارای یک غلط هم باشد، نباید از امتیاز آن کم شود، بلکه باید کلاً از چرخه داوری حذف شود. کتاب آموزشی دارای اشتباه، ضربه‌ای می‌زند که دیگر غیرقابل جبران است.»

جدلی: داوری آثار اهمیت زیادی دارد. نباید شاهد ریزش بی‌انصافانه آن‌ها در همان مراحل اولیه داوری باشیم

طلایی: به نظر من نظام سامان‌دهی بی‌نقص نیست، اما به دور از سیاست‌بازی‌هاست

نصری: با داشتن اتاق فکر مشترک با ناشران، می‌توان از ایده‌های آنان برای ارتقای جایگاه جشنواره کمک گرفت

آموزشی و تربیتی می‌تواند کمک کند تا بتوانیم تعریف درستی از مخاطب داشته باشیم؟ شاید اگر در کارگروه‌ها، کارگاه‌ها و پژوهش‌ها هم گام شویم، خیلی از مشکلات ناشی از نشناختن مخاطب کم شود و جشنواره هم به نتایج بهتری برسد.»

نتایج جدید منوط به افکار جدید



ابوذر نصری، مدیرمسئول «انتشارات خیلی سبز»، با نگاهی دیگر به جشنواره و زمینه برگزاری آن، بر نقش آموزش در دنیای جدید تأکید کرد. وی در این باره گفت: «ما باید بدانیم در چه کشوری، در چه زمانی و با چه شرایطی زندگی می‌کنیم و می‌خواهیم چه هدف‌هایی را دنبال کنیم. ما در جشنواره قصد داریم بهترین کتاب‌ها را انتخاب کنیم، اما با کدام ذهن و نگرش و با چه هدف‌هایی؟ چقدر هدف‌هایمان چارچوب‌بندی شده‌اند؟ آزادی و خلاقیت چقدر مورد توجه است؟ و آیا اصلاً قواعدی که در پیش گرفته‌ایم، متناسب با زمان است؟ ما باید بدانیم نقش اصلی آموزش و پرورش در دنیای جدید چیست. مطمئناً اگر افکار و چارچوب‌هایمان را از گذشته حمل می‌کنیم، دچار تکرار خواهیم شد.»

مدیر مسئول خیلی سبز که مدیرعامل «انتشارات پرتقال» نیز هست با بیان اینکه اگر می‌خواهیم نتایج و آثار جدیدی داشته باشیم، نیازمند افکار جدید هستیم، گفت: «چند سال است که زمزمه تعامل آموزش و پرورش با بخش خصوصی وجود دارد، اما به‌طور کلی بهتر است کار را به بخش خصوصی بسپاریم. از نظر من خلاقیت بخش خصوصی با بخش دولتی قابل مقایسه نیست. حتی فکر می‌کنم کتاب‌های درسی هم نمی‌توانند در یک فضای محدود به وسیله کارشناسان منصوب شده تولید شوند، بلکه باید در فضای بازتری نوشته شوند.»

جشنواره رشد، نیازمند ارتقای جایگاه

مدیرمسئول انتشارات خیلی سبز همچنین با اشاره به جایگاه جشنواره رشد گفت: «موقعیت جشنواره کتاب رشد باید مشخص شود. واقعاً قصد داریم خروجی جشنواره چه باشد؟ به نظر می‌رسد متخصصان راهبردهای جشنواره باید مشخص کنند که هدف جشنواره چیست. مثلاً اگر می‌خواهند بهترین و فاخرترین کتاب‌ها را انتخاب کنند، طوری این کار را انجام دهند که واقعاً همه آن را قبول داشته باشند. از این‌رو باید فرم‌های امتیازدهی تغییر کنند، چرا که به نظر من خلافت‌ناهی نیستند. از سوی دیگر باید نگرش جدیدی هم داشته باشند.»

پس به نظر می‌رسد، اگر قرار است تبلیغی صورت بگیرد، ابتدا باید از بدنه آموزش و پرورش شروع شود. موضوع بعدی آن است که اگر آثاری را ممنوع اعلام می‌کنیم، باید جایگزینی هم معرفی کنیم. علاوه بر آن به نظر می‌رسد باید بسته آموزشی را هم جدی‌تر دنبال کنیم».

تأثیر شبکه‌های اجتماعی را دست کم نگیریم

فرهاد تیمورزاده، مدیر مسئول «انتشارات تیمورزاده»، از دیگر ناشران حاضر در این نشست بود. وی گفت: «نتایج سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی در دلگرمی ناشران مؤثر است. بنابراین همان‌طور که



دیگر دوستان تأکید کردند، نقطه اساسی این فرایند داوری آثار است.»

وی افزود: «تصور من این است که مجموعه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی به همکاری با ناشران علاقه دارد. از این‌رو بازخوردهای شما نسبت به آثارمان برای ما ارزشمند بوده است. وقتی می‌بینم کتاب آموزشی ما مناسب ارزشیابی شده است، دلگرم می‌شوم. من معتقدم جشنواره رشد معتبرترین جشنواره کتاب‌های آموزشی و کمک‌آموزشی است و واقعاً حرکت رو به رشدی داشته و به‌طور ناگهانی تغییر رویه نداده است. ضمن اینکه دیدن همه ناشران به‌طور یکسان دلگرم‌کننده است. در این میان به نظر می‌رسد باید برای همه این فعالیت‌ها تبلیغ گسترده‌تری صورت گیرد. از این رو نباید از قدرت شبکه‌های اجتماعی

غافل شد. با استفاده از این شبکه‌هاست که ناشران بیشتری از موضوع مطلع می‌شوند و همکاری آن‌ها در طول سال افزایش پیدا می‌کند.»

نصری با ارائه پیشنهادی افزود: «می‌توان در کنار جشنواره نمایشگاهی برگزار کرد و برای استفاده‌کنندگان نهایی، تخفیف ویژه در نظر گرفت؛ یا حتی می‌توان از افراد مؤثر و مشهور در حوزه کودک و نوجوان دعوت به عمل آورد. موقعیت جشنواره باید فاخرتر باشد و این کار به سرمایه‌گذاری، اتاق فکر و همکاری بخش خصوصی نیاز دارد. متأسفانه هنوز آموزش و پرورش نتوانسته است بخش خصوصی را درگیر این کار کند، چون همیشه شبهه رانت پیش می‌آید. اما پیشنهاد من این است که یک بار این تهمتها را به جان بخریم و موقعیت جشنواره را جابه‌جا کنیم. من به خلوص نیت کسانی که طرح سامان‌دهی را اجرا می‌کنند، ایمان دارم، اما غلبه راهبرد دولتی را پررنگ می‌بینم. به نظر می‌رسد باید به بخش خصوصی هم پر و بال داد تا تنوع و خلاقیت افزایش پیدا کند».

وی درباره همکاری با ناشران خصوصی افزود: «با داشتن اتاق فکر مشترک با ناشران، می‌توان از ایده‌های آنان برای ارتقای جایگاه جشنواره کمک گرفت. علاوه بر این، می‌توان از بخش خصوصی در ارزیابی فرایند داوری کتاب‌ها یاری خواست. حتی می‌توان کارگروهی از ناشران خصوصی به داوران اضافه کرد. گرچه از آنجا که تا به حال بخش خصوصی وارد این حوزه نشده است و در این زمینه تجربه‌ای ندارد، اما فرصت دادن، آن را آموخته می‌کند.»

ناآشنایی بدنه آموزش و پرورش با جشنواره

«ناآشنایی بدنه آموزش و پرورش با فعالیت‌های سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی» موضوعی بود که علی جهانگیری، مدیرمسئول «انتشارات مرآت» به آن اشاره کرد. وی در این باره گفت: «هدف از طرح سامان‌دهی آن است که



کتاب‌هایی که استانداردهای این طرح را دارند، وارد مدرسه شوند. اما به جرئت می‌توانم بگویم ۹۰ درصد مدیران و حتی معاونان پژوهشی و مدیران کل از این طرح اطلاع دقیقی ندارند.

کیا: با وجود آنکه فیلترهای انتخاب آثار مناسب تخصصی‌تر شده‌اند، اما ۶۰ درصد آثاری که به دست ما می‌رسند، مناسب هستند. در حالی که ۱۶ سال پیش این رقم تنها ۱۸ درصد بود

صباغ‌زاده: اگر کتابی دارای یک غلط هم باشد، نباید از امتیاز آن کم شود، بلکه باید کلاً از چرخه داوری حذف شود





نویسندگان ما در حال وهوای کودکان امروز نیستند

بررسی داستان‌های حوزه کودک در میزگرد داوران داستان دوره آموزش ابتدایی

اشاره

در حاشیه جشنواره کتاب رشد، داوران گروه ادبیات داستانی دوره ابتدایی با شرکت در میزگردی، آثار ادبیات داستانی کودک در سال ۱۳۹۵ را بررسی کردند. مرجان فودلاوند، جعفر تونده جانی و ناصر نادری، داوران این حوزه، معتقدند با وجود سرانه کم مطالعه، هنوز نشر کودک پررونق‌ترین بخش در نشر ایران است. البته حضور پررنگ آثار فانتزی، جای خالی کودکان روستایی در کتاب‌ها و نیز شلختگی در زبان را نمی‌توان نادیده گرفت.

می‌گیریم امکان تصور شجاعت را از آن‌ها گرفته‌ایم. همچنین باید بین فانتزی و کتابی که جنبه منفی جادوگری را ترویج می‌کند، تفاوت قائل شویم. بنابراین، اگر اصطلاحات تخصصی به کار ببریم، خیلی از سوءتفاهم‌ها حل می‌شود.

با وجود همه این‌ها و با توجه به کتاب‌هایی که در این بخش به مراحل بالاتر رسیدند، به نظر می‌رسد بازار کتاب کودک پررونق‌ترین بخش نشر ایران است. این را به گواهی شمارگان، تعدد ناشران و ورود سرمایه‌گذار خصوصی به این بخش می‌گوییم که اگر سودآور نبود، وارد نمی‌شد. با توجه به بازار خوب کتاب‌های کودک، امکان سودجویی در آن بسیار زیاد است. ما از ۸۷۹ کتاب رسیده به جشنواره فقط ۶۷۱ کتاب را توانستیم مناسب اعلام کنیم. شاید این هشدار باشد برای اینکه یکی از موانع کتاب نخواندن بچه‌های ما وجود کتاب‌های بد در بازار کودک و نوجوانان است. این کتاب‌ها بازار را شلوغ می‌کنند و اجازه نمی‌دهند کتاب‌های مناسب دیده شوند.

در بین کتاب‌هایی که به دست ما رسیدند دو نکته دیده می‌شود. یکی اینکه ناشران با توجه به بازار و خواست مخاطبشان تلاش می‌کنند داستان‌های ماجراجویی و جذاب و نیز

❖ نادری: طبق آمار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در سال گذشته ۱۷۶۶ عنوان کتاب داستان برای کودکان و نوجوانان منتشر شده است که از میان آن‌ها ۸۷۹ عنوان به جشنواره کتاب رشد رسیده‌اند. البته برخی از کتاب‌ها به لحاظ حساسیت‌هایی که از نظر درون‌مایه یا تصویر وجود دارد، نامناسب شناخته شدند و به مرحله بعدی داوری راه نیافتند؛ از جمله، آثاری که در ژانر وحشت نوشته شده بودند و خشونت را ترویج می‌کردند. با توجه به این موضوع و نیز چند صدعنوان کتابی که بررسی کردید، تحلیل‌تان از آثار این حوزه چیست؟

فودلاوند: شاید بهتر باشد ابتدا معیارهایی را که باعث ریزش برخی کتاب‌ها از جمله آثار وحشت شدند، دوباره مرور کنیم. داستان‌های وحشت از جذاب‌ترین ژانرهای ادبیات کودکان و جوانان در جهان هستند. البته من هم با بسیاری از این کتاب‌ها مخالفم، اما باید حواسمان باشد که ژانر وحشت و خشونت را یکی نکنیم. ادبیات وحشت عکس‌العمل بچه‌ها را در شرایط بحرانی تنظیم می‌کند و این موضوعی است که از زندگی بچه‌ها گرفته شده است. نکته دیگر این است که همیشه در مقابل ترس، شجاعت وجود دارد. وقتی ما ادبیات ترس را از بچه‌ها

کمی شیرین‌تر و فانتزیت‌تر تولید کنند. این خبر خوبی است. اگرچه این‌ها داستان‌هایی نیستند که ساختار کامل داشته و یا شاهکار باشند، اما هر کاری شروعی دارد.

نکته دیگری که ما را خوش حال می‌کند، ورود اسم‌های جدید و نویسندگان جوان به این عرصه است که نگاه‌های متفاوتی دارند. توجه به محیط‌زیست و موضوع صلح و تفاهم در داستان‌های امسال دیده می‌شود و این خیلی خوش حال کننده است. کتاب‌سازی‌ها هم خیلی بهتر شده است. هم گرافیک و هم مواد اولیه مورد استفاده خیلی بهتر شده‌اند و این باعث می‌شود بچه‌ها جذب کتاب شوند.

ضعف کتاب‌های این دوره را هم مانند دوره‌های قبل در آثار تألیفی و ساختارمندی داستان‌ها می‌دانم. ما باید در ساختارهای داستان، ماجراسازی زبان و... تلاش کنیم تا داستان خوبی بسازیم که هم بچه‌ها واقعاً دوستش داشته باشند و هم واقعاً ارزش خواندن داشته باشد.

توزنده جانی: من هم معتقدم باید ژانر وحشت را از خشونت تفکیک کنیم، چون هر کدام ویژگی‌های خاص خود را دارند. به نظر من، ژانر وحشت از نیازهای زندگی امروزی است. من و هم‌نسلان من تا حد زیادی ترس را درک کرده‌ایم. اما بچه‌های نسل امروز کمتر ترس را تجربه کرده‌اند. علاوه بر این، زندگی شهری با استرس و تنش‌های خاص خود همراه است و خواندن کتاب‌های ژانر وحشت در تخلیه استرس خیلی مؤثر است. البته این ژانر ویژگی‌هایی دارد. مثلاً دکتر **خسرو نژاد** اعتقاد دارد، اثر باید به گونه‌ای نوشته شود که کودک فکر نکند واقعاً وارد دنیای پر از ترس و وحشت شده است. اما جای آثار تألیفی در این زمینه خالی است. تألیف‌ها در این زمینه خیلی کم و انگشت‌شمارند و آن‌هایی که داریم خیلی ضعیف هستند. من در سال ۱۳۹۵ در این زمینه کتاب خاصی ندیدم.

من در دو سال گذشته به روستاها و شهرهای زیادی سفر کردم. آنچه به چشم می‌خورد، رشد گروه‌های کتاب‌خوان کودک و کتابخانه‌های روستایی است که بیشتر آن‌ها بخش کودک و نوجوان ندارند. در روستاها بچه‌ها به کتاب دسترسی ندارند و به شدت کمبود کتاب داریم. همچنین، شاهد کمبود تولید داستان‌های مناسب برای بچه‌های روستایی هستیم. زمانی روستا در آثار نویسندگان جایگاه داشت، اما با رشد شهرنشینی و حتی شهری شدن نویسندگان، جای خالی ادبیات برای بچه‌های روستا زیاد شده است. داستان‌های بیشتر نویسندگان به شهرهای بزرگ معطوف شده است و شهرهای کوچک و روستاها در آثار نویسندگان ما دیده نمی‌شوند.

موضوع بعدی حضور بخش خصوصی است. من همیشه حضور بخش خصوصی را یک اتفاق خیلی خوب می‌دانم. به‌ویژه که ناشر خصوصی نیازمند برگشت سرمایه خود و در نتیجه مجبور به تولید آثار خوب است. اما متأسفانه برخی ناشران در این زمینه تخصص ندارند. این خطری است که ادبیات کودک و نوجوان را تهدید می‌کند.

به طور کلی، به نظر من در سال ۱۳۹۵ در عرصه رمان کودک وضعیت چندان خوبی نداریم. من همیشه اعتقاد داشتم ادبیات کودک ما در زمینه داستان کوتاه خیلی موفق است و خیلی از آثار ما در این زمینه می‌توانند با آثار جهانی رقابت کنند، ولی در زمینه رمان کار قابل اعتنایی در سال گذشته منتشر نشده است. البته در زمینه ترجمه اوضاع بهتر است. نویسندگان باید نگاه تخصصی‌تری به این حوزه داشته باشند. خیلی از کتاب‌ها، به لحاظ ساختار، حجم و زبان، مناسب این گروه سنی نیستند. به نظر می‌رسد در زمینه رمان کودک باید به صورت جدی‌تر عمل کنیم و لازمه آن این است که نویسندگان آثار فاخر را بیشتر مطالعه کنند و با توجه به روحیه کودک ایرانی و فرهنگ این سرزمین دست به خلق رمان کودک بزنند.

نادری: اولین نکته‌ای که در کتاب‌های این دوره به چشم می‌خورد، توجه تخصصی به حوزه ادبیات داستانی و جریان‌ساز توسط برخی ناشران است. در بخش تألیف به نظر می‌رسد چند ناشر به طور تخصصی به ادبیات داستانی کودک می‌پردازند؛ حتی به زعم خود مجموعه‌هایی با عنوان رمان کودک تولید می‌کنند. البته همین که جسارت به خرج داده‌اند، شورا تشکیل داده‌اند و تلاش می‌کنند در کنار جریان ادبیات کودک در جهان در ایران هم این تجربه را عملی کنند، جای تقدیر دارد.

نکته دوم در کتاب‌های سال ۱۳۹۵، توجه به ادبیات کهن است که به شکل بازنویسی و حتی رمان‌گونه کودک است. این خوب است که کودکان را با ریشه‌های غنی میراث ادبیات خودمان آشنا کنیم، اما در عین حال احساس می‌کنم کتاب‌های تألیفی به لحاظ

جذابیت‌های زبان و شگردهای خلاق داستانی، در مقایسه با آثار ترجمه، ضعیف‌ترند. علاوه بر این، ضمن مشاهده برخی چهره‌های جدید در بین پدیدآورندگان، کم‌سوادی نسبت به حوزه ادبیات فارسی در این دسته از دوستان ملاحظه می‌شود. علاوه بر این، سایه فانتزی بر سوژه‌های که جنبه واقع‌گرایانه دارند دیده می‌شود. فانتزی نوع جذابی برای کودکان است، اما اگر کودک را از دل مشغولی‌های حسی و رفتاری، زندگی امروز و شادی‌ها و تلخی‌های آن دور کند تهدید است. اینکه کودک را از مسائل امروز دور کنیم و راه رفع و کاهش مسائل امروز او را مطرح نکنیم، شیوه خوبی نخواهد بود.

به نظر می‌رسد در بخش ترجمه، با وجود اینکه یکی دو ناشر در انتخاب آثار ترجمه به لحاظ درون‌مایه و ظرفیت‌های ادبی کارهای قابل توجهی انتخاب کرده‌اند، ولی نگاه تجاری در نوع انتخاب برخی از ترجمه‌ها حاکم است. گرچه ما باید دروازه‌های ادبیات و فرهنگمان را به دنیا باز کنیم، اما در عین حال باید

توزنده جانی: ژانر وحشت از نیازهای زندگی امروزی است. من و هم‌نسلان من تا حد زیادی ترس را درک کرده‌ایم. اما بچه‌های نسل امروز کمتر ترس را تجربه کرده‌اند. علاوه بر این، زندگی شهری با استرس و تنش‌های خاص خود همراه است و خواندن کتاب‌های ژانر وحشت در تخلیه استرس خیلی مؤثر است





بدانیم که آثار را برای کودکان ایرانی ترجمه می‌کنیم. به نظر می‌رسد، بومی‌سازی نه به معنی غلیظ آن یعنی رعایت نکردن حرفه‌ای‌گری در اصول ترجمه، بلکه به معنی رعایت اصول اخلاقی و اجتماعی‌مان در متن و تصویر در انتخاب آثار باید مدنظر قرار بگیرد.

موضوعی که باید درباره تفاوت ژانر وحشت و خشونت اشاره کنم این است که تفاوت این دو در داوری‌ها لحاظ شده است. منظور از کتاب‌های حذف شده همان چیزی است که بستر خشونت را فراهم می‌کند.

❖ **نادری:** یکی از نقدهای شما به آثار، ضعف زبان و فارسی‌نویسی است، راهکار شما برای رفع این مشکل چیست؟ **فولادوند:** این حساسیت از آنجا ناشی می‌شود که زبان فارسی

مهم‌ترین عامل هویت ماست و جلوه‌گاه عمده آن ادبیات است. بچه‌ها زبان را در ادبیات درک و با آن ارتباط برقرار می‌کنند. یادمان باشد که زبان ابزار تفکر است. تا زمانی که زبان گسترده‌تری داشته باشیم، می‌توانیم تفکر پیچیده‌تری داشته باشیم. حال ما با ادبیاتی مواجه می‌شویم که به شکل کاملاً شلخته‌ای زبان را به کار می‌برد. ما هر بار کلمه‌های کمتری را به بچه‌ها یاد می‌دهیم و این ساده‌سازی در نهایت منجر می‌شود به ساده‌اندیشی. این موضوع در وجه بدتر تبدیل می‌شود به بدنویسی و اشتباه‌نویسی. ابزار نویسنده کلمه است

و متأسفانه گاهی شاهدیم بلد نیست این ابزار را به کار ببرد. این آسیب از آنجا ناشی می‌شود که نویسنده بیش از آنکه متن خوانده باشد، فرهنگ شفاهی دارد. یعنی از فرهنگ مکتوب نیامده، بلکه از فرهنگ تلویزیون و تلگرام و فضای مجازی آمده و همه کژتابی‌های آن زبان را با خود به ساحت ادبیات مکتوب آورده است. این نشان‌دهنده ورود نویسندگانی به این عرصه است که خودشان به ادبیات تسلط ندارند. که البته این ظاهر کار است. بنیان کار این است که نویسنده‌ای که می‌خواهد فانتزی بنویسد، یک فانتزی سطحی می‌نویسد، چرا که با هیچ‌کدام از نمادها و استعاره‌های تصویری ادبیات ایران و جهان آشنا نیست. بنابراین، سطح فانتزی محدود می‌شود به تخیلات فردی خودش و وقتی تخیل فردی با تخیل اجتماعی، کهن الگوهای اجتماعی و تصویرهای اساطیری پیوند پیدا نکند، بسیار سطحی می‌شود و تأثیر کمتری می‌گذارد.

توزنده‌جانی: وسیله ارتباط نویسنده با خواننده کلمه و جمله است. نویسنده باید دقت کند بهترین کلمات و جملات را به کار ببرد. وقتی نثر روان باشد، خواننده با داستان همراه می‌شود. تأثیر دیگر این است که کودک از شما نحوه به کار بردن زبان را یاد می‌گیرد. اما همه این‌ها مستلزم آن است که نویسنده قبلاً متون فاخر، ادبیات داستانی فاخر و ادبیات کهن ایرانی و ادبیات جهان را خوانده باشد تا معنی به کار بردن کلمه مناسب در جای مناسب را یاد بگیرد. نکته‌ای که در اینجا نباید فراموش شود، نقش ویراستار حرفه‌ای و خوب است که می‌تواند به نویسنده کمک کند.

❖ **نادری:** از توجه ناکافی به بچه‌های روستایی در ادبیات صحبت کردید. با توجه به غلبه داستان‌های فانتزی بر مسئله‌مداری سوزهای داستانی، به نظر شما فانتزی تا چه حد باید در ادبیات داستانی کودک نقش آفرینی کند؟ اساساً می‌توان این موضوع را مرزبندی کرد؟

توزنده‌جانی: من معتقدم داستان امری خیالی است. حتی داستان واقع‌گرا داستانی است واقعی‌نما. موضوع اصلی این است که می‌توان یک داستان فانتزی نوشت که مسائل و مشکلات کودک روستایی در آن مطرح باشد. اگر ارباب حلقه‌ها را نگاه کنید، بسیاری از داستان‌های آن در محیط روستایی می‌گذرد، اما موضوعی که مطرح می‌کند، قدرت است؛ چیزی که در وجود همه انسان‌ها هست. بنابراین، مهم این است که ما در اثر فانتزی هم مسائل و مشکلات مربوط به کودکان را مطرح کنیم. بنابراین من نمی‌توانم مرز تعیین کنم. البته قبول دارم فانتزی‌هایی که اخیراً خلق شده‌اند پر از خیالات و جزئیات بیپه‌ده هستند که به لحاظ ساختاری انسجام و طرح‌های درستی ندارند.

فولادوند: یکی از دلایل این موضوع آن است که نوشتن از واقعیت، بسیار دشوارتر از تخیل کردن، آن هم بدون ریشه و بدون مطالعه، است. نوشتن در جهان واقع به تجربه زیست شده احتیاج دارد، در حالی که نویسندگان ما به نویسندگان کتابخانه‌ای تبدیل شده‌اند که تجربه‌های آن‌ها محدود به کتابخانه است. اگر ادبیات روستایی نداریم، به این دلیل است که نویسندگان تجربه ارتباط روستا را ندارند. بنابراین، راحت‌تر هستیم داستان‌های تخیلی بنویسیم که ممکن است کمتر بچه‌ها را به مهارت حل مسئله برساند. اگر بر مهارت حل مسئله تکیه می‌کنم، به این دلیل است که ادبیات، گرچه در گام اول محصولی برای لذت بردن ذهن است، اما در گام دوم همیشه می‌خواهد چیزی اضافه کند. زمانی داستان تأثیرگذار است که بر تجربه عمیق فردی نویسنده

فولادوند: اگر ادبیات

روستایی نداریم، به

این دلیل است که

نویسندگان تجربه

ارتباط روستا را ندارند.

بنابراین، راحت‌تر

هستیم داستان‌های

تخیلی بنویسیم که

ممکن است کمتر بچه‌ها

را به مهارت حل مسئله

برساند

مبتنی باشد، به طوری که مخاطب را دگرگون کند. این بر مطالعه و تجربه و تفکر مبتنی است که ما همه این‌ها را کم داریم.

❖ **نادری:** در چند سال اخیر شاهد پدیده‌ای هستیم که طی آن ناشران به تولید مجموعه‌هایی با عنوان رمان کودک دست می‌زنند. به نظر شما رمان با طرح پیچیده و تعدد شخصیت‌هایش با ذهن و روان کودک سازگاری دارد؟ اساساً رمان کودک امری شدنی است؟

توزنده‌جانی: وقتی از ادبیات کودک و نوجوان صحبت می‌کنیم، منظور ادبیاتی است که ویژه این گروه سنی است. این ادبیات هم گونه‌های متفاوت دارد، از جمله داستان کوتاه و داستان بلند و رمان. گرچه ممکن است کار دشوار شود، اما می‌توان برای این گروه سنی هم رمان نوشت و به شدت نیز مورد نیاز است. با این تفاوت که رمان این گروه سنی باید طرح‌های ساده داشته باشد.

فولادوند: جواب این سؤال به این بستگی دارد که تعریف ما از رمان چیست. اگر رمان را قالبی تعریف کنیم که یک متن منثور بلند است که ماجراها و محورهای متفاوت دارد؛ می‌توانیم نوع ساده شده آن را رمان کودک بدانیم. اما اگر تعریف هستی‌شناسانه باشد، آن وقت دیگر اطلاق کلمه رمان برای داستان کودک که ما چندان نمی‌توانیم در آن فلسفی یا پرسش هستی‌شناسانه مطرح کنیم، با تسامح همراه است. وقتی ما برای بچه‌ها این نوع ادبی را قائل می‌شویم، باید حواسمان به تعداد کلمه و طول داستان باشد. مثلاً اگر ما کتاب ۱۰ جلدی «جودی» یا «هنری زلزله» را داریم، در هر کدام از این‌ها حوصله مخاطب را در نظر می‌گیرند. به طوری که در هر کتاب یک ماجرا شروع و تمام می‌شود. در حالی که در رمان‌های کودک ایرانی که در سال ۱۳۹۵ تولید شده‌اند، ما داستان‌های دو جلدی به هم پیوسته را می‌دیدیم که از حوصله کودک بیرون‌اند.

❖ **نادری:** در کتاب‌های رسیده به این دوره از جشنواره، شاهد کتاب‌هایی هستیم که در آن نویسنده و تصویرگر کتاب یک نفرند، به نظر تان دلیل این موضوع چیست؟

توزنده‌جانی: یکی از انواع کتاب‌هایی که اخیراً در ایران به آن توجه می‌شود، کتاب تصویری است. نمونه‌های خارجی در این زمینه زیادند و وقتی نویسنده و تصویرگر یکی بوده‌اند، آثار شاخصی تولید شده‌اند. پس این کتاب‌ها را باید در قالب کتاب‌های تصویری در نظر گرفت که در آن‌ها متن به شدت

کوتاه است. من این را یک اتفاق خیلی خوب می‌بینم به خصوص برای گروه‌های سنی پایین که هنوز دایره واژگان کمی دارند و نمی‌توانند متن‌های طولانی بخوانند. معمولاً تصویرگرانی که قصه را به خوبی می‌شناسند و قصه‌گو هستند، در این کارها موفق‌اند.

فولادوند: اگر بخشی از متن را تصویر روایت می‌کند، خیلی خوب است که نویسنده و تصویرگر یکی باشند یا اینکه با هم همکاری نزدیک داشته باشند. اما کم است تصویرگری که واقعاً بتواند خوب بنویسد یا نویسنده‌ای که خیلی خوب می‌نویسد بتواند به همان اندازه هم خوب تصویرگری کند.

❖ **نادری:** از آنجا که خاستگاه جشنواره رشد آموزش و پرورش است، دوست داشتیم سوژه‌هایی که در فضای مدارس هستند

به چشم بخورند. اما فقر موضوع درباره مدرسه کاملاً مشهود است. به نظر شما دلیل نپرداختن نویسندگان به این موضوعات چیست؟

فولادوند: به هر حال، وقتی نمی‌خواهیم به فضاهای واقعی بپردازیم، به مدرسه هم که بخشی از این فضای واقعی مدرسه است نمی‌پردازیم. یکی دیگر از دلایل این است که همه به نوعی می‌خواهند از مدرسه فرار کنند. گویی نادیده گرفتن مدرسه امری عامدانه است. علاوه بر این، یکی از دلایل حساسیت‌ها و ملاحظات زیاد است. مثلاً نمی‌توان با معلم‌ها شوخی کرد، نمی‌توان

مدیر را بد اخلاق توصیف کرد و نمی‌توان از آسیب‌هایی که در مدرسه‌ها هست نوشت. بنابراین، نویسنده‌ها ترجیح می‌دهند راجع به مدرسه داستان ننویسند.

توزنده‌جانی: من هم با موضوع محدودیت‌ها کاملاً موافق هستم. در کارگاه‌های داستان‌نویسی با نوجوانان هم با چنین موضوعی برخورد داشتیم. البته خیلی از این مسائل به سیاست‌های آموزش و پرورش ربط ندارد و به مدیران مدارس مربوط است. ادبیات کودک و نوجوان ما کم و کسری‌های زیادی دارد که این هم یکی از آن‌هاست و نویسنده‌های ما باید توجه ویژه‌ای به آن‌ها داشته باشند.

نادری: من هم یکی از دلایل این موضوع را در فقر ارتباط نویسنده با کودکان امروز می‌دانم. در حالی که باید با بچه‌ها زندگی کرد تا بتوان راجع به آن‌ها نوشت. نویسندگان ما در حال و هوای کودکان امروز نیستند.

نادری: این خوب است که کودکان را با ریشه‌های غنی میراث ادبیات خودمان آشنا کنیم، اما در عین حال احساس می‌کنم کتاب‌های تألیفی به لحاظ جذابیت‌های زبان و شگردهای خلاق داستانی، در مقایسه با آثار ترجمه، ضعیف‌ترند





منابع کمک‌درسی جایگزین کتاب درسی نیستند

بررسی مشکلات عمده کتاب‌های ریاضی در میزگرد داوران

اشاره

در پانزدهمین دوره جشنواره کتاب رشد، گروه ریاضی بررسی کتاب‌های همه دوره‌ها و پایه‌ها را برعهده داشت. از این‌رو به نگاه جمعی درخصوص آثار منتشر شده در این حوزه دست یافته است. شهرناز بخشعلی‌زاده، زهره پندی و سمیه سادات میرمعینی داوران گروه ریاضی هستند که در نشست با جوانه به نقاط قوت و ضعف آثار این حوزه و نیز نقش معلمان در ترویج آثار مناسب اشاره کردند.

✧ ناشران معتقدند که کتاب‌هایشان را متناسب با بازار و تقاضا عرضه می‌کنند و دانش‌آموزان و معلمان طالب این نوع کتاب‌ها هستند.

میرمعینی: این اشکال به دلیل نوع نگاه به ارزشیابی است. مثلاً دانش‌آموزان در دوره ابتدایی با ارزشیابی توصیفی آشنا می‌شوند، اما برای ورود به دوره متوسطه اول باید آزمونی بدهند که در آن، سؤالاتی طراحی می‌شوند که ربطی به برنامه درسی دوره ابتدایی ندارد. از این‌رو معلمی توانمند محسوب می‌شود که دانش‌آموزانش در این آزمون موفق شوند.

در این زمان است که اولیا و معلمان احساس می‌کنند به کتابی نیاز دارند تا بچه‌ها در آزمون موفق شوند. به همین دلیل است که این دست کتاب‌ها مانند قارچ رشد می‌کنند. نکته قابل توجه این است که در چهار پنج سال اخیر کتاب‌های تست وارد دوره ابتدایی هم شده‌اند. در دوره‌های قبل این موضوع به ندرت دیده می‌شد و به جز کتاب‌های کار و تمرین با سرگرمی، کتاب‌های دیگری برای دوره ابتدایی نمی‌دیدیم. به طور خلاصه، تلاش‌های چشمگیری در جهت تقویت برنامه درسی در این کتاب‌ها دیده نمی‌شود.

بخشعلی‌زاده: من می‌خواهم به موضوع مثبت‌تر نگاه کنم. در طول سال‌هایی که سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی کار خود

✧ در گروه ریاضی جشنواره پانزدهم کتاب‌های دوره‌ها و پایه‌های تحصیلی گوناگون باهم به داوری گذاشته شدند. با توجه به این موضوع، اگر بخواهید به نقاط قوت و ضعف کتاب‌های رسیده به این دوره از جشنواره اشاره کنید، به چه موضوعاتی می‌پردازید؟

پندی: نکته مثبت کتاب‌های امسال تنوع آن‌ها بود که قبلاً کمتر به چشم می‌خورد. مثلاً امسال علاوه بر کتاب‌های کمک‌درسی، کتاب‌های والدین و کتاب‌های جنبی-سرگرمی هم به دست ما رسیده بود. بیشترین تکنیک هم برای پوشاندن مشکلات درسی، تکرار بود. یعنی مؤلفان یک موضوع را تکرار می‌کنند تا بچه‌ها موضوع را یاد بگیرند. من در این زمینه شیوه چندان نویی ندیدم. به هر حال کتاب درسی فرصت محدودی دارد و کتاب‌های کمک‌درسی می‌توانند در راستای تقویت آن باشند، ولی تکنیک ویژه‌ای به این منظور ندیدیم.

میرمعینی: آنچه در کتاب‌های این دوره از جشنواره دیدیم، تنوع نسبی بود. مثلاً به کتاب‌های والدین و فعالیت‌های جانبی دانش‌آموزان، مانند سرگرمی‌ها، توجه شده بود. تقریباً هیچ‌کدام از کتاب‌ها به تکمیل و تقویت برنامه درسی ریاضی نپرداخته بودند و بیشتر به تکرار تمرین و بازار کتاب توجه داشتند.

تألیف فرصتی برای یادگیری بهتر و عمیق‌تر فراهم کند. این موضوع به فرهنگ‌سازی نیاز دارد. گرچه امسال کتاب‌هایی را ندیدم که به این استانداردها رسیده باشند، اما حرکت‌های چند سال اخیر به نظر من امیدوارکننده هستند.

❖ در میان کتاب‌هایی که بررسی کردید، چه نقطه ضعف مشترکی دیده می‌شد؟

بخش‌علی زاده: متأسفانه در کتاب‌های کمک درسی دوره ابتدایی دقت علمی مؤلفان کم است. این باعث می‌شود برخی تأکیدات و دقت‌های علمی لازم فراموش شوند. موضوع بعدی درباره تکرار تمرین‌هاست. زیاد بودن تمرین‌ها و حجم کتاب به معنی خوب بودن آن نیست. مثلاً در میان کتاب‌ها شاهد آثاری برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی هستیم که نزدیک به

۳۰۰ صفحه‌اند. یعنی حتی حجم کتاب از نظر فیزیکی با مخاطبش هماهنگی ندارد. دانش‌آموز با چنین کتابی چه تصویری از ریاضی پیدا می‌کند؟ آیا واقعاً به چنین کتابی نیاز دارد؟ با این کتاب‌ها به جای اینکه آن‌ها را جذب کنیم، دلزده می‌کنیم.

مشکل دیگری که بیشتر در کتاب‌های دوره متوسطه و دبیرستان به چشم می‌خورد، ذکر نشدن منابع از سوی مؤلفان است. شاید این یک مشکل فرهنگی باشد که فکر می‌کنیم اگر در تألیف کتابی از منابع متفاوت استفاده کنیم، کسرشان ماست. در نتیجه ما موارد زیادی را می‌بینیم که منابع خود را ذکر نکرده‌اند و امانت‌داری نمی‌شود. این در حالی است که نوشتن منبع می‌تواند چند فایده داشته باشد: نخست آنکه غنای علمی کتاب

را بیشتر می‌کند. چون نشان می‌دهد، مؤلف دیدگاه‌های متفاوت را بررسی کرده و بهترین را گزینش کرده است. گزینش خوب همان‌قدر اهمیت دارد که تألیف خوب. در عین حال، به معلم و خانواده در شناخت منابع دیگر کمک می‌کند.

موضوع دیگری که در کتاب‌ها به وضوح دیده می‌شود این است که برخی ناشران و مؤلفان گمان می‌کنند، اگر بگویند کتابشان بهتر از کتاب درسی است، فروش بیشتری خواهند داشت. شاید نبود اعتماد به کتاب درسی باعث شده است که برخی ناشران و مؤلفان به این موضوع دامن بزنند. در واقع آن‌ها نشان می‌دهند، مطالعه کتابشان دانش‌آموز را از مطالعه کتاب درسی بی‌نیاز می‌کند و این خطرناک است. کتاب کمک درسی باید همراه کتاب درسی باشد نه جایگزین آن.

یکی دیگر از مشکلاتی که در کتاب‌های کمک درسی دیده می‌شود، درخصوص هدف‌هاست. بسیاری از کتاب‌ها به فرایند و تفکری که کتاب درسی دنبال می‌کند بی‌توجه‌اند. ما معتقد نیستیم که کتاب کمک درسی باید مانند کتاب درسی آموزش

را شروع کرده است، گروه ریاضی به این مشهور بود که هیچ کتابی را تأیید نمی‌کند. دلیلش هم این بود که ما فکر می‌کردیم، اگر سعی کنیم استانداردها را بالا نگه داریم به این معنی که به بخش خصوصی خط بدهیم؛ آن وقت سامان‌دهی موفق خواهد بود. اگر می‌خواستیم استانداردها را پایین بیاوریم، شاید حرکتی شکل نمی‌گرفت.

امسال نسبت به سال گذشته و دوره‌های قبل می‌بینیم که بخش خصوصی حرکت‌های خوبی داشته است. یعنی کتاب‌هایی دیده می‌شوند که همراه و هم‌راستای کتاب درسی بالا آمده‌اند. گرچه کتاب‌های تست در دوره ابتدایی زیاد شده‌اند، اما به همان نسبت کتاب‌های کار بیشتر شده‌اند؛ گرچه هنوز تا نقطه مطلوب فاصله هست. شاید یکی از دلایل این موضوع تغییر هدف‌های برنامه درسی باشد. متأسفانه سنت‌های آموزشی ما و نگاه‌ها و رویکردهای بسیاری از معلمان که اغلب آن‌ها مؤلف هم هستند، تغییر نکرده است. اینکه ناشران می‌گویند ما با کتاب‌هایمان جواب‌گوی نیاز بازار هستیم، در واقع پاسخ‌گوی درخواست بازار هستند و نیاز با درخواست متفاوت است.

کتاب درسی ما متمرکز است و نمی‌تواند نیازهای همه مخاطبان را پوشش دهد. از طرف دیگر، دانش‌آموزانی با سطوح مختلفی داریم که نیازهای متفاوتی دارند و بخش خصوصی باید کمک کند که آن نیز پوشش داده شود. این نیاز است، اما درخواست چیز دیگری است. برخلاف نیاز، درخواست تغییر نکرده است و این متأثر از فرهنگ ماست. یکی از مشکلات ما در این زمینه آن است که برخی از واحدهای آموزشی مسئولیت آموزش را به منزل انتقال می‌دهند. یعنی انتظار دارند، والدین باری از آموزش مدرسه را به دوش بکشند. والدین هم سراغ کتاب‌هایی می‌روند که جواب داشته باشند تا بتوانند به آن‌ها کمک کنند. این درخواست است و به همین دلیل وقتی می‌گوییم پاسخ را به بچه‌ها ندهید تا بتوانند فکر کنند و به چالش کشیده شوند، ناشران می‌گویند این کتاب‌ها فروش ندارند.

بخش دیگر این موضوع مربوط به معلمان و دبیران است. دبیران با این استدلال که زمان کافی ندارند، کتاب‌هایی را ترجیح می‌دهند که جواب داشته باشند. جنبه مثبت موضوع این است که کتاب‌های دارای پاسخ به رشد دانش موضوعی معلمان کمک می‌کنند. فکر می‌کنم دلیل اینکه هنوز این مسیر ادامه پیدا می‌کند آن است که ناشران و مؤلفان هنوز با هدف‌های برنامه‌های درسی مانوس و آشنا نشده‌اند. شاید بهتر باشد سامان‌دهی، کارگاه‌هایی را به طور مشترک با دفتر تألیف کتاب‌های درسی اجرا کند.

مسئله بعدی آن است که «آموزش برای ارزشیابی» باید به «ارزشیابی در خدمت آموزش» تبدیل شود. بخش خصوصی هنوز به قضیه این‌طور نگاه کند که کتاب کار باید به یادگیری دانش‌آموزان عمق ببخشد، نه اینکه او را برای تست زدن آماده کند. سامان‌دهی هم دنبال آن نیست که دانش‌آموز را برای مدرسه یا نمره خاص آماده کند، بلکه می‌خواهد همراه با دفتر

بخش‌علی زاده: مسئله بعدی آن است که «آموزش برای ارزشیابی» باید به «ارزشیابی در خدمت آموزش» تبدیل شود. بخش خصوصی هنوز به قضیه این‌طور نگاه کند که کتاب کار باید به یادگیری دانش‌آموزان عمق ببخشد، نه اینکه او را برای تست زدن آماده کند



❖ با توجه به اینکه معلم رکن اصلی آموزش است و هنوز برای انتخاب کتاب مرجعیت دارد، فکر می‌کنید معلمان در ترویج منابع استاندارد و تغییر ذائقه دانش‌آموزان چه نقشی می‌توانند داشته باشند؟

پندی: احتمالاً به یک پژوهش میدانی نیاز داریم تا بدانیم اصلاً ذائقه معلمان چگونه است. ذائقه معلم باید همان چیزی باشد که ترویج می‌کند. این کتاب‌ها نیازهای کوتاه مدت معلمان را پاسخ می‌دهند. اگر بتوانیم به معلمان کمک کنیم که نیازهای بلند مدتشان را تشخیص دهند و بدانند به عنوان معلم دوره ابتدایی زیرساخت جبر را آماده می‌کند، آن وقت ذائقه معلمان تغییر پیدا می‌کند. اما اکنون آنچه به نظر مهم می‌آید، آزمون پایه ششم به هفتم است و معلمان هم مجبورند برای آن تلاش کنند. به این منظور از پایه سوم شروع به آموزش تست زدن می‌کنند. به نظرم تغییر ذائقه معلمان به صبر و کارهای زیادی نیاز دارد. اگر ذائقه معلم تغییر کند، می‌تواند سلیقه دانش‌آموز را هم تغییر دهد. ذائقه معلم هم متأثر از توانمندی، تخصص و دیدن افق‌های بعدی است. معلمان هم نشان داده‌اند که همراه هستند و کافی است آنچه را که لازم است، بدانند.

میرمعینی: در این زمینه معلم باید حرفه‌ای باشد و ما هم نگاه حرفه‌ای به معلمان داشته باشیم. این نگاه اکنون وجود ندارد. بنابراین معلم از کتاب کمک‌درسی به صورت حرفه‌ای استفاده نمی‌کند. اگر معلم واقعاً حرفه‌ای باشد، می‌تواند تشخیص دهد چه کتابی مناسب یا نامناسب است و در نهایت به نفع یادگیری دانش‌آموز (نه صرفاً به دلیل راضی نگه داشتن مدیر و اولیا) از کتاب کمک‌درسی استفاده کند. نمی‌توان گفت همه معلمان حرفه‌ای نیستند، ولی به نظر می‌رسد برای رسیدن به نقطه مطلوب باید تلاش بیشتری داشته باشند. به نظر می‌رسد جای کتاب‌هایی که در بستر زندگی روزمره دانش‌آموزان به موضوع‌ها بپردازند، خالی است. یعنی پرداختن به مصداق‌ها و مثال‌های کاربردی زندگی که دانش‌آموزان با آن‌ها سر و کار دارند و ریاضی می‌تواند به آن‌ها کمک کند. در این صورت مفاهیم برنامه درسی را بهتر می‌توانند یاد بگیرند. همچنین، جای خالی فعالیت‌هایی که در راستای تقویت برنامه درسی باشند، احساس می‌شود. با توجه به تأکید برنامه درسی ملی، این موضوع حائز اهمیت است.

❖ فکر می‌کنید دلیل کمبود این کتاب‌ها چیست؟

میرمعینی: به نظرم آگاهی معلمان در این زمینه اهمیت دارد. ما خیلی درباره برنامه درسی و شاخص‌های ارزیابی کتاب‌های کمک‌درسی صحبت می‌کنیم، اما چرا نمود این صحبت‌ها را در کتاب‌های کمک‌درسی و کمک آموزشی نمی‌بینیم؟ شاید در این زمینه به آموزش بیشتری نیاز است واقعاً باید آنچه در اسناد بالادستی بر آن‌ها تأکید شده است، آموزش داده شوند و معلمان از آن‌ها آگاهی یابند. اینکه در برخی کتاب‌ها تا حدی به ارزشیابی توصیفی توجه می‌شود، نشان می‌دهد که این علاقه وجود دارد، ولی اگر هنوز آن‌طور که باید و شاید توجه نمی‌کنند، به دلیل

بدهد، اما باید فعالیت‌هایی داشته باشد که دانش‌آموز ضعیف‌تر بتواند خود را به کتاب درسی برساند و دانش‌آموز قوی‌تر از کتاب فراتر برود. معلمان باید بدانند اگر کتابی با این ویژگی‌ها هست، لزومی ندارد همه دانش‌آموزان همه تمرین‌های آن را حل کنند. یعنی یکی از مشکلاتی که معلمان با کتاب‌های کمک درسی دارند، نحوه استفاده از آن‌هاست. اگر معلم بتواند دانش‌آموزان را با توجه به نیازهایشان دسته‌بندی کند شاید خیلی از مشکلاتش هم حل شود و هر کس متناسب با سطح خودش رشد کند. مشکل دیگری که در کتاب‌ها به چشم می‌خورد، قلم، صفحه‌آرایی و ظاهر کتاب‌هاست که با مخاطب متناسب نیست. در حالی که ظاهر کتاب باید جذابیت کافی داشته باشد تا مخاطب به آن توجه کند.

پندی: فرموله کردن و ارائه جمع‌بندی و نکته، و در کنار

آن ارائه سؤالی مرتبط با نکته‌ها، از جمله نقطه ضعف‌هاست. این کار باعث می‌شود دانش‌آموز در حل یک مسئله مرتبط با آن نکته موفق شود و حس کاذب یادگیری در او به وجود آید. در واقع، موفقیت در حل سؤال اتفاق می‌افتد، اما یادگیری اتفاق نمی‌افتد. البته معلمان هم گاهی همان نکته‌ها و سؤال‌ها را ارائه می‌دهند. این آسیبی است که در کتاب‌ها دیده می‌شود.

موضوع دیگر تکرار یک مسئله است که با یادگیری ریاضی که نیازمند دیدی جامع است، تفاوت دارد. بچه‌ها با ریاضی قرار است هدف‌های شناختی بالاتری را کسب کنند، اما این مدل نگاه به آموزش، دانش‌آموزان را به آن سطح نمی‌رساند. از سوی دیگر، موفقیت در حل مسئله باعث جذب مخاطب می‌شود. ما در مدرسه دانش‌آموزانی را می‌بینیم که فکر می‌کنند کتاب‌های کمک‌درسی معجزه می‌کنند، ولی بعد از مدتی آسیب می‌بینند. البته در برخی از کتاب‌ها توجه به ارزشیابی توصیفی هم دیده می‌شد. گویی به این سمت و سو حرکت می‌کنند که نمره و نکته کم‌رنگ شود، اما این موضوع در تعداد محدودی از کتاب‌ها به چشم می‌خورد.

❖ البته این جای امیدواری دارد و نشان می‌دهد که مؤلفان و ناشران می‌خواهند به این سمت حرکت کنند.

پندی: بله، ولی عجیب آن بود که کارها کپی یکدیگر بودند. اگر هر کدام از کتاب‌ها حاوی یک ایده بودند، خیلی امیدبخش‌تر بود. از سوی دیگر می‌بینیم که آیت‌های ارزشیابی توصیفی با زبان بچه‌ها نوشته نشده است. یا هدف‌های ابتدای فصل به زبان دانش‌آموزان نیستند و بنابراین به آن‌ها کمک نمی‌کنند. حتماً همه این‌ها یک قدم مثبت محسوب می‌شوند اما کافی نیستند.

پندی: ذائقه معلم باید همان چیزی باشد که ترویج می‌کند. این کتاب‌ها نیازهای کوتاه مدت معلمان را پاسخ می‌دهند. اگر بتوانیم به معلمان کمک کنیم که نیازهای بلند مدتشان را تشخیص دهند و بدانند به عنوان معلم دوره ابتدایی زیرساخت جبر را آماده می‌کنند، آن وقت ذائقه معلمان تغییر پیدا می‌کند

ناآگاهی ناشران و مؤلفان است.

بخشعلی زاده: نمی‌خواهم از تمام اتفاقاتی که در کتاب درسی می‌افتد، دفاع کنم، اما واقعیت این است که اگر اعتماد دانش‌آموز را از کتاب درسی بگیریم، عملاً دیگر چیزی برای او نمی‌ماند. یکی از معیارهای ما برای ارزشیابی کتاب کمک‌درسی این است که آن کتاب چقدر فرصت رجوع دانش‌آموز یا معلم را به کتاب درسی فراهم می‌کند. ما نمی‌خواهیم کتاب کمک درسی جایگزین کتاب درسی شود، بلکه می‌خواهیم حلقه واسط بین دانش‌آموز، معلم و کتاب درسی شود که به این نکته کمتر توجه شده است.

موضوع بعدی طور دیگر نگاه کردن به مفاهیم کتاب درسی است. نکته آن است که اگر دانش‌آموزی با کتاب درسی موفق شود به هدف‌های آموزشی برسد، اصلاً به کتاب کمک‌آموزشی نیازی ندارد. پس کتاب کمک درسی جایی نقش پیدا می‌کند که دانش‌آموزی به کتابی جز کتاب درسی نیاز پیدا کند. کتاب کمک درسی باید با «طور دیگر نگاه کردن» به مفاهیم درسی، به آن نیازها پاسخ دهد که البته کار دشواری است.

❖ **یک مجموعه از کتاب‌هایی که شاهد حضور آن‌ها در جشنواره هستیم.** کتاب‌های والدین است. استنباطی که از این کتاب‌ها وجود دارد، آن است که والدین با مطالعه آن‌ها بتوانند مستقیماً در آموزش فرزندانشان مشارکت داشته باشند. به نظر شما هدف از کتاب والدین چیست و ضعف کتاب‌های این حوزه در چیست؟

بخشعلی زاده: ابتدا باید نقش والدین در آموزش مشخص شود. والدین، معلم دانش‌آموزان نیستند. گرچه یادگیری به مدرسه منحصر نیست و در منزل ادامه پیدا می‌کند، اما این موضوع بدان معنی نیست که والدین بخواهند به فرزندشان ریاضی یاد بدهند. آموزش به عهده مدرسه است. کاری که والدین باید انجام دهند، این است که مانع آموزش نشوند. با توجه به تغییر رویکرد و نگاه‌های آموزشی، والدین باید بدانند که فرزندانشان مانند آن‌ها یاد نمی‌گیرند. از سوی دیگر، والدین باید با باید‌ها و نباید‌های آموزش و روش‌های جدید آشنا شوند. البته نه اینکه روش تدریس را یاد بگیرند، بلکه بدانند چگونه می‌توانند کمک کنند. بسیاری از کتاب‌های والدینی که در جشنواره می‌بینیم، والدین را با معلم اشتباه گرفته‌اند. یعنی اگر عنوان کتاب را تغییر دهیم، می‌تواند راهنمای معلم باشد. این اولین اشتباه رایج این نوع کتاب‌هاست. در حالی که باید رویکردها را به زبان والدین توضیح داد. در این صورت است که والدین می‌توانند برای ادامه یادگیری در منزل برای فرزندشان انگیزه ایجاد کنند. اگر قرار باشد خانه را به کلاس درس تبدیل کنیم، دانش‌آموز دلزده می‌شود. برای ایجاد فضای غیررسمی در خانه باید به بازی‌ها و سرگرمی‌ها توجه کنیم. اگر می‌خواهیم برای والدین فعالیتی طراحی کنیم، باید به گونه‌ای باشد که در فضای منزل و بافت خانواده شدنی باشد.

بنابراین در کتاب‌های والدین باید دو اصل رعایت شود:

۱. باید‌ها و نباید‌های رویکرد برنامه درسی مشخص شود.

۲. فعالیت‌هایی که در فضای خانواده قابل انجام‌اند، در قالب بازی و سرگرمی ارائه شوند.

میرمعینی: ما نباید دانش‌آموز را در یادگیری به والدین وابسته کنیم. به خصوص در ریاضی که باعث بدفهمی‌های زیادی می‌شود. بسیاری از والدین گمان می‌کنند آموزش در دوره ابتدایی آسان است، در حالی که شروع بدفهمی‌ها از همین دوره شروع می‌شود.

❖ **به طور کلی فکر می‌کنید برای نزدیک شدن به هدف‌های جشنواره چه باید کرد؟**

میرمعینی: فکر می‌کنم در زمینه ارتقای کیفیت کتاب‌های آموزشی ریاضی قدم‌های خیلی خوبی برداشته شده که نویدبخش فردای روشنی است. فعالیت‌های سامان‌دهی هم نقش خیلی مؤثری در این زمینه داشته‌اند؛ به ویژه با کارگاه‌هایی که به منظور آگاهی دادن به مؤلفان، ناشران و داوران برگزار شده است. نقش معلمان در داوری کتاب‌های کمک آموزشی در حال پررنگ شدن است و این خیلی خوب است، چرا که می‌تواند به حرف‌های شدن معلمان کمک کند. البته برای اینکه تغییرات مزبور به آنچه مدنظر ماست برسد، تلاش بیشتری لازم است که امیدوارم به آن نقطه برسیم.

بخشعلی زاده: از ناشران و مؤلفان می‌خواهم، از اینکه سامان‌دهی و داوران کتاب‌ها را رد می‌کنند، عصبانی نشوند. ما معتقدیم، اگر بخواهیم استانداردها را پایین بیاوریم، در واقع هیچ غربال‌گری خاصی انجام نداده‌ایم. ما ترجیح می‌دهیم استانداردها را بالا نگه داریم و امیدوار باشیم که حرکت بخش خصوصی هم شیب بیشتری پیدا کند. فکر می‌کنم نقش سامان‌دهی عملاً همین بوده و تغییر بارز در کتاب‌های آموزشی ریاضی نتیجه این فعالیت‌هاست.

درخواست دیگرم از بخش خصوصی توجه به نیازهای معلمان و تقویت آن‌هاست. البته مؤلفانی که وارد این حوزه می‌شوند، باید توانمندی‌های خاص خود را داشته باشند، ولی اگر ناشران همت کنند و در این حوزه گام بردارند، حاصل کارشان می‌تواند به تغییر نگاه معلمان و در نتیجه بهبود کیفیت آموزش کمک کند. گرچه تألیف ارزشمند است، اما اگر می‌بینیم هنوز راه زیادی برای تألیف چنین کتاب‌هایی داریم، ترجمه خوب هم می‌تواند به معلمان کمک کند و به اندازه تألیف مفید باشد. اگر معلمان را تقویت کنیم، آن‌ها هم کتاب‌های بهتری را انتخاب می‌کنند و در نتیجه هم‌افزایی خوبی ایجاد می‌شود.

میرمعینی: به نظر

می‌رسد برای رسیدن

به نقطه مطلوب باید

تلاش بیشتری داشته

باشند. به نظر می‌رسد

جای کتاب‌هایی که در

بستر زندگی روزمره

دانش‌آموزان به

موضوع‌ها پردازند، خالی

است. یعنی پرداختن به

مصادق‌ها و مثال‌های

کاربردی زندگی که

دانش‌آموزان با آن‌ها

سر و کار دارند و ریاضی

می‌تواند به آن‌ها کمک

کند





کارشناسان تعلیمات دینی از لزوم رعایت چارچوب در نوآوری‌ها می‌گویند:

سندیت در کتاب‌های دینی مهم است

اشاره

در حاشیه برگزاری پانزدهمین دوره جشنواره کتاب‌های رشد، «جوانه» میزبان تنی چند از کارشناسان حوزه تعلیم و تربیت دینی بود. محورهای این نشست موضوعاتی از قبیل چرایی کمبود آثار دینی، دغدغه ناشران در این حوزه، نحوه آشنایی ناشران با اصول حاکم بر برنامه درسی دینی و راهکارهایی برای تشویق مؤلفان و ناشران برای ورود به این بخش بود. کارشناسان حاضر در این جلسه معتقدند، اصلی‌ترین رسالت کتاب‌های کمک آموزشی برطرف کردن محدودیت‌های کتاب درسی است و مؤلفان و ناشران باید با توجه به این موضوع و نیز رعایت اصول برنامه درسی دست به تولید اثر بزنند. در غیر این صورت، آنچه با رویکردهای برنامه و کتاب‌های درسی تطابق نداشته باشد، از چرخه ارزیابی و معرفی به مخاطبان بازمی‌ماند. البته در این حوزه باید به یاد داشت که گرچه خلاقیت و نوآوری می‌تواند زمینه‌ساز تولید آثاری جذاب شود، اما باید در این حیطه هم چارچوب‌هایی را رعایت کرد. در این نشست، فاطمه رمضانی، یاسین شکرانی، سیدسجاد طباطبایی‌نژاد و رضانباتی به‌عنوان کارشناس حضور داشتند.

نسبت به ظاهر کتاب، پایین است. در نتیجه، مجموع امتیاز کتاب‌ها باعث تأیید آن‌ها می‌شود، اما وقتی بر میزان هماهنگی با برنامه درسی انگشت می‌گذاریم، آن وقت می‌بینیم معرفی آن کتاب چه بسا ممکن است مسیر یادگیری را منحرف کند. به این خاطر دلیل رد شدن آثار را به تفصیل توضیح می‌دهیم تا مؤلفان و ناشران هم بدانند چه مواردی باعث رد شدن اثرشان شده است. به نظر می‌رسد باید ضرایب را طوری تنظیم کرد که به هماهنگی کتاب با برنامه درسی امتیاز بیشتری اختصاص یابد. به این ترتیب، بخشی از مشکل حل می‌شود.

❖ **شکرانی:** البته حدود چهار پنج سال پیش اصلاحاتی در فرم‌ها صورت گرفت، اما فرم‌ها باز هم نیاز به اصلاح دارند. درس دینی حساسیت‌های خاص خود را دارد و دنبال ایجاد تربیت دینی و تعمیق باورهای دینی در مخاطب است. بنابراین، ما و مؤلفان باید در تألیف، نکاتی را لحاظ کنیم. علاوه بر این، در خصوص تربیت دینی در جامعه ما رویکردهای متفاوتی وجود دارد؛ آنچه گروه تعلیم و تربیت دینی مبنای کار خود قرار داده است، اندیشه‌های امام خمینی (ره)، شهید مطهری و مقام معظم

❖ **جوانه:** به نظر شما مهم‌ترین مشکل کتاب‌های کمک آموزشی حوزه تعلیم و تربیت دینی چیست؟ راه‌حلی که می‌توان دنبال کرد کدام‌ها هستند؟ خیلی از ناشران هنوز نمی‌دانند چرا کتاب‌هایشان رد می‌شود. آن‌ها برای شروع تولید آثار استاندارد باید چه کار کنند؟

❖ **رمضانی:** یکی از مشکلاتی که در گروه تعلیم و تربیت دینی داریم، این است که در این گروه، آثاری هم که با هدف کمک آموزشی نوشته نشده‌اند، بررسی می‌کنیم. مثلاً کتاب کمک آموزشی ریاضی ویژگی‌های خاصی دارد، اما در حوزه دینی، برخی کتاب‌ها از جمله کتاب‌های داستان وارد گروه می‌شوند که باید بررسی شوند و انتظار اینکه آن کتاب‌ها با برنامه درسی هم‌جهت باشند انتظار بعیدی است و اتفاقاً ما هم در میان آن‌ها دنبال کتاب‌هایی می‌گردیم که با برنامه درسی هم‌خوانی داشته باشند تا معلمان بتوانند از آن‌ها استفاده کنند. بنابراین، نباید تعجب کنیم که کتاب‌های زیادی تأیید نمی‌شوند.

مشکل دیگر در حوزه فرم‌های ارزشیابی است. در این فرم‌ها ضریب امتیاز بخش مربوط به ظاهر و کتاب‌سازی زیاد است. در مقابل، امتیاز مربوط به محتوا و هماهنگی با برنامه درسی،

رهبری است.

برای نزدیکی ناشران و مؤلفان به اندیشه‌ها و رویکردهای مان باید آن‌ها را توجیه کنیم و مواد آموزشی لازم را در اختیارشان قرار دهیم. در غیراین صورت نمی‌توان از آن‌ها انتظاری داشت. پیشنهاد من این است که دوره‌های آموزشی برای آن‌ها برگزار کنیم و اهدافمان را برایشان توضیح دهیم یا فیلم‌ها و مواردی را که برای آموزش معلمان تهیه کرده‌ایم، در اختیارشان قرار دهیم.

● **طباطبایی نژاد:** در حوزه کتاب‌های مربوط به دوره ابتدایی، ناشران و مؤلفان سعی می‌کنند از داستان‌پردازی برای بیان یک داستان اخلاقی یا واقعه استفاده کنند. به این ترتیب، تلاش دارند تصویر و روایت جذابی را ارائه کنند. این خلاقیت اگر خلاف اصول برنامه درسی باشد، به آن ضربه می‌زند. مثلاً گاه با آثاری روبه‌رو هستیم که چهره‌ای از پیامبران یا جنسیت فرشتگان را در تصاویر ارائه داده‌اند، در حالی که براساس اصول حاکم بر محتوای دینی، ما نباید برخی مسائل را با تصویر ارائه دهیم. گاهی در بعضی از کتاب‌ها، خلاقیت سندیت را فدا می‌کند. بنابراین، وقتی وارد حوزه تولید آثار دینی می‌شویم با حساسیت‌هایی روبه‌رو هستیم که در گروه‌های دیگر مدنظر نیست. در مورد فرم‌های ارزشیابی به نظر می‌رسد باید برای ارزیاب‌ها جلسات توجیهی برگزار شود. علاوه بر این، درباره اصول حاکم بر برنامه درسی می‌توانیم با ناشران گفت‌وگو کنیم تا با اصول برنامه و نیز اصول ارزیابی آشنا شوند.

● **رمضانی:** البته اسنادی درباره معیارهای آثار مناسب تولید شده‌اند. ناشران باید بازخوردی ارائه دهند که آن اسناد چه قدر به آن‌ها کمک کرده و چه قدر ابهام داشته‌اند. شاید به این ترتیب در بازنگری و تولید راهنماهای جدید به ما کمک شود.

● **نباتی:** ما باید با توجه به اسناد تحولی مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند برنامه درسی ملی، نظام‌نامه تولید منابع کمک‌آموزشی را براساس حوزه‌های یازده‌گانه تربیت و یادگیری تنظیم کنیم. مثلاً در حوزه تعلیم و تربیت دینی چارچوب و اهداف برنامه و معیارها و نیازهایمان را مطرح و برنامه‌هایمان را تبیین کنیم، به تصویب برسانیم و ابلاغ کنیم. بخشی از این نظام‌نامه به ویژگی‌های عمومی مربوط است و برخی اختصاصی گروه‌های درسی و نیز ملاحظات است که باید در تصویرگری رعایت شود. همچنین، باید قواعد نوآوری را مشخص کنیم تا مؤلفان بدانند برای نوآوری هم چارچوبی وجود دارد.

یکی از دلایل موفق نشدن ما در حوزه کتاب‌های دینی آن است که در تربیت دینی فرهنگ شفاهی غالب است. یعنی افراد خود را به کتاب نیازمند نمی‌دانند. از این رو منابع دینی مکتوب کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. بنابراین، ابتدا باید کاری کنیم که منابع مکتوب دینی به چشم بیایند. از سوی دیگر، ادبیاتی که در

حوزه تربیت دینی داریم، همان ادبیات قدیم است که مخاطب مجذوبش نمی‌شود. کلیشه‌ای و تکراری بودن قلم‌ها جذابیت فرهنگ مکتوب ما را بالا نمی‌برد.

● **جوانه:** به نظر شما چه راهی وجود دارد برای آن که هم معیارهای مورد نظر حوزه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی رعایت شود و هم به دغدغه ناشران پاسخ داده شود؟ به هر حال، با وجود اینکه در زمینه کتاب‌های دینی نیاز زیادی داریم، اما بسیاری هنوز نمی‌دانند چگونه موضوعات را پرورش دهند. از سوی دیگر، حتی اگر این قواعد رعایت شود، دانش‌آموزان به مطالعه علاقه نشان نمی‌دهند. بنابراین ناگزیریم تن به مسائلی بدهیم؛ از جمله اینکه ناشر مجبور می‌شود برای جذابیت کتاب از تصویر استفاده کند.

● **طباطبایی نژاد:** به نظر من امکان ایجاد راهی میانه وجود دارد، اما فرایندش به دلیل حساسیت و زمان‌بر بودن کار را سخت می‌کند. به همین دلیل، ناشران به سمت این کار نمی‌روند. مگر ما نمونه‌های موفق که بتوانند الگو باشند کم داریم؟ یا مگر نتوانسته‌ایم در کتاب درسی الگویی ارائه دهیم؟ به نظر می‌رسد این اشکال برمی‌گردد به تیمی که در تولید کتاب کار می‌کنند و باید بین مسائلی که می‌توانند وارد شوند دست به انتخاب بزنند.

از سوی دیگر، ما هم باید جوانب انگیزشی ناشران را برای ورود به جشنواره مدنظر قرار دهیم. ناشرانی که برای رفع نیاز ما و دانش‌آموزان کتاب دینی تولید می‌کنند، چرا در جشنواره حضور پیدا نمی‌کنند؟ شاید چون خیلی از آن‌ها اطلاع نداشته باشند.

● **جوانه:** در تولید آثار دینی افراد انگیزه‌هایی دارند که در حوزه‌های دیگر کمتر است. با این حال، منابع کم‌اند و چندان قوی نیستند.

● **رمضانی:** بحث کتاب‌های دینی با کتاب‌های آموزشی دیگر قابل مقایسه نیست. در حوزه‌ای مانند ریاضی، قالب‌ها شناخته شده‌اند. البته در آن حوزه هم کتاب‌هایی که مطابق رویکردهای جدید باشند کم‌اند. اما چرا ناشران و مؤلفان خیلی سعی می‌کنند تولیدات خودشان را در قالب ما جای دهند؟ چون می‌دانند کتاب‌هایشان مشتری دیگری ندارد و باید تولیداتشان را به دانش‌آموزان بفروشند، پس طبیعی است سعی کنند به استانداردها نزدیک شوند. اما در مورد کتاب‌های داستانی دینی، ناشر اصلاً چنین نیازی را حس نمی‌کند. او بازار خودش را دارد و لزومی هم نمی‌بیند بداند ما دنبال چه چیزی هستیم. کتاب داستان می‌تواند کارکرد آموزشی هم داشته باشد. وقتی

طباطبایی نژاد: گاه با آثاری روبه‌رو هستیم که چهره‌ای از پیامبران یا جنسیت فرشتگان را در تصاویر ارائه داده‌اند، در حالی که براساس اصول حاکم بر محتوای دینی ما نباید برخی مسائل را صریح بگوییم یا تصویر ارائه دهیم



می‌خواهید از کارکرد آموزشی‌اش حرف بزنید، باید ویژگی‌هایی داشته باشد، از جمله اینکه نمی‌تواند هر داستانی را انتخاب و روایت یا هر تصویری را استفاده کند.

❖ **جوانه: حال فکر می‌کنید به چه راهکاری می‌توان دست یافت؟**

❖ **نباتی:** می‌توان در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی گروه‌های منابع کمک‌درسی تشکیل داد. در این گروه‌ها، ناشران و مؤلفان را دعوت کنیم و جلسات مستمری با آن‌ها داشته باشیم. حتی می‌توانیم کسانی را که طی این سال‌ها آثار مناسبی تولید کرده‌اند و به این حوزه علاقه‌مندند را جلب و سازمان‌دهی کرده و کاری را شروع کنیم که به یک جریان فکری تبدیل شود. به نظر می‌رسد، به این ترتیب می‌توانیم به نتیجه برسیم و ناشران را برای حرکت به سمت استانداردها تشویق کنیم.

فاطمه رمضانی: علاوه بر کتاب، ناشران می‌توانند رسانه‌های کمک آموزشی دیگری هم تولید کنند که بتواند در بسته آموزشی قرار گیرد و به دانش‌آموزان کمک کند

می‌دهند. درواقع، به جایی برسیم که معلم دنبال کتاب خوب باشد و کتاب درسی اینقدر پرنرنگ نباشد. از سوی دیگر، باید به این سؤال پاسخ دهیم که برای ناشر و مؤلف برگزیده چه اتفاقی می‌افتد؟ چه ظرفیتی برای آن‌ها ایجاد می‌شود؟ وقتی کتابی انتخاب می‌شود، تضمینی برای بازارشان وجود ندارد. می‌توانیم ظرفیتی ایجاد کنیم که این کتاب‌ها در مدارس استفاده شوند.

❖ **طباطبایی‌نژاد:** به نظر من، باید از ناشران و مؤلفانی که با جشنواره آشنا هستند دعوت کنیم. خود ناشران خوب می‌دانند چه چیز باعث ایجاد انگیزه در آن‌ها می‌شود. مؤلفان هم خوب می‌دانند چگونه می‌توان اصول برنامه درسی را منتقل کرد. در مرحله بعدی کتاب‌های دینی را با حساسیت بیشتری دنبال کنیم و انگیزه ناشران و مؤلفان را بالا ببریم.

❖ **جوانه: برای تولید آثار دینی استاندارد چه ایده‌ای به ناشران می‌توانید بدهید؟**

❖ **رمضانی:** رسالت کتاب کمک‌آموزشی این است که محدودیت‌های کتاب درسی را بشکند و آنچه را در کتاب درسی ارائه نشده است بیان کند. مثلاً یکی از اهداف کتاب دینی پایه دوم ابتدایی این است که دانش‌آموزان مفهوم مهربانی خداوند را درک کنند. کتاب درسی به این منظور یکی دو داستان نقل کرده است. اما نمونه‌های بسیار فراوانی وجود دارند که اگر مطابق حساسیت‌های برنامه درسی روایت شوند، این مفهوم را عمیق‌تر می‌کنند. بنابراین، ناشران در این حیطه هم می‌توانند وارد شوند. یکی دیگر از محدودیت‌های کتاب درسی سبک‌های گوناگون یادگیری است که کتاب درسی می‌تواند به یکی از آن‌ها بپردازد. علاوه بر این‌ها، ما در فعالیت‌ها موقعیت‌هایی را مطرح می‌کنیم که دانش‌آموز یافته خود را در موقعیتی شبیه به زندگی به کار ببندد. ما در کتاب درسی دو سه موقعیت را مطرح می‌کنیم که بیشتر بچه‌ها آن را تجربه کرده باشند، اما کتاب کمک‌آموزشی می‌تواند موقعیت‌های بیشتری را ایجاد کند. بنابراین، ناشران می‌توانند از محدودیت‌های کتاب درسی بیرون بیایند و انواع کتاب‌ها را متناسب با برنامه درسی تولید کنند.

علاوه بر کتاب، ناشران می‌توانند رسانه‌های کمک‌آموزشی دیگری هم تولید کنند که بتواند در بسته آموزشی قرار گیرد و به دانش‌آموزان کمک کند. یعنی ناشران می‌توانند در تولید دیگر اجزای بسته آموزشی، با رعایت استانداردها، مشارکت کنند، البته همه این موضوعات نیازمند برنامه‌ریزی مفصلی است.

❖ **رمضانی:** ناشران در جلسات متعدد بارها درباره نیازهای ما سؤال کرده‌اند. من در پاسخ از نیازهای حقیقی‌مان مانند تنوع در ارائه مطالب متناسب با سبک‌های یادگیری و نیاز به سطوح گوناگون یادگیری گفته‌ام و آن‌ها می‌گویند آنچه شما می‌خواهید بازار و مشتری ندارد.

بنابراین وارد چنین حوزه‌ای نمی‌شوند. ناشر باید حمایت شود و نگران فروش اثرش نباشد تا در این زمینه مطابق استانداردها فعالیت کند. به نظر می‌رسد در میان راهکارها باید به این موضوع هم توجه داشته باشیم.

اگر دلمان شور تربیت دینی را می‌زند، باید برای این بخش حمایت‌هایی قائل باشیم تا بتوانیم ناشران را به مسیر صحیح هدایت کنیم. یعنی کتاب‌ها از ارائه اطلاعات صرف خارج شوند. موضوع اصلی، آینده کشور است که باید افراد دین‌دار آن را اداره کنند و انسان دین‌دار کسی نیست که صرفاً اطلاعات دینی داشته باشد. پس باید حمایت‌های بیشتری در این زمینه داشته باشیم تا مسیر تصحیح شود.

❖ **نباتی:** ما در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی سیاست چندتألیفی را دنبال می‌کنیم. می‌توان از این سیاست در حوزه تولید کتاب‌های دینی استفاده کرد. مثلاً بخش خصوصی با نظارت ما منابعی را تولید کند که قابل استفاده باشد؛ کتاب‌هایی که در استانداردهای ما می‌گنجد و کتاب درسی را پوشش



فرد متفکر از همه ابزارهای شناختی استفاده می‌کند

بررسی چالش‌های پیش روی حوزه تفکر در میزگرد داوران تفکر و پژوهش

اشاره

حوزه تفکر و پژوهش از جمله حوزه‌های جدید یادگیری است که در «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» بر آن تأکید شده است. حوزه‌ای که شاید بتوان آن را چتری بر دیگر حوزه‌ها دانست که البته هنوز آن‌طور که باید و شاید برای ناشران و مؤلفان تبیین نشده است. شاید به همین دلیل هم باشد که تعداد آثار تألیفی در این زمینه کمتر از آثار ترجمه شده است. چرایی و ضرورت پرورش تفکر، نیازهای مخاطبان در ارتباط با این حوزه و فعالیت‌هایی که ناشران می‌توانند داشته باشند، از جمله موضوعاتی هستند که طی نشست‌های در حاشیه برگزاری «جشنواره کتاب رشد» بررسی شدند. میترا دانشور، محمدحسن حسینی و احمد غلامحسینی داوران این حوزه‌اند که به بررسی این موضوعات پرداختند.

پیش طراحی شده برخوردار نیستند. در حالی که باید براساس یک نقشه منسجم به مهارت‌های تفکر بپردازند. همچنین موضوعاتی داشته باشند که بچه‌ها دوست دارند درباره آن‌ها اظهار نظر کنند و با تجربیات آن‌ها هماهنگ است. اگر نگوییم جای این کتاب‌ها خالی است. اما حضورشان کم‌رنگ است.

نکته دیگر در باب ابزارهای مناسب است. گرچه داستان ابزار خوبی است، اما باید طوری باشد که دانش آموز میل و انگیزه داشته باشد آن را بخواند و توانایی اظهار نظر راجع به آن را داشته باشد. به غیر از داستان، جای فیلم مناسب هم خالی است و اغلب فیلم‌هایی که استفاده می‌کنیم، تولید کشورهای دیگرند. نمی‌گوییم که استفاده از تولیدات کشورهای دیگر خوب نیست، ولی خوب‌تر این است که تولیداتی هم در این زمینه داشته باشیم که با فرهنگ خودمان سازگار باشد و بچه‌ها بتوانند با آن همذات‌پنداری داشته باشند. این‌ها از آسیب‌هایی هستند که در حوزه پرورش تفکر باید مورد توجه قرار گیرند.

حسینی: در مورد حضور ناشران در این زمینه باید گفت، بخش بازرگانی ناشران این روزها بیشتر از بخش تولید محتوا در این زمینه فعالیت دارد. در تجدید چاپ کتاب‌ها بخش بازرگانی ناشران تصمیم می‌گیرد. یکی از موضوعات کلیدی در زمینه پرورش تفکر وجود کتاب‌های حل المسائل است. تصور مربیان یا خریداران کتاب،

جوانه: با توجه به اینکه تفکر یکی از حوزه‌های یادگیری است، اگر اجازه بدهید از این فرصت استفاده کنیم و کتاب‌هایی را که در این حوزه منتشر می‌شوند، آسیب‌شناسی کنیم و این موضوع را بررسی کنیم که: آیا تولیدات ناشران توانسته‌اند نیازهای مخاطبان ما را برطرف کنند یا نه؟

دانشور: یکی از آسیب‌های نشر در حوزه پرورش تفکر، این است که به جای کتاب‌هایی که تفکر را پرورش دهند، کتاب‌های کار و تمرین بیداد می‌کنند. از پیش‌دستانی تا پیش‌دانشگاهی کتاب‌های کار و حل المسائل‌ها را به راحتی می‌توان پیدا کرد، اما کتاب‌هایی که تفکر را پرورش دهند، انگشت‌شمارند. البته خوشبختانه در سال‌های اخیر حرکت‌هایی مشاهده می‌شود، ولی فکر می‌کنم این حرکت هنوز سطحی است.

نکته دیگر این است که بسیاری از کتاب‌هایی که درباره پرورش تفکر می‌بینیم، به مبانی اسناد بالادستی در این حوزه بی‌توجه هستند. در میان همان ۱۵ نسخه کتابی که در این دوره به دست ما رسیده است، برخی از آن‌ها نسبت به مبانی تعلیم و تربیت در کشور حساس هستند و برخی از کتاب‌ها فقط تا حدودی به مبانی توجه داشته‌اند. ولی برخی از آن‌ها براساس مبانی مغایر با مبانی، فلسفه تعلیم و تربیت و پرورش تفکر در کشور ما هستند.

غلامحسینی: برخی از این کتاب‌ها از انسجام و برنامه مدون و از





از جمله والدین، از کتاب‌های کمک‌آموزشی حل‌المسائل است. در حالی که این کتاب‌ها غیر از تنبیل کردن ذهن بچه‌ها و ایجاد انتظار در آن‌ها برای اینکه برای هر سوال دنبال جواب مشخصی باشند، فایده دیگری ندارد. در نتیجه از نظر آن‌ها یادگیری به همین معنا تلقی می‌شود. در حالی که همه می‌دانند، این غلط است. به نظر من یکی از آموزه‌های مدارس یادگیرنده این است که در ارزیابی به جای اینکه به جواب‌های بچه‌ها نمره دهیم به بهترین پرسش نمره دهیم، این می‌تواند تفکر را در مدرسه کلید بزند. بچه‌ها اشکالی ندارد که به جواب مشخصی نرسند. مهم این است که بکوشند مسئله را حل کنند. در زندگی مسائلی پیش می‌آیند که ممکن است در حل آن‌ها به پاسخ نرسید، اما در فرایند حل مسئله چیزهایی یاد بگیرید که ارزشش از آن پاسخ بیشتر است. این همان ویژگی جست‌وجوگری و پرسشگری در بچه‌هاست. کسی نمی‌گوید مهارت‌های زندگی فقط در حوزه تفکر فلسفی است. تفکر ممکن است جنبه‌های زیادی را پوشش بدهد که نگاه فلسفی یکی از آن‌هاست. اما به نظر می‌رسد به طور کلی کتاب‌هایی که چاپ می‌شوند با برنامه نیستند.

❖ **جوانه:** به نظر شما ناشران و جشنواره این وظیفه و نقش را دارند که درباره تفکر و پژوهش تغییر دیدگاه فرهنگی ایجاد کنند؟

غلامحسینی: بله. اگر حوزه‌ای گستره بیرونی نداشته باشد، تمایز وجود خواهد داشت. ما کار خودمان را می‌کنیم و خانواده کار خود را. هر دگرگونی که می‌خواهد اتفاق بیفتد باید یک حامی داشته باشد. از نظر والدین درس‌های مهم‌تر درس‌هایی هستند که نتیجه آن‌ها در کارنامه قابل مشاهده است. ما باید تغییراتی را که در حوزه پرورش تفکر اتفاق می‌افتد، برای والدین روشن کنیم تا بدانند چگونه می‌توانند در رفتارهای فرزندانشان خروجی پرورش تفکر را ببینند.

❖ **جوانه:** مخاطبان ما چه نیازهایی دارند که باید ناشران از آن‌ها اطلاع داشته باشند؟

دانشور: وقتی صحبت از نیاز به پرورش تفکر می‌شود، گاهی منظور نیاز زمان حال است که برخی متوجه آن شده‌اند و برخی متوجه نشده‌اند؛ اما بحث نیاز در آینده هم وجود دارد. تحولات فناوری در سال‌های گذشته زندگی ما را دگرگون کرده‌است. برنامه‌های متفاوت و رسانه‌های گوناگون تأثیرات مثبت و منفی بسیاری بر زندگی ما گذاشته‌اند. طبیعتاً این رشته فناوری ادامه خواهد داشت و سرعت آن هم به قدری زیاد است که شاید حتی ما نتوانیم بگوییم پنج سال آینده جامعه به چه صورت خواهد بود. بنابراین، در آموزش‌هایی که ارائه می‌دهیم، نباید فقط نیازهای امروز را در نظر بگیریم، بلکه باید نیازهای آینده را هم مدنظر قرار داد. از آنجا که این نیازها به صورت صددرصد قابل پیش‌بینی نیستند، باید توانمندی‌هایی را در فرد به وجود آورد که فارغ از هر زمان و مکانی و با هر شرایطی فرد بتواند به کمک آن‌ها مسائلش

را حل کند. مانند پرسشگری و جست‌وجوگری که وابسته به زمان و مکان نیستند، اما مسائلشان ممکن است وابسته به زمان و مکان باشد.

حسینی: در این زمینه باید نگاه کلی‌تری داشته باشیم. اگر بخواهیم یادگیرندگی را در معلمان، مدرسه، جامعه‌ای که در تعامل با دانش‌آموز است و همه افرادی که در این سیستم حضور دارند، مطرح کنیم، موضوع از مدرسه فراتر می‌رود.

دانشور: شما حوزه مخاطبان را گسترش می‌دهید که من هم آن را قبول دارم. یعنی مخاطب ما در حوزه پرورش تفکر فقط کودک و نوجوان نیست و به آموزش والدین و مربیان نیاز داریم. به نظر من، می‌توانیم انواع تفکر را پرورش دهیم، مثل تفکر «حل مسئله» که با روش کاوشگری می‌توان آن را آموزش داد، اما این تفکر کافی نیست. تفکر خلاق، تفکر سیستمی و تفکر انتقادی همه مهم هستند. همچنین موضوعاتی مانند سواد اطلاعاتی و سواد رسانه‌ای و انواع سوادهایی که امروز مطرح هستند زیرمجموعه چتری قرار می‌گیرند به اسم تفکر. یعنی تفکر که پرورش پیدا کند، در مورد موضوعات متنوعی از جمله رسانه و اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما این‌ها به طور ناگهانی ایجاد نمی‌شوند. گام‌به‌گام باید به خرده مهارت‌هایی برای گروه‌های سنی متفاوت و موقعیت‌های مؤثر یادگیری تبدیل شود. یکی از آن موقعیت‌ها می‌تواند موقعیت واقعی زندگی باشد. پس از آن است که می‌رسیم به چگونگی آموزش. اکنون روی یک شیوه تمرکز شده است که داستان‌ها هستند و متأثر از کار لیپمن است که شاید اولین مدلی بود که برای پرورش تفکر وارد کشورمان شد. کتاب‌های دوبونو و اسکار برنی بعد از آن ترجمه شدند. یعنی ترجمه - که البته بد هم نیست چون این افراد در زمینه پرورش تفکر افراد بزرگی هستند - بر حوزه نشر سایه انداخته است. طبیعتاً کار لیپمن در زمان خود خیلی خوب بود؛ اما الان فقط استفاده از داستان کفایت نمی‌کند.

حسینی: یکی از ایراداتی که به افرادی مانند لیپمن گرفته می‌شود، این است که آن‌ها داستان‌نویس نیستند و با عقل کل سراغ ادبیات آمده‌اند و می‌خواهند مضمون را وارد داستان کنند. از این‌رو جذابیتی که در داستان‌ها و افسانه‌های ما هست، در این داستان‌ها نیست. ما معمولاً این داستان‌ها را ترجمه می‌کنیم، ولی با برنامه سراغ افسانه‌ها و داستان‌های خودمان نمی‌رویم. هر قصه و متنی مناسب کارگاه آموزش تفکر بچه‌ها نیست.

دانشور: یکی از نکات مثبت کتاب‌هایی که امسال به دست ما رسید، این بود که سراغ ادبیات بومی ایران رفته‌اند. اما نکته‌ای که جنبه منفی پیدا می‌کند این است که فقط سراغ داستان برویم. البته آثاری هم بودند که از انیمیشن، فیلم کوتاه، آزمایش، نمایش و بازی‌ها استفاده کرده بودند. فکر می‌کنم این را باید از نکات مثبت به حساب آورد و خوب است که سایر معلمان هم سراغ آن بروند. اما برای پرورش تفکر موقعیت‌هایی هم هست که در زندگی واقعی بچه‌ها وجود دارند. فکر می‌کنم از این نظر ما هنوز کمبود داریم.

❖ **جوانه:** پس نظر شما این است که مربی یک موقعیت واقعی

را ایجاد کند؟

دانشور: مثلاً پرسشگری باید در موقعیت‌های واقعی زندگی اتفاق بیفتد. پرسشی که ارزش صرف زمان و هزینه را داشته باشد تا به جواب‌های خوب برسد. صرفاً پرسشگری برای پرسشگری نباشد.

غلامحسینی: پرورش تفکر را نباید به معلم و دانش‌آموز منحصر کنیم، بلکه والدین و جامعه را هم باید در آن شریک کنیم. اگر چنین برنامه‌بزرگی را در نظر بگیریم، آن زمان می‌توانیم حامی مناسب هم پیدا کنیم. در این صورت به جای اینکه والدین در مقابل برنامه‌های درسی قرار بگیرند، خودشان حامی برنامه‌پرورش تفکر می‌شوند. نکته دیگر این است که: در جعبه ابزار ذهن کودک چقدر تفکر منطقی باید قرار دهیم و چقدر تفکر سیستمی و خلاق؟ از هر کدام چه اندازه باید باشد که دانش‌آموز هم به نیازهای حال بتواند پاسخ بدهد و هم به نیازهای آینده؟ از کجا باید شروع کنیم؟ این شروع در خیلی از کتاب‌ها گم شده است یا خیلی ساده و پیش‌پا افتاده است.

دانشور: من تفکر را از نوع مهارت‌های زندگی نمی‌دانم. تفکر یک توانایی ویژه انسان است که در زیرمجموعه این توانایی، مهارت‌هایی قرار می‌گیرد. من انسان متفکر را فردی می‌دانم که در وهله نخست این مهارت‌ها را دارد. همچنین ویژگی‌ها و منش‌هایی دارد که در برخی از این کتاب‌ها به آن‌ها پرداخته نمی‌شود. تفکر، جست‌وجوگری و حل مسئله کار سختی است. آدم متفکر روی موضوعاتی فکر می‌کند و ایدئولوژی و باورهایی دارد که آن‌ها را انتخاب کرده است. از ترکیب این جنبه‌ها فرد متفکر بیرون می‌آید. تفکر یک ویژگی است که صرفاً مهارتی نیست و باید در کتاب‌ها به این نکته توجه شود.

کتاب‌های پرورش تفکر به افراد کمک می‌کنند تا طرز تلقی خودشان برایشان روشن شود. همچنین باید کمک کنند فرد متفکر از همه ابزارهای شناخت استفاده کند. مشاهده یک جنبه از منابع شناختی حواس ماست. در حالی که ما عقل، نقل و شهود را هم داریم. فرد متفکر یاد می‌گیرد که از همه این منابع استفاده کند. من فکر می‌کنم این موضوع هنوز در کتاب‌های پرورش تفکر مغفول است. البته از یک کتاب نمی‌توان انتظار داشت همه این‌ها را با هم داشته باشد.

جوانه: فکر می‌کنید ناشران چگونه می‌توانند در ارتقای سطح کتاب‌های این حوزه فعالیت کنند؟

دانشور: من فکر می‌کنم ترجمه هم بر روندی که برای پرورش تفکر طی می‌کنیم، تأثیر گذاشته است. ما و مؤلفان در وهله اول باید مفهوم تفکر را تعریف کنیم و مدل و برنامه برای آن داشته باشیم. ممکن است ناشری برای این کار برنامه داشته باشد و از مؤلف برای پیاده کردن برنامه‌اش کمک بگیرد. برای تولید کتابی که هم مهارت‌های تفکر و هم صفات و ویژگی‌های منش تفکر را پی بگیرد، برنامه، مدل، ابزارسازی و روش‌های مناسب لازم است. سپس باید به زبان مخاطبان مختلف و گروه‌های سنی

متفاوت در بیاید. لذا این حوزه از نشر بکر است و جای کار زیادی دارد.

از سوی دیگر، این حوزه مورد نیاز جامعه است و تصور من این است که جشنواره باید ناشران را به این سمت هدایت کند. یعنی ناشران وسعت کار را شناسایی کنند و منتظر مؤلف نباشند. می‌دانم ناشرانی هستند که اتاق فکر آماده کرده‌اند و برای این کار برنامه‌ریزی چند ساله دارند. این خیلی خوب است که جامعه نیاز را تشخیص داده است. فکر می‌کنم با تعامل دوطرفه بین ناشران و جشنواره، حوزه نشر کتاب‌های پرورش تفکر می‌تواند آثاری منسجم‌تر و با کیفیت بهتر ارائه دهد. گرچه کارهای خوبی انجام گرفته است، اما هنوز جای کار زیادی وجود دارد.

حسینی: آدم‌ها با روش‌های متفاوتی یاد می‌گیرند و ذائقه‌های متفاوتی دارند. به همین دلیل در اتاق‌های فکر باید مدل‌های ذهنی

گوناگون حضور داشته باشند. یعنی طراحان بازی، اندیشمندان، مربیان، نویسندگان و شاعران در اتاق‌های فکر ناشران تعامل داشته باشند.

غلامحسینی: من ناشر را یک حلقه چاه می‌دانم و جشنواره کتاب رشد را مانند یک رشته قنات. یک حلقه چاه ممکن است آب نرساند و یا اگر برساند ظرفیت محدودی داشته باشد، اما رشته قنات خروجی بیشتری دارد. بنابراین نقشی که جشنواره می‌تواند داشته باشد، ایجاد مادرچاه‌هاست تا چاه‌های دیگر را

سیراب کنند. یعنی باید یک نقشه نه چندان جزئی و پیچیده را طراحی کنید و سپس کار را به عهده ناشران بگذارید.

دانشور: ما قدردان زحمات ناشران و مؤلفانی هستیم که در این زمینه کار کرده‌اند. اگر در حوزه کتاب‌های کار و تمرین کار می‌کردند مطمئناً درآمد بیشتری داشتند. پس این افراد علاقه‌مند به تأثیرگذاری بر توسعه و رشد فرهنگی کشور هستند و این قابل تقدیر است. درخواست و نیاز ما این است که ناشران و مؤلفان به انواع تفکر، منش تفکر و محرک‌های گوناگون برای پرورش تفکر توجه کنند. در بحث تفکر، موضوع، محیط و ابزارهای یادگیری را مورد توجه قرار دهند. برای مخاطبان گوناگون این کار را انجام دهند و فقط کودکان و نوجوانان را در نظر نگیرند؛ چرا که بزرگسالان ما هم به پرورش تفکر و تغییر دیدگاه نیاز دارند.

البته باید این نکته را متذکر شد که کتاب‌های تألیفی که امسال به این دوره از جشنواره رسیده‌اند، بهتر و بیشتر شده‌اند. ناشران و مؤلفان باید از موقعیت‌های زندگی افراد استفاده کنند و برای این کار برنامه و مدل کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت داشته باشند. نکته مهم این است که بدانند، برای بچه‌ها و مردم ایران کتاب می‌نویسند. اگرچه آثار ترجمه شده هم کتاب‌هایی هستند که توسط افراد صاحب نظر در این زمینه نوشته شده‌اند، اما لازم است از تجربیات دیگران متناسب با نیازهای کشور استفاده کنیم.

حسینی: آدم‌ها با

روش‌های متفاوتی یاد

می‌گیرند و ذائقه‌های

متفاوتی دارند. به همین

دلیل در اتاق‌های فکر

باید مدل‌های ذهنی

گوناگون حضور داشته

باشند





نشانی غلط ناشران و مؤلفان در تولید کتاب‌های حوزه تربیت بدنی

جواد آزمون

که ناشران و مؤلفان کشور ما، در رابطه با درس تربیت بدنی، متأسفانه آدرس غلطی در دست دارند. آنان به جای پرداختن به «مفاهیم» سراغ «اجزا» رفته‌اند. دلیل واضح و مبرهن این ایده وجود کتاب‌های ضعیف و غیرمرتبط با برنامه درسی در بازار و آمار محدود و انگشت‌شمار کتاب‌های تقدیری و برگزیده ناشران در جشنواره‌های متفاوت رشد است. راه برون رفت از این بن‌بست آدرس دهی دقیق و جدید به ناشران است. نیاز امروز جامعه بزرگ دانش آموزی، معلمان و والدین، در خصوص حوزه علمی تربیت بدنی، پرداختن به مفاهیم اصلی مطروحه در برنامه درسی تربیت بدنی است.

حاصل توجه به چنین رویکرد و مسیری، تولید **مجموعه کتاب‌های مرتبط با هم و مرتبط با برنامه درسی** و در راستای آن خواهد بود.

بنابراین، با عنایت به کلی‌گویی‌های فوق که نیازمند تشریح و تحلیل دقیق‌تری هستند (که در این مقال نمی‌گنجد)، پیشنهاد کلی و نهایی برای نقش‌آفرینی بیشتر و مؤثرتر ناشران در جشنواره‌های کتاب رشد، استناد آن‌ها به برنامه درسی تربیت بدنی در دوره‌های گوناگون تحصیلی، پیروی از دستورالعمل‌های منتشره در خصوص تولید محتوا از طرف وزارت آموزش و پرورش، تولید یا ترجمه محتوا در قالب‌های نگارشی جالب و متنوع (مثلاً شعر، قصه و...)، و اتخاذ رویکرد مفهومی به جای پرداختن به اجزاست.

وقتی از یادگیری بحث می‌شود، حداقل دو دیدگاه و الگوی کلی خودنمایی می‌کنند: یادگیری مفهومی و یادگیری سنتی. درواقع «یادگیری مفهومی» یاد گرفتن «کلی» است که اجزایی دارد و آن اجزا نیز ممکن است اجزای دیگری داشته باشند. «یادگیری سنتی» هم یاد گرفتن اجزا به‌طور مجزاست، در حالی که، یادگیری مفهومی نقطه مقابل یادگیری سنتی است. همان‌گونه که چرخش از یادگیری سنتی به سمت یادگیری مفهومی ضرورتی انکارناپذیر است، چرخش در هر آنچه که مربوط به حوزه یاددهی و یادگیری است، از جمله تولید مواد آموزشی و کمک‌آموزشی، به سمت یادگیری مفهومی ضرورت دارد.

حوزه و برنامه درسی «تربیت بدنی» نیز از قاعده فوق مستثنا نیست. طبق یک تعریف ساده، تربیت بدنی یعنی «تعلیم حرکت» و «تربیت از طریق حرکت». در این برنامه درسی «فعالیت‌های جسمانی»، «بازی‌ها»، «بازی‌های ورزشی»، و «ورزش‌ها» علاوه بر اینکه اجزایی برای مفهوم کلی تربیت بدنی و مرتبط با آن و با هم محسوب می‌شوند، خود مفاهیمی هستند که اجزایی دارند.

مثلاً «ورزش» یک مفهوم و فوتبال، والیبال و... نام‌هایی هستند که ذیل این مفهوم قرار می‌گیرند. فوتبال خود می‌تواند زیرمجموعه‌هایی داشته باشد؛ مثل سالی، چمنی، خیابانی، و ساحلی.

غرض از بیان مقدمه فوق، اقرار و اشاره به این نکته است



بندبازی روی لبه زبان

محمد علی قربانی

نکته قابل توجه دیگر این است که در کشورهای اروپایی سن نوجوانی (تینیجری) ۱۳ تا ۱۹ سال است، اما در ایران آن را ۱۲ تا ۱۵ سال تعریف کرده‌اند و از ۱۵ سال به بعد، افراد را جوان می‌دانند. بر این مبنا، بین سن داستان‌های نوجوان در کشورهای اروپایی و ایران چند سال اختلاف وجود دارد که غالباً از نگاه مترجمان دور می‌ماند.

خط و مرز ترجمه

ترجمه راه رفتن روی خط مرز دو زبان است. مترجم باید یاد بگیرد مانند یک بندباز تعادل خود را روی این خط حفظ کند. برای مثال، چهارم جولای در ادبیات غرب روزی است که آن‌ها جشن می‌گیرند. اما اگر مترجم در ترجمه آن بنویسد چهارم جولای، ابهام ایجاد می‌کند. مترجم خوب کسی است که به جای آن، جشن ملی بنویسد و همین‌طور به جای شام شب کریسمس بگوید: شام شب عید. بدیهی است اگر در جاهای متفاوت متن، این نوع بومی‌سازی صورت گیرد، خواننده احساس صمیمیت بیشتری می‌کند.

ترجمه به‌طور طبیعی بستر تبادلات فرهنگی است. از آنجا که در کشورمان جایی وجود ندارد که فارغ‌التحصیلان زبان‌های خارجی بتوانند از ترجمه‌های خود بازخورد بگیرند، از بومی‌سازی غفلت می‌کنند. بومی‌سازی، همسان‌سازی متن با ارزش‌های زبان مقصد است که خود تحت تأثیر فشارهای سیاسی و ممیزی و ملاحظات اخلاقی گوناگونی است که در جوامع مختلف وجود دارند.

چندی قبل فیلمی خارجی دیدم که در قسمتی از آن، یک شخصیت ناراحت شد و دوبلور برای نشان دادن حالت او از جمله «لا اله الا الله» استفاده کرد! یعنی مترجم توجه نداشت که این عبارت را از زبان فرد غیرمسلمان بیان نکنند.

مترجم آثار داستانی حتماً باید خواننده آثار داستانی و دست به قلم باشد، مترجم شعر باید شعر را بشناسد و مترجم کتاب‌های علمی نیز باید درباره موضوعی که ترجمه می‌کند، شناخت داشته باشد.

خیلی از مترجم‌های ما مدعی‌اند که زبان بیگانه را در کشورهای خارجی یاد گرفته‌اند و غافل‌اند از اینکه در این مدت با فرهنگ خودمان غریبه شده‌اند. آن‌ها باید با ادبیات کشورمان آشنایی بیشتری پیدا کنند تا بتوانند ترجمه‌های مناسبی ارائه دهند.

مترجم باید متن مبدأ را برای مخاطب قابل فهم کند. در غیر این صورت، سبک نویسنده را مخدوش و در حق مخاطب جفا می‌کند.

در قصه، رمان، شعر و گونه‌های ادبی، مترجم گاهی می‌خواهد مانند اصل متن ترجمه کند که این باعث افول ترجمه می‌شود. برای مثال، شعر فارسی ما موزون است و شعر انگلیسی نیز وزن دارد. اگر مترجم بخواهد این وزن را انتقال دهد، مجبور است مفهوم را نادیده بگیرد. البته ترجمه‌هایی نیز وجود دارد که مترجم هم وزن و هم مفهوم را به درستی به کار می‌برد.

امید است با شکل‌گیری محافل تخصصی ترجمه، این عرصه رونق بیشتری بگیرد تا آثار بزرگان فرهنگ‌های دیگر با جلای بیشتری در اختیار مشتاقان آثار ادبی قرار گیرد.

ترجمه کتاب از دهه ۱۳۳۰ آغاز شد و اولین کتاب‌های ترجمه شده غالباً داستانی بودند و موضوع‌های متفاوتی، از جمله علمی و تخیلی، اجتماعی و تاریخی، و قهرمانی را در برمی‌گرفتند. از اواسط دهه ۱۳۴۰، ادبیات کودک و نوجوان تحت تأثیر جنبش‌های اجتماعی کشورمان قرار گرفت و داستان‌هایی از کسانی چون ماکسیم گورکی یا نویسندگان دیگری که جامعه طبقاتی را نقد می‌کردند، ترجمه شدند.

دهه ۱۳۵۰ شروع ترجمه آثار تخیلی بود. در این دهه، اتفاق دیگری نیز رخ داد و آن ظهور کتاب‌های «کمیک استریپ» از جمله آثار «تن تن» بود. در دهه ۱۳۶۰، آثاری همچون «شازده کوچولو»، «پینوکیو» و «آلیس در سرزمین عجایب» ترجمه شدند که هنوز مخاطبان دهه ۱۳۶۰ با این کتاب‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. در اواخر آن دهه و دهه ۱۳۷۰، گرایش مفرط به ادبیات غرب فروکش کرد و آثاری غیر از ادبیات غرب هم ترجمه شدند. در اواخر دهه ۱۳۸۰ کتاب‌های فانتزی را داشتیم و ترجمه شعر بیشتر از گذشته رایج شد. بسیاری از آثار طنز مانند آثار شل سیلور استاین هم در این دهه ترجمه شدند.

از میان ترجمه انواع قالب‌های ادبی، ترجمه شعر و پس از آن طنز، از بقیه دشوارتر است. مترجم با هر متن می‌تواند دو گونه برخورد کند: یا توجه خود را به معادل‌های کلامی معطوف دارد، یا بکوشد بیشتر مفهوم را منتقل کند. ممکن است ترجمه کلمه به کلمه یا همان نوع اول در کتاب‌های علمی تا حدی امکان‌پذیر باشد، اما در شعر و داستان نمی‌توان این شیوه را اتخاذ کرد.

در ترجمه علمی فقط کافی است محتوا منتقل شود؛ اما برای ترجمه ادبیات، علاوه بر محتوا مترجم باید لحن نویسنده و زبان و احساس او را نیز انتقال دهد. در حوزه کودک و نوجوان، رعایت زبان مقصد کار را بسیار دشوارتر می‌کند؛ چرا که این دسته از مخاطبان نسبت به بزرگسالان دامنه لغات محدودتری دارند.





راه‌های تازه در ادبیات خردسال

جعفر ابراهیمی «شاهد»

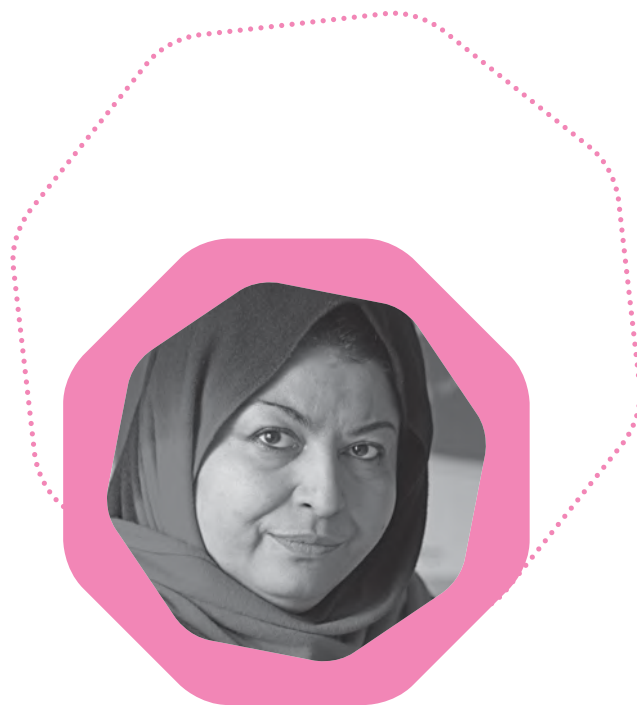
سیستم نامناسب آموزشی در مدرسه‌ها، از جمله نبود نیروهای متخصص برای زنگ مطالعه و نیز متنوع نبودن کتاب‌های کتابخانه مدرسه‌ها گرفته تا بی‌عدالتی‌ها و مشکلات اجتماعی، همچون فضاهاى مجازى و ماهواره‌ها، همه و همه در این نابسامانى نقش داشته‌اند و دارند که این موضوع در جای خود باید مورد پژوهش و آسیب‌شناسى قرار بگیرد.

در سال‌های اخیر - با وجود همه مشکلاتی که در صنعت نشر به وجود آمده است - اما این اتفاق مبارک هم افتاده است که ما در ادبیات خردسال و پیش‌دبستانی توانسته‌ایم راه‌های تازه‌ای را بیماییم و این نویدبخش آینده‌ای روشن برای جامعه ایرانی است. چرا که تا چند سال پیش، بیشتر کتاب‌هایی که برای کودکان و نوجوانان منتشر می‌شدند، همان کتاب‌هایی بودند که برای دانش‌آموزان دبستانی و دوره راهنمایی و دبیرستان آماده شده بودند. اما حالا برای کودکان پیش‌دبستانی هم آثار قابل اعتنایی در اختیار داریم. طبق اصلی که در ابتدای یادداشت مطرح کردم، هرچه کودکان از سنین پایین‌تری به کتاب علاقه پیدا کنند، عادت به مطالعه در آن‌ها قوی‌تر خواهد شد. بنده از این نظر به آینده کتاب‌خوانی در ایران امیدوار هستم.

بسیاری از روان‌شناسان و کارشناسان مسائل اجتماعی، از گذشته‌های دور بر این اعتقاد بوده‌اند که برای کتاب‌خوان کردن مردم یک جامعه، باید افراد آن جامعه را از سنین ابتدایی و خردسالی با کتاب آشنا ساخت. و این در صورتی امکان داشت و دارد که کتاب‌های مناسب حال کودکان تولید شوند. شاید براساس همین نیاز بود که ادبیات کودک و نوجوان در دنیا پدید آمد. شاعران شعر سرودند و قصه‌نویسان قصه‌پردازی کردند و تصویرگران هم تصویرپردازی و در نهایت گروهی در دنیا به وجود آمد که به مجموعه آن‌ها «دست‌اندرکاران ادبیات کودک و نوجوان» اطلاق می‌شود.

در کشور ما هم در حدود شصت سالی است که ادبیات کودک و نوجوان به‌طور جدی به راه افتاده است و به اندازه کافی، کتاب‌های خوب و مناسب برای هر گروه سنی چاپ و منتشر می‌شود. حال این سؤال غم‌انگیز پیش می‌آید که: «چرا پس از این همه سال، آمار کتاب‌خوانی بین مردم ایران به جای آنکه بالا برود، به شدت پایین آمده است؟!»

حقیقت این است که علت‌های گوناگونی دست به دست هم داده‌اند تا این وضعیت نابسامان در جامعه ما شکل بگیرد. از



می‌توانی شریک ماجراها باشی!

سوسن طاق‌دیس

آرش می‌شوی وقتی که جانش را در تیری به پرواز درمی‌آورد و یا گردآفرید می‌شوی وقتی برای نجات مردمش گیسو پنهان می‌کند و به جنگ می‌رود. رستم می‌شوی وقتی که پس از عمری صلابت و قهرمانی در خان هشتم در مبارزه با فرزند خویش پیروزی‌اش بزرگ‌ترین شکستش می‌شود و علی(ع) می‌شوی و دردت را به گوش چاه فریاد می‌زنی و «علی(ع) باقی می‌مانی».

پس از چنین تجربه‌ای، تو قسمتی از جان آرش، شجاعت گردآفرید، افسوس بزرگ رستم و درد جانگاہ علی(ع) را بر خود افزوده‌ای و بی‌شک با خودت وقتی که هنوز کتاب را باز نکرده بودی، متفاوت خواهی بود.

کتاب، بستری گرم و آرامش بخش برای روح و جان است که ما را برای یک بار دیگر بر خاستن و ایستادن آماده می‌کند. کتاب همان آتشی است که ققنوس پیر و خسته روح ما را در خود می‌گیرد و از آن پرندۀ قدرت‌مند و زیباتر می‌آفریند.

ولی ... تو که این حرف‌ها را می‌خوانی، به این حرف‌ها خواهی خندید، اگر هیچ تجربه‌ای از آنچه می‌گویم نداشته باشی. خب پس امتحان کن.

چرا کتاب با همه دانش‌افزای معمول دنیای ما متفاوت است؟ چه ارجحیتی بر رسانه‌های دیگر دارد؟ می‌دانم که همه ما درباره اهمیت مطالعه کتاب بسیار شنیده‌ایم و خوانده‌ایم، ولی فکر می‌کنم یک نکته اصلی در این مورد از چشم و از قلم افتاده است و آن تأثیرات حاشیه‌ای خواندن کتاب بر روح و روان است که گاهی این حاشیه از اصل مهم‌تر می‌شود.

یکی از مهم‌ترین اثرات مطالعه و به‌خصوص مطالعه کتاب، تأثیری شبیه یوگا و هیپنوتیزم است که ذهن را در حد بسیار بالایی متمرکز می‌کند و آواها و فریادهای ذهن را در سکوت و آرامش فرو می‌برد. مطالعه دردها و کشمکش‌های ذهنی، اغتشاش‌ها و تکانه‌ها، غم‌ها و هیجان‌های مثبت و منفی را می‌زداید و کاری می‌کند که تو بمانی و کتاب و آن‌گاه خود پنجره‌ای می‌شود به دنیایی دیگر. دنیایی که تو را به درون خود می‌کشد و تو می‌توانی از نقطه‌ای امن و راحت، شاهد و شریک ماجراها باشی. می‌توانی پایه‌پای قهرمانان داستان عشق و نفرت، بیماری و سلامت و زشتی و زیبایی را تجربه کنی. می‌توانی بخندی، گریه کنی، بجنگی، فکر کنی، اشتباه کنی، و پایه‌پای قهرمان داستان، قهرمان باشی.





فهرست‌ها به من آرامش می‌دهند

فاطمه شبیری

می‌درخشد. کتاب‌هایی که بین خواندن و نخواندن‌شان تفاوت جدی باشد و خواندن‌شان بتواند دریچه‌ای به دنیای ما باز و چراغی پیش رویمان روشن کند.

معلم فرزندانم سال‌ها پیش، روز اول کلاسش در مهر ماه، از بچه‌ها خواسته بود نام آخرین کتابی را که خوانده‌اند بگویند و وقتی فرزندانم گفته بود آخرین کتابی که خوانده «گتسبی بزرگ» است، به او گفته بود نام تو را حتماً به خاطر می‌سپارم، چون کسی که «گتسبی بزرگ» را خوانده، آدم بزرگی است! کاری ندارم آیا این معلم حرف درستی زده یا خیر و آیا واقعاً کسی که «گتسبی بزرگ» را خوانده آدم بزرگی محسوب می‌شود یا نه، ولی می‌دانم کتاب‌هایی هستند که خواننده‌های فرهیخته‌شان را انتخاب می‌کنند و هر کسی را به ساحت خودشان راه نمی‌دهند. کتاب‌هایی هستند که اگر کسی آن‌ها را نخوانده باشد، زبان کرده است و اگر کسی آن‌ها را خوانده باشد، می‌تواند آدم بزرگی باشد؛ کتاب‌هایی که اگر نمودارها راست می‌گفتند، به جای ستاره، با خورشید نشان‌شان می‌دادند. باید گشت و این کتاب‌ها را پیدا کرد، خواند و به دیگران توصیه کرد. فهرست‌ها برای همین متولد شده‌اند. برای اینکه به آدم‌ها کتاب‌های بزرگ را معرفی کنند. برای اینکه به ما بگویند فرصت عمرت محدود است. وقت نداری همه کتاب‌های عالم را بخوانی. گزیده بخوان.

فهرست‌های کتاب را دوست دارم. به من آرامش می‌دهند و اضطراب نخواندن همه کتاب‌های عالم را کم می‌کنند.

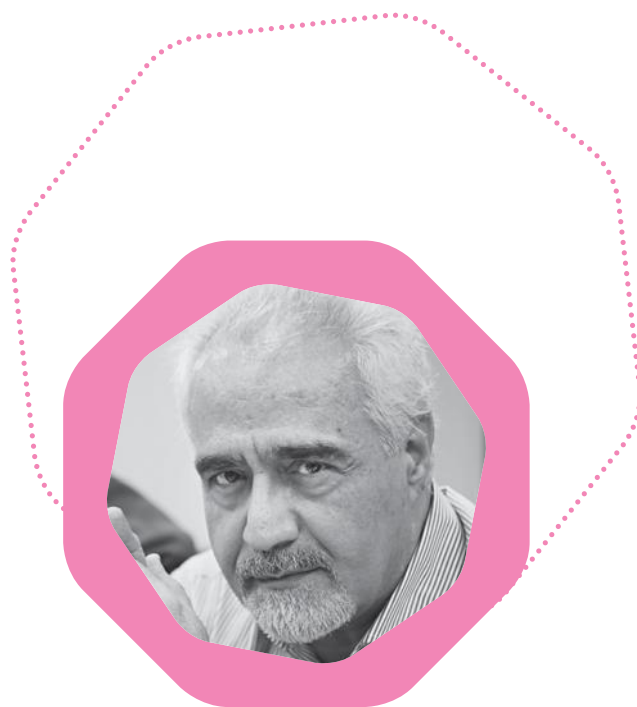
پی‌نوشت

۱. (اندر فضیلت کتاب‌خوانی، عبدالعظیم کریمی، رشد مدرسه فردا، آبان ۹۶)
«آنکه کتاب می‌خواند تا فقط کتاب خوانده باشد، بی‌آنکه بداند در همان لحظه از خواندن کتاب باز مانده است»

نمودار ستاره‌ای کتاب‌خوان‌ها روی دیوار کتابخانه مدرسه خودنمایی می‌کند. اسامی بچه‌هایی که بیشترین تعداد کتاب را امانت گرفته‌اند، روی محور افقی قرار دارد. نموداری میله‌ای با ستاره‌های طلایی و رنگارنگ روی اسم هر دانش‌آموز درست شده و هر ستاره نماینده یک کتاب است. ستون ستاره‌ای بعضی‌ها خیلی بلند و بعضی کوتاه است. یکی از بچه‌ها از ابتدای سال تا حالا ۸۶ کتاب امانت گرفته و بلندترین ستون ستاره‌ای متعلق به اوست. ستون دو ستاره‌ای هم داریم. ذهنم درگیر ستاره‌ها می‌شود. ستاره‌ها نام ندارند. من فقط ارتفاع ستون‌ها را می‌بینم، اما ظاهر ستاره‌های داخل نمودار با هم تفاوت ندارند. مهم نیست که این یکی ستاره چشمک‌زنی کوچک و کم‌نور است و آن یکی خورشید... روی نمودار همه یکی هستند. برای نمودارها فقط عدد و ارتفاع مهم‌اند. فرقی نمی‌کند کتابی که امانت گرفته‌ای منطق الطیر عطار است یا کتاب زندگی‌نامه عبدالقراطس قرطابی! برای نمودارها فرقی نمی‌کند. برای من چطور؟ برای ما چطور؟ چقدر قد ستون‌ها اهمیت دارد؟ آیا کسی که ارتفاع ستونش بلندتر است و کتاب بیشتری خوانده، کتاب‌خوان بهتری است؟ اصلاً آیا کتاب زیاد خواندن فضیلت است؟
آیا می‌توان گفت هر کس بیشتر کتاب خوانده باشد فهمیده‌تر و فرهیخته‌تر و آگاه‌تر است؟

اگر دقت کنیم، می‌بینیم هر روز هزاران کتاب جدید به گنجینه کتاب‌های فرهنگ بشری اضافه می‌شود. آیا باید تمام این کتاب‌ها را خواند؟ یا هیچ کس قادر نیست خود را به گرد پای این سمند بادپا برساند و باید دست به انتخاب زد؟

شاید به جای مسابقه گذاشتن در خواندن کتاب و بالا بردن آمار تعداد کتاب‌هایی که خوانده‌ایم و تعداد ستاره‌هایی که گرفته‌ایم، باید به خواندن کتاب‌هایی بپردازیم که هر کدام به اندازه صدها ستاره



مُد کتاب خوانی!

مجید راستی

مثبتی دارند که باعث می‌شود افراد زیادی به کتاب علاقه و اشتیاق نشان دهند. هر قدر این گونه فرصت‌ها بیشتر شوند، تأثیر عمیق‌تر و پایدارتری شکل می‌گیرد. سیاست‌گذاران فرهنگی می‌توانند از این موقعیت‌ها برای توجه به کتاب و کتاب‌خوانی استفاده کنند.

جشنواره کتاب رشد از ابتدای شکل‌گیری خود تاکنون توانسته است از رشد کمی و کیفی نسبتاً مطلوبی برخوردار باشد که این اتفاق خوبی است. توجه بیشتر و حمایت‌های مدبرانه و پیوسته از آن می‌تواند به گسترش شکلی و محتوایی آن کمک کند تا ناشران، پدیدآورندگان و مخاطبان در طول زمان از تأثیراتش بهره‌مند شوند.

در دنیای شتابان امروز، با توجه به روند تغییر و تحولات فرهنگی، اجتماعی در همه زمینه‌ها، شاهد تفاوت هر روز با روزهای پیش از آن هستیم. شایسته است با نگاهی نو کتاب در دسترس خانواده‌ها قرار گیرد و کتاب‌خوانی مد شود. در این صورت است که کوچک‌ترها پیرو رفتار بزرگ‌ترها خواهند بود و بزرگ‌ترها همراه بچه‌ها! به عبارت دیگر، زمان آن رسیده است که امروز را به امروز برگردانند و بخواهند که جشنواره کتاب رشد هم در ادامه راه، همین را از خود بخواهد!

کتاب موجودی است که یا دوست است یا دشمن. دوست است چون به دید انسان وسعت می‌بخشد، به کشف حقایق کمک می‌کند، گنجینه‌های انسانی را می‌نمایاند، چین بر زمان می‌اندازد و زمان‌ها را درمی‌نورد و سفرهای پرماجرا اما بی خطر می‌آفریند. و دشمن است برای کسانی که وسعت دید و اندیشه نمی‌خواهند. از بیداری می‌هراسند و نفی ابداع و اندیشه را می‌ستایند. کتاب دوستی بخشنده است. اندیشه و تجربه می‌بخشد. دوستی و بزرگی می‌بخشد. دانایی می‌بخشد. بینش و آگاهی و روشنی می‌بخشد.

اگر دوری از کتاب عادت شده است، کاری نباید کرد؟ نه! باید کاری کرد.

شاید لازم است نگاه گذشته را به نگاه امروزی تغییر داد. امروزه هر چیزی را به نام «مد» در جامعه رواج می‌دهند. آشتی و دوستی با کتاب را نیز می‌توان با مد عجین کرد تا در پیروی از آن نوعی حس مشترک و هماهنگی در جامعه پدید آید.

بنابراین، می‌توان توجه به کتاب و کتاب‌خوانی را به مد تبدیل کرد.

نمایشگاه‌های کتاب و جشنواره‌ها هم شکل‌های موقتی مد شدن کتاب و کتاب‌خوانی هستند. این جشنواره‌ها تأثیرات آنی





آموزش و پرورش ما تکاثری است، نه کوثری!

پای صحبت دکتر عبدالعظیم کریمی، استاد دانشگاه و پژوهشگر

اشاره

دکتر عبدالعظیم کریمی از پژوهشگران و صاحب‌نظران برجستهٔ تعلیم و تربیت کشور است. او چند سالی است متولی اجرای آزمون‌های «تیمز» و «پرلز» در ایران است؛ آزمون‌های ویژهٔ مطالعات بین‌المللی برنامهٔ علوم و ریاضیات در پایه‌های چهارم و هشتم و برنامهٔ مطالعهٔ بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن در پایهٔ چهارم ابتدایی. او با تألیفات متعدد خود و تلقی‌ها و برداشت‌های ویژه و خاصی که در عرصهٔ مسائل و مقوله‌های تربیتی ارائه کرده، به چهره‌ای مطرح و مدعی تبدیل شده است. کریمی در گفت‌وگو با ما آرزو کرد که نظام آموزشی‌مان از نظر کیفی و محتوایی به مرحله‌ای برسد که به منابع و مواد آموزشی و کمک آموزشی و کمک‌درسی نیاز نباشد تا آسیب‌ها و مخاطرات چنین منابعی، اهداف آموزش و پرورش را دچار خدشه و ضربه نسازند. وی کتاب‌های کمک آموزشی را کاهندهٔ کیفیت آموزشی، مخالف توسعهٔ تفکر تحلیلی و نقادانه و ضدجوشش در یادگیرندگان، یعنی دانش‌آموزان، عنوان می‌کند. این گفت‌وگو را بخوانیم.

• آیا کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی مفید و لازم هستند و آیا این موضوع مختص کشور ماست یا در دیگر کشورها هم کتاب‌های کمک آموزشی وجود دارند و آیا نظام آموزشی قوی، سالم و پویا، به چنین کتاب‌هایی نیاز دارد یا نه؟ پاسخ به این عنوان سؤال دوپهلوست و دولبه؛ یعنی مثل شمشیر دولبه است که ما هم می‌توانیم بگوییم لازم است و هم می‌توانیم بگوییم مضر است. بستگی دارد به اینکه ما این متغیر کمک آموزشی را در چه بافتی و چه ساختاری بتوانیم تعریف کنیم و کارکردش را ببینیم. در کشور ما، با توجه به وابستگی روزافزون دانش‌آموزان به منابع کمک آموزشی، و مقداری سووندی تجاری، به نظر می‌رسد این داستان و این مقوله قدری نگران‌کننده است. بحث کمک آموزشی باید برای تسهیل فرایند یادگیری از جانب خود دانش‌آموز باشد، اما اگر باعث شود دانش‌آموز در سازوکار درونی و آن کشف و اتکای درونی به منابع کمک آموزشی بیرونی وابسته شود، این نه تنها

مفید نیست، بلکه نتیجه معکوس هم خواهد داشت و تمامی فرایندهای جوششی، کوششی و خودنظم‌جویانه را از بین می‌برد. همچنین موجب می‌شود دانش‌آموز وقتی با مشکل و مسئله‌ای مواجه شد، فوری بدون تفکر، بدون پشتکار، بدون جست‌وجو و بدون تلاش فردی، به پاسخ‌های آماده آموزشی وابسته بشود و اینجاست که خطرناک می‌شود. به نظر من، به جای کمک به آموزش ممکن است مانع آموزش بشود و این دیگر کمک نیست، بلکه نوعی امتناع و انسداد یادگیری است. چیزی هم که مضرات آن را مضاعف می‌کند، این است که دانش‌آموزان هم با توجه به انگیزه راحت‌طلبی، مایل‌اند پاسخ‌های آماده و شسته و رفته دریافت کنند. می‌توانیم با دو گروه دانش‌آموز که یک گروه از کتاب‌های کمک‌آموزشی استفاده کنند و گروه دیگر استفاده نکنند، تحقیق تجربی انجام دهیم. گروه اول می‌دانند منابعی کمکی وجود دارند که می‌توانند به آن‌ها مراجعه کنند. آن‌ها ذهنشان به این ترتیب تنظیم می‌شود. گروه دیگر می‌دانند اصلاً هیچ کمکی از بیرون نیست. حال قبل از اجرای طرح، باید یک تست ابتدایی و پیش‌آزمون از انگیزه و پشتکار و اراده، خودجوشی و خودانگیزگی آن‌ها بگیریم و یک سال بعد از اجرا نیز، یک پس‌آزمون بگیریم. به احتمال زیاد می‌بینیم که انگیزه و پشتکار و دامنه تاب‌آوری دانش‌آموزانی که از منابع کمک‌آموزشی استفاده کرده‌اند کمتر شده و خودیادگیری، خودآموزی، خودمدیریتی و خودرهبری کاهش یافته و برعکس، در این ویژگی‌ها گروه مقابل زیاد شده است.

• آیا نکاتی که مطرح می‌کنید مستند و تجربه شده‌اند؟

اینکه عرض می‌کنم براساس تحقیقات در کشورهای متعدد است و این نتایج هم به دست آمده‌اند. البته ممکن است این متغیر در کشوری دیگر آن‌قدر مضر نباشد که در کشور ما هست. در آزمون‌های «تیمز» و «پرلز» (که مسئولیتش را دارم و همان‌طور که می‌دانید، دو مطالعه بین‌المللی هستند و «تیمز» درواقع، مطالعه بین‌المللی برنامه علوم و ریاضیات در پایه‌های چهارم و هشتم و «پرلز» هم برنامه مطالعه بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن در پایه چهارم ابتدایی است) چندین پرسش‌نامه پیشینه کاوی، به غیر از دفترچه‌های آزمون، گرفته می‌شود. پرسش‌نامه‌هایی که وضعیت مدارس، وضعیت خود دانش‌آموز، مدیر مدرسه و بیش از دوپست، سیصد متغیر را که به تجربه و آموزش و نظام آموزشی مرتبط هستند، می‌سنجند تا ببینند کدام کشورها با کدام متغیرها پیشرفتشان بیشتر است و کدام کمتر. یعنی عوامل موثر در پیشرفت تحصیلی را می‌سنجند. آنجا هم به نوعی، می‌توانیم این فرضیه را ردیابی کنیم. دانش‌آموزانی که به اتکای خود، با لذت شخصی و فاعلیت فردی یاد می‌گیرند، از نظر اعتمادبه‌نفس، قدرت یادگیری، تفکر، استنباط و استنتاج قوی‌تر از آن‌هایی هستند که غالباً منابع بیرونی و به اتکای پاسخ‌های آماده کتاب‌های آموزشی

وابسته هستند.

بنابراین، هم تجربیات زیستی ما، هم مطالعات علمی و پژوهشی و هم یافته‌های مطالعات بین‌المللی تیمز و پرلز، به نوعی این نظریه را تأیید می‌کنند، اما اینکه ما در کل بگوییم کمک‌آموزشی وجود نداشته باشد، این نظر من نیست، فقط شیوه استفاده و میزان استفاده از آن مطرح است. دقیقاً مانند دارو که میزان دوز آن برای استفاده مطرح است. دارو درجه‌بندی و دوز مشخص بهینه‌ای برای استفاده دارد که اگر از آن بیشتر استفاده شود، اثرش را از دست می‌دهد. در همه موارد هم همین‌طور است. فکر می‌کنم در جامعه ما توسعه و ترویج کتاب‌های کمک‌آموزشی، به خاطر منافع اقتصادی و تجاری و بعضاً سوءاستفاده بازار و نگاه کاسبکارانه، آفاتش بیشتر از سایر کشورهاست و از آن مهم‌تر نظام منابع کمک‌آموزشی بر نظام تعلیم و تربیت رسمی

ما سایه انداخته است. تا جایی که می‌توانیم بگوییم نظام آموزشی ما فرع شده و نظام کمک‌درسی اصل! یعنی حاشیه آمده به متن و متن به حاشیه رفته است. هزینه‌هایی که دانش‌آموزان و اوقاتی که دانش‌آموزان صرف کتاب‌های کمک‌آموزشی می‌کنند، به مراتب بیش از کتاب‌های درسی و اوقات رسمی است. هزینه‌هایی هم که از نظر گردش اقتصادی در نظام آموزش غیررسمی ما مانند آموزشگاه‌های زبان و تقویتی تعلق می‌گیرد، شاید بیش از هزینه‌های نظام آموزش رسمی ما باشد.

این‌ها نشان می‌دهند که ما مدیریت صحیحی نداریم و این جریان باید یکدست بشود. بالاخره هدف ما این است که کیفیت آموزشی و پیشرفت تحصیلی با اهداف از پیش تعیین شده متناسب باشد، اما این آشفتگی و موازی‌کاری و به نوعی کاسبکاری، ممکن است در روند یادگیری طبیعی خللی جدی ایجاد کند. هدف آموزش سالم و پویا توسعه تفکر تحلیلی و نقادانه است و اینکه دانش‌آموز قدرت حل مسئله داشته باشد. از همه مهم‌تر، هدف آموزش، فرایند آموزش و یادگیری است، هم محصول و هدف. یعنی مسئله را می‌دهیم به دانش‌آموز تا فکر کند، نه اینکه آن را حل کند. حل کردن بهانه است برای فکر کردن، اما ما به جای فکر کردن، حل می‌کنیم. فرض کنید معلمی در سر کلاس مسئله‌ای را به دانش‌آموزان بدهد. ممکن است دانش‌آموزی پرسد آقای معلم شما راه حل این مسئله را می‌دانید و معلم بگوید بله که می‌دانم. دانش‌آموز خواهد گفت پس چرا نمی‌نویسید و وقت ما و وقت خود را می‌گیرید؟ چرا ما را شکنجه می‌کنید و آزار می‌دهید؟ راحت راه حل آن را هم زیر مسئله بنویسید. معلم باید بداند هدف راه حل نیست، هدف این است دانش‌آموزان فکر و تأمل، تعمق و تفحص کنند. یعنی فرایند مهم است نه نتیجه. اینکه چگونه به راه حل برسند برای معلم مهم‌تر است از اینکه سریع‌تر به

سقراط ذهن شاگردانش

را می‌کاهید و لاغر

و تهی می‌کرد تا

افلاطون‌هایی فربه بار

آیند

هر چقدر ما در آموزش

بکاهیم و خست بورزیم،

جوشش یادگیرنده

بیشتر می‌شود



راه حل برسند.

وقتی به کتاب‌ها و مواد کمک‌آموزشی متکی می‌شویم، این فرایند دیگر فرع می‌شود و نتیجه اصل. در حالی که به نظر بنده فرایند اصل است. راه اصل است نه مقصد. مقصد بهانه‌ای است تا راه بیفتیم. زنده‌یاد قیصر امین‌پور می‌گوید: رفتن همان رسیدن است. یعنی همین که راه بیفتی، به هدف رسیده‌ای. نه اینکه به مقصد رسیده‌ای.

«هوارد گاردنر» که هوش‌های هفتگانه را وصف کرده است، کتابی دارد به نام «ذهن غیرمدرسه‌ای شده» که می‌گوید ذهن را نباید نمره‌ای، کارنامه‌ای و مدرسه‌ای کنیم؛ ذهن باید آزاد باشد، خارج از حصار نتیجه‌گرایی و فقط به فرایند کار، فرایند پیشرفت و فرایند مسئله فکر کند. حتی اگر به نتیجه و هدف مقصود نرسد.

کنکور درست شده‌اند. تست‌زنی و فن تست‌زنی، به این شکلی که در کشور ما هست، در هیچ کشور دیگری وجود ندارد. وقتی می‌گویم کشورها هر قدر پیشرفته‌تر باشند، از این مشکل و معضل رها تر هستند، به این خاطر است. وقتی شما می‌روید به فنلاند، اصلاً می‌بینید کنکور و معدل و کارنامه و این بازاری که ما درست کرده‌ایم، وجود ندارد. هر چه هست، فعالیت، فرایند، نفس یادگیری، کیفیت یادگیری و عشق به یادگیری بدون اضطراب نتیجه است. البته ممکن است در کشورهای شرق دور بعضی مثل ما باشند، مانند چین، ژاپن و کره. البته آن‌ها در آزمون‌ها و برنامه‌های تیمز و پرلز رتبه‌های خیلی بالایی کسب می‌کنند، ولی کیفیت یادگیری‌شان در مقایسه با کشورهای اروپایی، به خصوص اروپای شمالی و اسکاندیناوی، خیلی متفاوت است و از نظر عمق و کیفیت یادگیری دچار مشکل هستند.

کشورهایی چون فنلاند از نظر عمق یادگیری بالاترند، چون آن‌ها حتی به دنبال رتبه هم نیستند. دنبال رتبه‌های جهانی هم نیستند. آن‌ها بیشتر نقش توسعه برایشان مهم است، نه نتیجه و معدل. در اینجا با این معدل‌گرایی که ما راه انداخته‌ایم، بچه از همان دوره پیش‌دبستانی دغدغه‌اش کنکور و معدل می‌شود و این سم مهلک در وجود ذهنی او به بار می‌نشیند و تا آخر هم ادامه می‌یابد و از شرش هم خلاص نمی‌شود. کمتر کشوری مانند نظام آموزشی ما این قدر به این تب واقعاً کاهنده کیفیت و کاهنده آموزشی دچار است. راه برون رفت معلم است و کیفیت حرکت در مسیر درست؛ و عمر آن است که در شور و طلب بگذرد؛ خوش بود منتظران را طلب طلعت دوست؛ یعنی خود طلب، هدف است.

**آب کم جو تشنگی آور به دست
تا بجوشد آبت از بالا و پست**

یعنی همین طلب خودش اصل است، ولی ما دنبال محصول هستیم. اشعار ما، عرفان ما، ادبیات ما، همه راه است. اصلاً دین و مذهب و شریعت ما یعنی راه. راه، مهم است. این یعنی همان فرایندمداری و راهمداری. همه به دنبال میان‌بر هستند و ای کاش میان‌برها کیفی بودند. در حالی که کاذب و دروغین‌اند؛ میان‌برهایی که فقط به صورت عاریه‌ای ما را زودتر به مقصد می‌رسانند.

چرا توسعه درون‌زا مطرح می‌شود؟ ما یک توسعه درون‌زا داریم که به اصطلاح آیت‌الله جوادی آملی، کوثر است و یک توسعه برون‌زا داریم که تکاثر است. آموزش و پرورش ما تکاثری رشد می‌کند، نه کوثری. تکاثری یعنی حجم کتاب‌های درسی، کمک‌آموزشی، آموزشگاه‌های خصوصی و هجوم حکومت‌های سایه در آموزش و پرورش به شکلی فراوان و دائماً در حال افزایش است با تیراژهای آنچنانی. ولی کوثر ندارد، یعنی زاینده‌گی ندارد. در حالی که در کشوری با همان کتاب رسمی درسی، که حجم آن نصف کتاب درسی ماست، همان را می‌خوانند، اما عمقی

❖ **آقای دکتر، آیا این بلبشوی کتاب‌های کمک‌آموزشی در دیگر کشورها، به‌ویژه کشورهای توسعه یافته، وجود دارد؟**
هر چه کشورها توسعه نیافته‌تر و گرفتارتر باشند، وابستگی آن‌ها به منابع کمک‌آموزشی بیشتر است. مدارس هم هر چه عقب‌مانده‌تر باشند، وابستگی‌شان به منابع کمک‌آموزشی بیشتر و عمیق‌تر می‌شود.

❖ **آیا وابستگی نظام آموزشی ما به پدیده کنکور یکی از دلایل اصلی این وضعیت نیست؟**

بله. کنکور همان نتیجه‌گرایی است. کنکور بر نظام آموزشی ما سایه انداخته است. اینکه یکی از مسئولان بلندپایه کشور گفته است سازمان سنجش باید منحل شود، مقصود این است که این سد باید برداشته شود.

این مقصودی را که همه دارند به سویی می‌روند، باید برداریم تا مقداری ذهن بچه‌ها از آن نتیجه‌گرایی، معدل‌گرایی و محصول‌گرایی آزاد شود، وگرنه اگر کنکور باشد و شما همین‌طور از فرایند حرف بزنید، بی‌معناست. از طرف والدین مطرح می‌شود که شما می‌گویید فرایند و کیفیت؛ ولی وقتی ما می‌رویم مدرسه و می‌خواهیم فرزندان را ثبت‌نام کنیم، اولین چیزی که می‌پرسند، این است که معدلش چند است؟ کیفیت یادگیری‌اش چگونه است، می‌گویند این‌ها را رها کن، و با تأکید می‌پرسند معدل بچه‌ات چند است؟ وقتی این جور است، دیگر نمی‌توانیم بین این انگیزه و آن هدف ارتباطی معنادار برقرار کنیم.

کتاب‌های کمک‌درسی و کمک‌آموزشی هم واقعاً فقط برای

**در نظام آموزشی ما
کسی هرس نمی‌کند؛
فقط اضافه می‌کنیم**

**دانش‌آموزانی که به
اتکای خود، با لذت
شخصی و فاعلیت فردی
یاد می‌گیرند، از نظر
اعتماد به نفس، قدرت
یادگیری، تفکر، استنباط
و استنتاج قوی‌تر از
آن‌هایی هستند که
غالباً به منابع بیرونی
و به اتکای پاسخ‌های
آماده کتاب‌های آموزشی
وابسته هستند**

درون‌زا، جوششی و زایشی.

• آیا یکی از معضلات موجود در این ارتباط، کمبود معلمان آگاه، بصیر و دلسوز نیست؟

به نکته بسیار خوبی اشاره کردید. متأسفانه در کشور ما، خود معلمان، گاهی برای اینکه کار را راحت کنند، بچه‌ها را هل می‌دهند به سمت منابع و مواد کمک‌درسی و می‌گویند بروید خودتان بخوانید، جواب سؤال‌ها هم آن‌جا هست! البته درصد اندکی از معلمان چنین هستند. همین باعث می‌شود بارها والدین به من زنگ بزنند و چون ما اینجا آزمون‌های تیمز و پرلز را برگزار می‌کنیم، بگویند معلم فرزندشان گفته است باید فلان کتاب را بخريد و فلان منبع را تهیه کنید و خود معلم راهنمایی می‌کند کدام کتاب کمک‌آموزشی را بخرند. نقش معلم بسیار مهم است. خود معلم اتفاقاً باید بچه‌ها را منع کند از اینکه به منبعی غیر از خود متکی بشوند. معلم باید سعی کند از همان ابتدا خودیاری، خوداتکایی و خودانگیزگی را به جای وابستگی به دیگری و دیگران در بچه‌ها توسعه دهد.

• در پایان، اگر توصیه، سفارش و نکته‌ای مانده است، بفرمایید.

من اصل قضیه را نفی نمی‌کنم. بهره‌گیری از منابع و مواد آموزشی، اگر مثل استفاده از دارو باشد، بد نیست. دارویی که برای درمان و بهبود تجویز می‌شود، اگر به اندازه نباشد و به موقع استفاده نشود و دوز آن تنظیم نشده باشد، مشکل‌ساز می‌شود و نتیجه و حاصل آن برعکس خواهد بود.

• آیا اینکه در این قضیه به دارو اشاره می‌کنید، بیانگر آن است که نظام آموزشی ما مریض است؟

بله. در هر حال، نظام آموزشی ما هم مثل هر پدیده دیگری بیمار شده است و دارو و درمان می‌خواهد. ولی امروزه این دارو و درمان آثار و نتایج وارونه پیدا کرده است. هر چیزی که استفاده آن از حد بگذرد، آفت دارد. باید بر استفاده صحیح از آن تأکید کرد. مقدس‌ترین چیزها هم اگر بد استفاده شوند، نامقدس می‌شوند. برعکس، اگر شما چیز مادی و ظاهراً پستی را درست استفاده کنید، متعالی می‌شود. در خاکی که پست‌ترین است، شما چیزی می‌کارید، مانند درخت و آن گیاه متعالی سبز می‌شود و همه‌جا را خرم می‌کند، ولی وقتی چیز خیلی خوب یا غذای مطبوعی را بیش از حد بخورید، می‌بینید که سم می‌شود. آموزش هم چنین وضعی دارد. این‌چنین نیست که ما هرچه بیشتر آموزش بدهیم بهتر است. اتفاقاً در اینجا خست، سخاوت است. خست در منابع، برای اینکه بچه با سخاوت از وجود خودش و فکر خودش استفاده کند، والا موقعی که ما در دادن منابع بیرونی خیلی سخاوت می‌ورزیم، آن وقت یادگیرنده خست یادگیری خواهد داشت.

و نکته پایانی اینکه، به نظر من نظام آموزشی ما نباید به منابع و مواد آموزشی نیاز داشته باشد، ما بیمار شده‌ایم که به این منابع و مواد نیاز پیدا کرده‌ایم. من مقاله‌ای نوشته بودم با عنوان آموزش کاهشی، پرورش سلبی؛

اندرین ره سوی پستی ارتقاست

بس زیادت‌ها درون نقص‌هاست

هر چقدر ما از آموزش بکاهیم و خست بورزیم، جوشش یادگیرنده بیشتر می‌شود.

سقراط کارش همین بود. او هیچ چیز را آموزش نمی‌داد. هرچه را هم که می‌دانستی، زیر سؤال می‌برد! یعنی این‌قدر ذهن شاگردانش را کاهید و لاغر و تهی کرد تا افلاطون‌های فربه

بار آمدند؛ آن‌قدر هرس کرد تا محصولش بیشتر رشد کرد. عین کار باغبان که با هرس کردن می‌تواند گیاهش بیشتر رشد کند. در نظام آموزشی ما کسی هرس نمی‌کند، همه اضافه می‌کنیم. این اضافه کردن‌ها و افزودن‌ها و آموزش‌های تحمیلی، صوری، تکمیلی و کمکی و هرچه اسمش را بگذارید، درون‌مایه‌های خودگردانی، خودآموزی، خودکاو و خودپژوهشی را در دانش‌آموز تضعیف می‌کنند.

آموزش‌های تحمیلی،
صوری، تکمیلی و
کمکی، درون‌مایه‌های
خودگردانی، خودآموزی،
خودکاو و خودپژوهی
را در دانش‌آموز تضعیف
می‌کنند





از حقوق ناشران و مؤلفانی که آثارشان را به ما سپرده‌اند صیانت می‌کنیم!

گپ‌وگفتی با اعضای شورای علمی جشنواره کتاب رشد

اشاره

امسال گفت‌وگو با اعضای کمیته علمی پانزدهمین جشنواره کتاب رشد، شکل متفاوت‌تری پیدا کرد. شاید هم بهتر بود بعد از پانزده دوره برگزاری جشنواره و گذشت ۱۸ سال از آغاز به کار «سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی» و افق‌های پیش رو، رویکرد گفت‌وگو با اعضای محترم کمیته علمی مقداری متفاوت‌تر باشد. محمد ناصری صحبت‌های خودش را در گفت‌وگویی مفصل بیان نمود و فریبا کیا نیز در گفت‌وگویی مبسوط، آنچه را لازم بود، اظهار کرد که در بخش‌هایی جداگانه در همین شماره از نشریه آمده است. به همین دلیل، در گفت‌وگوی پیش رو شما تنها سخنان سیدمحسن گلدان‌ساز، دکتر محمود امانی تهرانی و مهندس احمدرضا دوراندیش، که سایر اعضای کمیته علمی این دوره از جشنواره هستند و از منظرهای متفاوت نسبت به طرح سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد در پانزدهمین دوره این جشنواره اظهار نظر کرده‌اند را از نظر می‌گذرانید.

کتاب زده بودند و بعضی‌هایشان هم به‌طور خیلی گسترده و متنوع بدون اینکه انتشارات و نشری داشته باشند، در زمینه‌ها و حوزه‌های گوناگون کتاب تولید می‌کردند و خیلی جسورانه هر نوع کتابی را به اسم آموزش و پرورش استان یا منطقه تولید می‌کردند، کاری صورت دهند.

طبیعتاً همه این کتاب‌ها پای آموزش و پرورش گذاشته می‌شد و یک‌جا باید وزیر پاسخگو می‌بود که این کتاب‌ها و نشریات که خارج از حوزه برنامه‌ریزی آموزشی، درسی و سیاست‌های وزارتخانه تولید می‌شوند چیست؟ ایشان هم از اعضای این شورا خواست ببینند کتاب‌ها و نشریاتی را که بسته‌های آموزش و پرورش استان‌ها و سایر بخش‌ها تولید می‌کنند، چیستند و چقدر با سیاست‌ها و معیارهای آموزش و پرورش هم‌خوانی دارند و اگر احیاناً تطبیق دارند، این دفتر مجوز بدهد و وگرنه محدودیت‌هایی برای تولید آن‌ها ایجاد کند.

این جلسات تا کی ادامه پیدا کرد و چه کسانی در ترکیب

❖ آقای گلدان‌ساز! شما سابقه خدمت طولانی در آموزش و پرورش دارید و در مقطعی هم مسئولیت اداره و مدیر کلی دفتر انتشارات کمک آموزشی را بر عهده داشته‌اید. با عنایت به برگزاری ۱۴ دوره



جشنواره کتاب رشد، اگر ممکن است درخصوص شکل‌گیری و سوابق تاریخی این طرح برایمان سخن بگویید.

بنا به سوابق موجود، «طرح سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی» در سال ۱۳۷۸ مصوب شده است، اما اگر بخواهم به تاریخچه دقیق آن اشاره کنم، شاید بتوان گفت حدود سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۷۴ اولین گام‌های راه‌اندازی چنین جشنواره‌ای در مجموعه آموزش و پرورش برداشته شد. آن سال‌ها، آقای دکتر محمدعلی نجفی به شورایی که دبیرخانه‌اش در دفتر انتشارات کمک آموزشی مستقر و اعضای آن ترکیبی از بعضی معاونان وقت بودند، مأموریت داد که درخصوص بررسی کار استان‌ها و مناطق آموزش و پرورش، که دست به تولید

شورایی که اشاره کردید حضور داشتند؟

جلسات این شورا دو سه سالی در دفتر انتشارات کمک آموزشی تشکیل شد و جالب است بدانید یکی از اعضای جلسه هم آقای دکتر محمدیان (رئیس فعلی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی) بود. ایشان آن موقع در انجمن اولیا و مربیان حضور داشت. آقای دکتر زرهانی هم بود که آن موقع معاون مشارکت های مردمی وزارت آموزش و پرورش بود. این جلسات به طور منظم تشکیل می شد و آثاری هم به دست ما می رسید و تشکیل جلسه می دادیم و برای دوستان می فرستادیم تا ارزیابی و بررسی کنند. این شورا و به تبع آن دفتر، از جهت اعمال نظری و کارشناسی که انجام می داد، خیلی هم مورد بی مهری قرار می گرفت. از این بابت که واقعاً کارها و آثاری که می رسیدند، نه خیلی متناسب با نیازهای آموزش و پرورش بودند، نه با منطق و سیاست های کلی و کلان آموزش و پرورش تطبیق می کردند و نه ارتباطی با برنامه ریزی آموزشی داشتند و اکثر آثار سلیقه ای بود. این شورا تا پایان وزارت آقای دکتر نجفی تشکیل می شد.

❖ آقای گلدان ساز، خود شما چقدر قائل هستید که دفتری مانند دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی باید اقداماتی مانند تولید کتاب های نمونه یا طرح سامان دهی کتاب های آموزشی را در دستور کار خود قرار دهد؟

دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در رسالت خود از دیرباز تکالیفی بر عهده داشته است. یکی از وظایفش این بود که به عرصه تولید مواد و منابع آموزشی مورد نیاز آموزش و پرورش، چه برای دانش آموزان، چه برای معلمان و چه برای کارشناسان، وارد شود و به خصوص در این زمینه ها نمونه سازی کند.

در دوره ای که من در اینجا (به عنوان مدیر کل دفتر انتشارات کمک آموزشی) مسئولیت داشتم، خارج از چارچوبی که انتشارات مدرسه کارش را در حوزه نشر دنبال می کرد، به عنوان یک مأموریت و وظیفه سازمانی، در جاهایی که فکر می کردیم حوزه ها و زمینه ها خالی است و کسی ورود پیدا نمی کند، وارد شدیم. برای اینکه ناشران ببینند، الگو و زمینه و نمونه ای برای کار بشود. از جمله تولید کتاب های طرح چلچراغ، چهره های درخشان و کارهایی از این دست بود که از وقتی دفتر آن را آغاز کرد، متکثر شد و ناشران آن را دنبال کردند و تولید این دست از کتاب ها یکدفعه گسترش پیدا کرد.

❖ آیا آن سال ها طرح و سابقه دیگری هم که به بحث سامان دهی کتاب های آموزشی مربوط باشد، اجرا شده بود؟

بله. در سیر تاریخی این دست از اقدامات برای سامان دهی منابع آموزشی باید اشاره کنم، شورایی بود که مرحوم علاقه مندان آن را برای موضوع «تغییر نظام آموزشی» اداره می کرد. آن موقع بحث تغییر از دوره متوسطه مطرح بود. این شورا به صورت هفتگی تشکیل می شد. در آن شورا هم ما را دعوت کردند و یکی دو جلسه به اتفاق

آقای ناصری و حمزه زاده رفتیم. چند جلسه هم من شرکت کرده بودم و بحث این بود که با این بازار آشفته و کارهای کمک آموزشی که همه با عنوان کمک آموزشی و آموزشی کار می کنند، مثلاً شما چکار می خواهید بکنید یا نکنید؟! کار سختی بود و رفتن زیر بار این کار سنگین، مسئولیت بزرگی بود. در عین حال، ما نمی خواستیم ممیزی این کار را به عهده بگیریم و اصلاً تعریف کردن اینکه کتاب کمک آموزشی چیست، کار دشواری بود. هنوز هم دشوار است و تعریف نشده است کتاب کمک آموزشی یعنی چه؟ بحث ها خیلی جدی بودند. حالا هم با نوعی اغماض نسبت به مسائل نگاه کرده و از آن ها عبور می کنند.

در آن شورا هم مسائلی از این دست مطرح می شد که با این آشفته بازار چکار می خواهید بکنید؟ تعریف کتاب کمک آموزشی و کمک درسی چیست؟ این هم خودش داستانی بود که قبل از اینکه طرح سامان دهی کتاب های کمک آموزشی آماده شود، ما به صورت پایلوت و آزمایشی کاری را اجرا کردیم. یعنی قبل از طرح سامان دهی و در همان کمیته ای که مرحوم علاقه مندان تشکیل می داد، مصوب شد ما از ناشران بخواهیم، کتاب هایی را که با موضوع کتاب های درسی مرتبط هستند، به عنوان کمک آموزشی، به ما بدهند تا بررسی کنیم و ببینیم چقدر می توان به آن ها امتیاز داد؛ امتیازهایی از قبیل اینکه آن ها را مطرح کنیم و عنوان کنیم و یا احتمالاً نشانی به ناشرانشان بدهیم که در کتابشان بتوانند استفاده کنند. همچنین، زمینه را باز کنیم که به مدرسه راه پیدا کنند و کارهایی از این دست.

در آنجا هم اقداماتی شد و شاید فرمتی هم برای کار داشتیم، ولی چارچوب ها کلی بود. این دوره هم تست و تجربه ای شد و خیلی برون داد نداشت و اثری از این مجموعه بیرون نیامد که بتوان گفت کمک می کند به کاری که باید در حوزه کمک آموزشی صورت بگیرد، اما این هم مرحله دیگری از کار در حوزه سامان دهی کتاب های آموزشی محسوب می شد.

تا اینکه در سال ۱۳۷۷ این بحث جدی تر و پرنرگ تر مطرح شد که سامان دهی کتاب های کمک آموزشی در بازار نشر توسط وزارت آموزش و پرورش مقدار جدی تر گرفته شود و هرگاه این بحث مطرح می شد، تنها جایی که به سمتش توجه می شد، دفتر انتشارات کمک آموزشی بود که همین اسم را هم داشت و اساساً چنین طرحی باید به اینجا می آمد. برای همین هم جلسات متعددی با حضور کارشناسان تشکیل شد. در این جلسات پیش نویس طرح سامان دهی کتاب های کمک آموزشی آماده شد و در شورای مدیران سازمان به تصویب رسید. آن موقع مرحوم علاقه مندان در سازمان بودند و کار را مدیریت می کردند.

❖ خاطرتان هست زمانی که بحث سامان دهی کتاب های آموزشی مطرح شد، قرار بود چه کارهایی در این طرح پیگیری شوند؟

زمانی هم که این طرح مطرح شد، قرار بود چند کار در آن اتفاق بیفتد. یکی اینکه قصد این کار ممیزی نبود، قصد این بود که کتاب های ناشران علاقه مند ارزیابی شود و این کتاب ها بتواند



زمینه‌ای را در آموزش و پرورش باز کنند که اگر ارتباطی با موضوعات مورد نیاز آموزش و پرورش داشته باشند و دایره وسیع‌تری برای توزیع شان باشد، ناشرانشان وارد این حوزه بشوند و کتاب‌ها شناسایی و درجه‌بندی شوند که امتیاز بگیرند.

نکته دیگر که در این طرح پیش‌بینی شده بود، این بود که در کتابی یا جزوه‌ای، آثار برتر، نمونه و مورد وثوق آموزش و پرورش معرفی شوند و جشنواره‌ای برای این کار تدارک ببینند و برگزار شود.

تا آنجا که ذهن من یاری می‌کند و سوابق آن هم حتماً الآن هست، یکی از اهداف طرح سامان‌دهی این بود که زمینه‌سازی کند و مشوق‌هایی ارائه دهد برای اینکه ناشران بیایند و زحمتی را که در حوزه نشر و تولید محصولات فرهنگی و به‌خصوص محصولات آموزشی می‌کنند، در چارچوب، قالب و بستری که مورد انتظار و قبول آموزش و پرورش هم باشد بیاورند.

یکی دیگر از اهداف طرح هم این بود که ناشران، به‌عنوان کسانی که می‌توانند به توسعه برنامه درسی و توسعه انتشارات کمک آموزشی کمک کنند، وارد عرصه شوند و کار کنند و آموزش و پرورش از این ظرفیت و توانمندی استفاده کند. این کار تا الآن که دوره پانزدهم طرح برگزار می‌شود، به نظرم خوب پیش رفته است. به‌خصوص در مقایسه با روزهای اولی که گفتم قبل از اجرای طرح چندان موفقیتی نبود. طرح سامان‌دهی آمد و آرام آرام و قدم قدم رسید به اینجا که الآن ۲۷ درصد کتاب‌های کمک آموزشی مناسب هستند. این نشان دهنده نوعی رشد است. نشان می‌دهد آموزش و پرورش توانسته است ناشران را تشویق کند که بیایند در این عرصه و حوزه کار کنند و آن‌ها هم مشوق‌هایی دیده‌اند؛ مثلاً اسم کتابشان در کتاب نامه مطرح می‌شود و گاهی وقت‌ها در خود کتاب درسی می‌آید. در جشنواره مطرح می‌شوند و جایزه می‌گیرند و می‌توانند این موضوع را در پشت کتابشان تبلیغ کنند. در نتیجه زمینه و حوزه‌ای باز می‌شود که در آموزش و پرورش جایگاهی داشته باشند و بتوانند کتابشان را ارزیابی کنند. این‌ها از آن نکاتی است که جزو اهداف طرح سامان‌دهی بوده و به نتیجه رسیده است. هر چقدر هم جلوتر برویم آن‌شالله بهتر از این خواهد شد.

❖ با توجه به حضورتان در شورای علمی پانزدهمین جشنواره کتاب رشد، لطفاً در خصوص بحث ارزیابی و کارشناسی آثار رسیده هم توضیحاتی بفرمایید.

با آشنایی اخیر من در شورای کمیته علمی جشنواره با بحث ارزیابی آثار و کارشناسی آثار، می‌توان گفت کار در بستر خودش، توسط کارشناسان، در موضوعات و ابعاد گوناگون کارشناسی می‌شود و این کارشناسی، تا حدودی که من در جلسه بودم، دقیق است. با این حال دوستان ما از دقت بالاتری به آن نگاه می‌کنند و گاهی اوقات به آن کارشناسی‌ها راضی نمی‌شوند. در جلسه گذشته هم مواردی بودند که برای اینکه کارشناسی مجدد در موردشان صورت بگیرد، برگشت داده شدند. این دقت نظری است تا هم کتاب، متناسب با

اهداف و نیازهای آموزش و پرورش باشد و هم انصاف و حق، رعایت بشود که حقوقی از کسی ضایع نشود.

به‌طور کلی روند و فرایند طراحی شده برای این کار خوب، منطقی و درست است. ان‌شاءالله تا آخر دوره هم آثار خوبی داشته باشد. مهم این است که این دوره‌ها بتوانند آرام آرام بستر لازم را برای توجه ناشران به این موضوع فراهم کنند و ناشران محترم هم بدانند (و البته می‌دانند) که گستره‌ای به بزرگی آموزش و پرورش کشور در برابرشان قرار دارد که خیلی مهم است. این می‌شوند به لحاظ اقتصادی هم نگاه کنیم، بازار بزرگی است؛ البته به لحاظ فرهنگی که کارکرد بسیار مؤثری خواهد داشت و با این نگاه هم می‌تواند قابل توجه باشد.

به اعتقاد من، این اقدامات می‌تواند آرام آرام سامان بخشی کتاب‌های آموزشی را با برنامه‌ای دقیق و حساب شده پیش ببرد و بخش‌هایی از این محتواها که باید در بسته آموزشی قرار بگیرد، یا به نوعی به بسته آموزشی پیوند بخورد، سامان دهد که این بسته پر و پیمان شود و تکلیف معلم، خانواده و کارشناسان آموزشی روشن شود که به موضوع آموزش توجه همه‌جانبه داشته باشند. این بسته می‌تواند خیلی کمک‌کننده باشد و سامان بخشی کتاب‌های آموزشی نیز می‌تواند زمینه‌ساز این کار و فعالیت شود.

❖ آقای دکتر، با توجه به جایگاه جناب عالی به‌عنوان مدیرکل دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری و سوابق متعددی که در حوزه ارزیابی و کارشناسی منابع درسی و آموزشی دارید،



از منظر یکی از اعضای کمیته علمی جشنواره، در مورد جشنواره پانزدهم برای خوانندگان عزیز توضیحاتی بفرمایید.

در مورد جشنواره، اولین نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم این است که الحمدلله روز به روز جایگاه مصوبه ۸۲۸ (شورای عالی آموزش و پرورش) بهتر به رسمیت شناخته می‌شود و بهتر می‌شود. مخاطبان بیشتری هم با آن ارتباط برقرار می‌کنند. این کار چشم‌انداز خوبی را ایجاد می‌کند.

به نظر من، با تلاشی که دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی انجام داده است، واقعاً ارتباط خوبی با تولیدکنندگان کتاب، سایر بخش نامه‌ها، رسانه‌ها و منابع یادگیری برقرار شده و استانداردهای خوبی برای این موضوع به وجود آمده است. این استانداردها به نحو مطلوبی اطلاع‌رسانی شده‌اند و جریانی خیلی تدریجی اما مستمر و مؤثر دارد شکل می‌گیرد. این استمرار در کار خیلی مهم است. یعنی از کارهایی نیست که به‌صورت خیلی مقطعی، ناگهان موجی باشد و تمام شود.

دبیرخانه جشنواره و کار سامان بخشی به‌طور مستمر در طول سال فعال است. همیشه کتاب می‌گیرد و ارزیابی می‌کند و همیشه نتایج بررسی کتاب‌ها را بازخورد و اعلام می‌کند. این‌ها خیلی نکته‌های مهمی هستند. ما در سایر موارد و اتفاقاتی که در عرصه هنر و

فرهنگ می‌افتد، خیلی این حالت را نداریم. اما اینجا این سازوکار به وجود آمده و خیلی بی سروصدا و مستمر کارش را انجام می‌دهد. این نکته اول است که جای خرسندی و شکرگزاری دارد.

❖ **لطفاً در مورد این نکته هم که گروه‌های داوری چه می‌کنند و نقش هیئت علمی جشنواره چیست، توضیحاتی بفرمایید.**

شاید تنها جشنواره‌ای است که به این روشنی چنین سازوکاری در بحث سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی دارد که فراتر از تمامی گروه‌های تخصصی داوری، شورایی علمی دارد که نتایج تمام گروه‌های داوری را رصد، مرور و بررسی و تلاش می‌کند تا اگر نقصی، خللی یا مشکلی وجود دارد شناسایی و تدبیر کند، و بدون اینکه مداخله مستقیم ایرادات را از بین ببرد. اما این یک نوع تضمین و از سویی دفاع از حقوق کسانی است که کتاب‌هایشان را به ما می‌سپارند. آن‌ها باید مطمئن باشند که در یک جریان کاملاً عادلانه به کارشان رسیدگی می‌شود. از سوی دیگر، استانداردهایی به ما سپرده شده‌اند که باید مطمئن باشیم از این استانداردها عدول نشود. این از تدبیرهای دبیر جشنواره در چند سال اخیر است. در دوره‌های اول این تدبیر نبود، اما در سه دوره اخیر، شورایی علمی را ایجاد کردند و سطح شورا به گونه‌ای است که از سطوح کارشناسی و درگیر موضوعات و به نوعی از سطح جزئی مقداری فراتر است و می‌تواند از بالا نگاه و کار کند. به هر حال تفاوت به صورت جدی هست.

❖ **لطفاً در باب آثاری هم که به دبیرخانه جشنواره رسیده‌اند، نکاتی بفرمایید.**

در طبقه‌بندی تولیدات تفاوت جدی وجود دارد؛ در بعضی از گروه‌ها تعداد تولیدات راه یافته به مرحله پایانی و تولیداتی که بالاخره قابل توجه باشند، هنوز اندک است. یکی از خروجی‌های جشنواره می‌تواند آدرس‌دهی همین حوزه‌هایی باشد که به تولید و سرمایه‌گذاری نیاز دارند.

طبیعتاً در بعضی حوزه‌ها سابقه خوب و تولید خوبی هم وجود دارد. همچنین، کاندیدهای متعددی هم وجود دارند. در بعضی حوزه‌ها یک حالت سومی هم وجود دارد و آن اینکه تولید هست، اما همچنان تولید خوب کم است. یعنی این‌طوری نیست که به طور کلی، مثل گروه اولی که گفتیم خلا باشد یا کم تولید باشد. در این بخش شاید باید آن استانداردها جدی‌تر گرفته شوند؛ یعنی تولیدهایی که منطبق با استانداردها باشند.

اولاً جایگاه کتاب‌های آموزشی در کجای برنامه‌های درسی است؟ یک موقعی ما می‌گفتیم کتاب آموزشی منبع آموزشی بچه‌هاست، اما ما الان به یک مثلث در ارتقای کلاس درس معتقد هستیم. یک ضلع این مثلث طراحی آموزشی هست که بیان می‌کند دانش‌آموز چه پله‌هایی را باید بپیماید تا به هدف درس برسد. این پله‌ها هم هدف‌های یادگیری هستند که می‌توان آن‌ها را جلوی پای بچه‌ها گذاشت.

ضلع دوم مثلث رسانه‌های آموزشی پرشمار هستند. یعنی مسیری

خوب است که راه‌های متعددی جلوی پای بچه‌ها بگذارد. یعنی کتاب درسی یک رسانه است. در کنارش کتاب‌های موضوعی، متون خواندنی، دایرةالمعارف‌ها، کتاب‌های فعالیت کار و کتاب‌های تمرین مناسب و در کنار آن‌ها رسانه‌های یادگیری مبتنی بر فضای مجازی، قطعات یادگیری، فیلم‌ها، انیمیشن‌ها، عکس‌ها و تمام این‌ها می‌توانند جزو رسانه‌های یادگیری پرشمار قرار گیرند.

ضلع سوم، ارائه توسط دانش‌آموزان است. این ضلع دوم (رسانه‌های پرشمار) امروزه جایگاه رسمی پیدا کرده است. هر چه ما بهتر تولید کنیم، کمک کرده‌ایم که یادگیری در کلاس بهتر شکل بگیرد. تمام تلاش جشنواره این است که بتواند اتصال بین تولیدات و کلاس درس را خیلی خوب برقرار کند. یک چیزهایی فراتر از موضوع محتوایی، یک هدف مشترک محتوایی است. مثلاً ما معتقد هستیم که یکی از اهداف بچه‌ها از آمدن به مدرسه این است که قدرت خواندن همراه با درک و فهم و لذت بردن از خواندن در آن‌ها پرورش پیدا کند. یعنی بحث محتوا در درجه دوم است و خود این مهارت، احساس و نگرش و این قابلیت و توانایی که دانش‌آموز بتواند بخواند و درک و فهم داشته باشد و لذت ببرد و استفاده کند، دقیقاً به کتاب و خواندن وصل می‌شود. می‌خواهم بگویم، فقط خواندن لزوماً روی موضوعات یادگیری هم نیست. البته بسیاری از کتاب‌های خوب کتاب‌هایی هستند که این موضوع را در یک نقطه جمع می‌کنند؛ یعنی هم مطلب مفید و مرتبط با ساحت‌های ششگانه رشد را به بچه‌ها می‌آموزند و هم مهارت و توانمندی را در بچه‌ها تقویت می‌کنند. طبیعتاً این‌ها در شکل‌گیری مناسب این مثلث موارد مؤثری هستند.

به عقیده من، در اینجا باید به چند نکته حمایتی هم پرداخت. اگر ما به این مثلث معتقد هستیم و معتقدیم که این کتاب‌ها می‌توانند کنار کتاب‌های درسی بیایند، باید فضای مدرسه‌ای را با این‌ها سازگار کنیم. فضای مدرسه‌ای باید راه حل‌های ساده و نه خیلی پیچیده پیدا کند. مثلاً اگر بگوییم کتابخانه مدرسه را راه بیندازیم و به مدارس کتابدار بدهیم و کتابدار نقش راهبر سواد اطلاعاتی را ایفا کند، این‌ها سخنان خیلی خوب و شیرینی هستند، اما ممکن است در عرصه عمل مقداری فاصله با آن چیزی که واقعیت دارد وجود داشته باشد.

من می‌گویم بیاییم فرمول‌های ساده‌تری را به مدارس پیشنهاد کنیم. یکی از آن‌ها این است که به کتابخانه کلاسی فکر کنیم. کتابخانه کلاسی به مراتب آسان‌تر از کتابخانه مدرسه‌ای است، چون نقش معلم در آن خیلی پررنگ است و آداب، ترتیب و امکانات خیلی کمتری می‌خواهد. اتصالش هم به برنامه‌های درسی خیلی قوی و آسان است و این یک کار جدی است.

کار دیگری که مثلاً در این زمینه و در سطح مدرسه می‌شود انجام داد، این است که ما بیاییم یک نوع جریان خیرین آموزشی در عرصه کتاب در جامعه به وجود بیاوریم؛ یعنی جریانی از اهداگیرندگان، اهداکنندگان و آن چیزی هم که اهدا می‌شود را می‌توان خیلی وسیع گرفت. جریان اهدا می‌تواند در مدارس ما خیلی جریان زیبایی باشد. اگر مدیران چنین سازوکاری را



به گونه‌ای بشود که وقتی می‌گوییم رسانه‌های یادگیری پرشمار (فیلم‌ها، ابزارها، وسایل و نرم‌افزارها)، در مدرسه نسبت به این‌ها مطالبه وجود داشته باشد؛ یعنی ما به نوعی برای این تولیدات مشتری بسازیم و بازار ایجاد کنیم.

این کار مستلزم تبلیغ فراوان و زمینه‌سازی در کتاب‌های درسی و آموزش معلمان است. تغییر این فضای ذهنی است که یک کتاب درسی برای همه کار کفایت می‌کند. این‌ها کارهایی هستند که باید به نوعی روی آن‌ها فعالیت کرد و قابل فعالیت هم هستند. چشم‌اندازی که الان برای ما وجود دارد، این است که به زودی نسخه الکترونیک کتاب‌ها یک امر جدی مورد مطالبه کشور خواهد شد؛ آن هم نه نسخه الکترونیک به این معنا که یک کتاب به یک فایل PDF تبدیل می‌شود، بلکه کتاب تبدیل می‌شود به محتوایی شامل تمام رسانه‌های مورد نیاز (نه فقط LO)، تدریس‌های مناسب موضوعی، تمرین‌های مناسب، آزمون‌ها و امتحانات مناسب، و تکالیف یادگیری رشددهنده. سیستم مؤثری از بازخورد و دریافت کردن این‌ها می‌آید و کتاب‌های الکترونیک خیلی متفاوت را می‌سازد. من فکر می‌کنم در آینده خیلی نزدیک شاهد اتفاق افتادن و نه فقط مطالبه آن خواهیم بود. امیدواریم در داخل کشور به گونه‌ای تولیدات داشته باشیم که بتوانیم در موقع نیاز سرمان را بالا بگیریم و به آن افتخار کنیم و بگوییم ما این تولیدات را انجام می‌دهیم.

❖ **آقای دوراندیش! لطفاً درباره کم و کیف ویژگی آثار فنی و حرفه‌ای در این دوره از جشنواره بگویید. همچنین چه کار می‌شود کرد که شاهد حضور همیشگی این گروه در جشنواره باشیم؟**



باید اشاره کنم علی‌رغم وارد نشدن کتاب‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی در جشنواره دوره قبل و وجود یک فرصت دوساله، متأسفانه در این دوره هم شاهد حضور نداشتن مناسب ناشران کتاب‌های فنی هستیم. این در حالی است که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بیش از ۴۰ رشته و رشته‌های مهارتی با ۱۶۰ رشته، حوزه وسیعی را شامل می‌شود. بنابراین، انتظار می‌رود در این دامنه وسیع تولیدات نیز متعدد و چشم‌گیر باشند، ولی به جز چند رشته محدود مانند صنایع چوب، تأسیسات و مدیریت خانواده، در بقیه رشته‌ها تولیدات قابل توجهی مطرح نشدند. برای فعال‌تر شدن ناشران در این حوزه نیاز است تحلیلی از وضعیت فعلی داشته باشیم. به نظر می‌رسد، با آسیب‌شناسی وضع موجود بتوان زوایای آشکار و پنهان دلایل نبود یا کمبود آثار کیفی در حوزه آموزش‌های فنی و مهارتی را مشخص کرد. برای مثال، شاید اولین چیزی که به ذهن ما خطور کند، نداشتن صرفه اقتصادی برای ناشران در تولید کتاب‌های این حوزه باشد. اما به نظر بنده، برخی از موارد دیگر نیز وجود دارد که در این موضوع تأثیر مستقیم دارد. به عنوان نمونه، ناآگاهی دقیق ناشران از نیازهای هنرجویان، هنرآموزان، برنامه‌ریزان و کارشناسان

در مدارس به وجود بیایوند، مثلاً انجمن‌های اولیا و مربیان را می‌توانند در این زمینه فعال کنند، با ناشرانی که کتاب‌های شان به تأیید مصوبه ۸۲۸ رسیده ارتباط برقرار کنند و از پخش مدرسه‌ای کمک بگیرند؛ چون پخش مدرسه خودش را موظف کرده است که کتاب‌های مورد تأیید سازمان را به دست مدارس (در صورتی که آن‌ها بخواهند)، برساند. اهدای کتاب می‌تواند به دانش‌آموز، کلاس یا کتابخانه کلاسی باشد. این‌ها کارهایی هستند که اگر در سطح مدرسه در مقیاس آسان، و نه خیلی پیچیده بودجه و نیروی انسانی شکل بگیرند، می‌توانند به بازار کتاب هم تحرک خوبی ببخشند و رشد کنند؛ شاید ده برابر الان. در حال حاضر می‌بینیم بعضی کتاب‌ها که کتاب‌های خوبی هم هستند و آدم خوش‌حال می‌شود از اینکه منتشر شده‌اند، شمارگان شان مطلقاً رضایت‌بخش نیست. آدم فکر می‌کند حیف است این کتاب در جامعه ایران این‌طوری بلااستفاده بماند.

❖ **ارزیابی کلی شما از اقدامات انجام شده در خصوص سامان‌دهی مواد و رسانه‌های آموزشی در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی چیست؟**

من فکر می‌کنم قدم‌های اول را در این زمینه خوب برداشته ایم. اولاً چهار دروازه ورودی برای سازمان ایجاد کرده‌ایم: یک دروازه کتاب است، یک دروازه فیلم آموزشی، یک دروازه نرم‌افزار و یک دروازه ابزار و وسایل آموزشی است. به نوعی ممکن است این‌ها یک حالت ترکیبی هم بگیرند که همان بسته آموزشی می‌شود.

خوشبختانه در سازمان این چهار دروازه به وجود آمده‌اند و استانداردهای مربوط به آثار هم تدوین شده است. البته می‌دانم که در بخش کتاب ما مجرب‌تر هستیم و فرم‌هایمان پخته‌تر است و سوالاتمان انطباق بیشتری دارند، اما در بقیه هم این کار راه افتاده و الان کارها پذیرفته و بررسی می‌شوند.

نکته دوم که به نوعی حرکت مثبتی است، این است که اگر قبلاً کسی در این زمینه‌ها تولیدی می‌کرد و حتی تولیدش را به تأیید سازمان می‌رساند، دغدغه این را داشت که چطور من این را پخش و توزیع کنم. با ایجاد سامانه‌ای با نام «پخش مدرسه» این مأموریت به آن سامانه داده شده که تولیدات مورد تأیید سازمان را به دست مدارس برساند. این سامانه مراحل اولیه طراحی را گذرانده و مسئولیتش با مدیر عامل انتشارات مدرسه است. اما برای خودش سامانه مستقلی است. این سامانه غیر از سامانه پخش انتشارات مدرسه است؛ پخش مدرسه صرفاً بحث خود این انتشارات نیست، تولیدات دیگران هم هست. پخش هر تولیدی که به نحوی به درد مدرسه می‌خورد، جزو پیش‌فرض‌هایش است. فقط چیزی که استاندارد است و از ۸۲۸ عبور کرده است. چون ۸۲۸ تنها خاص کتاب نیست که در پخش مدرسه بیایوند. این دو اتفاق‌های مثبتی هستند که افتاده‌اند و چیزی که ما باید در آینده رویش کار کنیم، این است که از این فضا حمایت و نسبت به ایجاد آن تبلیغ کنیم؛ یعنی

و سایر ذی‌نفعان این حوزه. نداشتن اطلاع و اطمینان کافی از چگونگی توزیع و فروش تولیدات مورد تأیید از نمونه‌های دیگری است که باید به آن توجه داشت. بنابراین، پیشنهاد بنده این است که دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، طی یک آسیب‌شناسی، محورهای اصلی محدودکننده را مشخص و برای آن راه‌حلهایی در نظر بگیرد.

❖ شما و همکاران مسئول در دفتر تألیف کتاب‌های فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش چه اقداماتی را برای مشارکت فعال تر ناشران در این حوزه پیشنهاد می‌کنید؟

در ماده ۱۲ از سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌های تولید مواد و رسانه‌های یادگیری تشریح شده است. در بررسی اجمالی بندهای آن می‌توان دریافت که ظرفیت‌های بسیار مناسبی برای مشارکت جدی و فعال بخش غیردولتی در تولید، تکمیل و غنی‌سازی منابع و مراکز یادگیری پیشنهاد شده است. این سیاست‌ها در برنامه درسی رشته‌های فنی‌وحرفه‌ای نیز قرار دارد و امکان عرضه تولیدات برای ناشران در این حوزه فراهم شده است.

در اشاره به برخی از اقداماتی که باید انجام داد تا ناشران مشارکت فعالی در نشر کتاب‌های فنی‌وحرفه‌ای داشته باشند، می‌توان این موارد را ذکر کرد:

- نیازسنجی و اعلام نیازهای برنامه‌های درسی رشته‌های تحصیلی حرفه‌ای، به‌منظور تکمیل و غنی‌سازی اجزای بسته‌های آموزشی

- اطلاع‌رسانی از تغییرات رشته‌های فنی و مهارتی - تبیین رویکرد آموزش مبتنی بر شایستگی و ارزشیابی مبتنی بر شایستگی در نظام جدید آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای برای ناشران

- انتشار محتوای برنامه‌های درسی رشته‌های تحصیلی و حرفه‌ای، به‌منظور اطلاع و آگاهی دقیق‌تر از عناصر برنامه درسی - ارائه کارگاه‌های آموزشی تدوین و تألیف اجزای بسته آموزشی رشته‌های فنی‌وحرفه‌ای و مهارتی برای ناشران - معرفی آثار معتبر و مورد تأیید در کتاب‌های درسی براساس دستورالعمل‌های سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی - معرفی آثار معتبر و مورد تأیید سازمان در سفارشات خرید کتاب برای هنرستان‌ها

❖ کتاب‌های درسی فنی‌وحرفه‌ای در نظام جدید آموزشی با چه تغییراتی همراه بوده‌اند؟

در نظام قبلی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای، کتاب‌های درسی بیشتر نقش منبع آموزش را داشتند و هنرآموزان فعالیت‌های یادگیری را حسب شرایط محیطی و ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان طراحی و اجرا می‌کردند. به عبارت دیگر، در رویکرد گذشته، هنرجویان به شدت به کتاب درسی وابسته

بودند و برنامه‌ریزان آنچه را مورد نیاز هنرجویان بود، در کتاب درسی برای ایشان فراهم کرده بودند و مسیر آموزش و نوع تعامل بیشتر یک‌سویه بود. یعنی هنرجویان کمترین تعامل را با محتوا و سایر هنرجویان داشتند. در وضعیت جدید آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای، بسته‌های آموزشی شامل کتاب درسی هنرجو، کتاب همراه هنرجو، کتاب هنرآموز و برخی نرم‌افزارها جانشین کتاب قبلی شده‌اند.

در کتاب درسی، برای هنرجو موقعیت‌های یادگیری طراحی شده و در کتاب قرار گرفته‌اند تا جریان یاددهی و یادگیری از دیدگاه راهبردهای آموزشی یکسان باشد و هنرآموزان با انتخاب روش‌های تدریس متناسب با شرایط و موقعیت آموزشی، اهداف توانمندسازی را در یک محیط تعاملی محقق سازند.

- کتاب همراه هنرجو برای نخستین بار با هدف عبور از حافظه‌محوری و دستیابی به سطوح بالاتر یادگیری برای تمامی رشته‌های فنی‌وحرفه‌ای و متناسب با هر رشته طراحی و تألیف شد. استانداردسازی و ایجاد زبان مشترک و کمک به تحقق شایستگی‌های مادام‌العمر فنی‌وحرفه‌ای و تأثیر آن در کاهش حجم کتاب‌های درسی از ویژگی‌های این کتاب هستند. همچنین، کتاب راهنمای هنرآموز برای هر کتاب درسی به گونه‌ای تألیف شده است که نقشه راه جریان آموزش برای هنرآموزان باشد.

- البته باید اذعان داشت، دفتر برای تولید هم‌زمان اجزای بسته آموزشی از روش‌های نوآورانه‌ای استفاده کرده است. برای مثال می‌توان به تألیف در قالب «ماکت بسته یادگیری» اشاره کرد.

❖ به‌عنوان سؤال آخر، انتظارات شما از ناشران در تولید کتاب‌های کیفی چیست؟

برای مشارکت بیشتر ناشران در تولید کتاب‌های حوزه آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای، انتظار می‌رود ناشران گرامی با دریافت و بررسی اطلاعات درخصوص تغییرات رشته‌های فنی و مهارتی در نظام جدید آموزشی، طی یک فرایند نیازسنجی، نسبت به اولویت‌بندی نیازهای آموزشی اقدام کنند.

- پیشنهاد می‌شود، ناشران گرامی با توجه به ویژگی‌های آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای، در ارائه محتواهای مورد نیاز از روش‌های نوآورانه و خلاقانه استفاده کرده و در این خصوص با ارائه تولیدات جدید، و استفاده از فناوری‌های نو از فرایند یادگیری پشتیبانی کنند.

- شایستگی‌های محوری یا به عبارتی شایستگی‌های غیرفنی مورد نیاز دنیای کار از دروس تحولی است که در آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای برای نخستین بار به تمامی هنرجویان فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش آموزش داده می‌شود. پرداختن و تألیف کتاب با محتواهای مرتبط با این نوع از شایستگی‌ها مورد تأکید برنامه‌ریزان درسی است.





پای صحبت فریبا کیا، معاون سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی و قائم مقام دبیر جشنواره

هر جشنواره برای ما، یعنی مأموریت‌هایی تازه

اشاره

فریبا کیا، معاون سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی است. او به عنوان مسئول مستقیم اجرای سامان‌دهی منابع مکتوب و غیر مکتوب، بیش از هر کس دیگری با موضوع درگیر است. وی افزون بر این سمت، قائم مقام دبیر جشنواره و دبیر کمیته علمی است. به بهانه برگزاری پانزدهمین جشنواره با او گفت‌وگویی صمیمانه انجام داده‌ایم که از نظر شما می‌گذرد.

و نظر این دوستان در اختیار تمام علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. من یکی دو بار در جمع همکاران، جشنواره را به خانه‌تکانی ایام عید تشبیه کرده‌ام. ما در خانه تکانی گرد و غبارها را پاک می‌کنیم و متوجه برخی ترک‌ها یا آسیب‌دیدگی‌های پنهان در هر جای خانه و برخی کاستی‌ها در اسباب و اثاثیه منزل می‌شویم یا حتی برخی چیزهای غیرلازم و به درد نخور را دور می‌ریزیم.

❖ می‌توانید بگویید در خانه‌تکانی جشنواره پانزدهم، برای نمونه چه تغییراتی در سامان‌دهی ایجاد خواهید کرد؟

- یکی از اتفاقات خوبی که در جشنواره امسال ان شاءالله رخ خواهد داد، رونمایی از راهنماهای جدید تولید کتاب‌های آموزشی است. ما در سال‌های گذشته این راهنماها را در موضوعات گوناگون تولید کرده بودیم تا اگر ناشر یا مؤلفی خواست در موضوع فارسی، دینی، علوم تجربی یا ریاضی یا موضوعات دیگر کتابی تولید کند، به این راهنماها مراجعه کند و کتاب خود را بر آن اساس بنویسد. یکی از برنامه‌هایی که ما دو سه سال است دنبال می‌کنیم بازنگری در این راهنماها بر اساس سند جدید برنامه درسی ملی است که ان شاءالله بخشی از آن‌ها را در حضور ناشران و مؤلفان محترم حاضر در جشنواره رونمایی می‌کنیم.

یکی دیگر از برنامه‌هایی که در این جشنواره داشتیم، برگزاری میزگردهایی بین داوران گروه‌ها بود. در این میزگردها داوران یافته‌ها و تحلیل‌های خودشان را درباره کتاب‌های گروه به بحث می‌گذاشتند؛ در حالی که در سال‌های گذشته با داوران به صورت انفرادی گفت‌وگو می‌کردیم.

جشنواره پانزدهم را در حالی برگزار می‌کنیم که رویکرد سامان‌دهی در آینده قدری متفاوت‌تر از قبل خواهد شد و کیفیت‌بخشی به فعالیت‌ها بیش از پیش مد نظر قرار خواهد گرفت. مثلاً ارتقای کیفیت داوری از برنامه‌ها و سیاست‌های جدی در سال آینده و سال‌های آینده خواهد بود. ما برنامه‌هایی را به صورت آزمایشی آغاز

❖ در آستانه برگزاری جشنواره پانزدهم قرار داریم. این دوره از جشنواره چه تمایزی نسبت به دوره‌های قبل دارد؟

- گذشته از اینکه برگزاری جشنواره بر اساس ماده ۵ مصوبه ۸۲۸ یک مطالبه قانونی است، خود ما جشنواره را یک موتور متحرکه برای شتاب بخشیدن به حرکت سامان‌دهی می‌دانیم. جشنواره فرصتی تازه فراهم می‌کند تا یک بازنگری در فعالیت‌ها داشته باشیم. شاید ارزیابان مادر طول سال یک‌دیگر را نبینند؛ اما تشکیل چندین جلسه گروهی بین داوران، در واقع فرصت یک هم‌اندیشی و تضارب آرا به آنها می‌دهد و ما در فرایند همین داوری‌ها به برخی از نقاط قوت و ضعف خودمان پی می‌بریم. بنابراین هر جشنواره شاید مأموریت‌های تازه‌ای را برای ما یا متمم‌هایی را برای برنامه‌های ما رقم بزند.

ما جشنواره پانزدهم را در حالی برگزار می‌کنیم که تعداد کتاب‌ها بیشتر شده است. اکنون ۹۰۰ ناشر در سامانه کنترل کیفیت منابع مکتوب عضوند و با ما همکاری می‌کنند. ما امسال موفق شدیم گروه‌های داوری فنی و حرفه‌ای را که در سال گذشته، به دلیل کم بودن کتاب‌های این شاخه تشکیل نشد، دوباره به جشنواره بیاوریم و کتاب‌های آن‌ها را به جمع کتاب‌های دوره‌های ابتدایی، متوسطه اول و دوم، پیش‌دبستانی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی اضافه کنیم. امسال چیزی در حدود ۲۸۰۰ عنوان کتاب در جشنواره حضور داشت که حدود نیمی از آن‌ها درجه یک و دو بودند و در سی گروه داوری به رقابت پرداختند.

❖ آیا این تجربه‌هایی که شما کسب می‌کنید، به دیگران هم انتقال داده می‌شود؟

- بله ما تلاش می‌کنیم تمام فرایند جشنواره را به نوعی در مجله جوانه درج کنیم که در واقع به اشتراک گذاشتن این تجربه‌ها با ناشران و دیگر مخاطبان ماست. علاوه بر این، گزارش‌هایی را از کتاب‌های دریافت شده منعکس می‌کنیم. گفت‌وگوها و میزگردهایی را با داوران گروه‌ها یا مسئولان یا ناشران ترتیب می‌دهیم که تحلیل

کرده‌ایم برای آنکه ارزیابی و تأیید و رد کتاب‌ها، به شکل گروهی انجام شود. یعنی به جای آن که داوران به صورت جداگانه درباره‌ی یک کتاب نظر بدهند، پس از مطالعه‌ی اولیه‌ی کتاب آن را در گروه به بحث بگذارند، از نظر خودشان به صورت مستدل دفاع کنند و به نتیجه برسند. به این ترتیب می‌خواهیم اثرگذاری نظر یک فرد را در داوری به صفر نزدیک کنیم.

• آیا اکنون که با هم گفت‌وگو می‌کنیم نتایج نهایی داوری‌ها مشخص شده است؟

– هر یک از گروه‌های داوری ما این امکان را داشت که یک کتاب را به عنوان کتاب برگزیده معرفی کند. برای برخی از گروه‌ها، به دلیل تعداد زیاد کتاب، سهمیه‌ی بیشتری در نظر گرفته شده بود و البته این امکان هم به گروه‌ها داده شده بود تا اگر افزون بر سهمیه‌ی خود کتابی را مستحق دریافت جایزه می‌دانند، آن را با ذکر دلایل به کمیته‌ی علمی معرفی کنند تا اگر گروهی از سهمیه‌ی خود استفاده نکرد، به آن کتاب اختصاص داده شود. بر این اساس، تعداد ۱۰ عنوان کتاب برگزیده و ۳۱ عنوان تقدیری خواهیم داشت.

• تعداد کتاب‌های برگزیده به نسبت گروه‌ها کم نیست؟

– شاید بخشی از این اتفاق به این دلیل باشد که پس از برگزاری ۱۵ دوره جشنواره، سطح توقع داوران ما از کتاب‌ها افزایش یافته است و فیلترهای داوری خصوصاً نسبت به محتوا قدری تنگ‌تر شده است. مثلاً برخی از داوران، دیگر نمی‌پذیرند کتابی را برگزیده کنند که منبع و مأخذ ندارد؛ هر چند کتاب بدیع و خلاقانه باشد.

کتابی که در جشنواره برگزیده می‌شود، باید بتواند الگویی برای بقیه‌ی مولفان و ناشران باشد و شاخص‌های یک کتاب خوب در آن به چشم آید. افزون بر این، سیاست سازمان و دفتر تشویق پدیدآورندگان به انجام تألیف است. بنابراین با آنکه کتاب‌های ترجمه به عنوان کتاب مناسب معرفی می‌شوند و در داوری هم راه پیدا می‌کنند، اما برگزیده کردن آن‌ها جزء سیاست‌های جشنواره نیست و کمیته‌ی علمی هم بر این امر نظارت داشت که گروه‌ها مفاد آیین‌نامه و سیاست‌های اعلام شده توسط دبیر جشنواره را مراعات کنند. در کتاب‌های ترجمه، نقش ناشر یا مترجم اغلب به انتخاب کتاب و ترجمه‌ی دقیق و روان آن محدود می‌شود. به این ترتیب کتاب‌های خوب ترجمه که در گروه‌ها بالا آمده‌اند، جزء کتاب‌های تقدیری قرار گرفته‌اند. البته انکار نمی‌کنم که ممکن است در برخی موضوعات کتاب‌های بهتری هم وجود داشته باشد که به دست ما نرسیده باشد.

• منظور تان نشست‌ها و کارگاه‌هایی است که قبلاً هم به منظور تبیین شاخص‌های کتاب مناسب و رویکردهای برنامه‌های درسی برای ناشران برگزار می‌کردید؟

– بله. یکی از برنامه‌هایی که به طور پیوسته در سامان‌دهی دنبال می‌کنیم و هیچ‌گاه هم کم رنگ نشده و هنوز نیاز به آن وجود دارد، همین برنامه است که هم در طول سال، و هم در مدت برگزاری نمایشگاه کتاب تهران به شکل ویژه به آن می‌پردازیم. از ناشران و مؤلفان هم انتظار داریم با جدیت بیشتر در این برنامه‌ها شرکت کنند و اگر پیشنهادی هم در شکل اجرای برنامه دارند، که به برگزاری بهتر آن کمک می‌کند، حتماً با ما درمیان بگذارند.

• حالا اجازه بدهید برویم سراغ طرح سامان‌دهی؛ اگر بخواهیم

خیلی خلاصه بگوییم، سال گذشته در حوزه سامان‌دهی چه اتفاق‌های مهمی افتاد؟

– اگر بخواهیم سامان‌دهی را در ۱۸ سال گذشته به شکل سریع مرور کنیم، می‌توانیم بگوییم سامان‌دهی در دوره‌ی اول بر جلب و جذب پدیدآورندگان و ناشران متمرکز شده بود و سیاستش کمی بود. می‌خواست ناشران هر چه بیشتر با سامان‌دهی آشنا شوند و کتاب‌های خود را برای ارزیابی ارسال کنند. این تعامل الآن به قدری است که در همین دو سال گذشته، بیش از ۹۰۰ ناشر خودشان به سامانه‌ی کنترل کیفیت مراجعه و ثبت نام کرده‌اند و سالیانه حدود ۵۰۰۰ عنوان کتاب برای ما می‌فرستند.

در مرحله‌ی دوم، افزایش کیفیت مدّ نظر قرار گرفت تا تولیدات ناشران هرچه بیشتر به سمت کتاب‌های مطلوب و مناسب سیر کند. تدوین و انتشار ده‌ها راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی در موضوعات گوناگون درسی محصول این دوره است. راهنماهایی که به ناشران نشان می‌داد برای تولید کتاب خوب چه مسیری را باید طی کنند. در این دوره کیفیت کتاب‌ها رشد خوبی پیدا کرد و کتاب‌نامه‌هایی که حاوی فهرست کتاب‌های مناسب ناشران بود، روزبه‌روز حجیم‌تر و متنوع‌تر شدند و حتی برای دوره‌های پیش‌دبستانی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی، کتاب‌نامه‌ی ویژه منتشر شد و کتاب‌های داستانی هم به جرگه‌ی ارزیابی کتاب راه یافتند؛ به‌طوری که امروزه در بانک کتاب‌های مناسب ما ۲۶ هزار عنوان کتاب وجود دارد و اکنون در شرایطی هستیم که مثلاً برای یک دانش‌آموز ابتدایی، به ازای هر روز آموزشی ۹ کتاب مناسب معرفی می‌کنیم.

در مرحله‌ی سوم، توجه خود را بیشتر به مخاطب و مصرف‌کنندگان نهایی محصولات و منابع آموزشی معطوف کردیم. یعنی احساس کردیم تا آگاهی کافی در مخاطب شکل نگیرد، ممکن است همچنان نسبت به آثار نامناسب و غیر استاندارد اقبال نشان دهد. بنابراین تصمیم گرفتیم تا کوشش بیشتری در معرفی کتاب‌های مناسب و پخش کتاب‌نامه‌ها و فهرستگان رشد به عمل آوریم و تلاش کنیم تا کتاب‌نامه و فهرستگان را به تک تک مدارس برسانیم. انتشار فهرستگان به تعداد مدارس کشور، یکی از حرکت‌های مهم سامان‌دهی بود.

اگر شما فعالیت‌های سامان‌دهی را به شکل یک مثلث در نظر بگیرید که یک ضلع آن پدیدآورنده و ناشر، یک ضلع منابع آموزشی استاندارد و مناسب و یک ضلع هم مصرف‌کننده و مخاطب باشد، درستش این است که برای داشتن یک مثلث متساوی‌الاضلاع باید هر سه ضلع متوازن و مساوی رشد می‌کرد که به نظر می‌رسد ضلع سوم، یعنی ارتباط با مخاطب، متناسب با دو ضلع دیگر بالا نیامده است.

شاید اگر می‌توانستیم دوباره به گذشته برگردیم و کار را از ابتدا شروع کنیم، به هم‌اندازه بودن هر سه ضلع این مثلث و گسترش متوازن برنامه‌ها توجه بیشتری نشان می‌دادیم و پله پله از کار انجام شده بازخورد می‌گرفتیم و حرکت‌های بعد را متناسب با آن دنبال می‌کردیم. در این صورت شاید وقت و نیروی بیشتری برای ارتباط با معلمان و گروه‌های آموزشی و حتی تعامل با بخش‌های ستادی می‌گذاشتیم.

البته این حرف را نباید این طور درک کرد که همکاران من کارهای



لازم را انجام نداده‌اند. کارهای خیلی مهمی در سامان‌دهی انجام شده است و نسبت کتاب مناسب به کتاب‌های ارزیابی شده، از ۱۸ درصد به ۶۰ درصد رسیده است. این اتفاق مهمی است. شاید اگر ما هم بودیم، در ابتدای کار همین مسیر را پیش می‌گرفتیم. امروز ما در شرایطی این حرف را می‌زنیم که تجربه گذشته را در اختیار داریم.

• به این ترتیب اکنون شما همت اصلی خود را متوجه مخاطب و مصرف‌کننده کرده‌اید؟

- بله. دو سه سالی است که زاویه فعالیت‌های ما به این سمت متمایل شده است. سفر به مناطق آموزش پرورش شهر تهران و استان‌ها و دیدار چهره به چهره با معلمان و مدیران مناطق و مدارس، حضور در نمایشگاه کتاب و دیدار با خانواده‌ها، استفاده از ظرفیت شمارگان چهل میلیونی مجلات رشد، حضور در برنامه‌های صدا و سیما و دیگر رسانه‌ها و حتی استفاده از ظرفیت کتاب‌های درسی که جمعاً شمارگانی برابر ۱۸۰ میلیون نسخه دارد که برای معرفی منابع مناسب صورت می‌گیرد، از اقداماتی است که برای افزایش اطلاع‌رسانی در پیش گرفته‌ایم و البته باید اذعان کرد که هنوز از نقطه مطلوب فاصله داریم. البته برنامه‌هایی را برای استفاده بیشتر از فناوری‌های جدید تدوین کرده‌ایم که امیدواریم به زودی بهره‌برداری از آن را آغاز کنیم و از آن جمله طراحی و تولید یک اپلیکیشن موبایلی است تا به کمک آن، خانواده‌ها و معلمان بتوانند به سادگی و بر اساس نیاز خود، به فهرست کتاب‌های مناسب دسترسی داشته باشند.

ولی من باید این نکته را یادآوری کنم؛ همان‌طور که در ماده ۷ مصوبه ۸۲۸ هم آمده، برای تحقق اهداف سامان‌دهی، به‌ویژه در بخش فرهنگ‌سازی، همکاری و همراهی همه دستگاه‌های فرهنگی و رسانه‌ها، خصوصاً صدا و سیما لازم است. بنابراین همین‌جا از صدا و سیما تقاضا می‌کنیم همان‌طور که این رسانه در تبلیغ کتاب‌های آموزشی فعال است، در فرهنگ‌سازی برای استفاده از منابع آموزشی استاندارد و مناسب هم نقش‌آفرینی سازنده داشته باشد؛ اتفاقی که متأسفانه علی‌رغم مکاتبات متعددی که از سوی بالاترین مسئول نظام آموزشی صورت گرفته است، هنوز رخ نداده است. در حالی که نماینده محترم صدا و سیما در شورای سیاست‌گذاری سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی، عضو هستند و کاملاً نسبت به آسیب‌های منابع آموزشی نامناسب اشراف دارند.

• به فهرست‌گان رشد اشاره کردید. فهرست‌گان رشد، چقدر مخاطب شما را با سامان‌دهی آشنا کرد؟

- انتشار فهرست‌گان به تعداد مدارس کشور در دو سال اخیر از نقاط عطف فعالیت‌های سامان‌دهی محسوب می‌شود. ما این ضرورت را حس می‌کردیم که باید مخاطب ما حداقل برای یک بار مرز کتاب‌های مناسب و استفاده از آن‌ها را بچشد.

با توجه به این هدف، ما برای راحت‌تر شدن کار معلمان، بهترین کتاب‌های کتاب‌نامه را (که همه کتاب‌های مناسب سال را شامل می‌شود) در فهرست‌گان درج کردیم. علاوه بر این در هر فهرست‌گان تعدادی از منابع آموزشی غیرمکتوب یعنی فیلم، نرم‌افزار، وسایل و تجهیزات آموزشی استاندارد را قرار دادیم و آن را به تعداد مدارس کشور منتشر کردیم.

اتفاق دیگری که افتاد و می‌توان آن را تکمیل‌کننده کار فهرست‌گان دانست، راه‌اندازی «پخش مدرسه» است که در واقع مسیر دسترسی آسان به منابع معرفی شده در فهرست‌گان و در کتاب‌های درسی است تا اگر تهیه کتاب مناسب برای مدرسه‌ای در کشور سخت بود، با نمایندگی‌هایی که در شهرستان‌های مختلف دارد نیازهای مدارس را پوشش دهد.

• مهم‌ترین مانعی را که در مسیر پیشرفت سامان‌دهی می‌بینید، چیست؟

- شاید مهم‌ترین مانعی که سر راه ما وجود دارد و حرکت ما را کند می‌کند، همان مشکل عدم آشنایی مخاطب با محصولات استاندارد و مناسب باشد. همان‌طور که قبلاً هم گفتم، حل این مشکل هم به سادگی میسر نیست و به همکاری و هماهنگی همه مراکز فرهنگی مرتبط خصوصاً بخش‌های ستادی خود آموزش و پرورش و انسجام آن‌ها نیاز دارد.

• آیا عضویت این معاونت‌ها در شورای سیاست‌گذاری راهگشا و کافی نیست؟

- شورای سیاست‌گذاری در هر حال مفید است؛ اما چون نشست‌هایش هر شش ماه یک بار برگزار می‌شود و معمولاً وقتی هم که جلسه برگزار می‌شود، هر بار تعدادی از اعضا یا تغییر می‌کنند یا به جای اعضای اصلی، نمایندگان آن‌ها حاضر می‌شوند، هماهنگی‌ها و حرکت‌ها از شتاب کافی برخوردار نیست. البته اسمش هم شورای سیاست‌گذاری است و قرار است سیاست‌ها را تعیین کند. به نظرم لازم است بخش‌های ستادی و معاونت‌های مختلف هماهنگی‌های نزدیک‌تری را در اجرا داشته باشند.

• اتفاقاً برخی از ناشران این موضوع را به زبان می‌آورند که برخی از کتاب‌هایی که مناسب اعلام نشده، همچنان در برخی مدارس عرضه می‌شود.

- همین حرف نشان می‌دهد که بخش نظارتی، باید اهتمام و همکاری بیشتری در این زمینه داشته باشند. چون سازمان پژوهش، متولی بررسی کتاب‌هاست؛ اما بخش‌های دیگری هستند که باید مراقبت کنند فقط منابع مناسب وارد مدرسه شوند. همان‌طور که این بخش‌ها در ابتدای سال مراقبت می‌کنند دانش‌آموزان بدون مشکل ثبت نام شوند، باید بکوشند با سازوکارهای مختلف و ابزارهای ارزشیابی که در اختیار دارند، مدیران و معلمان را به این موضوع حساس و به بهره‌گرفتن از منابع استاندارد تشویق کنند. شناخت و باور معلمان نسبت به آسیب‌های منابع نامناسب و غیراستاندارد خیلی مهم است.

• به نظر شما، نمی‌توانیم بخشی از این فرهنگ‌سازی را به انجمن‌های علمی معلمان بسپاریم و از آن‌ها بخواهیم در این زمینه مشارکت فعال‌تری ایفا کنند؟

- باید از همه امکانات برای این منظور استفاده کنیم. یکی از برنامه‌هایی که ما در سالیان اخیر دنبال کرده‌ایم، دعوت از معلمان علاقه‌مند به حضور در فرایند ارزیابی کتاب‌هاست که البته فعلاً محدود به تهران است و شاید در آینده بتوانیم آن را با تفاوت‌هایی، به شهرستان‌ها و حداقل مراکز استان‌ها هم گسترش دهیم. ما برای این معلمان داوطلب، یکی دو نشست تبیینی و کارگاهی برگزار می‌کنیم

و از بین آن‌ها همکاران فعال‌تر جذب می‌شوند. تجربه نشان داده این همکاران، حتی دوستانی که جذب فرایند ارزیابی نمی‌شوند، هر کدام به نوبه خود به یکی از مدافعان و مبلغان سامان‌دهی در مناطق خود تبدیل می‌شوند. شاید بتوانیم مشابه این نشست‌ها را با گروه‌های آموزشی مناطق هم برگزار کنیم.

● به بخش‌های گوناگونی از فعالیت‌های سامان‌دهی اشاره کردید. قوی‌ترین و بهترین فعالیتی که طی این سال‌ها داشته‌اید و شما از انجام آن خیلی راضی هستید، کدام بخش از کار بوده است؟

– پاسخ دادن به این سؤال خیلی سخت است که فقط روی یک فعالیت انگشت بگذارم. اما اگر مجبور باشم حتماً یکی را انتخاب کنم، راه‌اندازی «سامانه کنترل کیفیت» را انتخاب می‌کنم. با استفاده از سامانه، همین که کتابی به دبیرخانه می‌رسد، پیامی به ناشر فرستاده می‌شود که کتاب او به دبیرخانه رسیده است. ناشر می‌تواند در هر ساعت از شبانه روز که بخواهد به سامانه مراجعه کند و فرایندی را که روی کتاب انجام می‌شود، ببیند و بداند کتاب در حال حاضر در کدام مرحله است. در واقع یک نظارت پیوسته بر روی کار دارد و سرانجام نتیجه ارزیابی کتاب را چه تأیید شده باشد و چه نه، می‌بیند و می‌داند و اگر خواست، دلایل عدم تأیید کتابش را بداند از طریق سامانه دریافت می‌کند. این برنامه، باعث می‌شود تماس ناشران با دفتر و ضرورت حضور فیزیکی آن‌ها بسیار کم شود. مضافاً اینکه اطلاعات تمام کتاب‌های ناشر از زمانی که کتاب‌ها را ثبت کرده، در سامانه هست و ناشر می‌تواند تمام کتاب‌هایی را که برای ما ارسال داشته، مشاهده و اطلاعات لازم را چاپ کند.

● در نقطه مقابل چه؟ یعنی اگر بخواهید بر نقطه‌ای انگشت بگذارید که نسبت به بقیه فعالیت‌ها، حس خوبی نسبت به آن ندارید. گرچه بر اساس صحبت‌هایی که فرمودید می‌شود پاسخ شما را حدس زد؟

– بله. همین‌طور است. اشاره کردم که مهم‌ترین دغدغه ما در این ایام، دغدغه مصرف‌کننده و فرهنگ‌سازی برای استفاده از محصولات مناسب و استاندارد است. البته همان‌طور که گفتیم، بحث تعامل با ناشران از همان آغاز مورد اهتمام قرار گرفته و در نتیجه راه‌های زیادی طی شده تا به این نقطه رسیده‌ایم. زیرا در گذشته دوستان ما بر این باور بودند که اگر ناشر کتاب مناسب منتشر کند، کتاب نامناسبی وجود نخواهد داشت که نگران آن باشیم. اما امروز برخی ناشران می‌گویند وقتی ما کتاب استاندارد منتشر می‌کنیم، دانش‌آموزان، خانواده‌ها یا حتی معلمان آن‌ها را نمی‌خرند. چون ذائقه آن‌ها به محصولات نامناسب عادت کرده است. همه ما کم و بیش به ضرر فست‌فودها آگاهیم؛ اما این غذاها هنوز مشتری خودشان را دارند و شاید اگر از یک کودک و نوجوان بین غذای سالم و فست‌فود مخیر باشد، حتماً دومی را انتخاب کند.

کار کردن با جمعیتی کثیر از مردم با انواع سلیقه‌ها و باورها، سخت‌تر از کار کردن با تعداد محدودی ناشر به نظر می‌رسد. یکی از آماز و آرزوهای من این است وقتی به یک استان می‌روم و در جمع معلمان یا مدیران استان می‌پرسم که چه کسی فهرستگان و کتاب‌نامه را می‌شناسد، اکثریت آن‌ها دست بلند کنند و بگویند که ما

این منابع را می‌شناسیم.

● اتفاقاً پرسش بعدی من درباره مهم‌ترین آرزوی شما برای سامان‌دهی بود؟

– فکر می‌کنم بزرگ‌ترین آرزوی من در این حوزه، جلب مشارکت بخش خصوصی برای ارزیابی منابع است؛ یعنی روزی برسد که ناشران و دیگر حوزه‌های بخش خصوصی با نگاهی یکسان و در کنار ما کار سامان‌دهی را دنبال کنند. مترها و معیارهایی که ما برای ارزیابی استفاده می‌کنیم، دقیقاً با متر و معیاری که بخش غیردولتی به آن باور دارد، به هم نزدیک و یکسان شود. و روزی برسد که اگر ما منبعی را در بخش غیردولتی و دولتی ارزیابی کردیم، به نتیجه یکسانی برسیم. امیدوارم این همدلی و همراهی روزی محقق شود. یکی دیگر از دغدغه‌ها و آرزوهایی که دارم این است که روزی داوری‌های ما چنان باشد که کمترین اختلاف ممکن بین دو داور وجود داشته باشد. یعنی سنجه‌های ما چنان دقیق و برداشت‌های همکاران ما از موضوع چنان به هم نزدیک باشد که اختلاف برداشت‌ها و نگرش‌ها به حداقل برسد؛ گرچه هیچ‌وقت صفر نمی‌شود.

● در بین برنامه‌هایی که سال گذشته داشتید، از کدام اتفاق خیلی خوش‌حال شدید؟

– معمولاً من از همه اتفاق‌های خوب خوش‌حال می‌شوم؛ اما یکی از فعالیت‌هایی که پس از انجام آن خیلی احساس نشاط و رضایت کردم، برگزاری کارگاه جذب ارزیابان معلم بود. انگیزه این معلمان در کار و اظهارنظرهای کارشناسانه آن‌ها در کارگاه‌ها و درباره کتاب‌های آموزشی و کتاب درسی خیلی برایم دلپذیر بود. حضور مدیران گروه‌های دفتر تألیف کتاب‌های درسی و گفت‌وگوهای تخصصی با معلمان از دیگر صحنه‌های جذاب این کارگاه‌ها بود و نتیجه رضایت کامل شرکت‌کنندگان و مدرسان و همه ما بود.

● ناشران زیادی می‌پرسند: نمی‌شود کتاب‌ها را قبل از چاپ ارزیابی کنید تا بتوانند اشکالات را برطرف کنند؟ یعنی همان کاری که در بخش غیرمکتوب انجام می‌دهید.

– در مورد کتاب، به لحاظ قانونی، ارائه مجوز چاپ به عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. مضافاً این که وقتی شما کتابی را قبل از چاپ می‌بینید، نمی‌توانید بگویید فرضاً کتاب این ده تا غلط علمی را دارد؛ باید خط به خط کتاب را بخوانید و همه غلط‌ها را به نویسنده بگویید تا اشکالات را برطرف کند و بیاورد و در دو سه بار رفت و برگشت، دوباره تمام آن ایرادها را بررسی کنید که آیا برطرف شده است یا خیر. حالا تصور کنید ما بخواهیم فقط همین پنج هزار عنوان کتابی را که هر سال برای ما می‌فرستند، با همین شیوه بررسی کنیم، می‌دانید چه ظرفیت عظیمی باید به وجود بیاوریم؟ البته اگر ناشران علاقه‌مندی باشند که بخواهند غلط‌های کتاب خود را برطرف کنند، ما مشورت‌هایی به آن‌ها می‌دهیم. از منابع غیرمکتوب گفتید؛ اتفاقاً با توجه به این که یکی از رویکردهای برنامه درسی، تنوع بخشی به منابع آموزشی و استفاده از بسته آموزشی به جای منابع صرفاً مکتوب است، همکاران در نظر دارند در حاشیه جشنواره پانزدهم نمایشگاهی از منابع برگزیده غیرمکتوب را برای آشنایی بیشتر ناشران و معلمان با این منابع برگزار کنند.



وقتی پای پدر و مادرها به آموزش باز می شود!

نگاهی به کتاب ریاضی مامان باباها، نوشته خسرو داوودی

مامان باباها! ریاضی اول دبستان

نویسنده: خسرو داوودی

ناشر: خیلی سبز

سال نشر: ۱۳۹۵

خانواده‌ها دوست دارند به فرزندان خود، خصوصاً کودکانی که تازه پا به مدرسه گذاشته‌اند، کمک کنند. اما معلمان با توجه به تغییر شیوه‌های آموزش (که هنوز هم هر چند یک بار تغییر می‌کند) تمایل دارند، خانواده‌ها از دخالت در امر آموزش بچه‌ها بپرهیزند و احیاناً با روش‌های متفاوت و گاه منسوخ شده، اختلالی در روند آموزش معلم و کلاس ایجاد نکنند. مجموعه کتاب‌های «مامان باباها» از اول دبستان تا نهم را دربرمی‌گیرد و با این هدف نوشته شده است که راه میانه‌ای بیابد و پدر و مادرها را از تغییرات و شیوه‌های جدید آگاه سازد تا دخالت آن‌ها خللی در فرایند آموزش به وجود نیاورد. نویسنده این یادداشت کوتاه نقش این کتاب‌ها را بررسی کرده است.

روشی مناسب برای مشارکت والدین در آموزش

پدر و مادرها و حتی خواهر و برادرهای بزرگ‌تر دوست دارند تا جایی که می‌توانند، در درس‌ها به بچه‌های نوآموز کمک کنند. این حس یاری به کوچک‌ترها، در اوایل دوره ابتدایی و به‌خصوص در درس ریاضی، قوی‌تر است و بیشتر به چشم می‌آید. در همین حال، شاید مشارکت و یاری اولیا موجب بروز مشکلاتی در آموزش فرزندان، یا موجب بروز نگرانی در معلمان و مربیان نسبت به روند آموزش و مختل شدن آن شود. حل چنین مشکلی در گروی آگاهی بخشی به اولیا درباره رویکردهای کتاب و برنامه درسی و شیوه‌های جدید آموزش است. آشنایی با روش‌ها و فنون آموزش، اطلاع از تغییرات کتاب درسی نسبت به گذشته و چرایی آن‌ها، و کسب شناخت در مورد هدف‌ها و حد و مرزهای مشخص شده توسط مؤلفان کتاب درسی، از جمله نکاتی هستند که می‌توان به آن‌ها پرداخت.

نویسنده مجموعه کتاب‌های ریاضی ویژه مامان باباها، تلاش کرده است با زبانی ساده، آموزش دهندگان غیررسمی (پدر و مادرها، برادران، خواهران و...) را راهنمایی کند تا بتوانند با کیفیت بیشتر و بهتری در امر آموزش دانش آموز خانواده مشارکت نمایند.

در این کتاب، مؤلف درباره تک تک صفحه‌های کتاب درسی توضیح داده است تا پدر و مادر یا هر کس دیگری که در خانه به دانش آموز کمک می‌کند، بتواند قدم به قدم و به صورت صحیح در یاد گرفتن و حل تمرین‌ها با دانش آموز پیش برود.



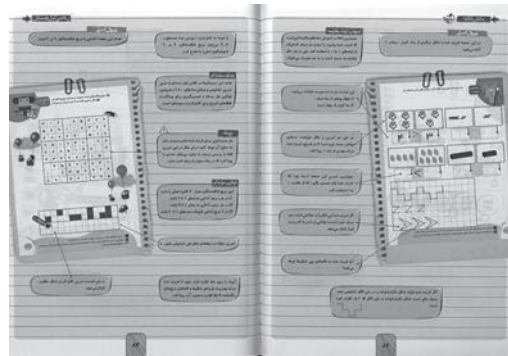
هر بخش از کتاب، با گوشزد کردن هدف اصلی آغاز می‌شود. سپس سفارش‌هایی به خواننده می‌شود تا بداند چگونه و با انجام چه فعالیت‌ها یا تمرین‌هایی یا با استفاده از چه روش‌هایی و طرح چه مسائلی می‌تواند در یادگیری مفهوم موردنظر به دانش آموز کمک کند.

همچنین، نویسنده در هر بخش، توجه اولیا را به چیزهایی که باید بگویند و چیزهایی که نباید بگویند جلب کرده است.

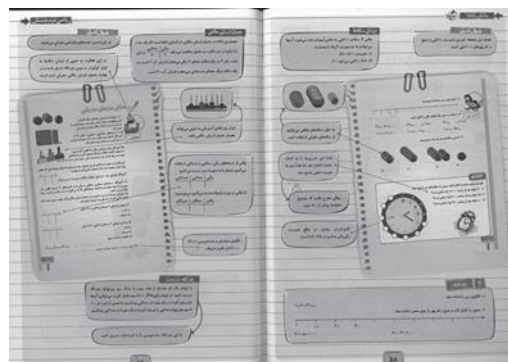
به‌طور خلاصه می‌توان گفت: خانواده‌ها با به‌کار بستن توصیه‌های کتاب، نه‌تنها اختلالی در روند آموزش فرزندان به‌وجود نمی‌آورند که خود به آموزش هرچه بهتر کودکان، هم‌سو و هم‌راستا با هدف‌های برنامه درسی و کتاب یاری می‌رسانند.

نکته دیگر این است که گرچه مؤلف، کتاب را برای خانواده‌ها نوشته است، اما در نبود راهنمای معلم یا کتاب‌های آموزشی مناسب ویژه معلمان، آن‌ها نیز می‌توانند از این کتاب بهره بگیرند.

حتی با وجود کتاب‌هایی از این دست، به نظر می‌رسد مداخله نکردن اولیا در فرایند آموزش و سپردن امور آموزشی به معلم و مدرسه، در یادگیری بهتر دانش آموز تأثیر بیشتری داشته باشد. شکی نیست که هرچه کتاب‌های کمک‌درسی پیرامون دانش آموز کمتر باشد و دانش آموز ذهن خود را به کتاب درسی معطوف کند، با آرامش بیشتری مسیر یادگیری را طی خواهد کرد. ایجاد فضای آرام و بدون اضطراب خود نقشی بسیار مهم در بهبود فضای یاددهی و یادگیری بازی می‌کند و شاید بیش از چندین و چند کتاب کمک‌درسی به آموزش کودک کمک کند.



صفحه‌های ۸۲ و ۸۳ کتاب ریاضی اول دبستان ویژه مامان باباها: در این صفحات مؤلف نکاتی را که در آموزش دادن مفهوم مقایسه‌ای بزرگ‌تر و کوچک‌تر، جدول‌های سودوکو و الگوهای تکرار شونده باید به‌خاطر داشت، گوشزد کرده است.



صفحه‌های ۵۸ و ۵۹ کتاب ریاضی دوم دبستان ویژه مامان باباها: مؤلف هر صفحه را با برشمردن هدف اصلی آغاز می‌کند. مثلاً در این صفحه، به شمردن ده‌دها و جدول ارزش مکانی و وسیله مناسب آموزش آن پرداخته و فعالیت‌هایی برای منزل پیشنهاد داده است.



رنگ و بوی ایجاز و اندیشه در خنده برگ

حسین احمدی

نگاهی به دفتر شعر خنده برگ، سروده فرزانه فتحی

مجموعه شعر «خنده برگ» سروده فرزانه فتحی است؛ شاعری که به تازگی در آسمان شعر کودک و نوجوان آفتابی شده است.

از روی نام کتاب که نام یکی از شعرهای مجموعه نیز هست، تا حدی می‌توان به مخاطبان آن پی برد که گروه سنی د و ه، یعنی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول و دوم هستند و می‌توان انتظار داشت، مخاطبان با شعرهای مجموعه ارتباط خوبی برقرار کنند و از خواندن شعرهای آن لذت ببرند.

پاییز

یعنی خنده برگ

انگشت باران روی شیشه

خواب جوانه

در فکر فردا قد کشیدن

نیلوفرانه

پاییز یعنی ایستادن

در آتش و باد

مثل درختان

سبز و آباد

(خنده برگ، ص ۲۸)

نیمایی سرودن، نه نیمایی نوشتن

این دفتر شامل ۲۲ قطعه شعر است که همه در قالب «نیمایی» نوشته شده‌اند. اغلب این شعرها خواندنی هستند و به دلیل آنکه از قالب نیمایی بهره گرفته شده، شاعر به سادگی مضامین مورد نظر خود را منتقل کرده است. اگر اشکالاتی کوچک در شعرها حس می‌شود، غالباً در تقطیع و تحریر شعرهاست. با این وصف نباید در بند تحریر و طرز نوشتن شعر ماند.

در قالب نیمایی، بهتر است لفظ در هر بند از شعر تمام شود، اما معنی در تار و پود شعر و به تدریج در تمام شعر گسترش پیدا کند و آنچه که در کل ساختمان شعر دیده می‌شود، توازی از لفظ و معنا باشد. در شعر نیمایی، مفاهیمی جزئی، مانند قطعات یک جورچین، به ترتیب به هم متصل می‌شوند و در کنار هم شعر را کامل می‌کنند؛ به عبارت دیگر، حرکتی از جزء به کل.

کوه را

سنگ سنگ

پشت سر گذاشتم

باز فکر می‌کنم

گام کوچکی هنوز

برنداشتم!

کوه می‌کشد مرا به اوج

ماه روی قله خنده می‌کند

روح خسته مرا

پرنده می‌کند!

(ماه روی قله، ص ۱۸)

بیشتر شاعران نوپرداز امروز، بیش از آنکه شعر نیمایی بسرایند، شعر را به شکل نیمایی می‌نویسند. و صدا البته توفیق بزرگ برای یک شاعر، سیر از تحول نیمایی به سوی نیمایی سرودن است. از این نظر، شاعر علاقه‌مند و رهرو می‌تواند به مهدی اخوان ثالث چشم بدوزد که می‌توان گفت در قله شعر نیمایی قرار دارد.

مشق‌هایمان تمام

می‌شود

ولی

مهم

چگونه خواندن است

درس و مدرسه

یک بهانه است

تا

چگونه

با کتاب زندگی

آشنا شویم

(درس و مدرسه، ص ۴۶)

موضوعات قدیمی، نگاه تازه

موضوع‌های مطرح شده در این دفتر، موضوع‌هایی نیستند که از نگاه شاعران دیگر به دور مانده باشند و کسی به سراغشان نرفته باشد. اما هنر شاعر در این است که با موضوعات معمول، برخوردی تازه داشته و از پنجره‌ای به آن‌ها نگرسته است که ویژه خود اوست و شاعر آن را از ذهن خویش رو به جهان گشوده است؛ اتفاقی که باید در مواجهه هر شاعر با جهان رخ دهد. اگر شاعر در بیان یافته‌ها و تجربه‌های خود صادق باشد و زبان مناسب خود را به کار گیرد، ناگزیر نگاه او متفاوت از هر شاعر دیگری خواهد بود. با چنین رویکردی، مضامین دلپذیر و تازه در شعر شاعر رخ می‌نمایند و چون

شاعر از دریچه خیال خود به موضوع می‌نگرد، در توصیف آن هم راحت است. این حس سهل و ممتنع، در بیشتر شعرهای کتاب جاری است.

ایجاز و اندیشه

در مجموعه شعر «خنده برگ» رنگ و بوی ایجاز، به طرزی نیرومند خودنمایی می‌کند. برای نمونه ایجاز را می‌توان در تاروپود این شعر آشکارا دید.

یک ماهی کوچک

چه می‌خواهد؟

جز قطره‌ای آب؟

ای آبی محض

این ماهی سرگشته را

دریاب!

(ماهی سرگشته، ص ۸)

البته در این شعر تصویر به شکلی رنگ‌پریده دیده می‌شود و تصویری واضح و عینی ما را یاری نمی‌کند. شعر بیشتر در هوای اندیشه و ذهنی بودن در پرواز است و به همین اندازه سن و سال مخاطب نیز بالا و بالاتر می‌رود. هم در

لفظ و هم در مفهوم می‌توان این حس را دریافت. مثلاً با ترکیب «آبی محض» مخاطب شعر قد می‌کشد و بزرگ می‌شود. به دلیل وجود شعرهایی مانند این در کتاب است که یکی از دوستان اهل ادب می‌گفت: «فرزانه فتحی بیشتر شاعر اندیشه است».

نخستین تجربه، بهترین تجربه نیست

این نکته را نباید از خاطر برد که نخستین تجربه‌ها، معمولاً نقائصی به همراه دارند. سروده‌های بیشتر شاعران امروز، به‌ویژه نوخاستگان، در محور «معانی» دچار اشکال و درهم‌ریختگی است. به ندرت اتفاق می‌افتد که نخستین دفتر شاعران موفق معاصر، بهترین مجموعه شعر آن‌ها باشد. طبیعی است در نخستین سروده‌های این شاعر جوان نیز گاهی ضعف‌ها و سستی‌هایی در ساختمان شعر یا موسیقی آن به چشم بخورد.

کاش مانند درختی باشم

که اگر می‌افتد

باز هم می‌شود او را برداشت

شاخه در شاخه

در خواب بیابان کاشت

(درخت، ص ۳۲)

جاده دانش معانی پر از پیچ و خم‌های ناهموار است و تجربه و زیستن و ذره ذره پیمودن این راه سخت و سنگلاخ، شاعر را شاعر می‌کند. شاعر طی این مسیر از دیگران الهام و اثر می‌پذیرد و بر دیگران اثر می‌گذارد. گاهی این الهام‌ها پرنگ است و اثر آن به آسانی پاک نمی‌شود و شاعر به سادگی از زیر بار آن بیرون نمی‌رود. گاهی هم این امر آسان‌تر محقق می‌شود. به هر حال این بده و بستان‌ها همواره وجود داشته‌اند. اما مهم این است که شاعر با سرعتی قابل قبول، به استقلال در زبان و اندیشه برسد و معنا و مضمونی را به عاریه نگیرد؛ مگر آنکه به آن رنگ و جلایی دیگر و هویتی تازه بخشد.

برگ‌ها می‌ریزند

شاخه‌ها می‌شکنند

میوه‌ها می‌پوسند

این درخت است

که تا جان دارد

روی پاهای خودش

می‌ماند

(شاخه‌ها می‌شکنند، ص ۳۸) ۷

خنده برگ

فرزانه فتحی
تصویرگر: مریم نیکخواه ابیانه



انگار آمده‌ایم

به یک سؤال پاسخ دهیم!

نگاهی به کتاب «سؤال موموکی»

نرگس افروز

نویسنده و تصویرگر: کلا ژوبرت
ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
سال چاپ: ۱۳۹۵

موموکی موش کوری است که دغدغه‌ای برایش به وجود آمده و با خودش کلنجار می‌رود. فضای داستان، فضایی مناسب حال حیوانات جنگل است. آن‌ها توانایی‌های خیلی زیادی دارند، ولی دربارهٔ شناخت صاحب اصلی جهان دغدغه‌ای ندارند؛ شخصیت‌هایی که انتظار می‌رود خیلی فعال باشند، منفعل‌اند. موموکی با اینکه یک موش کور است و در دل تاریکی زندگی می‌کند و چشم‌هایش ضعیف‌اند، اما شخصیتی پویا دارد.

او به دنبال یافتن جواب پرسشی است که سرانجام آن را می‌یابد و به آرامش می‌رسد. کتاب برای گروه سنی «ب» و «ج» نوشته شده و موضوع آن دربارهٔ آفرینش و خداوند است؛ سؤال عمیقی که هر انسانی از کودکی به نحوی با آن درگیر است و می‌خواهد برای آن جواب مناسبی بیابد.

نویسنده از شخصیت موش کور استفاده می‌کند. حیوانی که در عمق تاریکی زندگی می‌کند. یعنی سؤال و دغدغه دربارهٔ خدا ارتباطی با نور و تاریکی ندارد و هرکسی در هر مکانی می‌تواند به خدا فکر کند. اما سؤال بی‌مقدمه شروع می‌شود. موموکی برای هزارمین بار به خودش می‌گوید: «کاش می‌توانستم خدا را ببینم!» او چرا می‌خواهد خدا را ببیند؟ چه مشکلی برایش پیش آمده که به دیدن خدا نیاز پیدا کرده است؟ این سؤال جواب داده نمی‌شود. شاید اگر او در آرزوی دیدن خورشید برمی‌آمد، خیلی منطقی‌تر بود تا دیدن خدا.

موموکی به نقص خودش آگاه است و به سراغ دیگران می‌رود. اولین حیوانی که ملاقات می‌کند، موجودی است که گوش‌های درازی دارد. موش کور از خرگوش سؤالش را می‌پرسد. خرگوش نیز اقرار می‌کند که خدا را ندیده است شاید به این دلیل که چشم‌هایش تاریک می‌بیند. شاید اگر نویسنده در اینجا به سراغ حیوانی می‌رفت که چشم‌های بزرگی داشت، بهتر در داستان می‌نشست.

آن دو به سراغ آفتاب‌پرست می‌روند، با این تصور که چون تند و تیز شکار می‌کند، حتماً این قدرت را دارد که خدا را ببیند. هم اینکه چون آفتاب‌پرست زیاد در معرض نور است، توانسته خدا را ببیند. وقتی سخن از آفتاب‌پرست به میان می‌آید، باز تصور می‌شود بهتر بود موموکی به دنبال دیدن خورشید می‌بود تا خدا. آفتاب‌پرست آن‌ها را ناامید می‌کند: «من تا حالا او را ندیده‌ام و هیچ‌وقت هم فکر نکرده‌ام که چرا او را نمی‌بینم!» با اینکه شخصیت آفتاب‌پرست طوری انتخاب شده که انتظار می‌رود خدا را دیده باشد، اما این‌طور نیست. آن‌ها به سراغ مارمولک می‌روند؛ موجودی جزئی‌بین و دقیق. اما او نیز خدا را ندیده است. مارمولک به موش کور می‌گوید بیا برویم پیش کلاغ؛ کلاغی که می‌تواند با چشم‌هایش این طرف و آن طرف سرش را هم‌زمان ببیند. استدلالی که برای دیدن کلاغ می‌آورند خوب است، اما اگر اشاره می‌شد که در آسمان پرواز می‌کند و سطح دید وسیعی دارد،



موضوع بهتر جا می افتاد. کلاغ هم او را ندیده است. کلاغ موموکی را نزد جغد پیر می فرستد؛ شخصیتی که می تواند نماینده پختگی و تجربه باشد. اما نیست. آن ها به سراغ پرندگانی می روند که چشم های تیزتری دارند، اما آن ها نیز خدا را ندیده اند.

سرانجام یکدفعه موموکی یاد آدم ها می افتد. مطرح کردن آدم ها در داستان خیلی غیرمنتظره رخ می دهد و خوب جا نمی افتد. ما نمی دانیم یکدفعه موموکی چطور یاد آدم ها می افتد و او آدم ها را از کجا می شناسد؟ انتظار می رود آدم های شهری و اهل تمدن و فرهنگ خدا را ببینند، اما نه نمی بینند! کلاغ جواب می دهد: خیر نمی بینند. چون اگر می دیدند، خجالت می کشیدند و کارهای بد نمی کردند. نویسنده در اینجا ضربه نهایی داستانش را می زند که خیلی هم خوب است، اما کاش از شخصیت حیوانی استفاده می کرد تا بیشتر با داستان جور در بیاید.

سرانجام موموکی وقتی درمی یابد که همه موجودات مثل خودش هستند، ناراحتی اش برطرف می شود. چون تصور می کرد که خدا او را دوست ندارد. موموکی به این نتیجه می رسد که خدا موجودات را طوری آفریده است که نمی توانند او را ببینند. شاید به این دلیل که ببینند چقدر دوستش دارند و به او فکر می کنند. در نهایت هم آرزو دارد که گوش هایش بتواند صدای خدا را بشنود.

به نظر من نتیجه گیری هایی از این دست خیلی جالب نیستند. نویسنده می توانست حضور خدا را در همه موجودات به مخاطب خود نشان دهد و مخاطبانش را به شناخت خدا برساند. او می توانست صدای خدا را به گونه ای با جلوه های طبیعت به گوش موجودات و نیز مخاطبانش برساند.

این کتاب در قطع خشتی بزرگ با جلد نسبتاً محکم و خوب و کاغذ گلاسه به چاپ رسیده است. تصویرها شاد و کودکانه و در جای خود قشنگ هستند. بزرگ ترین مزیت کتاب این است که خود نویسنده آن را تصویرگری کرده و این موضوع سبب شده است، تصویر به تجسم هرچه بهتر داستان کمک کند. حجم کتاب و نیز اندازه حروف برای گروه سنی «ب» مناسب است، اما به نظر کمی برای گروه سنی «ج» کم حجم است و اندازه حروف می توانست کمی ریزتر باشد.

قشنگ ترین تصویر کتاب، موش کوری است که از دل تاریکی با یک سؤال بسیار عمیق درباره خدا بیرون می آید. از موجودات اطرافش پرس و جو می کند و در نهایت به یک جواب نسبتاً قانع کننده برای خودش می رسد. سرانجام هم به زیر خاک و دل تاریکی برمی گردد. یعنی به گونه ای تصویر زندگی خاکی ما. انگار که ما آمده ایم فقط به یک سؤال پاسخ دهیم و دوباره به زیر خاک برگردیم؛ اینکه خدا کیست.



داستان‌هایی که گاهی رنگ دل نوشته می‌گیرند

نگاهی به مجموعه ۱۵ جلدی بهترین مادران

علاوه بر مادران ائمه هدی (ع)، شخصیت‌های عزیزی چون حضرت آمنه (س)، حضرت خدیجه (س)، حضرت زینب کبری (س) و حضرت ام‌البنین (س) از مادران ائمه (ع) نیستند، اما معرفی شده‌اند. در حالی که به حساب، ائمه معمولاً به امامان معصوم (ع) اطلاق می‌شود و ما پیامبر خدا (ص) را نیز به عنوان یکی از معصومان در این مجموعه می‌بینیم.

متن و محتوا

به گمانم، خود نویسنده نیز اصرار ندارد که آثار او داستان هستند و ابتدا و انتها یا فراز و فرود و تعلیق کودکانه دارند یا عناصر و مشخصه‌های دیگر داستانی به خوبی در آن‌ها به کار گرفته شده، چرا که خواننده، وقتی کتاب می‌خواند، بعضاً با شکلی از داستان و روایت داستانی روبه‌روست. اما این شکل داستانی در بعضی صفحه‌ها و ماجراها خود را در تصویر و توصیفی دل‌نوشته‌ای یا حکایتی مختصر جلوه می‌دهد. مثلاً در کتاب اول آمنه (س)، متن با معرفی آن بانوی محترم شروع می‌شود و سپس در صفحه بعد شکل داستانی می‌گیرد. در ادامه (ماه مکّه) به شکل دل‌نوشته در می‌آید. و در ادامه با حدیث، روایت و حکایت دنبال می‌شود. در آخر نیز داستان کوتاهی است به اسم «مادر جان» که حسن ختام این کتاب خشتی ۲۴ صفحه‌ای است.

در کتاب‌های دیگر این مجموعه هم کم و بیش همین روند نوشتاری مشهود است؛ هر چند به نظر می‌رسد نویسنده قصد داستان‌نویسی نداشته و صرفاً می‌خواسته حکایت‌هایی زیبا از زندگی آن چهره‌های مقدس را روایت کند. اما ای کاش

نویسنده: سید محمد مهاجرانی
تصویرگران: کیانا میرزایی، پریسا رسولی، مرضیه صادقی،
حدیثه قربان ...

ناشر: مدرسه برهان

این مجموعه ۱۵ جلدی در فرم و تصویر شکل و جذاب به نظر می‌آید. قطع خشتی کتاب در جذب کودکان گروه‌های «الف»، «ب» و تا حدی «ج» که مخاطبان اصلی آن هستند، تأثیر خوبی دارد. اما نقاشی‌های کتاب یکدست نیستند و فراز و فرود، و قوت و ضعف دارند.

در پشت جلد کتاب، نویسنده به اختصار معرفی شده است. سید محمد مهاجرانی، دانش‌آموخته حوزه علمیه قم است و علاوه بر آشنایی با مبانی فقه و اصول و ادبیات عرب، در تاریخ اسلام و سیره اهل بیت (ع) نیز صاحب نظر به حساب می‌آید و در کتاب‌ها و آثار تاریخی و دینی غور و تفحص داشته و بلد کار است. وی که نویسنده نام آشنای ادبیات دینی برای خردسالان و کودکان است، در این مجموعه آثار کوشیده است، با بیانی زیبا و توصیفاتی چشم‌نواز، و نیز با زبان کودکانه، کودکان را با مادران خاندان عصمت بیشتر آشنا سازد و با شیوه‌ای دلنشین، جلوه‌هایی نورانی از زندگی ایشان را برای مخاطبان به تصویر بکشد.

شکی نیست که این آشنایی، آن هم به زبانی نرم و روان، کار شایسته و بسزایی است. پیش از این ما فقط مجموعه‌ای از این دست در معرفی مادران ائمه (ع) از آقای ناصر نادری دیده بودیم که البته مجموعه ۱۳ جلدی خوب و ارزشمندی بود و فقط به معرفی مادران چهارده معصوم (ع) اختصاص داشت. در مجموعه ۱۵ جلدی حاضر

یکدستی و یک شکل بودن در نثر و نوشتار کتاب رعایت می‌شد و به شاخصه اصلی آن که متنی جذاب و خلاقانه بود، عمل می‌شد.

اما دقت نویسنده در آوردن حکایاتی شیرین یا احادیثی ناب ستودنی است. گاه نکاتی بین متن‌ها دیده می‌شوند یا ماجراهایی آورده می‌شوند که طراوت و تازگی دارند و تأثیر تربیتی خوبی بر خواننده می‌گذارند.

نثر داستان بیشتر کودکانه است، اما در قسمت‌هایی از کتاب شکل نوجوانانه یا جوانانه به خود می‌گیرد و بعضی لغات و عبارتها برای مخاطبان کتاب که بچه‌های گروه‌های سنی الف و ب و در نهایت ج هستند، سنگین می‌شوند.

در این باره به شکل جزئی‌تر و با نام بردن تک‌تک کتاب‌ها مثال خواهیم زد.

فرم و تصویرسازی

قطع کتاب، هر چند در میان اشکال متنوع کتاب‌های چاپ شده برای کودکان تکراری به نظر می‌آید، اما همچنان عامه‌پسند و قابل قبول است. استفاده ناشر از تصویرگران متفاوت و خارج ساختن مجموعه از یکنواختی تصویرسازی، معقول به نظر می‌آید، اما تصویرها در عرض هم هماهنگی و هارمونی ندارند. در قوت و ضعف آن‌ها نوسان دیده می‌شود و این کار در دیده کارشناسان و کتاب‌شناسان ضعف به حساب می‌آید. اگر بخواهیم نمره بدهیم، تصویرهای کتاب‌های آمنه(س)، فاطمه دختر اسد(س)، فاطمه زهرا(س) و زینب(س) از جمله تصویرهای خوب و جذاب و خلاقانه این مجموعه هستند، اما تصویر کتاب‌هایی چون خدیجه(س)، ام‌البین(س)، شهربانو(س) و ام‌فروه(س) ضعیف و ناهماهنگ با کتاب‌های دیگرند.

به نمونه‌هایی از ضعف تصویرها اشاره می‌کنم. در تصاویر کتاب خدیجه(س)، زنان به شکل و قیافه زنان امروزی‌اند و چادر ایرانی به سر دارند.

در صفحه ۱۸ کتاب فاطمه زهرا(س) در دست دخترک که ظاهراً حضرت زینب(س) است، عروسکی است که شکل و قیافه‌ای امروزی دارد و مناسب شأن و منزلت ایشان نیست. همین‌طور در صفحه ۲۲ این کتاب کودک‌کی فقیر تصویر شده که سر و روی ایرانی و لباسی امروزی بر تن دارد.

اما در کتاب فاطمه بنت اسد(س)، تصاویر خانم مرضیه صادقی زیبا و در خور توجه‌اند و می‌توان گفت زیباترین تصویرهای این مجموعه کتاب‌ها را شاهد هستیم.

در کتاب شهربانو(س)، تصویرگری حضرت حسین(ع) و شهربانو(س) کودکانه کار شده است. از تصویر روی جلد کتاب که نمایی از عروسی این دو بزرگوار است و هر دو شخصیتی کودکانه دارند، تا صفحه‌های ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۹ که باز هم شخصیت کتاب و همسر عزیزش با آناتومی کودکانه

طراحی و تصویرگری شده‌اند، این برای کتاب عیب و نقیصه به حساب می‌آید. در صفحه‌های ۱۹ و ۲۰ فرم صورت و بینی و چشم اشخاص کارتونی است و دور از شکل تصویری خاندان اهل بیت(ع).

وقتی کتاب نجمه(س) را ورق می‌زنیم و به صفحه‌های ۱۲ و ۱۳ می‌رسیم، این سؤال به ذهن ما می‌رسد که: آیا فرشته‌های آسمانی زن بوده‌اند و شمایی زنانه داشته‌اند؟ پاسخ منفی است. این‌گونه شمایل در تصویرگری مختص آثار غربی و مسیحی است که مناسب کتاب‌های دینی و معصومین(ع) نیست.

تصویرهای کتاب خیزران(س) تقریباً یکدست و خوب‌اند. در کتاب سمانه(س)، چهره‌ها که در هاله‌ای از نور کم‌رنگ شده‌اند، کارتونی هستند، با فضای زندگی معصومین(ع) متفاوت‌اند و شکل عربی هم ندارند. همین اشکال در کتاب سوسن(ع) نیز کم و بیش مشهود است.

اما در کتاب نرجس(س) تصویرها بسیار متفاوت از ۱۴ کتاب دیگرند. شکل تصویرگری این کتاب تلفیقی از آثار مینیاتور و مسیحی است و برای گروه سنی کودکان سنگین و پر از دحام به نظر می‌آید.

گذشته از مواردی که گفته شد، در کتاب‌ها غلط‌های چاپی و تاریخی نیز دیده می‌شوند که به نظر از چشم مصحح و نویسنده پنهان مانده‌اند. بهتر است اشاره‌ای به آن داشته باشیم.

کتاب آمنه(س)

نویسنده در این کتاب عبارت‌ها و اسم‌هایی آورده که به توضیح و توصیف نیاز دارند و برای کودکان قابل درک و معنی نیستند. مثل سرزمین بطحا، حجاز و گوشت قرمه. البته این اشکال در کتاب‌های دیگر هم دیده می‌شود.



کتاب خدیجه(س)

در این کتاب نیز عبارت‌ها و اسم‌هایی هست که کودک معنی و مفهوم آن‌ها را نمی‌داند. قریش، آیین ابراهیم(ع)، کوه مروه، و طاهر و طیب.

در صفحه ۶ نویسنده می‌گوید: ... «خدا به حضرت عیسی(ع) فرموده

بود که نسل پیامبر آخرالزمان از بانویی مبارک است.»



مهمان باغ لاله‌ها» مناسب گروه سنی الف، ب یا ج هستند؟

کتاب ام‌البین (س)

در این کتاب اشاره شده که ام‌البین شاعری شیرین‌سخن بوده است (صفحه ۱۴)، اما نویسنده توضیح بیشتری در این باره ندارد. سند تاریخی این گفته چیست؟ خوب بود بیشتر توضیح داده می‌شد؛ البته در خور فهم کودکان.



کتاب شهربانو (س)

کاخ مدائن کجاست؟! چرا جهان‌شاه به ایران آورده شد؟!

در مورد مادران بعضی ائمه دیگر هم اشاره شده که آن‌ها از سرزمین‌های دیگر به مدینه آمده‌اند، اما نویسنده به چگونگی و علت آمدن آن‌ها و سکونت در مدینه اشاره‌ای نکرده است.

مثلاً نگفته که مادر یکی از امامان با کاروان بردگان به مدینه آورده شده و به دستور امام (ع) از برده‌دار خریداری شده است (شاید به خاطر اینکه مخاطبان کودک بوده‌اند و این قضیه برای ذهن آن‌ها سنگین بوده است!)

در کتاب‌های دیگر هم مواردی از این دست دیده می‌شوند که ما فقط به چند مورد اکتفا کردیم.

برخی اشکالات دیگر

در ضمن، غلط‌های چاپی نیز باید در چاپ‌های بعدی اصلاح شوند. مثل نوشتن اسم امام حسن عسکری (ع) با حرف گ به جای ک در چندین مورد. (صفحه‌های ۲۲ و ۲۳ کتاب **نرجس (س)**). در صفحه ۲۱ کتاب **فاطمه (س)** دختر امام حسن (ع)، گفته شده که ایشان دختر عموی حضرت زینب (س) بوده که اشتباه است و دختر برادر ایشان بود و به عبارت دیگر حضرت زینب (س) عمه ایشان بود. بدون شک نویسنده دانا و دلسوز کتاب‌ها زحمات زیادی در تدوین و تألیف این مجموعه کشیده و انگیزه بالا و بارزشی در تقدیم آن به کودکان شیعه داشته است. بجاست در چاپ‌های بعدی، حداقل غلط‌های تایپی و بعضی عبارت‌های نامتجانس و تصویرهای ناهمگون اصلاح شوند.

جمله فوق برای بچه‌ها قابل درک نیست!

در صفحه ۱۰ گفته شد که حلیمه سعدیه مادر رسول خداست. حال اینکه ایشان دایه یا مادر رضاعی پیامبر (ص) بودند. در صفحه ۲۴ حضرت خدیجه (س) می‌گوید: «خداوند، خود سلام است...» آیا بچه‌ها معنای این عبارت را می‌فهمند؟!

کتاب فاطمه بنت اسد (س)

لازم بود همچون روی جلد، داخل کتاب نیز دنبال اسم فاطمه عبارت بنت اسد آورده می‌شد؛ فاطمه بنت اسد.

به معنی و ماجرای جنگ موته اشاره‌ای نشده است. معلوم نیست جبرئیل چه کسی است و چه وظایفی داشته؟!



کتاب فاطمه زهرا (س)

در این کتاب نیز بعضی عبارات و اسم‌ها باید معنی می‌شدند، مثل: شعب (این مکان در کجاست؟ مسلمانان چرا در آن محاصره شدند؟)

ممکن است عبارتی مشابه در کتابی دیگر معنی شده باشد، اما هر کتابی مستقل است و باید به شکل مجزا دیده شود. جنگ اُحُد نیز معرفی نشده است.



کتاب زینب (س)

عبارت‌ها و اسم‌های شعب، غار حراء، فدک و معاویه باید معنا می‌شدند؛ حتی در سطری کوتاه و به شکل پانویس.

نثر این کتاب نسبت به کتاب‌های دیگر سنگین و بالاتر از سن کودکان است.

آیا عبارت‌های «پیروزی

پوشالی، سخنان حماسی، کاخ یخی، پرستوی بی‌قرار روح و





ضرورت استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی

پای صحبت دکتر مهدی نوید، دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش

اشاره

دکتر محمد مهدی نوید ادهم، «دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش»، از مدیران با تجربهٔ مجموعهٔ وزارت آموزش و پرورش، سال‌هاست در مسئولیت‌های متفاوت در معاونت‌ها و سازمان‌های گوناگون نهاد مهم و سرنوشت‌ساز تعلیم و تربیت کشور خدمت می‌کند. وی از سال ۱۳۶۴ (که به‌عنوان مدیر کل دفتر فرهنگی - هنری معاونت پرورشی فعالیت می‌کرد، تا به امروز)، همواره در مباحث و گفت‌وگوهای تعلیم و تربیت، بر طرح دیدگاه‌های فرهنگی و ارزشی تأکید داشته است. او در گفت‌وگو با ما در زمینهٔ سامان‌دهی و ارائهٔ استانداردهای نشر کتاب‌های آموزشی و درسی نیز، ضمن تأیید اقدامات «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» برگزاری دوره‌های متفاوت جشنوارهٔ کتاب رشد را فرصتی جدی برای آموزش و پرورش می‌داند و تأکید دارد که این کتاب‌ها باید مقوم، مکمل، مروج و یا مؤید هدف‌ها و برنامه‌های آموزشی مدارس باشد. با هم متن کامل این گفت‌وگو را می‌خوانیم.

داشته باشند تا این اطلاعات را متناسب با نیاز خود گزینش کنند و زندگی امروز و فردای خود را براساس شایستگی‌هایی که امروز مراکز و مراجع آموزشی در اختیارشان می‌گذارد، رقم بزنند. اگر بپذیریم که اطلاعات لازمهٔ زندگی است و مهارت‌ها و شایستگی‌ها صرفاً از طریق مدرسه و کتاب‌های درسی در اختیار دانش‌آموزان قرار نمی‌گیرند، لذا باید در مأموریت مدرسه و کتاب‌های درسی بازنگری کنیم. اگر در گذشته، کتاب‌های درسی، مدرسه و معلم تنها عامل‌های انتقال دانش و معلومات به دانش‌آموزان بودند، امروز این عامل‌ها متنوع و متکثر شده‌اند. لذا فرزندان ما در یک محیط یادگیری متنوع و متکثر زندگی می‌کنند. بخشی از اطلاعات از سوی ما، یعنی مدرسه و نظام مدرسه‌ای، به بچه‌ها داده می‌شود برخی نیز توسط سایر نهادها، رسانه‌ها در این زمینه نقش بسیار مهمی دارند.

آقای دکتر، کتاب‌های آموزشی چه نقشی در آموزش دارند و تنگناها و کاستی‌هایی را که این کتاب‌ها در روند آموزش خلاق و تحصیل بهینهٔ دانش‌آموزان ایجاد می‌کنند، چه می‌دانید؟ در آغاز، لازم می‌دانم، از تلاش‌ها و زحمات مجموعه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در ایفای مسئولیت سنگین و مهم سامان‌دهی نشر کتاب‌های آموزشی تشکر کنم. کاری که سازمان آغاز کرده است باید با قوت و انسجام ادامه یابد تا به نتایج مدنظر و اهداف خود برسد.

به نظر من، برای پاسخ به پرسش شما، باید ابتدا ببینیم که رسالت آموزش و پرورش در دنیای امروز چیست و چه مأموریت‌ها و مسئولیت‌هایی بر عهده دارد. بچه‌های امروز در عصر اطلاعات زندگی می‌کنند و از در و دیوار و در هر زمان و مکان، اطلاعات به سوی دانش‌آموزان سرازیر می‌شود. بچه‌ها باید توانایی و مهارت





کتاب‌های کمک آموزشی می‌توانند فرصت‌هایی جدی برای آموزش و پرورش باشند

کتاب‌های درسی،
مدرسه و معلم، در
گذشته تنها مجرای
انتقال دانش و معلومات
به بچه‌ها بودند

از این منظر، نظام آموزش و پرورش موفق، نظامی نیست که صرفاً انتقال‌دهنده اطلاعات باشد. بلکه نظامی است که به‌عنوان مدیریت این مجموعه اطلاعات، توان مدیریت محیط‌های متنوع و متکثر اطلاعاتی را داشته باشد و بتواند مجموع این اطلاعات را هماهنگ، بسامان و هم‌سو کند تا به هدف‌های خودش برسد. از این زاویه وقتی به موضوع نگاه می‌کنیم، نشر کتاب‌های کمک‌آموزشی، چه در قالب کتاب‌های مکتوب و چه در قالب کتاب‌های الکترونیکی، می‌تواند فرصتی جدی برای آموزش و پرورش باشد.

کتاب‌های مکتوب خود آموزش و پرورش ظرفیت محدودی دارند و به همه نیازهای بچه‌ها با تفاوت‌های معناداری که بین آن‌ها وجود دارد و تنوع‌هایی که بین دانش‌آموزان از نظر هوشی، فرهنگی و شخصیتی وجود دارد، پاسخ نمی‌دهند. لذا باید این توان در مدیر، معلم و نظام آموزشی ما وجود داشته باشد که بخشی از اطلاعات و شایستگی‌ها را در اختیار بچه‌ها قرار دهند و

بخشی را از ظرفیت دیگران بهره بگیرند و از ظرفیت بیرون نظام رسمی و عمومی استفاده کنند. به این دلیل، استفاده از مؤسسه‌ها و نهادهایی که بیرون آموزش و پرورش هستند، چه دولتی و چه غیردولتی، و به تولید منابع آموزشی می‌پردازند، فرصتی برای آموزش و پرورش است.

با این نگاه شورای عالی آموزش و پرورش، به‌عنوان مرجع سیاست‌گذاری، آیین‌نامه‌ای را تحت عنوان آیین‌نامه سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی و کمک‌آموزشی تصویب کرد تا وزارت آموزش و پرورش بتواند در چارچوب این آیین‌نامه، بازار نشر تولیدات فرهنگی را

مدیریت کند و از ظرفیت آنان برای گسترش، تقویت و تعمیق مطالب کلاسی و مدرسه‌ای استفاده کند.

در مجموع، نگاه آموزش و پرورش نگاه حمایتی است و معتقدیم ظرفیت خوبی در بخش غیردولتی وجود دارد و ما باید قابلیت و ظرفیت آن را داشته باشیم که از توان و تولیدات بخش غیردولتی استفاده کنیم.

اهمیت موضوع از آن نظر مضاعف است که چند عنصر را در این تصمیم‌گیری مداخله می‌دهیم:

نخست اینکه آموزش و پرورش یک پدیده فرهنگی است و در بستر فرهنگ جامعه جریان پیدا می‌کند و کل سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، و تولید کتاب‌های درسی و برنامه‌های آموزشی باید به فرهنگ توجه داشته باشند، فرهنگ جامعه را ببیند، و به آن واکنش مثبت نشان دهند.

دوم اینکه ما در کشوری زندگی می‌کنیم که چندفرهنگی است. ایران عزیز ما از اقوام متفاوت با فرهنگ‌های گوناگون تشکیل شده است. لذا آموزش و پرورش موفق آن نظامی است که این تفاوت‌های فرهنگی را ببیند و در برنامه‌ریزی‌های خود لحاظ کند.

به بیان دیگر، ما در آموزش و پرورش دو مأموریت اصلی داریم: نخست تقویت زمینه انسجام و وحدت فرهنگی و اجتماعی با تولیدات و آموزش‌های خود، و دوم در نظر داشتن تفاوت‌های فرهنگی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها.

از این منظر هم، چون ظرف کتاب‌های درسی با محدودیت‌های متفاوت روبه‌روست، کتاب‌های کمک‌آموزشی و تولیدات بخش غیردولتی می‌توانند به این نیاز واقعی جامعه پاسخ دهند.

در نتیجه، ظرفیت آموزش و پرورش برای تربیت شهروند متناسب با اقتضائات عصر حاضر تقویت می‌شود که شرط تحقق این راهبرد آن است که کتاب‌های کمک‌آموزشی یا مقوم اهداف و برنامه‌های آموزشی ما، یا مکمل آن‌ها، یا مروج، و یا مؤید آن‌ها باشند. یعنی آنچه را که در کتاب‌های درسی نوشته‌ایم، قبول داشته باشند و تأیید، تقویت، تکمیل و ترویج کنند تا بچه‌ها عمیق‌تر، بهتر و دقیق‌تر مطالب را یاد بگیرند.

البته در این راهبرد یک آسیب بالقوه هم وجود دارد که اگر مراقبت نشود، می‌تواند موفقیت راهبردی را با مشکل مواجه سازد و آن، حضور سوداگران و تولیدکنندگانی است که صرفاً از منظر اقتصادی و به‌عنوان یک بازار پرسود به این صحنه نگاه می‌کنند. آن‌ها رسالت اصلی خود را درآمدزایی از این میدان می‌دانند، نه تأثیرگذاری فرهنگی و ارزشی.

این آسیب، با وجود کنکور و مافیای کنکور در کشور، متأسفانه تقویت شده است. به گونه‌ای که سوداگران علم، امروزه در بخش‌های متفاوت کلاس و مدرسه ما حضور دارند و با منابعی که به دست آورده‌اند، می‌توانند جریان سالم تعلیم و تربیت را تحت تأثیر خود قرار دهند.

به این دلیل، رسالت معاونت سامان‌دهی کتاب‌های کمک‌آموزشی، رسالت بسیار سنگینی است که اولاً باید زمینه نشر و گسترش کتاب‌های مفید و هم‌سو را تقویت کند، و ثانیاً لازم است از گسترش و انتشار کتاب‌های غیراستاندارد و غیرمفید جلوگیری به عمل آورند.

❖ کدام نهاد و سازمان مسئول نظارت بر اجرای طرح سامان‌دهی و مفاد آیین‌نامه مصوب شورای عالی آموزش است و چه سازوکاری برای سامان‌دهی صنعت نشر کتاب‌های کمک‌آموزشی پیشنهاد می‌کنید؟

همه مصوبات، مجریان مشخص خود را دارند و در این مصوبه نیز، معاونت‌های ذی‌ربط وزارت آموزش و پرورش مسئول اجرا هستند و واحدهای نظارتی آموزش و پرورش، مسئولیت نظارت را بر عهده دارند.

من سیر فعالیت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را در این حوزه مثبت تلقی می‌کنم. معتقدم دوستان ما در استانداردهای، برگزاری جشنواره و اعلام ضوابط و استانداردها اقدامات خوبی انجام داده‌اند که قابل تقدیر است. ولی سرعت تحولات بالاست و انتظار می‌رود دوستان با سرمایه‌گذاری و سرعت بیشتری به سمت اجرای مصوبه گام بردارند. دلیل این

و هم‌سویی تأکید شده است که امیدواریم دوستان ما در صداوسیما به آن توجه عملی نشان دهند و آن را رعایت کنند.

❖ **نقش جشنواره را در حمایت از نویسندگان، ناشران و تولیدکنندگان کتاب‌های کمک‌آموزشی چگونه می‌بینید؟**

در مجموع، آن را مثبت می‌دانم؛ به‌خصوص در تولید استانداردها. اما در نشر این استانداردها، انتظارم بیشتر است. دوستان ما و دست‌اندرکاران جشنواره باید بتوانند با استفاده از همه ظرفیت‌های اطلاع‌رسانی، به‌ویژه شبکه‌های مجازی و کانال‌های تلگرامی و امثال آن، هرچه بیشتر در

مرحله اول، مدیران و معلمان و در گام دوم، خانواده‌ها و دانش‌آموزان، و در گام سوم، تولیدکنندگان این آثار را، در جریان استانداردها و اصول و مبانی تهیه و تدوین کتاب‌های کمک‌آموزشی قرار دهند. از این نظر امیدوارم یک جهت اصلی برگزاری جشنواره معطوف به تحقق این نیاز باشد. امیدوارم جشنواره آینده بیش از جشنواره‌های قبلی، جامعه‌پذیر باشد و دستاوردها، هدف‌ها و برنامه‌های آن در سطح ملی منتشر شوند.

انتظار هم، تحولات سریع و گسترده‌ای است که در جامعه تحقق می‌یابند و حضور غیرفعال و غیرقاطع ما، میدان را برای مافیای صنعت کتاب‌های کمک‌آموزشی آماده می‌کند.

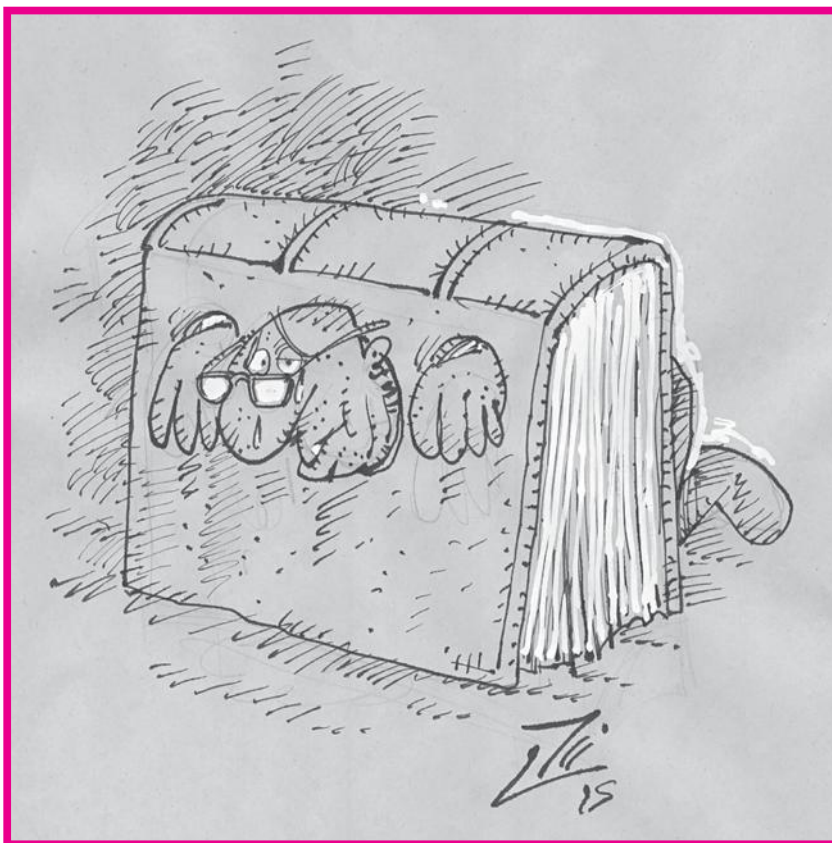
شورای عالی آموزش و پرورش هم به سهم خود، مسئولیت نظارت را بر عهده دارد که این نظارت‌ها هم انجام و گزارش این نظارت‌ها هم به مراجع ذی‌ربط اعلام شده است.

❖ **آقای نوید، نقش صداوسیما را در تبلیغ و معرفی کتاب‌های غیراستاندارد چگونه می‌بینید؟ چون ظاهراً صداوسیما، مخاطبان را با تبلیغات خود همراه می‌کند؟**

متأسفانه صداوسیما به دلایلی، از جمله تأمین منابع مالی مورد نیاز برای فعالیت‌های خود، از این بازار آشفته استفاده می‌کند و با تبلیغ کتاب‌ها و مؤسسه‌هایی که گاه فعالیت آن‌ها با استانداردهای آموزشی و تربیتی، فاصله فراوان دارند، زمینه آسیب‌پذیری روند تعلیم و تربیت نسل جوان را فراهم می‌سازد. ما از شورای عالی انقلاب فرهنگی و همچنین «شورای نظارت بر صداوسیما» به‌طور جدی می‌خواهیم که مجریان صداوسیما را مکلف و موظف به رعایت استانداردهای آموزشی و تربیتی آموزش و پرورش کنند تا فعالیت‌های آموزش و پرورش و رسانه ملی هم‌سو با هم باشند.

خوش‌بختانه در سند تحول بنیادین، بر ضرورت این همکاری

**مهارت‌ها و شایستگی‌ها
صرفاً از طریق مدرسه
و کتاب‌های درسی در
اختیار دانش‌آموزان قرار
نمی‌گیرند**





معلم انتخابگر می خواهیم

پای صحبت مهندس علی زرافشان، معاون آموزش متوسطه آموزش و پرورش

اشاره

مهندس علی زرافشان «معاون متوسطه وزارت آموزش و پرورش» سابقه مدیریت دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی و حضور در «سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی» را در پرونده خدمتی خود دارد، در گفت و گوی صمیمانه ای که با ایشان داشتیم، از منظر نقش دهی به معلمان و مدرسه در انتخاب منابع و رسانه های آموزشی، به تحلیل و واکاوی «طرح سامان دهی کتاب های آموزشی و تربیتی» پرداخته است.

این پدیده چیست و چگونه باید اتفاق بیفتد؟ البته از برخی گفت و گوها، مصاحبه ها و اظهار نظرها این گونه استنباط می شود که ما این ها را به رسمیت نمی شناسیم. این در حالی است که در همه نظام های تعلیم و تربیت دنیا این مواد آموزشی به کار گرفته می شوند و کارکرد خاص خودشان را دارند. کارکردشان هم این است که به تعمیق و توسعه یادگیری کمک کنند. به هر حال دانش آموزان علاقه ها و توانمندی های متفاوتی دارند که منابع درسی رسمی تنها قادر هستند به بخشی از این علاقه ها بپردازند. اگر قرار باشد که به این علاقه ها در فضا و بستر وسیع تری و با نگاه عمیق تری پاسخ داده شود، به منابع جدیدی نیاز است. در «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» ما گزاره ای با عنوان «تنوع بخشی به منابع یادگیری» داریم که تکلیف کرده است، منابع یادگیری دانش آموزان را تنوع ببخشیم، چون این تنوع بخشی به ارتقای کیفیت یادگیری کمک می کند.

به همین دلیل، به نظرم نخست باید تکلیف خودمان را روشن کنیم و بگوییم که این منابع رسمیت دارند یا ندارند؟ بعد هم نوع تعامل ما با این رسمیت تعیین شود. وقتی که ما آیین نامه ای می نویسیم و در مقدمه اش، هم با توجه به اهمیت و نقش منابع آموزشی و تربیتی در فرایند آموزش مؤثر و پایدار دانش آموزان، و هم با عنایت به ضرورت ایجاد سامانه مدیریتی، به چنین

با توجه به سابقه مدیر کلی دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی و مسئولیت فعلی شما در معاونت آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش، بفرمایید که میزان استفاده و ضرورت بهره گیری از منابع آموزشی در نظام آموزشی را چگونه تحلیل می کنید؟

موضوع کتاب های کمک آموزشی، منابع آموزشی و کتاب های آموزشی همواره مورد توجه بوده است. کما اینکه در طول چهار دهه اخیر، با عنایت به چنین موضوعی، «دفتر امور کمک آموزشی و کتابخانه ها» که بعدها به «دفتر انتشارات کمک آموزشی» تغییر نام یافت و اکنون «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» خوانده می شود، در سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش تشکیل شد و می توان گفت فلسفه تشکیل آن ناظر بر ضرورت توجه به منابع آموزشی و کمک آموزشی بوده است.

وجود چنین نگاهی و ضرورت توجه به دیگر منابع آموزشی غیررسمی (در مقابل منابع رسمی که همان کتاب های درسی هستند) باعث شده است که هنوز هم یکی از چالش هایی که در جامعه با آن مواجه هستیم، این باشد که: بالاخره جایگاه مواد و رسانه های آموزشی یا کمک آموزشی در نظام تعلیم و تربیت کشور کجاست؟ اصولاً آیا ما این ها را به رسمیت می شناسیم یا خیر؟ اگر به رسمیت می شناسیم، در هر حال رابطه ما با

موضوعی اذعان می‌کنیم و به نقش منابع آموزش و تربیتی در فرایند یادگیری مؤثر دانش‌آموزان نظر داریم، پس عملاً این‌ها را به رسمیت می‌شناسیم. براساس چنین استدلالی، وقتی که این‌ها را به رسمیت شناختیم، دیگر نوع برخورد ما نمی‌تواند برخورد سلبی و براساس نفی آن‌ها در جامعه باشد. بلکه برخورد ما باید از نوع برخورد ایجابی باشد.

در همین ارتباط، اگر سیر مجموعه مصوبات «شورای عالی آموزش و پرورش» را در این زمینه و به‌خصوص مصوباتی که در مورد آموزشگاه‌های علمی آزاد داریم، دنبال کنیم، خواهیم دید که بنا بوده است، وزارت آموزش و پرورش کتاب‌های این آموزشگاه‌ها را ممیزی کند و این یعنی آنکه اصل وجود آن‌ها را به رسمیت شناخته است.

❖ اما شواهد نشان می‌دهد، آن ممیزی هیچ‌گاه به تمام و کمال انجام نشده و آموزش و پرورش به‌خصوص با اجرای طرح سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی راه دیگری (غیر از ممیزی) را پیش گرفته است!

بله همین‌طور است. اما در مقطعی و با توجه به شرایط و مصالحی که وجود داشته است، از این نقش ممیزی گذر می‌کنیم و تصمیم می‌گیریم در این قضیه نقش حمایتی پیدا کنیم. مقرر می‌شود که این نقش حمایتی را با اعلام استاندارد تولید این‌گونه منابع و حمایت از کتاب‌های استاندارد انجام دهیم. خدا رحمت کند مرحوم علاقه‌مندان را، ایشان در جلسه شورای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی اعلام کردند که ما نه می‌توانیم و نه این‌قدر ظرفیت داریم که همه کتاب‌ها را ارزیابی و ممیزی کنیم. ضمناً قدرت نفی و اعلام ممنوعیت کلی آن‌ها را هم نداریم. پس بهتر است در این زمینه نقش حمایتی پیدا کنیم.

چنین تصمیمی سبب شد که «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» کتابچه‌هایی را با عنوان استانداردهای تولید کتاب‌های آموزشی و ملاک‌های ارزیابی کتاب‌های کمک‌آموزشی منتشر کند. این کار قدمی بود که ابتدا برداشته شد. هدف هم این بود که وقتی ما استانداردها را تولید کردیم و به جامعه دادیم، ناشران راهنمای تولید این‌گونه کتاب‌ها را در اختیار داشته باشند تا برایشان مشخص باشد، کتاب خوب چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد.

بعد از این قدم، موضوع برگزاری «جشنواره کتاب رشد» مطرح شد و در واقع جشنواره دومین قدم حمایتی وزارت آموزش و پرورش بود تا ناشرانی که بر مبنای این استانداردها کتاب‌هایشان را تولید می‌کنند، آثارشان داوری شود و کتاب‌های انتخاب شده، مورد حمایت سازمانی قرار گیرد. «کتاب‌نامه‌های رشد» هم برای همین منتشر می‌شدند که هر ساله کتاب‌هایی را که مورد ارزیابی قرار می‌گرفتند و استاندارد لازم را داشتند، به مدرسه‌ها معرفی کنند تا مدرسه، دانش‌آموزان، معلمان و اولیا اگر بخواهند کتاب تهیه کنند، از میان کتاب‌های مناسب

تهیه کنند.

❖ چنین کاری، یعنی تولید منابع آموزشی، برای نظام آموزشی ما که در هر صورت به منابع آموزشی تکمیل‌کننده هم نیاز دارد چقدر ضرورت دارد؟

به نظرم این موضوع در نظام آموزش و پرورش ما که به‌خصوص در حوزه کتاب‌های درسی نظامی متمرکز است، موضوعی مهم و قابل توجه است. در حالی که در نظام‌های متمرکزی (مانند کشور انگلیس) که مثل ما یک برنامه درسی ملی دارد، برنامه درسی ملی موظف نیست تا سطح تدوین و چاپ کتاب درسی پیش برود. من در مقطعی در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی صحبتی با کارشناسان تألیف کتاب‌های درسی داشتم. گفتم ما هم «برنامه درسی ملی» (National Curriculum) داریم و هم «کتاب درسی ملی (رسمی)» (National Text book). یکی از

کارشناسان برای من نوشت: اصطلاح جعل می‌کنید؟ به آن همکار گفتم نه این اصطلاح در منابع ما هم آمده است.

یعنی وقتی ما آمدم علاوه بر برنامه درسی ملی، کتاب‌های درسی را هم ملی کردیم و قرار شد که همه بچه‌ها، با وجود همه تفاوت‌هایی که در توانمندی‌هایشان دارند و با همه تفاوت‌هایی که در نیازهای یادگیری دارند، یک کتاب درسی را بخوانند، از همانجا به کتاب کمک‌آموزشی نیاز پیدا کردیم. اتفاقاً در چنین نظام تعلیم و تربیتی، ضرورت منابع آموزشی بیش از نظام‌های غیرمتمرکز است. در کشوری مثل انگلیس، برنامه درسی

دیگر در سطح تولید مواد آموزشی وارد نمی‌شود. بلکه مواد آموزشی را ناشران متفاوت تولید می‌کنند و مدرسه و معلمان متناسب با نیازهای خود و دانش‌آموزانشان از بین این تولیدات انتخاب می‌کنند.

در شرایطی که ما یک کتاب منتشر می‌کنیم، به‌طور طبیعی باید این کتاب متوسطی از توانمندی‌های دانش‌آموزان را دربرگیرد. لذا ما هم برای دانش‌آموزانی که پایین‌تر از حد متوسط هستند، و هم برای دانش‌آموزانی که بالاتر از حد متوسط هستند، به منابع آموزشی نیاز داریم تا نیازهای آموزشی آنان را به‌طور کامل پاسخ دهد.

❖ این ضرورت تا چه حدی است و اساساً برعهده چه سطحی از تشکیلات آموزش و پرورش از ستاد تا صف (مدارس) است؟

باید دید قوانین در این خصوص و در مورد استفاده از دیگر توانمندی‌های موجود در جامعه چه می‌گویند و چه کسی را مسئول می‌دانند. در بند ۶ مصوبه ۸۲۸ «شورای عالی آموزش و پرورش» گفته شده است: خرید، عرضه و تبلیغ هرگونه منبع آموزشی و تربیتی در واحد آموزشی صرفاً از منابع

هدف هم این بود که وقتی ما استانداردها را تولید کردیم و به جامعه دادیم، ناشران راهنمای تولید این‌گونه کتاب‌ها را در اختیار داشته باشند تا برایشان مشخص باشد، کتاب خوب چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد





استاندارد مجاز خواهد بود. رعایت ضوابط این ماده الزامی است و با متخلف برابر ضوابط قانونی برخورد خواهد شد. البته من این نوع ادبیات را در حوزه تعلیم و تربیت اصلاً نمی‌پسندم و واقعیت این است که مؤثر هم نیست. کما اینکه از سال ۱۳۸۹ تا الان که این مصوبه به تصویب رسیده است، با کسانی که آن را رعایت نکرده‌اند، برخوردی نکرده‌ایم. من تصور می‌کنم این رویکرد مغایر با رویکردی است که مرحوم علاقه‌مندان دنبال می‌کرد و به انتشار «کتاب‌نامه رشد» و تدوین استانداردهای انتشار کتاب‌های کمک‌آموزشی و جشنواره منجر شد. ضمناً با تعریف رویکرد حمایتی و نظارتی نیز مغایر است. باید ببینیم در این مصوبه چه جایگاهی برای مدرسه قائل هستیم.

در همین زمینه خوب است دقت کنیم که ما در مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش آیین‌نامه‌ای به نام «آیین‌نامه

اجرائی مدارس» داریم که در سال ۱۳۷۹

تصویب شده و به نظر من هنوز هم یکی از مترقی‌ترین آیین‌نامه‌های آموزش و پرورش است. این آیین‌نامه با رویکرد کاهش تمرکز و تفویض اختیار و «مدرسه‌محوری» تنظیم شده و اتفاقاً تصویب آن هم‌زمان با شروع طرح سامان‌دهی است. جالب آنکه خیلی از حرف‌هایی که در سند تحول در سال ۱۳۹۰ بیان شده، در سال ۱۳۷۹ در این آیین‌نامه آمده است. از جمله اینکه عنوان شده است، یکی از رکن‌های اصلی مدرسه، «شورای مدرسه» است که ترکیب و اختیاراتی دارد. درخصوص اختیارات شورای مدرسه در بند ۲۳ آن چنین آمده است: «بررسی

و اتخاذ تصمیم در مورد نحوه مشارکت مؤسسات و دستگاه‌های آموزشی خارج از مدرسه، در بحث آموزش‌های علمی و عملی دانش‌آموزان، براساس آیین‌نامه‌های مربوط برعهده این شورا است.» طبق این آیین‌نامه، یعنی اتخاذ تصمیم و بررسی درخصوص منبع آموزشی برای مدرسه، وظیفه شورای مدرسه است، نه من که معاون وزیرم. این موضوع از اختیارات شورای مدرسه است که بنابر آیین‌نامه‌ها و ضوابط خودش در این خصوص تصمیم می‌گیرد.

این مجموعه مصوبات، مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش و ویژه مدارس است و به دلیل چنین نگاهی است که می‌گوییم، با وجود همه تلاش‌ها و از جمله تصویب مصوبه

۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش، هنوز هم مدرسه در کار ما مغفول است و شما اثر این مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش را در طرح سامان‌دهی منابع و رسانه‌های آموزشی نمی‌بینید.

❖ **با این وصف برای موفقیت در زمینه سامان‌دهی منابع آموزشی چه راه و مسیری را توصیه می‌کنید؟**

به نظر می‌آید که ما اگر بخواهیم در این حوزه موفقیتی کسب کنیم، اولاً در حوزه نشر و ناشران باید یک نظام حمایتی را (طبق همان روندی که در گذشته بنیان‌گذاری شده است) داشته باشیم و از ناشران حمایت کنیم. این کار خوبی است که در سال‌های اخیر انجام شده است. علاوه بر انتشار کتاب‌نامه رشد و فهرستگان رشد، هولوگرام‌هایی هم به کتاب‌های آموزشی مورد تأیید داده شود تا اولیا و خانواده‌ها بدانند که این کتاب‌ها مورد تأیید قرار گرفته‌اند. به نظر می‌رسد که در این حوزه باید همان سیستم حمایتی را که برای ناشران داشته‌ایم، برای مدرسه‌ها و معلمان هم داشته باشیم و باید به سمت توانمندسازی مدارس و توانمندسازی معلمان پیش برویم.

❖ **در این میان معلمان و اولیای مدرسه چه نقشی باید ایفا کنند؟**

اگر دقت کنیم خواهیم دید که تا قبل از تشکیل سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، معلمان ما معلم‌های انتخابگر بودند. چون منابع آموزشی توسط ناشران تولید می‌شد و معلمان براساس بررسی‌های کارشناسانه خود منابع مناسب را انتخاب می‌کردند. به‌طور طبیعی این معلم با معلمی که فقط مجری و تابع بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اداری است، خیلی فرق می‌کند. ما باید قدرت انتخابگری را در معلمانمان افزایش و نحوه انتخاب خوب را به آنان آموزش دهیم تا شورای معلمان که بنابر قانون وظیفه انتخاب مواد آموزشی لازم را برعهده دارد، بتواند مواد مناسب را برای آموزش انتخاب کند. در این صورت، ما از سطح معلم صرفاً مجری، به سمت معلم انتخابگر، برنامه‌ریز درسی و مؤلف پیش می‌رویم. معلمی که از آن سطح از شایستگی‌های حرفه‌ای و علمی برخوردار است که می‌تواند از بین منابع آموزشی موجود، مناسب‌ترین منابع آموزشی را انتخاب کند. این رویکرد به‌نظرم رویکرد مناسبی است که باید در انتخاب مسیر آینده طرح سامان‌دهی به دقت مورد توجه و مبنای برنامه‌ها قرار گیرد.

ما باید قدرت انتخابگری را در معلمانمان افزایش و نحوه انتخاب خوب را به آنان آموزش دهیم تا شورای معلمان که بنابر قانون وظیفه انتخاب مواد آموزشی لازم را برعهده دارد، بتواند مواد مناسب را برای آموزش انتخاب کند



تقلیل یادگیری به خواندن و حفظ کردن

پای صحبت دکتر رضوانه حکیمزاده، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش

اشاره

رضوانه حکیمزاده دانشیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران و دکترای برنامه‌ریزی درسی است. وی در حال حاضر به‌عنوان معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش مشغول فعالیت است. در این گفت‌وگو وی دیدگاه‌های خود را درباره منابع آموزشی بیان کرده است.

می‌رسد که شما هم منظورتان بیشتر کتاب‌های کمک درسی است که در کنار کتاب‌های درسی یکپارچه و متحدالشکلی که توسط سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و دفتر تألیف منتشر می‌شوند، به چاپ می‌رسند.

❖ **حال اگر که به همین تقسیم‌بندی که شما گفتید قائل باشیم، نقش کتاب‌هایی که در کنار کتاب‌های درسی قرار می‌گیرند، چیست؟**

من می‌خواهم موضوع را قدری فراتر از این ببینم. می‌خواهم بگویم که اولاً منابع یادگیری ما اصلاً نباید به کتاب محدود باشد؛ چه کتاب مصوبی که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تألیف می‌کند و چه کتاب‌هایی که در کنار آن‌ها تألیف می‌شوند. اینکه محوریت ما متن کتاب درسی و این‌گونه متون باشد، خودش یک آسیب بسیار جدی وارد می‌کند و فرایند یاددهی - یادگیری را به آنچه که در کتاب آمده است، تقلیل می‌دهد. در چنین شرایطی متن کتاب درسی به یک متن مقدس تبدیل می‌شود که فرا گرفتن آن و بازپس دادن آن جریانی بسیار مکانیکی خواهد بود و به چرخه معیوب «کتاب را حفظ کن»، «در آزمون شرکت کن»، «معیار مورد نظر در ارزشیابی را به دست بیاور»

❖ **از نگاه شما منابع آموزشی غیردرسی تا چه میزان در یادگیری دانش‌آموزان مؤثر و برای یادگیری آن‌ها ضروری هستند؟**

شاید بهتر باشد که برای شروع صحبت، این سؤال را قدری بیشتر واکاوی کنیم و بپرسیم: تعریف عملیاتی منابع آموزشی غیردرسی یا درسی چیست؟ من به‌عنوان متخصص برنامه‌ریزی درسی، هر آنچه را که در جریان حضور دانش‌آموزان در مدرسه برای آن‌ها فرصتی فراهم می‌کند تا فرایند یاددهی - یادگیری و تربیت بهتر اتفاق بیفتد، منبع درسی برنامه درسی دانش‌آموز تلقی می‌کنم. شاید از این منظر تقسیم‌بندی منابع آموزشی به درسی و غیردرسی، از لحاظ تخصصی خیلی تقسیم‌بندی روایی نباشد. از دید ما، همه آن اتفاقی که می‌افتد، چه در قالب برنامه درسی مصوب قصد شده و آشکار که مد نظر برنامه‌ریزان است، و چه در قالب فرصت‌هایی که قصد نشده و تحت عنوان برنامه درسی پنهان به آن اشاره می‌کنیم، جزو فرصت‌هایی هستند که در شکل دادن به شخصیت دانش‌آموزان ما، ساخت هویت آن‌ها و جهت دادن به جریان رشد آن‌ها در ابعاد گوناگون زندگی‌شان تأثیرگذارند. حالا اگر که این فرصت‌ها خوب فراهم شوند، قطعاً این تأثیرگذاری مثبت خواهد بود. بنابراین به نظرم



و... منجر می‌شود.

پیامی که به این ترتیب به دانش‌آموز داده می‌شود، این است که شمای دانش‌آموز نسبت بیشتری با مفاهیم درسی که ما به شما دادیم نداری. چون کتاب‌های درسی ما تا تنها جلسه امتحان کاربرد دارد. همین است که دانش‌آموزان کتاب‌هایشان را بعد از امتحان پاره می‌کنند یا می‌سوزانند. این پدیده درواقع نتیجه تکیه کردن صرف روی یک متن آن هم به صورت واو به واو است. به همین دلیل و متأسفانه تقلیل یافتن جریان پویای تعلیم و تربیت به خواندن متن اتفاق افتاده است. از این منظر می‌خواهم بگویم، حتی اینکه برای آموزش مفاهیم مان، کتاب‌های درسی داشته باشیم، تصمیم درستی نیست، چه رسد به اینکه هم کتاب درسی داشته باشیم و هم در کنار آن مؤسسات مختلف برای ما کتاب چاپ کنند.

❖ با توجه به اینکه مسئولیت معاونت آموزش ابتدایی در وزارت آموزش و پرورش بر عهده شماست، جایگاه این منابع و یا کتاب‌های آموزشی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این موضوع در دوره ابتدایی که اصلاً دوره عملیات انتزاعی نیست و بچه‌های ما باید با دست‌ورزی و سروکار داشتن با دنیای طبیعی، مفاهیم علمی را هم یاد بگیرند، و دوره‌ای است که باید مهارت‌های اصلی ورود به زندگی را در کنار هم بیاموزند، خیلی حساس‌تر می‌تواند باشد. به نظر من در کنار هم بودن، با هم زیستن، با هم تعامل کردن و این موارد را به خواندن مطالب کتاب‌های درسی تقلیل دادن، جریان فرو کاهنده‌ای است که می‌تواند آسیب‌های خیلی جدی به بچه‌های ما وارد آورد.

❖ حالا که صحبت به اینجا رسید، بفرمایید در رویکردهای جدید، نگاه به کتاب درسی و احیاناً دیگر مواد آموزشی مرتبط با آن چیست؟

در رویکردهای نوین تعلیم و تربیت، کتاب درسی فقط یکی از منابع یادگیری است. به خصوص در دوره ابتدایی منابع یادگیری ما می‌توانند همه فضاهای پیرامونی بچه‌ها باشند. جامعه خودش یک منبع یادگیری است. موزه‌ها و طبیعت هم می‌توانند بهترین منابع یادگیری باشند. استفاده از فناوری‌های جدید هم این امکان را فراهم کرده است که ما بتوانیم در همه این زمینه‌ها فضاهای تعاملی ایجاد کنیم. متن مکتوب به عنوان منبع اصلی، اصولاً جایگاهی در رویکردهای نوین ندارد. از این نظر ما علاقه‌مند هستیم که ان شاء الله این فرصت‌ها به سمتی بروند که ما منابع متنوع یاددهی - یادگیری را تعریف و فراهم کنیم.

❖ از آنجا که طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش در دستور کار اصلی وزارت آموزش و پرورش قرار دارد و در برنامه درسی ملی هم نگاهی ویژه به این موضوع وجود دارد، از این جهت چه نگاهی باید به مواد آموزشی غیررسمی داشت؟

برنامه درسی ملی به عنوان یک برنامه راهنما، باید انعطاف‌پذیر باشد تا فرصت لازم را در اختیار معلمان قرار دهد که بتوانند منابع یادگیری متنوع و متعددی را متناسب با اقتضات دانش‌آموزان و کلاس درسشان در اختیار بگیرند و از آن‌ها استفاده کنند. به همین سبب وقتی در بحث تولید مواد آموزشی و رسانه، به موضوع مشارکت و جایگاه بخش غیردولتی می‌رسیم، من معتقدم که کاری که باید وزارتخانه انجام دهد و تصدی آن را بر عهده بگیرد، فقط تعیین چارچوب برنامه درسی ملی و سایر چارچوب‌هاست. حتی درمورد کتاب‌های درسی کافی است که بگوییم در پایه مثلاً فرض کنید سوم ابتدایی ما، دانش‌آموز در درس علوم یا ریاضی باید این مفاهیم را یاد بگیرد. اما اینکه ما خودمان تنها متولی کار بشویم و بگوییم که یک کتاب درسی چاپ می‌کنیم و آن معیار قرار می‌گیرد، به نظر می‌رسد که این روش خیلی نمی‌تواند راهگشا باشد.

به نظرم تا زمانی که ما یک سازمان مرکزی داریم که کتاب‌های درسی را به این شکل چاپ و توزیع می‌کند، مشارکت بخش غیردولتی در تولید منابع آموزشی بیشتر از آنچه که سمت و سوی علمی پیدا کند، جنبه اقتصادی پیدا می‌کند و این جریان معیوب را بیشتر تشدید می‌کند. اگر بشود به سمت تألیف چارچوب‌ها برویم و بعد اجازه دهیم که افراد با خلاقیت و امکانات خودشان رقابت کنند، تا بتوانیم کتاب‌های علوم و ریاضی متعددی داشته باشیم، آن زمان است که این رقابت رقابتی معنادار می‌شود. حالا نقشی که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و جشنواره‌ای مثل جشنواره کتاب رشد می‌تواند داشته باشد، این است که پس از تعریف استانداردها و معیارها بگوید که من مجوز می‌دهم که مثلاً فرض کنید برای آموزش ریاضیات سوم یا آموزش علوم پنجم، معلم‌ها بتوانند از این کتاب‌ها استفاده کنند. در گام اول این کتاب‌ها می‌توانند ناشران متعدد داشته باشند. اما چارچوب‌ها و استانداردها را باید مشخص کند و سازمان پژوهش هم قطعاً باید بر آن‌ها نظارت داشته باشد.

❖ نظر شما درباره نوع مشارکتی که در حال حاضر بخش خصوصی در تولید کتاب‌های آموزشی دارد، چیست؟

در حال حاضر من نقد جدی به نوع مشارکتی دارم که توسط بخش خصوصی دارد اتفاق می‌افتد. به خاطر اینکه محور کتاب‌های آن‌ها هم ارزشیابی و آزمون‌های ماست. یعنی در حوزه رقابت، ناشران بخش خصوصی هم کمتر به سراغ این موضوع می‌روند که فرصت‌های متنوع یادگیری را لذتبخش کردن یادگیری و فرصت‌هایی برای بروز خلاقیت، به خصوص برای کودکان، ایجاد کنند. یعنی آن‌ها هم دارند خطی را دنبال

در دوره ابتدایی منابع یادگیری ما می‌توانند همه فضاهای پیرامونی بچه‌ها باشند. جامعه خودش یک منبع یادگیری است. موزه‌ها و طبیعت هم می‌توانند بهترین منابع یادگیری باشند

می‌کنند که ما درواقع بنا می‌گذاریم. به همین دلیل هم مدرسه‌ها به دنبال این کتاب‌ها می‌روند تا دانش‌آموزان را برای آزمون‌های متنوع آماده کنند. اما کارکردی که این جریان می‌تواند داشته باشد، تنوع‌بخشی به منابع یادگیری و فراهم کردن فرصت‌های پرورش خلاقیت و لذت‌بخش کردن یادگیری است که متأسفانه مغفول مانده است.

❖ با فرض وجود چنین مشکلی چاره کار چیست؟

من تصور می‌کنم ما می‌توانیم نقش بسیار معنادارتری برای بخش غیردولتی تعریف کنیم، البته به شرط اینکه انحصار کتاب درسی و ارزشیابی شکسته شود و اساساً کتاب‌محور نباشیم. وگرنه اکثر سهم مشارکت بخش غیردولتی ما متأسفانه همان اضافه کردن یک بار به کتاب‌های درسی خواهد بود. خوب است که توجه کنیم، آنچه که الان دارد اتفاق می‌افتد، قطعاً مورد رضایت خانواده‌ها نیست و جریان معیوب و آسیب‌زایی را ایجاد کرده است.

اینکه ما در کنار کتاب درسی، چند کتاب غیردرسی هم تولید می‌کنیم و به ظاهر محیط رقابت را فراهم می‌کنیم، ولی آن هم براساس سؤالات چهار گزینه‌ای و تستی صورت می‌گیرد، فرو کاستن کل تعلیم و تربیت به تست زدن است.

❖ اطلاع دارید که مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش وظایف و کارکردهایی را برای همه سازمان‌های مرتبط با وزارت آموزش و پرورش، درباره نظارت بر تولید مواد و رسانه‌های آموزشی در درون و برون آموزش و پرورش تعیین و ابلاغ کرده است. در این زمینه چه توصیه‌ای دارید؟

در بحث اجرای مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش تصور این است که شورای عالی می‌تواند از زاویه‌ای دیگری هم به اجرایی کردن هدف‌های این مصوبه بپردازد. یعنی برای توسعه مشارکت همه دست‌اندرکاران در مدرسه‌ها، یک سلسله بایدها و نیایدیهایی را مشخص کند که راهگشای کار مدیران و معلمان ما در مدرسه باشد. معلمان ما خط مقدم اجرا و عملیاتی کردن این مصوبه هستند و اینکه ما هیچ دستورالعمل خاصی در این زمینه نداشته باشیم، کمی کار را پیچیده و سخت می‌کند. کما اینکه ما در آموزش ابتدایی، جاهایی که اطلاع‌رسانی داشته‌ایم، دیدگاه‌هایمان را مطرح کرده‌ایم، اهمیت کارها را گفته‌ایم و مثلاً گفته‌ایم اجازه دهید بچه‌ها با توجه به ارزشیابی کیفی - توصیفی ارزیابی شوند و این موضوع نقض نشود، خب آن‌ها هم به‌خصوص در استان‌ها خیلی همکاری کرده‌اند و خیلی هم راهگشا بوده‌است.

به نظر من معاونت‌های آموزشی، مرکز سنجش ما، شورای عالی و البته سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (به‌عنوان متولی اصلی یا هماهنگ‌کننده اصلی) می‌توانند در کنار

یکدیگر در عملیاتی کردن این دستورالعمل اجرایی وارد عرصه عمل شوند. ما باید دستورالعمل مشخصی داشته باشیم و به معلمان و مدیران خود بگوییم که می‌خواهیم به کجا برویم تا از این وضعیت بی‌سروسامان خلاص شویم. در گام بعدی هم می‌توانیم بگوییم که وضعیت مطلوب ما چه چیزی است و ما برای اینکه به آن وضعیت مطلوب برسیم، چه مواردی را باید اصلاح کنیم.

❖ شما تا چه حد امیدوار هستید که ان‌شاءالله مجموع اقداماتی که در آموزش و پرورش برای سامان‌دهی مواد و رسانه‌های آموزشی در جریان است، به نتیجه و هدف‌های مورد نظر منتهی شود؟

خوش‌بختانه نشانه‌های خیلی امیدبخشی در این زمینه وجود دارند. اخیراً جناب آقای بطحایی، وزیر محترم آموزش و پرورش، کارگروهی را مشخص کرده‌اند که به موضوع جمع شدن دامنه فعالیت مؤسسات آزمون محور (به‌ویژه در مدرسه‌های ابتدایی) بپردازد. در مورد بحث تنوع مدرسه‌ها نیز اخیراً درخواست کرده‌اند که نقطه نظرات را دریافت کنند. اینها بارقه‌هایی از امید و با هدف کاهش تنوع این مراکز است. نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی در کمیسیون آموزش و تحقیقات نیز نسبت به این موضوع واکنش نشان داده‌اند. در هر صورت من تصور می‌کنم، اینها بارقه‌های امیدی هستند که می‌توانند با هم‌اندیشی،

هم‌فکری و جدیت ان‌شاءالله ما را به آن سمت ببرند که جریان تعلیم و تربیت را از آزمون‌محور بودن و فروکاستنش به یک متن نجات دهد و تربیت را واقعاً معنادار کند. در غیر این صورت واقعاً تربیت بار معنایی لازم را نخواهد داشت. یعنی آنچه که ما در سند تحول بنیادین به دنبالش هستیم، در بستر شریایی که الان وجود دارد، کاملاً رنگ می‌بازد و متأسفانه بین خانواده‌ها نیز این موضوع و توسعه آزمون‌محوری از طریق برخی افراد که سود اقتصادی آن‌ها در این قضیه نهفته است، دامن زده می‌شود.

با این وجود، من به اصلاح و سامان یافتن این بحث‌ها امیدوار هستم. چون برای مثال اخیراً دیده‌ام که آقای دکتر محمدیان، رئیس محترم سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی نیز در یکی از صحبت‌هایشان اشاره کرده بودند که ما باید به بحث پادشاهی کتاب‌های درسی خاتمه دهیم که بسیار دیدگاه خوب و حرفی اساسی است. همه باید در مسیر تحقق چنین نگاهی، یکدیگر را یاری کنیم تا هدف‌های بزرگی که در امر سامان‌دهی مواد و رسانه‌های آموزشی مورد نظر است، زودتر و بهتر تحقق پیدا کنند؛ ان‌شاءالله.

در دوره ابتدایی بچه‌های ما باید با دست‌ورزی و سروکار داشتن با دنیای طبیعی، مفاهیم علمی را یاد بگیرند و مهارت‌های اصلی ورود به زندگی را در کنار هم بیاموزند





به کتاب‌های منطق‌ساز نیاز داریم

پای صحبت دکتر مهدی فیض، معاون فرهنگی و پرورشی آموزش و پرورش

اشاره

دکتر مهدی فیض که از آبان ۹۵ در سمت معاونت فرهنگی و پرورشی آموزش و پرورش خدمت می‌کند، متولد ۱۳۴۵ قم و دانش‌آموخته دکتری برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی از دانشگاه شهید بهشتی است. او از سال ۷۱ عضو هیئت علمی و به مدت ده سال معاون فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی شریف بوده است. او بر این باور است که آموزش فرمول‌های فیزیک و شیمی، فرصت آموزش‌های اساسی را از دانش‌آموزان گرفته است.

می‌رفت. ما حدود سه ربع کتاب می‌خواندیم و بعد هم حدود یک ربع، سه نفر از بچه‌ها درباره کتابی که خوانده بودند برای دیگران صحبت می‌کردند. ایشان با این کار کتاب‌خوانی را برای ما شیرین کرده بود. خاطره دومم درباره کتابی است به نام «حسنک کجایی؟» که قصه پسری بود به نام حسنک. او دنبال بازگرداندن خورشید به روستای تاریک و سرد بود. من پسرعمویی دارم که قبل از انقلاب اهل مبارزه و زندان بود. این کتاب را ایشان برای من آورد و توصیه کرد آن را پنهان کنیم و دم دست نگذاریم. خواندن این کتاب در آن فضا برای من جذاب بود.

❖ اجازه بدهید از کتاب و کتاب‌خوانی شروع کنیم. از اولین کتاب‌هایی که خوانده‌اید و هنوز به خاطرشان دارید. من دو تا خاطره کتابی دارم که در ذهنم ماندگار شده است. یکی درباره معلم سال‌های چهارم و پنجم دبستانم است که بعدها منافقان ترورش کردند. در کلاس شهید علی‌اکبر ناسخیان، یک ساعت در هفته ساعت کتابخانه داشتیم. کتابخانه کوچکی در مدرسه بود که ایشان به ما کمک می‌کرد کتاب‌هایی را از آن انتخاب کنیم و بخوانیم. یادم هست، من در آن موقع قصه‌هایی درباره پیامبران می‌خواندم که در آن زمان جزو قصه‌های مجاز به شمار

از نگاه شما، کتاب‌ها چه تأثیری در شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموزان می‌گذارد؟

من فکر می‌کنم بهترین کتاب‌ها آن‌هایی هستند که منطق زندگی را در مخاطب شکل می‌دهند. امام حسین (ع) وقتی علی‌اکبر را به میدان می‌فرستاد، فرمود: «اللهم اشهد فقد برز الیهم غلامٌ اشبه الناس خلقاً و خلقاً و منطقاً برسولک».

خلق یعنی جنبه ظاهری، خلق روحیات و اخلاقیات است و منطق به باور من لایه‌ای عمیق‌تر از اخلاق است؛ یعنی آن نظام ارزشی و نظام فکری که تصمیم‌گیری‌های کلان انسان مبتنی بر آن صورت می‌گیرد.

معمولاً این عبارت را به شباهت در حرف زدن و لحن و صدا ترجمه می‌کنند. اما به نظر من، منظور منطق و نظام فکری اوست. کتابی که من گفتم، از این جنس کتاب‌ها بود که در منطق زندگی اثر می‌گذاشت و نظام ارزشی دانش‌آموز را شکل می‌داد. ما در جریان استمرار انقلاب و مسیر تمدن‌سازی و زمینه‌سازی برای ظهور، نیازمند چنین کتاب‌هایی هستیم که به‌ویژه بر منطق راحت‌طلبی نسل امروز اثر بگذارند. تغییر رفتار مبتنی بر تغییر منطق زندگی است. کتاب‌های منطق‌ساز به اعتقاد من بسیار کم‌اند و ما به تولید آن‌ها نیاز داریم. باید نویسندگان ما کتاب‌ها را بر این اساس تدوین کنند و بعد آن را در فضای آموزش و پرورش ترویج کنیم و فضای رسمی خودمان را با این حال و هوا درآمیزیم. باید به جایی برسیم که معلم رسمی، ما، معلم شیمی، ریاضی و فیزیک ما، مروج کتاب‌خوانی باشد. هرچه معلمان رسمی مطالعات بیرونی را ترویج کنند، اثر ماندگارتری بر جا می‌گذارد. البته باید کتاب‌های درسی و ساعات درسی به گونه‌ای طراحی شوند که دانش‌آموز امکان مطالعه در ساعات درسی و ارائه آن را به دانش‌آموزان دیگر داشته باشد. معلمان ما می‌گویند امروزه وقت تدریس کتاب درسی را هم نداریم.

ما تا به امروز این کار را بر عهده معلمان گذاشته‌ایم تا به صورت خودجوش رفتار کنند؛ اما به خاطر همان دغدغه‌هایی که شما هم اشاره کردید، در حال حاضر کسی از وضعیت کتاب‌خوانی در مدارس راضی نیست. آیا به عنوان معاون فرهنگی و پرورشی این کار را نیازمند برنامه‌ریزی نمی‌بینید؟

ما در یک سال گذشته، در این زمینه با سازمان پژوهش مذاکراتی کرده‌ایم. ما بارها گفته‌ایم که روی اهداف تربیتی نظام آموزشی نظر داریم. حتی مدل هم پیشنهاد کرده‌ایم. سازمان پژوهش برای ورود دیگران به این فرایند باید سازوکار داشته باشد و جلسات ایده‌پردازی و هم‌اندیشی برگزار کند.

ما در حوزه معاونت پرورشی، براساس سند تحول، خودمان یک مجموعه اهداف تربیتی طراحی کردیم که آن را به شورای عالی آموزش و پرورش هم ارائه دادیم و حس کردیم مورد استقبال دوستان قرار گرفت. وقتی همین اهداف را برای کارشناسان سازمان پژوهش مطرح کردیم، تأثیر محسوسی ندیدیم.

ذهن دانش‌آموز ظرفیت خاصی دارد. وقتی ما ظرف فرصت‌ها و ذهن دانش‌آموزانمان را با شن و ماسه پر کردیم، دیگر جایی برای قرار دادن سنگ‌های درشت‌تر باقی نمی‌ماند. اگرچند قلوه سنگ را در ظرفی بریزیم، می‌شود خلل و فرج آن را هم با شن و ماسه پر کرد؛ شن و ماسه جای خود را پیدا می‌کند؛ اما اگر ظرف را با شن و ماسه پر کردید، دیگر جایی برای قرار دادن سنگ‌ها نمی‌ماند. وقتی ذهن دانش‌آموز را با فرمول‌های فیزیک و شیمی پر کردیم، دیگر جایی برای کتاب‌خوانی باقی نمی‌گذاریم. قرار است دانش‌آموز علاوه بر کسب دانش، خلاق باشد، متفکر باشد، کتاب‌خوان باشد، مهارت‌های زندگی را آموخته باشد، و تعامل با دیگران و انجام کار گروهی را بلد باشد؛ اما ما زندگی بچه‌ها را با شن و ماسه پر کرده‌ایم.

شرایطی که درباره کتاب درسی می‌فرمایید، کم و بیش در سی سال گذشته هم حاکم بود. حتی شاید حجم کتاب‌های درسی بیش از امروز بود؛ اما اوضاع کتاب‌خوانی در مدارس رونق خوبی داشت. بین بچه‌ها عطش خیلی زیادی برای خواندن کتاب وجود داشت و کتاب‌ها در شمارگان بالا منتشر می‌شدند. معاونت پرورشی هم چاپ‌های متعددی از یک کتاب را برای کتابخانه‌های مدارس می‌خرید. شاید نتوانیم نقش وسایل جدید را در تنگ شدن عرصه

بر کتاب‌خوانی انکار کنیم، اما حجم کتاب‌های درسی بیشتر از گذشته نشده است. بنابراین، تصور نمی‌کنید اشکال از جای دیگر باشد؟

من قبول دارم که در گذشته هم کم‌وبیش همین شرایط بود، اما امروز تغییرات قابل توجهی نسبت به گذشته رخ داده است. مثلاً آن موقع تب کنکور و المپیاد به شدت امروز نبود. امروز برای آنکه هفت نفر برون المپیاد، چند ده هزار نفر در کشور وارد این هرم می‌شوند. بعد هم دانش‌آموزی که وارد این هرم شد، دیگر ذائقه‌اش تغییر می‌کند. فضای امروز، بچه‌ها را می‌برد به سوی کتاب درسی.

به علاوه، در حال و هوای دهه شصت، معلمان خودشان به شدت کتاب می‌خواندند و خودشان پر بودند. معلمی که پر باشد، می‌تواند دانش‌آموز را نسبت به خواندن تشنه کند.

اتفاق سومی که افتاده است، تنگ‌نظری‌های فرهنگی است. ما دو تا سه دهه حاضر نبودیم حتی اسم دکتر شریعتی را در تلویزیون بیاوریم. با چنین شرایطی، نباید توقع داشت وضعیت کتاب‌خوانی مطلوب بشود. آدم‌هایی مانند شریعتی بودند که به تشنگی جوانان دامن می‌زدند. ممکن بود مطالبشان غلط باشد، اما همان‌ها در جوان تشنگی ایجاد می‌کرد. کتاب شریعتی را می‌خواند و حس می‌کرد فلان جای مطالب او محل نقد است و می‌رفت نوشته‌های آقای مطهری را می‌خواند. آن را می‌خواند

من فکر می‌کنم بهترین کتاب‌ها آن‌هایی هستند که منطق زندگی را در مخاطب شکل می‌دهند. کتاب‌های منطق‌ساز به اعتقاد من بسیار کم‌اند و ما به تولید آن‌ها نیاز داریم



دارند، می‌توان شور و حرارت کتاب‌خوانی را، گرچه نه به گرمی سال‌های آغازین انقلاب، دید. آیا زمینه‌ای برای باز گرداندن کتاب‌دارها به مدرسه وجود دارد؟

ببینید، دانشگاه فرهنگیان ایجاد شده است برای تربیت نیروی متخصص مورد نیاز در آموزش و پرورش؛ و لذا تعریف رشته‌های ارائه شده در دانشگاه فرهنگیان نباید تابع سیاست‌های وزارت علوم در آموزش عالی و دانشگاه‌های دیگر باشد. اگر وزارت علوم رشته کتاب‌داری را از برنامه‌های دانشگاه‌های دیگر حذف می‌کند، این سیاست ربطی به آموزش و پرورش ندارد؛ زیرا نگاه دانشگاه فرهنگیان باید به نیازهای آموزش و پرورش باشد و این حق باید برای آن به رسمیت شناخته شود. باید دید آموزش و پرورش به کتاب‌دار نیاز دارد یا خیر. همین بلا را درباره «مشاور» بر سر ما آوردند. رشته مشاوره را منحل کردند و دانشگاه فرهنگیان به همین دلیل آن را حذف کرد؛ در حالی که نیاز ما در مدرسه به «مشاور» از نوعی دیگر است. ما الان ۳۰ هزار مشاور در مدرسه کم داریم.

مشاور مورد نیاز ما روان‌شناس صرف نیست. هم وزارت علوم و هم دانشگاه فرهنگیان باید این موضوع را درک کنند که لازم است آموزش و پرورش خودش درباره نیازهایش تصمیم بگیرد. ممکن است در درمانگاه‌ها به بهداشت‌یار نیاز نباشد، اما در مدرسه نیاز داریم. کتاب‌دار هم همین‌طور است. ما به کتاب‌دار نیاز داریم و دانشگاه فرهنگیان بهترین جایی است که می‌تواند کتاب‌دار مناسب مدرسه تربیت کند. کتاب‌دار خوب حتی می‌تواند بخشی از مشکلات تربیتی و پرورشی دانش‌آموزان را با «کتاب‌درمانی» و توصیه کتاب‌های مناسب حل کند. با معرفی کتاب‌های مناسب می‌توان به یک دانش‌آموز پدر از دست داده در گذشتن از بحران روحی‌اش کمک کرد و مانع از بروز مشکلات حاد در زندگی او شد. امروزه کتاب‌درمانی یکی از درمان‌های دلچسب است. احیای رشته کتاب‌داری و پست کتاب‌داری در مدارس از موضوعاتی است که هم در گذشته پیگیری کرده‌ایم و هم حالا پیگیر آن هستیم.

❖ الان کتاب‌خانه‌های آموزشگاهی و تجهیز کتاب‌خانه‌های کلاسی و مدرسه‌ای چه وضعیتی دارند و اساساً از نظر شما کتاب‌خانه مطلوب آموزشگاهی چطور کتاب‌خانه‌ای است؟

تصویری که اکنون از کتاب‌خانه‌های ما در ذهن مجسم می‌شود، کتاب‌خانه‌هایی پر از کتاب‌های کهنه و بی‌مصرف است که دانش‌آموزان، خانواده‌ها و گاه معلمان به مدارس اهدا کرده‌اند. مطالب آن‌ها قدیمی‌اند و محتوای آن‌ها هم احتمالاً مناسب سن دانش‌آموز نیست. کتابخانه ایده‌آل به نظر من کتابخانه‌ای چندلایه و چندسطحی است. لایه اول کتابخانه‌های درون کلاسی هستند که کتاب‌هایشان به توصیه معلم یا معلمان هر کلاس فراهم آمده باشد. مثلاً اگر دانش‌آموزی ده

و راضی نمی‌شد، می‌رفت سراغ نویسنده‌ای دیگر. این فضای عرضه افکار متفاوت و تبادل و تضارب اندیشه‌ها متأسفانه خیلی کم‌رنگ‌تر شده است. ما به جای آنکه میدان بروز اندیشه‌های متفاوت را وسیع‌تر کنیم، آن را تنگ‌تر می‌کنیم. ما به قصد پالایش، این سیاست‌ها را اتخاذ می‌کنیم، اما حواسمان نیست که این پالایش چه بلایی بر سر فرهنگ و اندیشه می‌آورد. آقای مطهری می‌فرمود کسی گمان نکند راه دفاع از اسلام تعطیل کردن اندیشه‌های معارض است. این راه دفاع از اسلام نیست. اتفاقاً در تعاطی افکار، اندیشه‌های اسلامی مزیت خود را بهتر نشان می‌دهند و در برخورد با اندیشه‌های دیگر بیشتر پرورده می‌شوند. مدل‌های عرضه افکار ما تنگ نظرانده‌اند و همین‌ها کتاب‌خوانی را کاهش داده است.

❖ خب، این مشکل به نظر مبنایی است و حل آن‌ها شاید زمان زیادی ببرد. آیا امکانش نیست که ولو به شکل محدود، مثلاً در همین حوزه معاونت پرورشی، چنین کتاب‌هایی را منتشر کنیم تا فضای معلمان ما قدری متفاوت شود؟

ببینید! در شرایط قبل از انقلاب، ما باید طوری رفتار می‌کردیم و حالا که نظام در اختیار ماست، باید طور دیگری رفتار کنیم. مثلاً آموزش قرآن که قبل از انقلاب خیلی محدود بود، الان به برنامه‌های عمومی و کلان تبدیل شده است. ما هم برای تربیت معلمان نیازمند ساختار هستیم.

معلمان محترم ما وقتی دوره تربیت معلم را می‌گذرانند و از دانشگاه فرهنگیان خارج می‌شوند، از حیث فرهنگی و تربیتی دیگر رها هستند. نهایت خدمت ما به آن‌ها، برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت است که موضوع غالبشان هم حول و حوش تدریس و این‌طور چیزهاست. بیشتر دانشی است و انگیزه یا بینش داده نمی‌شود. برای ارتقای معلم باید به یک جریان فرهنگی دامن زد. نمی‌توان به ۳۰ یا ۳۲ ساعت گواهی ضمن خدمت، که گاهی هم فقط به شکل مجازی ارائه می‌شود، دلخوش بود. اگر این ساختار ایجاد نشود، چاپ و انتشار چند کتاب در انتشارات منادی تربیت هم جواب نمی‌دهد. اگر ساختار نباشد، با رفتن این فرد و آمدن فرد دیگر، موضوع فراموش می‌شود.

❖ در برخی مدارس، مدیران از نبود کتاب‌دار گله می‌کردند و می‌گفتند همان کتاب‌های محدودی را هم که دارند، در فقدان کتاب‌دار خاک می‌خورد و کسی نیست از آن‌ها بهره‌برداری کند. انصافاً در برخی مدارس که کتاب‌داران علاقه‌مندی

ما به کتاب‌دار نیاز داریم
و دانشگاه فرهنگیان
بهترین جایی است
که می‌تواند کتاب‌دار
مناسب مدرسه تربیت
کند. کتاب‌دار خوب
حتی می‌تواند بخشی
از مشکلات تربیتی و
پرورشی دانش‌آموزان
را با «کتاب‌درمانی» و
توصیه کتاب‌های مناسب
حل کند

معلم دارد، هر معلم دو سه کتاب را برای کتابخانه معرفی و توصیه کرده باشد. لایه دوم کتابهایی باید باشد که هر گروه از آن کتابها با هم ارتباط داشته باشند و دانش آموز برای کتابخانه در یک «سیر مطالعاتی» آنها را مطالعه کند. ما می توانیم این کتابها را براساس اهداف تربیتی گردآوری کنیم که البته باید جدید، جذاب و به روز باشند. به جز این کتابها و به عنوان لایه سوم، می توان برخی کتابها را هم در کتابخانه قرار دارد که اگر دانش آموزی از خواندن کتابهای قبلی قانع و راضی نشد و دنبال کتاب دیگری بود، آنها را مطالعه کند. در این لایه، کتابخانه نقش یک مخزن کوچک کتاب را بازی می کند. برای برخورداری از چنین وضع ایده آلی، مدرسه باید کتابدار داشته باشد. تشکیل این کتابخانه های سه سطحی از آروزهای ماست.

برای تجهیز کتابخانه های درون کلاسی، با معاونت های آموزش متوسطه و ابتدایی تعاملاتی برقرار کرده ایم و قرار شده آنها اسامی و ترکیب این کتابها را پیشنهاد بدهند. چون تعامل آنها با بچه ها و آشنایی آنها با اقتضائات سنی بچه ها بیشتر از ماست. ما کل دوازده سال را با هم می بینیم، اما آنها به صورت تفکیکی می بینند.

علاوه بر این، ما در حال حاضر روی طرحی کار می کنیم به نام «۱۱۴ کتاب برتر». ما براساس «اهداف تربیتی» تعریف شده، مجموعه ای از کتابها را برای دوره های گوناگون پیشنهاد می دهیم؛ به تعبیری، «سیر مطالعاتی برآمده از اهداف تربیتی دوره های مختلف». اکنون در فرایند انتخاب کتاب هستیم که خیلی کار ظریف و دقیقی است. برنامه بعدی تجهیز مدارس به این ۱۱۴ کتاب و بحث انتشار و تجدید چاپ کتابها توسط ناشران است.

این را هم عرض کنم که تفاهم اولیه با وزارت ارشاد درخصوص تجهیز کتابخانه ها صورت گرفته و قرار شده است امسال هم مبلغ یک میلیارد و پانصد میلیون تومان صرف خرید کتاب و تجهیز کتابخانه های مدارس مناطق مرزی و محروم شود. بخشی را هم سعی می کنیم ذخیره کنیم برای همان طرح «۱۱۴ کتاب برتر».

● طبق مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش، هر منبع آموزشی برای ورود به مدرسه، باید مجوز سازمان پژوهش را بگیرد. برای ایجاد هماهنگی با سازمان پژوهش چه اقداماتی شده است یا می تواند صورت بگیرد؟

عمل کردن به مصوبه، نیازمند برگزاری جلسه و قدری هم فکری بیشتر است. هر کدام از ما ناشری را در زیرمجموعه خودمان داریم که سعی می کنیم کتابهای آن را عرضه کنیم. برای آنکه در این نقطه به هم دلی برسیم، باید قبل از آن روی یک مجموعه اهداف تربیتی به توافق و اجماع رسیده باشیم.

موضوع هم باید در جایی فراتر از ما و سازمان پژوهش به تصویب رسیده باشد. آن وقت باید تقسیم کار صورت بگیرد و هر بخش مسئولیت تحقق بخشی از اهداف را برعهده بگیرد. اگر قرار است سازمان برای همه حوزه ها برنامه ریزی کند، من معاونت پرورشی هم باید در آن حضور داشته باشم. ما هم یک معاونت هستیم و برای خودمان برنامه داریم. تصور می کنم، سازمان معنایش این است که باید با همه معاونت ها به طور یکسان ارتباط داشته باشد و کار کند. در غیر این صورت باید اسمش را عوض کنیم.

● مگر شما در شورای سیاست گذاری سامان دهی منابع

آموزشی و تربیتی عضویت ندارید؟ با بودن نماینده شما، اگر هم دغدغه ها و ملاحظات در سیاست ها و برنامه ریزی یا اجرا وجود دارد، می توان آن ملاحظات را انتقال داد. منظور من در سیستم برنامه ریزی سازمان است.

● به نظر می رسد، در بحث کتاب و منابع آموزشی، ما ناگزیریم بالاخره مسئولیت را به یک نهاد مشخص بسپاریم و شاید پسندیده نباشد به یک ناشر بگوییم کتاب شما را در آموزش و پرورش باید هر بخش به طور جداگانه ببیند و نظر دهد. من می خواستم

پرسش بعدی را درباره چگونگی جلب همکاری نهادهای فرهنگی بیرون از وزارتخانه ببرسم که با توجه به این فرمایش فکر کنم پاسخ شما مشخص باشد. آخرین سؤال من درباره جشنواره کتاب رشد و تأثیر آن در جلب نظر نهادهای فرهنگی و مردم است.

قطعاً اثر مثبت دارد. اما اعتقاد این است برای آنکه چرخنده های جشنواره خیلی روان تر و بهتر حرکت کند، باید آن پشتوانه های ساختاری و زیرساخت های تعاملاتی مناسب را ایجاد کنیم و برای این کار بهتر است ما در برنامه ریزی های سازمان حضور داشته باشیم. وقتی حس کنیم حرف های ما و صدای ما در آن جا شنیده می شود و مورد توجه قرار می گیرد و پس از نقد و بررسی به کار بسته می شود، تعامل بهتری شکل می گیرد. در این صورت می گوییم برای ارزیابی، کتابهای ما هم باید از این فرایند واحد تبعیت کنند. ما وقتی به دنبال موازی کاری می رویم که احساس کنیم تعامل کافی وجود ندارد. اگر تعامل باشد، من خودم را موظف می کنم تحت آن تعاملات کار کنم. جشنواره می تواند بهانه خوبی برای گفتن این حرف ها و شنیده شدن آن ها و شکل گرفتن زیرساخت های تعاملات باشد.

تفاهم اولیه با وزارت ارشاد درخصوص تجهیز کتابخانه ها صورت گرفته و قرار شده است امسال هم مبلغ یک میلیارد و پانصد میلیون تومان صرف خرید کتاب و تجهیز کتابخانه های مدارس مناطق مرزی و محروم شود





دانش‌نامه‌ای با چاشنی داستان

پای صحبت افسانه موسوی گرمارودی نویسنده دایرةالمعارف پیامبران

اشاره

داستان زندگی پیامبران از جمله موضوع‌هایی است که در زمینه آن می‌توان کتاب‌های متنوع و متعددی را مشاهده کرد. بسیاری از ناشران و مؤلفان، در کنار تولید آثار دیگر، دست به انتشار کتاب‌هایی پیرامون زندگی پیامبران می‌زنند. به طوری که تولید این آثار به حوزه‌ای تبدیل شده که یک سر آن آثاری نازل و کپی شده است و سر دیگر آن را کتاب‌هایی تشکیل می‌دهند که برای تولید آن‌ها تلاش و تخصص به کار گرفته شده است. «دایرةالمعارف پیامبران»، به قلم افسانه موسوی گرمارودی، از جمله آثاری است که با همین مضمون در پانزدهمین جشنواره کتاب رشد شرکت کرده است. با وجود تنوع کتاب‌هایی از این دست، گرمارودی معتقد است تفاوت اثرش را می‌توان در تولید آن به سبک دانش‌نامه، اما به زبان داستان دانست. افسانه موسوی گرمارودی سردبیر رشد نوآموز و از نویسندگان حوزه کودک است.

«وقتی صحبت از دایرةالمعارف می‌شود، معمولاً سبکی خاص به ذهن می‌آید. اما شما برای نوشتن دایرةالمعارف زبان داستان را انتخاب کرده‌اید. چرا؟ درواقع کلمه دایرةالمعارف برای کتاب من کلمه درستی نیست. چون وقتی از دایرةالمعارف حرف می‌زنیم، باید از چند معرفت استفاده کرده باشیم، در حالی که مبنای اصلی این کتاب قرآن بوده است. پس ما از معارف گوناگونی بهره نبرده‌ایم که نامش را دایرةالمعارف بگذاریم. اما چون «انتشارات محراب قلم» در زمینه‌های گوناگون دایرةالمعارف منتشر می‌کند، قصد داشت در زمینه پیامبران هم اثر را با همین عنوان منتشر کند. به همین دلیل ما اثر را به سبک و سیاق دایرةالمعارف‌نویسی پیش بردیم. با وجود این، با توجه به اینکه مخاطب ما گروه سنی ب و ج و تاحدی دال بود، قاعدتاً باید زبان راحت و روانی را انتخاب می‌کردم. بنای کار ما هم قرآن بود؛ یعنی دایرةالمعارف قرآنی درباره داستان پیامبران. به همین دلیل باید حتماً از قرآن استفاده می‌کردیم. قرآن درباره پیامبران

از قصص استفاده می‌کند و ما هم ناچار، آنچه را که برترین و بهترین بوده و قرآن برگزیده است، انتخاب کردیم تا از آن سبک و سیاق فاصله نگیریم.

تمام تلاش من این بود که کودکان با یک داستان اطلاعات اولیه را به دست آورند. شاید برای ورود به ماجرا علاقه‌مند شدند. به همین دلیل در کادربهای مشخصی، اطلاعات و دانش اولیه را ارائه دادم. یعنی حتی مخاطب با تورقی کوتاه می‌تواند به اطلاعات اولیه، مانند تاریخ تولد، معجزات و نیز اینکه در کدام سوره‌ها نام آن‌ها برده شده است، دست پیدا کنند. درواقع مخاطب در یک پاراگراف می‌تواند ماجرای کلی دربارهٔ پیامبر را بخواند و پس از آن وارد جزئیات شود. البته جزئیات هم در حد دایرةالمعارف است. ما به داستان پیامبران اشاره‌ای کرده‌ایم، اما نه آن‌گونه که در ذهن مخاطب سؤال ایجاد کند که جوابی برای آن نداشته باشد.

♦ دربارهٔ زندگی پیامبران تنوع نسبتاً زیادی در بازار کتاب وجود دارد. اثر شما چه تفاوت جدی با دیگر آثار در این زمینه دارد؟

وقتی پیشنهاد نگارش این کتاب به من شد، خیلی پرهیز کردم. چون به‌قدری کتاب‌هایی از این دست زیادند که شاید نیازی نباشد دوباره نوشته شود. اما ناشر دنبال کتابی مثل کتاب‌های دیگر نبود. بلکه اثری می‌خواست که در آن، مجموعهٔ پیامبران کنار هم باشند و بچه‌ها با مراجعه به این اثر همه را کنار هم ببینند. از سوی دیگر، در ماجرای مربوط به پیامبران، اسرائیلیات خیلی زیادی داریم که بخش‌هایی از آن‌ها اسطوره‌ای و افسانه‌ای‌اند و درواقع داستان‌سرایی شده است. به همین دلیل تلاش کردم داستان‌هایی را که جنبهٔ اعتقادی دارند، یعنی آن‌هایی را که در قرآن آمده‌اند، یا در قرآن نیامده‌اند اما در روایات از ائمه آمده‌اند، انتخاب کنم. درواقع تلاش زیادی داشتم که از منابع موثق‌تر استفاده کنم.

♦ با این حساب مبنای شما در انتخاب پیامبران، قرآن بوده است.

در وهلهٔ اول انتخاب قرآنی بود. نام ۲۷ پیامبر در قرآن آمده است. علاوه براین، من از منابع متعددی استفاده کردم، اما می‌دیدم در برخی از آن‌ها هم اسرائیلیات نفوذ زیادی دارد. در قرآن به برخی از پیامبران اشاره نشده است، اما روایاتی از ائمه (علیهم‌السلام) داریم که در آن‌ها به برخی پیامبران اشاره شده است. من ترجیح دادم که از آن‌ها استفاده کنم. البته داستان برخی پیامبران در ادبیات فارسی خلط شده است که سعی کردم آن‌ها را در پاورقی مطرح کنم. حتی دربارهٔ حضرت یونس به این نکته اشاره کردم که شبیه داستان پینکیو است و شاید نویسنده از همین داستان کمک گرفته باشد. حتی اصطلاحاتی را که ما در ادبیات به وفور از آن‌ها استفاده می‌کنیم، ذکر کرده‌ام تا حالت دایرةالمعارفی حفظ شود. مثلاً وقتی مخاطب

داستان حضرت ابراهیم(ع) را می‌خواند، باید معنی کلمهٔ «حنیف» را بداند.

در نتیجهٔ رعایت همهٔ این نکات، برای نگارش کتاب حدود دو سال وقت صرف کردم. این باعث شد، هر نکته‌ای را که به نظر لازم است، در ویرایش‌های متعدد اضافه کنم. از این رو به نظرم اصلی‌ترین تفاوتی که این کتاب با کتاب‌های مشابه دارد آن است که سعی کردم، ضمن اینکه زبان دایرةالمعارفی است، اما بسیار روان و آسان باشد. با توجه به بازخورد مخاطبان، فکر می‌کنم در این زمینه موفق بوده‌ام.

♦ در مورد تصویرگری کتاب هم این حساسیت‌ها را داشته‌اید؟

بله. چند تصویرگر تغییر کردند تا اینکه خانم ملکی‌جو تصویرگری را به عهده گرفت. من همهٔ فریم‌ها را می‌دیدم و خیلی از آن‌ها چند بار تغییر می‌کردند تا اینکه تصویرها نهایی می‌شدند. به هر حال داستان جنبهٔ دینی داشت و حساسیت‌هایی را شامل می‌شد. مثلاً دربارهٔ داستان ذبح اسماعیل ایشان مجبور شد چند بار تصویر را تغییر دهد. چرا که فکر می‌کردم برای گروه سنی هدفمان، باید نمایی مناسب ارائه دهیم. از

این رو به شدت روی تصویرها حساس بودم و خانم ملکی‌جو هم وقت و دقت زیادی به خرج دادند.

♦ در بحث استانداردسازی منابع آموزشی و تربیتی بر برنامهٔ درسی تأکید زیادی شده است. آیا در نگارش کتاب به این موضوع هم توجه داشته‌اید؟

من به این موضوع توجه داشتم که کتاب فراتر از کتاب درسی بتواند به مخاطب کمک کند. همهٔ ما در کتاب‌های دینی درسی قصص انبیا را خوانده‌ایم. این داستان‌ها به ضرورت‌های برنامهٔ درسی مجبور بوده‌اند برخی پیامبران را در یک پایه و گروه سنی خاصی معرفی کنند و بعضی را در گروه سنی دیگر. اما نوشتن این اثر سخت‌تر بود، چون باید تلاش می‌کردم همهٔ آن‌ها را با زبان کودکان مطرح کنم که هم گروه سنی ب متوجه آن باشند و هم گروه سنی داز خواندن آن لذت ببرد. اما این موضوع در برنامهٔ درسی مرزی دارد. قصد من تنها آموزش نبود، بلکه بیان روایات و واقعیات با زبان متناسب بود.

♦ فکر می‌کنم با وجود اینکه کتاب به نوعی دانش‌نامه است، جنبهٔ داستانی آن غلبه دارد.

در این کار تعهد داشتم. زیرا سخت‌ترین کار برای بچه‌ها این است که فرم دایرةالمعارفی کلمه یا تاریخ ادبیات را حفظ کنند که البته خیلی زود هم فراموش می‌کنند. در دورهٔ ۲۰ سالهٔ تدریسم سعی می‌کردم هنگام آموزش تاریخ ادبیات، ماجراهایی

قرآن دربارهٔ پیامبران از قصص استفاده می‌کند و ما هم ناچار آنچه را که برترین و بهترین بوده و قرآن برگزیده است، انتخاب می‌کنیم تا از آن سبک و سیاق فاصله نگیریم



از زندگی نویسنده را مطرح کنم یا تلاش می‌کردم شعر شاعر را برجسته کنم تا در ذهن دانش‌آموزان باقی بماند. وقتی دایرةالمعارف را می‌نوشتیم، تمام این موضوع‌ها را مدنظر قرار دادم. سعی کردم کتاب را به گونه‌ای بنویسم که وقتی کتاب را می‌بندند، چیزی از آن در ذهنشان مانده باشد.

❖ پس می‌توان گفت انتخاب پیامبران هم براساس این تأثیرگذاری بوده است؟

بله وقتی این اثر را تمام کردم، مقدمه‌ای بر آن نوشتیم که درواقع یافته‌ام از آنچه انجام دادم بود. آن هم این بود که متوجه شدم، خداوند به ضرورت زمان‌های متفاوت، انبیایی را مبعوث کرده که هر کدام ضمن ارائه مبانی الهی، ویژگی خاص خود را دارند. حضرت ایوب با صبرش، پیامبر اکرم(ص) با اخلاق نیکو، حضرت موسی با پرسشگری، حضرت ابراهیم با ایمان و تسلیمش دست‌به‌دست هم می‌دهند تا یک انسان کامل را ترسیم کنند.

وقتی این کتاب را نوشتیم، به این نتیجه رسیدیم که ما خیلی خوش‌بختیم. چرا که دانش و معارف دینی همه آنیا را در اختیار داریم و می‌توانیم از تجربه زندگی مردمان زمان پیامبران در زندگی خود استفاده کنیم. ما خیلی سعادتمند هستیم که می‌توانیم تجربه ۱۲۴ هزار پیامبر را در اختیار داشته باشیم. وقتی به دقت بررسی کنید، می‌بینید که رسالت همه آن‌ها توحیدی بوده است؛ اینکه یکتاپرست باشید و ظلم نکنید. همه پیامبران در یک راستا و یک مسیر حرکت می‌کنند. اساساً کلیمی، مسیحی و غیره معنا ندارد، همه پیامبران در امتداد هم و در پی تکمیل دین بوده‌اند. این خیلی مهم است که بچه‌ها بدانند، حضرت موسی در امتداد حضرت ابراهیم است و یا پیامبر اکرم(ص) در امتداد حضرت مسیح است و هیچ تناقضی با هم ندارند. با توجه به دریافت این موضوع، این اثر برای من خیلی ارزنده است.

❖ در صحبت‌های خود به تنوع زیاد کتاب در این حوزه اشاره کردید. در این بخش شاهد کتاب‌هایی هستیم که برخی از آن‌ها سطح نازلی دارند، ولی شاید چون برای کودکان نوشته می‌شوند، چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرند. نظر شما چیست؟

مشکل اساسی در ادبیات دینی کودک و نوجوان این است که نویسنده گمان می‌کند، کافی است برای داستان‌های

موجود یک زبان ساده انتخاب کند. اگر قرار باشد نویسنده‌ای در حوزه سلامت کتابی بنویسد، حتماً با یک پزشک حاذق مشورت می‌کند و اطلاعات لازم را از او دریافت می‌کند. اما در حوزه دین این اتفاق نمی‌افتد، در حالی که باید اطلاعات اولیه‌ی درستی داشته باشیم. نمی‌توان براساس برداشت‌های شخصی و شهودی داستان دینی بنویسیم. باید از سرچشمه استفاده کنیم که در آثار دینی این اتفاق نمی‌افتد. بسیاری از کتاب‌ها هم اصلاً منابع مورد استفاده‌شان را ذکر نمی‌کنند. من برای نگارش این کتاب منابع متعددی را خواندم که البته اسامی همه آن‌ها در کتاب نیامده است. مشکل ما در ادبیات دینی این است که نویسندگان اطلاعات دینی درستی ندارند و گمان می‌کنند می‌توانند، از اولین کتابی که به دستشان رسید، به عنوان منبع استفاده کنند. درواقع چون حوزه دینی به اعتقادات شخصی انسان‌ها مربوط است، خیلی راحت به خودمان اجازه می‌دهیم کتاب بنویسیم، در حالی که نباید این‌طور باشد.

نویسندگی نوعی معلمی کردن است و هر کس باید در تخصص خودش آموزش دهد. ما باید گروه‌هایی را تشکیل دهیم و از روان‌شناسان، افرادی که در حوزه دین فعالیت دارند و نویسندگان استفاده کنیم. این افراد باید با هم تعامل داشته باشند تا به استاندارد در تولید آثار دینی برسیم. مثلاً برخی کارشناسان معتقدند، بعضی از داستان‌های مربوط به پیامبران را نباید برای بچه‌ها نقل کرد، چون آن‌ها را به خطا می‌اندازند. البته معتقد نیستم این حرف حتماً درست است، اما می‌توان با تعامل به این نتیجه رسید که: چقدر ضرورت دارد برای کودک هشت ساله احکام را بیان کنیم؟ این استانداردها باید مشخص شوند.

❖ شما چنین نیازی را حس کرده‌اید، چون در این زمینه فعالیت دارید. ولی اساساً متولی این کار کیست؟ چه کسی باید استانداردهای تولید آثار دینی را برای کودکان مشخص کند؟ اصلاً این موضوع در یک چارچوب مشخص می‌گنجد؟

قاعدتاً یک نفر نمی‌تواند چنین کاری انجام دهد، چون موضوع وابسته به یک حوزه نیست. باید چند حوزه و نظرات گوناگون را در نظر بگیریم تا به نتیجه واحد برسیم. در جهان امروز و در همه شاخه‌ها کار گروهی تأثیر مثبتی دارد. چرا نباید در این مقوله چنین کاری کرد؟ ممکن است به تنهایی بتوان یک برنامه منسجم و منضبط به دست آورد، ولی وقتی آن را به یک کارشناس دینی یا روان‌شناس نشان دهید، اشکالاتش مشخص می‌شود. پس چه بهتر که از همان ابتدا کار گروهی صورت بگیرد تا کنار هم به نتیجه مطلوب برسیم.

این خیلی مهم است که بچه‌ها بدانند، حضرت موسی در امتداد حضرت ابراهیم است و یا پیامبر اکرم(ص) در امتداد حضرت مسیح است و هیچ تناقضی با هم ندارند

نمی‌توانیم براساس برداشت‌های شخصی و شهودی داستان دینی بنویسیم



این جانوران دوست داشتنی

بای صحبت محمد کرام‌الدینی، نویسنده مجموعه شش جلدی دانستنی‌های جانوران ایران و جهان

اشاره

محمد کرام‌الدینی، متولد خرداد ۱۳۳۴ است. از مؤلفان کتاب‌های درسی علوم تجربی و زیست‌شناسی بوده و سه دوره (در سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰) برنده جایزه کتاب سال و در دوره‌های متعدد در جشنواره‌های کتاب رشد و کتاب‌های دانشگاهی و کتاب برتر نیز برگزیده شده است. او هم‌اکنون سردبیر فصل‌نامه رشد آموزش زیست‌شناسی است، کار خود را از معلمی آغاز کرده و بنیان‌گذار المپیاد زیست‌شناسی ایران و عضو هیئت داوران المپیاد جهانی زیست‌شناسی در چند کشور است. او کتاب‌های متعددی تألیف کرده که مجموعه شش جلدی «دانستنی‌های جانوران ایران و جهان» از آخرین آن‌هاست. این کتاب در گروه علوم تجربی این دوره از جشنواره حضور دارد.

❖ اندیشه نوشتن این مجموعه چه موقع و چگونه شکل گرفت؟

حدود ده سال پیش، در یک کنفرانس بین‌المللی که با موضوع تنوع زیستی در دانشگاه تهران برگزار شده بود و موضوع اصلی اش کاهش تنوع زیستی و کمبود دانش و آگاهی عمومی درباره این موضوع مهم بود. شرکت کردم. شرکت‌کنندگان کنفرانس از این موضوع شکایت داشتند و در جست‌وجوی راه‌های ارتقای دانش عمومی درباره اهمیت تنوع زیستی بودند. در آن زمان به نظرم رسید یکی از علت‌های کمبود آگاهی درباره تنوع زیستی این است که چنین بحث‌هایی بیشتر در محیط‌های دانشگاهی انجام می‌شود و مقالات و کتاب‌های مربوط، بیشتر به زبان تخصصی دانشگاهی منتشر می‌شوند. در آن زمان، هنوز کتابی عمومی و همه‌فهم درباره تنوع زیستی و حیات‌وحش که برای مردم غیرمتخصص قابل استفاده باشد، وجود نداشت، شاید کتاب «حیات وحش ایران» تألیف اسکندر فیروز تنها نمونه در این زمینه بود که نشر دانشگاهی منتشر کرده بود.



فکر کردم یکی از راه‌های حل این مشکل، تألیف و انتشار کتاب‌ها و مقالات جذاب و برانگیزاننده به زبان مردم کوچه و بازار است. این در ذهنم بود و دنبال ناشری می‌گشتم که حاضر باشد روی کتابی در زمینهٔ حیات وحش سرمایه‌گذاری کند.

❖ چگونه شروع به نوشتن این مجموعه کردید؟

خوش‌بختانه، هم‌زمان با شکل گرفتن این دغدغه در ذهن من، ناشری به سراغم آمد و گفت می‌خواهد کتابی مردمی و نفیس دربارهٔ حیات وحش ایران منتشر کند. من که آمادگی داشتم، فوراً پذیرفتم با او همکاری کنم. البته کتابی که دربارهٔ آن صحبت می‌کنم، کتاب مورد بحث ما، یعنی مجموعهٔ شش جلدی دانستنی‌های جانوران ایران و جهان نبود، بلکه کتاب «حیات وحش مهره‌داران ایران» بود که قبل از آن با نظارت من منتشر شد.

استقبالی که از آن به عمل آمد، ناشر را به این نتیجه رساند که برای کودکان نیز کتابی دربارهٔ حیات وحش منتشر کند. موضوع را به من پیشنهاد داد و من کار را شروع کردم.

❖ از پیشنهاد ناشر تا انتشار اثر چقدر زمان صرف شد؟

برای هماهنگی زمان زیادی لازم نبود؛ چون هر دو اهمیت کار را می‌دانستیم. من پس از تعیین ویژگی‌های فنی کار و شکل صفحه‌آرایی - که برای ناشر اهمیت داشت - کار را شروع کردم و وقتی تمام شد، تحویل دادم. ولی دو رویداد انتشار را به تأخیر انداخت. یکی آنکه ناشر، به دلایلی که من به روشنی نمی‌دانم، انتشار آن را یکی دو سال به تأخیر انداخت و دیگر تغییراتی که به درخواست ناشر در محتوای کتاب به عمل آمد و وقت‌گیر بود. فکر می‌کنم در مجموع از شروع تا انتشار کتاب حدود پنج سال طول کشید.

❖ فرایند تألیف را چگونه پیش بردید؟

خاطر من هست که برای این کار، فوری دست به قلم نشدم. خیلی به یاد این بیت سعدی بودم که: «اول اندیشه وانگهی گفتار، پای بست آمده است و پس دیوار». بنابراین، حدود یک سال دربارهٔ چارچوب کار اندیشیدم و تحقیق کردم. در این مدت سعی کردم کتاب‌ها، مقاله‌ها و حتی ویدیوهایی را که تا آن زمان دربارهٔ حیات‌وحش ایران منتشر شده بودند، ببینم و از اوضاع انعکاس حیات‌وحش ایران در رسانه‌ها بیشتر آگاه شوم. سپس به سراغ مخاطبانم که کودکان بودند، رفتم و به شناخت قبلی خود دربارهٔ آن‌ها بسنده نکردم. کتاب‌های درسی دورهٔ ابتدایی را خواندم، مفاهیم و واژگان آن‌ها را بررسی کردم و هر جا که با کودکان روبه‌رو می‌شدم، با آنان گفت‌وگو می‌کردم و نظر آن‌ها را دربارهٔ جانوران و حیات وحش می‌پرسیدم تا با حال و هوای آن‌ها و تصوراتشان از محیط‌زیست و جانوران بیشتر آشنا شوم.

پس از طی این دورهٔ یک‌ساله، در شکلی که با ناشر توافق کرده بودیم، شروع به نگارش کردم.

❖ چه مشکلات عمده‌ای در تألیف و انتشار این مجموعه داشتید؟

ابتدا قرار بود یک مجموعهٔ پنج‌جلدی از کار دریاوریم تحت عنوان «جانوران دوست‌داشتنی» که فقط شامل مهره‌داران یعنی ماهی‌ها، دوزیستان، خزندگان، پرندگان و پستانداران ایران باشد؛ یعنی یک مجموعهٔ پنج‌جلدی، نه شش جلدی؛ آن هم دربارهٔ حیات وحش ایران، و نه جهان؛ و ویژهٔ کودکان و نه کودکان و نوجوانان. اما ناشر نظر خود را تغییر داد و خواست یک جلد دربارهٔ بی‌مهره‌ها هم به مجموعه اضافه شود. ثانیاً، کتاب از مرزهای سرزمین ایران فراتر برود و جانوران جهان را هم شامل شود. ثالثاً، نوجوانان هم به مخاطبان مجموعه افزوده شوند. این تصمیم کار را قدری دشوار کرد و به تأخیر انداخت. گنجاندن مطالب جدید از جانوران جهان و گسترش مخاطبان به سنین بالاتر، احتیاج به صرف وقت و اصلاح نوشته‌های پیشین داشت. ولی در هر حال، کار انجام شد.

❖ با توجه به اینکه در تولید آثار علمی تألیفی رفت و برگشت‌های زیادی بین اعضای گروه و ناشر صورت می‌پذیرد، تعامل بین اعضای تولید این مجموعه چگونه بود؟

ناشر با مجموعه‌ای از افراد علاقه‌مند به حیات وحش که مطالعاتی در این زمینه داشتند، در ارتباط بود. افراد گوناگونی دست‌نوشته‌های این مجموعه را مطالعه می‌کردند و نظر خود را می‌نوشتند. من نوشته‌های آنان را می‌خواندم و آنچه را به نظرم درست و سازنده می‌آمد، مورد تحقیق قرار می‌دادم و عیناً یا با ویرایش به نوشته‌هایم می‌افزودم، یا نادیده می‌گرفتم. این رفت و برگشت‌ها، به گفتهٔ شما، کار را قدری طولانی کرد، ولی مشکل خاصی در این زمینه پیش نیامد و به غنای مجموعه افزود.

❖ دربارهٔ ویرایش این مجموعه هم توضیحی بدهید.

گذشته از اصلاحاتی که همین کارشناسان پیشنهاد می‌دادند و درواقع نوعی ویرایش به شمار می‌آمد، در مورد ویرایش ادبی هم مشکل خاصی به خاطر ندارم. چون یکی از کارهایی که خود من مرتکب شده‌ام و می‌شوم، ویراستاری نوشته‌های علمی است. اهمیت و قدر کارهای ویراستار را که برای بهبود متن تلاش می‌کند، می‌شناسم و می‌دانم.

اتفاقاً یکی از خاطرات جالبی که در جریان تألیف کتاب رخ داد، مربوط به ویراستاری کتاب بود. یکی از دوستانی که کتاب را خوانده بود، چند سطر دربارهٔ باران عنکبوت نوشته بود. یعنی نوشته بود که گاهی از آسمان عنکبوت می‌بارد. این نوشته مورد اعتراض چند نفر دیگر قرار گرفت و گفتند این مطلب علمی نیست؛ علمی - تخیلی است و نباید صحت و درستی

مطالب این کتاب علمی ترویجی را فدای جذابیت آن کرد. اما پس از تحقیق معلوم شد که این موضوع واقعیت دارد و نوعی عنکبوت هست که همراه با جریان‌های هوا به مناطق ابری صعود می‌کند و سپس همراه با باران از آسمان به زمین می‌بارد که از عجایب است.

❖ در کتاب‌های علمی برای کودکان و نوجوانان، عکس و تصویرگری، نقشی اساسی در انتقال مفهوم دارد و کار تألیف همکاری تنگاتنگ نویسنده، عکاس و تصویرگر را می‌طلبد. در تولید این مجموعه هم تعداد بیش از دو هزار عکس و تصویر به کار رفته است. سازوکار عکاسی، انتخاب عکس‌ها و تصویرگری برای این مجموعه چگونه بود؟

این مجموعه، همان‌طور که دیده‌اید، مصور است و تصویر حجم قابل توجهی از حجم مجموعه را به خود اختصاص داده است. این کار برای افزودن به جذابیت کتاب انجام شده است. چون کتاب‌های کودکان عموماً تصویرمحورند. ویژگی مجموعه آن است که بسیاری از عکس‌های آن به‌طور مستقیم از عکاسان خریداری شده‌اند و امتیازشان متعلق به ناشر است. البته، در حین کار ناچار شدیم تعداد اندکی از عکس‌ها را هم از منابع دیگر بگیریم. ولی دشواری بزرگ در مورد انتخاب عکس‌ها، تعیین گونه‌های جانوری بود. می‌دانید که شناسایی جانوران از روی عکس بسیار مشکل است که برای آن هم وقت زیادی صرف کردیم.

❖ در بخش‌هایی از این مجموعه، بعضی مطالب به همراه کاریکاتور آمده‌اند. با توجه به اینکه شما سابقه کشیدن کاریکاتور دارید و بسیاری از کاریکاتورهای شما در مجلات چاپ شده‌اند، آیا پیشنهاد گنجاندن کاریکاتور در صفحات این مجموعه از شما بوده است؟

نه. پیشنهاد افزودن کاریکاتور به این مجموعه از ناشر بود که بیشتر از من سابقه و تجربه طراحی و تصویرسازی دارد و در این زمینه استاد است؛ به نحوی که من هنوز درباره

سابقه کاریکاتورسازی خودم با ایشان سخنی نگفتم. من فقط سوژه‌هایی را که برای کاریکاتورسازی به‌نظرم می‌رسید می‌نوشتیم و کاریکاتوریست ما، بنا به ذوق و سلیقه خود، آن‌ها را ترسیم می‌کرد.

❖ با توجه به پرهزینه و پرزحمت بودن تولید آثار علمی مصور، برگزاری جشنواره‌هایی نظیر جشنواره کتاب رشد را در ترغیب مؤلفان و ناشران به تولید این‌گونه آثار چگونه می‌بینید و آیا همکاری سازمان‌های ذی‌ربط برای تولید آن‌ها را کافی می‌بینید؟

پاسخ ما در پرسش‌تان نهفته است. بی‌گمان صنعت تولید کتاب‌های علمی-ترویجی بدون کمک و پشتیبانی جشنواره‌هایی مانند جشنواره کتاب رشد پیشرفت نخواهد کرد. ایجاد نمایشگاه دائمی در این زمینه یکی از راه‌های کمک به ناشران کتاب‌های آموزشی و علمی - ترویجی است.

❖ و سخن آخر؟

هدف اصلی ما از تألیف و انتشار این مجموعه کتاب، آشتی دادن کودکان و نوجوانان با حیات وحش است. می‌دانید که ما انسان‌ها جزئی از شبکه یا سیستم ارتباط با محیط و موجودات زنده اطراف هستیم. کاهش یا نابودی هر کدام از اجزای این سیستم بر زندگی انسان اثر دارد. بنابراین، اگر حتی به ارزش ذاتی حیات وحش هم توجه نکنیم، باید حداقل به ارزش حیاتی آن‌ها برای ادامه زندگی انسان توجه داشته باشیم.

هدف این مجموعه این بود که کودکان و نوجوانان را یک گام به حیات وحش نزدیک‌تر کند. می‌خواستیم به آنان بگوییم جانوران اطراف ما دوست‌داشتنی هستند و می‌توان حیات وحش را دوست داشت. همین قدر که کودکی پس از خواندن این کتاب به جای پرتاب کردن سنگ به سوی یک پرنده، با دیده تحسین به آن نگاه کند و از این نگاه لذت ببرد و آن را دوست بدارد، ما را به هدف رسانده است؛ به همین علت، دلم می‌خواست عنوان این مجموعه «جانوران دوست‌داشتنی» باشد.





چگونه نظریه را در کلاس به کار بگیریم؟

گپ وگفتی با افسانه سنه، نویسنده حوزه علوم تربیتی

اشاره

افسانه سنه، متولد ۱۳۴۴ در شهر تهران، دکترای رفتار حرکتی از دانشگاه خوارزمی دارد. بیش از دو دهه در آموزش و پرورش و دانشگاه به آموزش پرداخته است. بنیان نهادن شورای درس تربیت بدنی در سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، و تألیف کتاب‌ها و مقاله‌های تخصصی از فعالیت‌های ایشان است. وی استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی بود و در حال حاضر سمت مدیریت اجرایی کالج کنای (CANI College) در کانادا را بر عهده دارد.

کتاب «کاربرد هوش‌های چندگانه در کلاس درس» یکی از کتاب‌های مشترک این نویسنده و دکتر محرم آقازاده است که در این دوره از جشنواره با دیگر کتاب‌های گروه علوم تربیتی به رقابت پرداخته است.

❖ در مورد کتاب «کاربرد هوش‌های چندگانه در کلاس درس» برایمان بگویید.

این کتاب بر مبنای نظریه هوش‌های چندگانه هاوارد گاردنر نوشته شده است و به مخاطب می‌آموزد چگونه به تفاوت‌های فردی یادگیرندگان توجه کند. درواقع، کتابی است عملیاتی برای راهنمایی معلمان و ایجاد اعتمادبه‌نفس در آنان برای استفاده از هوش‌های چندگانه در کلاس.

❖ چه شد که به فکر نوشتن کتابی با این موضوع افتادید؟ در کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی، معلمان و کارشناسان همواره سؤال می‌کنند چگونه می‌توان نظریه را در کلاس درس به کار برد. کتاب هوش‌های چندگانه پاسخی به این سؤال مهم و حیاتی است.

❖ کتاب چه ویژگی بارزی دارد که به چاپ چهارم رسیده است؟

عینی بودن، عملیاتی بودن، داشتن مثال و نمونه و جامع‌نگری و از سوی دیگر، علاقه‌مندی معلمان به حرفه‌ای شدن دلایل استقبال از کتاب بوده‌اند. این کتاب راهنمایی عملی برای انجام دادن کار است. به زبان معلم نوشته شده و بر پژوهش‌های داخلی مبتنی است.

❖ مخاطبان کتاب چه کسانی هستند؟ کتاب حاضر راهنمای خوبی است برای مربیان پیش‌دبستانی و معلمان دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه اول. در عین حال، استادان دانشگاه فرهنگیان و دانشکده‌های علوم تربیتی دانشگاه‌های دیگر هم مخاطب کتاب هستند.

مثال، در صفحه ۱۸۱ کتاب جدولی می‌بینید که نشان می‌دهد فعالیت‌های سایر هوش‌ها چگونه به پرورش هوش ریاضی-منطقی کمک می‌کند.

آن‌ها می‌توانند با این کتاب سیر حرکت از نظریه به عمل را به دانشجویان نشان دهند و در کارورزی هم از آن بهره گیرند.

❖ **محتوای کتاب «کاربرد هوش‌های چندگانه در کلاس درس» تا چه اندازه برای مخاطبانش کاربرد دارد؟**
چیزی که کاربری عملی نداشته باشد در این کتاب گنجانده نشده است.

❖ **پس از شناسایی انواع هوش‌ها در دانش‌آموزان، چه راهکارهایی برای ظهور و به نتیجه رسیدن آن‌ها وجود دارد؟**
شناخت هر چیز بنیاد اقدام درباره آن است. متوقف شدن در مرحله شناخت، به معنای ماندن در دنیای نظر است. نظریه زمانی سودمند می‌شود که به عمل درآید. کتابی که ما تقدیم کردیم، دنیای نظریه و عمل را به هم پیوند می‌زند. نتیجه عملی کاربرد هوش‌های چندگانه در کلاس‌های درس، اثربخشی فرایند یاددهی-یادگیری، افزایش خرسندی از یادگیری، تسهیل ارتباط معلم-دانش‌آموز و نظایر این‌هاست.

❖ **رویکردهای آموزشی فعلی در مدارس تا چه حد با نظریه هوش‌های چندگانه هم‌سو و هم‌جهت هستند؟**
طبیعی است که گفته شود مدارس بر پایه نظریه‌هایی که در دانشگاه عرضه می‌شود، ایجاد نمی‌شوند. مدارس ایران همیشه در تلاش بوده‌اند بهترین دیدگاه و رویکردها را جذب کنند و به کار بندند. به نظر مدارس در مسیر تحول‌خواهی قرار دارند.

❖ **چه توصیه‌ای برای خوانندگان کتابتان دارید؟**
خوانندگان با کسب آگاهی و الگو گرفتن از نمونه‌های متنوعی که در کتاب آورده‌ایم، پس از نوشتن طرح درس، آن‌ها را اجرا کنند. پس باید عمل کرد و نتایج را در عمل دید. از نظر ما نتایج بسیار مهیج خواهند بود.

❖ **این کتاب چگونه می‌تواند یاری‌رسان فرایند آموزش باشد؟**
این کتاب، هم آگاهی‌دهنده است و هم نشان‌دهنده راه. بنابراین، هر کس کتاب را بخواند، به راحتی می‌تواند با دریافت راهکارهای عملی، فرایند آموزش خود را متحول کند.

❖ **چه کارهایی در دست اقدام دارید؟**
تلاش می‌کنیم کتاب‌های کاربردی دیگری کار کنیم. به تازگی کتاب دیگری ترجمه کرده‌ایم که موضوع آن هم هوش‌های چندگانه است و به کاربرد آن‌ها در دوره ابتدایی اختصاص دارد. کتاب «کاربرد هوش‌های چندگانه در آموزش‌های پیش‌دبستانی» را تابستان امسال انتشارات مرآت به چاپ رساند. این کتاب نوشته پاتریشیا فیپس است.

❖ **نمونه‌هایی از کاربرد هوش‌های چندگانه در کلاس درس را که در کتاب آورده‌اید بیان کنید.**
نمونه‌های متعددی در کتاب وجود دارند. اجازه دهید به ویژگی دیگری از کتاب اشاره کنم. یکی از ابتکارهای کتاب این است که وقتی درباره هر هوش توضیحاتی داده شده و طرح درس ارائه شده است، عنوان شده که سایر هوش‌ها هم به نحوی می‌توانند به پرورش آن هوش کمک کنند. برای





خاستگاه افسانه‌ها دغدغه‌های مشترک بشر است

پای صحبت محمدرضا شمس، نویسندهٔ مجموعهٔ «سه دختر» و «اسکلت بخشنده»

اشاره

محمدرضا شمس در سال ۱۳۳۶ در محلهٔ شاهپور تهران در یک خانوادهٔ متوسط مذهبی به دنیا آمد. در سال اول هنرستان، با گروه تئاتر مرکز رفاه خانوادهٔ نازی‌آباد آشنا شد و با بازیگرانی چون پرویز پرستویی همکاری کرد. پیامد این همکاری، بازی در نمایش‌های «خانهٔ بارانی» (فرامرز طالبی)، «چشم در برابر چشم» (ساعدی) و «شب» (امین فقیری) بود. او در کنار بازیگری، شعر می‌گفت و نمایش‌نامه می‌نوشت.

شمس پس از انقلاب اسلامی همکاری خود را با نشریهٔ «کیهان بچه‌ها» آغاز کرد و از همین سال‌ها به نوشتن داستان پرداخت. وی بعدها با مجله‌هایی چون «رشد کودک»، «رشد نوآموز» و «رشد دانش‌آموز» و «سروش کودک و نوجوان» همکاری کرد.

نخستین کتاب این نویسنده با عنوان «اگر این چوب مال من بود»، در «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» به چاپ رسید. بعدها با ناشران متعدد همکاری کرد و دستاورد این همکاری، چاپ بیش از ۵۰ عنوان کتاب است. وی موفق به دریافت

جوایز متعددی از جشنواره‌های حوزهٔ ادبیات کودک و نوجوان شده است که نامزدی «جشنوارهٔ کتاب برای کودکان و نوجوانان» ۱ (کانادا) از آن جمله است.

❖ یکی از نویسندگان حوزهٔ کودک و نوجوان در جایی گفته است که بچه‌ها قصه‌های فانتزی و تخیلی را بیشتر از قصه‌های رئال دوست دارند.

من هم اعتقاد دارم که بچه‌ها قصه‌های فانتزی را بیشتر دوست دارند. خیال‌پردازی یکی از خصیصه‌های بشری است. همهٔ ما در ساعاتی از روز پرندهٔ خیالمان را رها می‌کنیم تا از این روزمرگی و تکرار رها شویم. برای همین است که بچه‌ها فانتزی را بیشتر دوست دارند؛ چون از این تکرارها بیرون می‌آیند و به دنیایی شاد و سراسر از هیجان قدم می‌گذارند؛ چون در فانتزی عادت‌ها شکسته می‌شوند، کهنه‌ها نو می‌شوند، همه‌چیز از دریچهٔ نگاهی تازه دیده می‌شود، جهانی تازه خلق می‌شود، چیزهای

غیرممکن، ممکن می‌شوند و...

❖ مرز باریکی بین افسانه‌ها و قصه‌های فانتزی هست.

کاملاً با این حرف موافقم. با این همه باید بگویم که در افسانه‌ها ما با تخیل سروکار داریم نه با فانتزی. البته در بعضی جاها از فانتزی هم در افسانه‌ها استفاده شده است، اما تخیل حرف اول را در افسانه‌ها می‌زند. فرق تخیل با فانتزی در امکان تحقق پذیرفتن آن است. تخیلی که در افسانه‌ها به کار می‌رود، امکان تحقق پذیرفتنش وجود دارد. برای مثال، علی بابا در قصه «علی بابا و چهل دزد بغداد» می‌گوید: «سنجد باز شو و در غار باز می‌شود.» امروزه این امر تحقق پیدا کرده است. شما جلوی خیلی از درهای بانک‌ها و فروشگاه‌ها که بایستید، در، خودبه‌خود باز می‌شود. یا قالی پرند که امروزه نمونه آن ساخته شده است. اما وقتی پینوکیو دروغ می‌گوید، دماغش دراز می‌شود که این امر غیرممکن است و احتمال تحقق آن خیلی کم است. «فانتزی» باورپذیر کردن غیرممکن‌هاست. در «افسانه حسن کچل»، حسن در تنور می‌خوابد. وقتی حسن تنورش را بردارد و با خود به این طرف و آن طرف ببرد، فانتزی اتفاق افتاده است.

❖ و هر دو مورد اقبال قرار گرفته‌اند و ماندگار شده‌اند.

بیشتر دلایلی که برای جذابیت فانتزی برشمردم، شامل افسانه‌ها هم می‌شود. یکی دیگر از علت‌های ماندگاری افسانه‌ها، ویرایش مداوم آن‌ها به وسیلهٔ راویان هر دوره است. افسانه‌ها بارها و بارها به وسیلهٔ راویان ویرایش، بازآفرینی و به‌روز می‌شوند. همین به‌روزشدن باعث ماندگاری آن‌ها هم شده است. در افسانه‌ها با تمام زندگی روبه‌رو هستیم، نه با قسمتی از آن. مرگ و زندگی، شادی و غم، فقر و ثروت و نقص عضو و خلاصه هر چیزی که کودک و نوجوان در زندگی واقعی با آن روبه‌روست، در افسانه‌ها هم هست. همچنین انواع ژانرهای ادبی به کار گرفته شده‌اند؛ ژانرهای وحشت، معمایی، پلیسی، کمدی و... همه در افسانه‌ها دیده می‌شوند. سبک‌های مختلف ادبی هم در افسانه‌ها به کار گرفته شده است؛ مثل سورئال، پست‌مدرن و...

❖ البته بزرگ‌ترها هم افسانه‌ها را دوست دارند و با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. مهم‌ترین و دیرپاترین آن‌ها هم شاهنامه فردوسی است.

بله. افسانه‌ها اصولاً برای بزرگ‌ترها و به وسیلهٔ آن‌ها برای تبیین جهان گفته و ساخته شده‌اند. اما چون به دوران کودکی

بشر تعلق دارند، کودکان و نوجوانان با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. بشر اولیه با نگاه کودکان و نوجوانان امروز به دنیا می‌نگریست و این یکی از علل جاذبه‌های آن برای کودکان و نوجوانان است.

❖ چه اتفاقی درون انسان‌ها افتاد که افسانه‌ها را ساختند و پرداختند؟

همان‌طور که گفتم، افسانه‌ها به دوران کودکی بشر تعلق دارند؛ به زمانی که نیاکان ما با دیدن هر چیزی شگفت‌زده می‌شدند. طلوع و غروب خورشید، تولد و مرگ، برف و باران، روییدن گیاهان، رعدوبرق و بلایای طبیعی، و چیزهای دیگری که پیرامون آن‌ها دیده می‌شدند و اتفاق می‌افتادند. تمام این‌ها ذهن انسان اولیه را درگیر می‌کرد و او می‌کوشید برای آن‌ها علتی بتراشد و به‌گونه‌ای آن‌ها را توضیح دهد و چه راهی بهتر از خلق قصه‌های اساطیری و افسانه‌ها؟ در حقیقت افسانه‌ها کتاب شفاهی تبیین جهان بودند که سینه به سینه نقل می‌شدند و به‌عنوان میراثی گران‌بها در حافظهٔ نسل‌ها می‌ماندند.

افسانه‌ها بارها و بارها به وسیلهٔ راویان ویرایش، بازآفرینی و به‌روز می‌شوند. همین به‌روزشدن باعث ماندگاری آن‌ها هم شده است

❖ بسیار دیده شده است که افسانه‌ها و حتی حکایات ملل تشابهاتی با هم دارند. افسانه‌هایی از گوشه و کنار دنیا گردآوری و ترجمه می‌شوند که اشتراکاتی در آن‌ها، چه در تم و موضوع و چه در نوع شخصیت‌ها، قهرمان‌ها و ضدقهرمان‌ها دیده می‌شوند. دربارهٔ این اشتراکات بگویید.

به اعتقاد من افسانه‌ها به یک خانوادهٔ جهانی تعلق دارند. سیندرلا، ماه‌پیشونی، بلورخانم و... همه خواهران تنی هم هستند که از بی‌عدالتی رنج می‌برند و برای نابودی و ریشه‌کن کردن آن تلاش می‌کنند. «حسن کچل»، «خیاط شجاع»، «ایوان احمق» و «نازار و تاشلی پهلوان» هم برادرهای تنی هم هستند که با ساده‌دلی و پاکی به جنگ بدی‌ها می‌روند و آن‌ها را شکست می‌دهند.

کولی‌های خانه‌به‌دوش از اولین کسانی بودند که افسانه‌ها را با خود از این شهر و روستا به آن شهر و روستا و از این کشور به آن کشور بردند و به جهانی‌شدن آن‌ها کمک کردند. ماه‌پیشونی همراه کولی‌ها به شهرها و کشورهای مختلف رفت و سیندرلا و بلورخانم و فاطمه‌خانم شد.

تاجرهای هم مانند کولی‌ها به‌خاطر شغلشان به شهرها و کشورهای مختلف سفر می‌کردند و در این رهگذر، آن‌ها که





کارهایم داشته است. افسانه «داشت و نداشت» را هم که پهلوی به کارهای سورئال امروزی می‌زند، خیلی دوست دارم.

❖ برویم سراغ کتاب‌های «سه دختر» و «اسکلت بخشنده» که در این دوره از جشنواره حضور دارند. نکته‌ای که در سه دختر برایم جالب بود این است که داستان ابتدا خیلی رئال پیش می‌رود و البته با نگاه طنز. همه چیز طبیعی است تا اینکه مرد تاجر و همسرش به خانه جدید نقل مکان می‌کنند و زن باردار او هوس تربچه می‌کند. مرد می‌رود از زن همسایه تربچه بگیرد و از همین‌جا فانتزی شکل می‌گیرد و داستان سورئال می‌شود. چه فکر و ترفندی پشت این طراحی بوده؟

یکی از راه‌ها و ترفندهایی که در افسانه‌ها هست، همین روش است که ابتدا همه چیز عادی و رئال است تا اینکه یک‌دفعه شما را پرتاب می‌کند در یک فضای تخیلی و فانتزی. یعنی باید غافلگیر شوید و البته شما به عنوان خواننده بعد از مدتی به این روش عادت می‌کنید و خودبه‌خود وارد این قضیه می‌شوید.

❖ انگار که نویسنده دست خواننده را می‌گیرد و او را با خود به دنیای غیر واقعی می‌برد. دقیقاً همین‌طور است و شما باید غافلگیر شوید.

و چقدر طراحی شخصیت‌ها زیباست. رفتار تربچه‌ها، گربه‌ای که به کلاه جادوگر تبدیل می‌شود و... خیلی فانتزیک و زیبا هستند. مشخص است که خیلی روی آن‌ها فکر شده که هر یک چه کار بکند. کمی هم درباره «اسکلت بخشنده» صحبت کنیم که چطور شکل گرفت.

اسکلت بخشنده حاصل پنج سالی است که در مجلات رشد کار می‌کردم. آنجا با تعدادی نویسنده کودک و نوجوان جلساتی می‌گذاشتیم و فکرها و ایده‌ها تبادل می‌شد، بداهه‌نویسی می‌کردیم و نتایج خوبی هم داشت. داستان‌های اسکلت بخشنده هم از همین جلسات بیرون آمدند. در این جلسه‌ها، چند مجموعه شکل گرفت، از جمله «قصه‌های الکی پلکی» و «یک اسم، چند قصه». ما با این کار می‌خواستیم نشان دهیم که در ایران هم می‌شود کار گروهی کرد و می‌شود با ایده‌های مشترک و بداهه برای بچه‌ها قصه نوشت.

باذوق بودند، افسانه‌ها را هم همراه خود می‌بردند و گسترش می‌دادند. تصور کنید در یک شب مهتابی، تاجران، باربران و خدمتکاران گروه‌گروه در بیابانی دور آتش نشسته‌اند و یک نفر قصه و حکایت و افسانه‌ای نقل می‌کند و دیگران با جان و دل گوش می‌دهند و از آن لذت می‌برند. یک لذت همگانی که باعث مودت و همدلی بیشتر کاروانیان می‌شود. بعد، این قصه و افسانه با اندکی تغییرات در شهرها و کشورهای دیگر نقل می‌شود.

برده‌ها و اسیران هم در گسترش افسانه‌ها و جهانی‌شدنشان نقش بسزایی داشته‌اند. آن‌ها یا برای تسلی دل خود، یا برای آن‌ها که ضعیف‌تر بودند، و یا کودکان و زنان اسیرشده به نقل افسانه و قصه و حکایت می‌پرداختند. گاهی هم اربابان پیروز

در جنگ از آن‌ها می‌خواستند که برایشان قصه‌ای، متلی یا حکایتی بگویند و آن‌ها را سرگرم کنند.

به این جمع می‌شود درویش‌ها، راهزن‌ها و فراری‌ها را هم اضافه کرد که خواسته و ناخواسته به جهانی‌شدن افسانه‌ها کمک کرده‌اند.

فرضیه‌ای هم خود من دارم که به دوران‌های مشترک تاریخی برمی‌گردد. به‌نظر من در هر دورانی انسان‌ها مشترکات زیادی دارند که در قصه‌ها و افسانه‌هایشان

تجلی پیدا می‌کند. مثلاً در دوران برده‌داری آرزوها، امیدها و خواسته‌های اکثر برده‌ها شبیه هم و از یک جنس هستند و این‌ها در شعرها، قصه‌ها، حکایت‌ها و حتی ضرب‌المثل‌هایشان نمود پیدا می‌کند.

❖ در این میان، به نظر شما افسانه‌های شرقی اصالت بیشتری دارند یا افسانه‌های غربی و اصلاً این مقایسه درست است یا خیر؟

به نظر من با توجه به قدمت شرق، افسانه‌های شرقی اصالت بیشتری دارند. البته این مقایسه را نکنیم بهتر است، چون مهم خود افسانه‌ها هستند که سیر تحول فکری انسان را نشان می‌دهند.

❖ خود شما، بیشترین تأثیر را از کدام افسانه گرفته‌اید؟ حسن کچل را خیلی دوست دارم و تأثیر زیادی بر من و

افسانه‌ها اصولاً برای
بزرگ‌ترها و به وسیله
آن‌ها برای تبیین جهان
گفته و ساخته شده‌اند.
اما چون به دوران
کودکی بشر تعلق دارند،
کودکان و نوجوانان
با آن‌ها ارتباط برقرار
می‌کنند

پی‌نوشت

1. International Board on Books for Young People (IBBY)



جادوی شعر و موسیقی در تربیت

پای صحبت مریم اسلامی، شاعر کودکان

اشاره

حفظ حریم شخصی و مراقبت از بدن به‌ویژه در کودکان، از جمله موضوع‌های مهمی است که در حیطهٔ مهارت‌های زندگی قرار می‌گیرند. موضوعی که با بایدها و نبایدها و محدودیت‌هایی همراه است که طرح آن را دشوار می‌کند. شاید به همین دلیل باشد که مؤلفان کمتر سراغ این موضوع می‌روند. در این میان مریم اسلامی، شاعر کودکان، پس از ۱۲ سال کار حرفه‌ای در این زمینه، با انتشار مجموعه شعری چهار جلدی با عنوان‌های «دست نزی به تنم»، «جلو نیا جیغ می‌زنم»، «به مامان و بابا می‌گم» و «دوست ندارم بوسم کنی» سعی کرده است کودکان را با موقعیت‌هایی که باید نسبت به آن‌ها هوشیار باشند، آشنا کند. او سعی کرده است با انتشار این کتاب‌ها، زمینه‌ای را برای گفت‌وگو دربارهٔ آزار جسمی، جنسی و حتی روحی فراهم آورد تا خانواده‌ها بتوانند با آموزش فرزندان‌شان به شکل مناسب از آزارهای احتمالی در امان نگه دارند.

✦ خانم اسلامی، نگارش مجموعه چهار جلدی تان دربارهٔ تربیت جنسی، صرفاً جوشش شعری نیست. به نظر می‌رسد تصمیمی آگاهانه در سرودن آن دخیل بوده است.

✦ این احساس نیاز از کجا نشئت می‌گرفت؟

بله. تصمیم گرفتم کتابی بنویسم که زمینه‌ای باشد تا والدین در زمینهٔ تربیت جنسی با فرزندان‌شان گفت‌وگو کنند. این موضوعی بود که اصلاً مطمئن نبودم اجازهٔ انتشار بگیرد. ولی به قدری در این زمینه احساس نیاز وجود دارد که تصمیم به سرودنش گرفتم. من تا به حال نزدیک به ۱۰۰ عنوان کتاب برای کودکان نوشته‌ام، اما به این فکر می‌کردم که این کتاب‌ها چقدر نیاز کودکان و خانواده‌ها را برطرف کرده‌اند؟ درست است که من به‌عنوان شاعر و نویسنده می‌خواهم حس خوب و زندگی پر از امید و عشق را برایشان ترسیم کنم، ولی ما نویسندگان و شاعران کودک چقدر در برطرف کردن نیازهای مخاطبان نقش داریم؟ و آثارمان تا چه حد می‌توانند آگاهی‌بخش باشند؟ این موضوع ذهن مرا به خود مشغول کرده بود تا اینکه به پیشنهاد یکی از دوستانم تصمیم گرفتم در این حوزه که کمتر به آن پرداخته شده است، کاری انجام دهم. پس از مدتی هم‌نظر شدیم و در نهایت کتاب توسط «انتشارات غنچه» منتشر شد.





**حس کردم اگر به زبان
شعر حرف‌هایم را
بگویم بچه‌ها می‌توانند
بخش‌هایی از آن را حفظ
کنند. در نتیجه بیشتر
در ذهنشان ماندگار
می‌شود و شاید بتوانند
در مواقع خاص سریع‌تر
عکس‌العمل نشان دهند**

از خبرهای بدی که منتشر می‌شدند. می‌دیدیم اتفاقاتی در گوشه و کنار می‌افتد که شاید اگر کودکان و نوجوانان نسبت به آن‌ها آگاهی داشتند، می‌دانستند که باید چه واکنشی نشان دهند. من سعی کردم به مخاطبم آموزش دهم که اگر در چنین موقعیتی قرار گرفت، چه کاری انجام دهد. مثلاً اگر کسی او را آزار داد و تأکید کرد که این اتفاق یک راز است، کودک باید بداند که هیچ رازی نباید داشته باشد و هر اتفاقی را باید به مادر و پدرش بگوید. یا اینکه نباید اجازه دهد شخصی به جز والدین و پزشک به قسمت‌های خصوصی بدنش نگاه کند یا دست بزند. همه این‌ها نکاتی هستند که باید در خانواده مطرح شوند. من با زبان شعر و خلق شخصیت‌هایی مثل موشه، ماره، جوجه و... سعی کرده‌ام، آگاهی اولیه را به کودک و نیز خانواده‌ها بدهم تا در این زمینه بیشتر با کودک خود حرف بزنند.

هر خانواده‌ای برای گفت‌وگو با فرزندش زبانی دارد. من هم نمی‌توانستم همه جنبه‌های این موضوع را در کتاب‌ها بیان کنم. امکان اینکه همه مسائل را در کتاب گفت، وجود ندارد. درواقع تربیت جنسی موضوعی نیست که بتوان آن را خیلی روشن و صریح گفت. ولی سعی کردم تا جایی که ممکن است این اتفاق بیفتد. مثلاً در یکی از کتاب‌ها با خلق شخصیت گربه نشان دادم که اگر کسی بچه‌ها را به خلوتی دعوت کرد، آن موقعیت را ترک کنند.

❖ پس همه شخصیت‌ها را انسانی خلق نکرده‌اید.

خیر. تمام تلاش من این بود که اثر را علمی بنویسم. به همین دلیل مقاله‌ها و کتاب‌های زیادی دربارهٔ راهبردهایی که بچه‌ها می‌توانند در چنین موقعیت‌هایی به کار بگیرند، خواندم. شاید به نظر نرسد، اما آنچه سرودهام تکنیک‌هایی هستند که در مقاله‌ها و کتاب‌ها به آن‌ها اشاره شده است. مخاطبان از طریق آشنایی با این راهکارها می‌توانند جلوی خیلی از اتفاقات را بگیرند.

❖ چرا زبان شعر را برای این آگاهی‌بخشی انتخاب کردید؟ با داستان‌ها هم می‌شد به این موضوع پرداخت.

مخاطبان من در این کتاب کودکان و خردسالانی هستند که بین سه تا پنج سال سن دارند. بچه‌ها در این سن شعرها را به خاطر آهنگ، ریتم و موسیقی آن حفظ می‌کنند. موسیقی همیشه برای بچه‌ها جادوی خاصی دارد و من زبان شعر را به همین دلیل انتخاب کردم. حس کردم اگر به زبان شعر

حرف‌هایم را بگویم، بچه‌ها می‌توانند بخش‌هایی از آن را حفظ کنند. در نتیجه بیشتر در ذهنشان ماندگار می‌شود و شاید بتوانند در مواقع خاص سریع‌تر عکس‌العمل نشان دهند.

البته همه موضوع‌های این کتاب لزوماً دربارهٔ آزار جنسی نیستند. مثلاً کتاب «دوست ندارم بوسم کنی» هیچ ربطی به آزار جنسی ندارد، بلکه دربارهٔ آزار جسمی است. درواقع کتاب به بچه‌ها می‌گوید: اگر کسی کاری کرد که خوشایند آن‌ها نبود - مانند بوسیده شدن - می‌توانند آن را با بزرگ‌ترها در میان بگذارند. در کنار آن، کتاب «جلو نیا جیغ می‌زنم» کاملاً به یک راهکار اشاره دارد؛ راهکاری برای زمانی که بچه‌ها مورد آزار قرار گرفتند. در کتاب «به مامان و بابام می‌گم» بچه‌ها می‌آموزند که کودک هیچ رازی با دیگران ندارد و باید همه مسائل را با والدینش مطرح کند.

❖ قبل از انتشار، بازار کتاب را رصد کرده بودید تا بدانید چه آثاری در این زمینه منتشر شده‌اند؟

می‌دانستم که در این زمینه، به‌ویژه در حوزهٔ شعر، کتابی نیست. فقط چند کتاب وجود داشتند که آن‌ها هم ترجمه شده بودند. آنقدر نبودند که نیاز خانواده‌ها را برطرف کنند. من در کتاب هم ذکر کرده‌ام که همه چیز را نمی‌توانم در کتاب خردسال بیاورم. والدین یا اولیای تربیتی این موضوع‌ها را خیلی روشن‌تر می‌توانند با کودک در میان بگذارند.

❖ با توجه به حساسیت موضوع و ویژگی‌های مخاطبان چه نکاتی و باید‌ها و نبایدهایی را مدنظر داشتید؟

محدودیت‌ها و باید‌ها و نبایدهای زیادی پیش روی من بود و خیلی سعی کردم این اثر را بدون اشکال بنویسم: نه خیلی روشن و شفاف به موضوع بپردازم که خانواده‌ها مقاومت نشان دهند و نه خیلی پنهان که مخاطب متوجه موضوع نشود. در حدی که هم مرزها رعایت شوند و هم به موضوع اشاره شود. به این منظور سعی کردم همهٔ تجربه‌ام را در زمینهٔ شعر و مطالعاتم را در این حوزه به کار بگیرم. ضمن اینکه پایان‌نامه کارشناسی ارشد من دربارهٔ مهارت‌های زندگی در ادبیات کودک به من کمک کرد.

❖ پس قبلاً هم این موضوع دغدغه شما بوده است.

بله، انسان شاد و موفق باید از کودکی مهارت‌های زندگی را یاد بگیرد. این مهارت‌ها متنوع هستند و مراقبت کردن از خود یکی از مهارت‌های زندگی است که اهمیت بسیاری دارد. بچه‌ها باید یاد بگیرند، از روح و جسمشان مراقبت کنند.

❖ با توجه به محدودیت‌هایتان، از نتیجه کار راضی هستید؟
من هنوز بازخوردی ندیده‌ام؛ البته جز والدینی که در صفحات مجازی عکس‌العمل نشان می‌دهند. اگر موضوع آگاهی‌بخشی در زمینه آزار جسمی و جنسی کودکان به زبان شعر برای بار اول منتشر می‌شود، باید بازخوردی داشته باشد تا مؤلف بداند کتاب ثمر داشته است یا خیر. البته همین که بدانم کتاب به دست مخاطب می‌رسد هم برای من ارزشمند است.

❖ به نظر می‌رسد با توجه به حساسیت موضوع، تصویرگری کتاب هم فرایند خاصی داشته است.
بله و خانم بیگدلو خیلی خوب از عهده این کار برآمده است. البته من ایشان را ندیده‌ام، اما از تصویرهای کتاب راضی هستم. ایشان هم همان باید‌ها و نبایدهایی را که مدنظر من بودند، به خوبی رعایت کرده‌اند.

❖ یکی از مهم‌ترین هدف‌های جشنواره کتاب رشد، معرفی آثار مناسب به دانش‌آموزان و خانواده‌هاست. فکر می‌کنید جشنواره چگونه می‌تواند در این حیطه موفق‌تر عمل کند؟
خروجی این معرفی‌ها مهم است. برخی سازمان‌ها هم چنین فهرستی از کتاب‌ها تهیه می‌کنند. معرفی کتاب‌های مناسب کار خیلی خوبی است، اما بعد از معرفی چه اتفاقی می‌افتد؟ کدام سازمان‌ها کتاب‌ها را می‌خرند؟ آیا کتاب‌ها به دست بچه‌ها می‌رسند؟ آیا ارگان و سازمانی که برای کتابخانه‌ها و نهادهای مرتبط کتاب می‌خرد، از این فهرست‌ها که با بچه‌ها مرتبط‌اند استفاده می‌کند تا کتاب به دست مخاطب برسد؟ مهم این است که بدانیم کتاب‌ها خوانده می‌شوند. هیچ‌وقت بازخوردی گرفته نشده است تا بدانیم مدرسه‌ها چقدر از کتاب‌های معرفی شده استفاده می‌کنند. کتاب باید به دست مخاطب برسد، در غیر این صورت در رسالت خود ناموفق بوده و کارش هنوز تمام نشده است؛ ولو اینکه خیلی ارزشمند و مفید باشد. به‌خصوص که امروزه بیش از هر زمان دیگری به ادبیات بحران برای کودکان و نوجوانان نیاز داریم. از این رو نباید فکر کنیم که برخی مسائل را می‌توان نادیده گرفت.

❖ چرا به ادبیات بحران نیاز داریم؟

اطراف کودکان را بحران فرا گرفته است. اولین بحران، بحران تنهایی و تک‌فرزندی است. علاوه بر آن، بحران‌های بچه‌های طلاق، بچه‌های تک‌والد، بچه‌های بیمار، بچه‌هایی با والدین بیمار یا معتاد، یا بچه‌هایی با والدین بزهکار را داریم. نویسندگان و شاعران کودک تا به حال، برای کودکی با شرایط استاندارد کتاب نوشته‌اند که در خانواده‌ای خوب و شرایط متعادل زندگی می‌کند. در حالی که در عالم واقع این‌طور نیست. بچه‌های ما در بحران هستند. از جمله بحران فضای مجازی که والدین را مشغول کرده است. بنابراین ما به ادبیات بحران نیاز داریم.

تمام تلاش من این بود
که اثر را علمی بنویسم.
به همین دلیل مقاله‌ها و
کتاب‌های زیادی درباره
راهبردهایی را که بچه‌ها
می‌توانند در چنین
موقعیت‌هایی به کار
بگیرند خواندم

❖ این ادبیات چه ویژگی‌ها و چه رسالتی دارد و مخاطبش چه کسانی هستند؟
ادبیات بحران دو موضوع در پیش دارد: نخست اینکه بحران‌ها را بشناسد، و کار بعدی اینکه فکری به حال آن‌ها کند. یعنی اقداماتی قبل از فراگیر شدن بحران باید صورت بگیرند و اقداماتی هم برای کودک در بحران وجود دارند.

این نوع ادبیات باید با کودک همدلی کند و به مخاطب راهکار و آموزش دهد. یکی از بحران‌هایی هم که کم و بیش در همه جامعه‌ها دیده می‌شود، بحران آزار جسمی و جنسی، و حتی روحی و روانی کودکان است. مثلاً گاه خانواده آنقدر آگاهی ندارد که اگر فرزندش دوست ندارد کسی او را ببوسد، به دیگران آن را گوشزد کند. پس مخاطب ادبیات بحران صرفاً کودک نیست و به خانواده‌ها هم آگاهی می‌دهد. من هم در این مجموعه شعر سعی کرده‌ام به این موضوع بپردازم. امیدوارم کتاب به دست مخاطبش برسد، آگاهی‌بخش باشد و زمینه گفت‌وگو را فراهم کند. همین گفت‌وگو باعث می‌شود خانواده‌ها نسبت به موضوع حساس شوند. به این ترتیب همه کسانی که در تولید این کتاب زحمت کشیده‌اند احساس می‌کنند که رسالت خود را به انجام رسانده‌اند.





با آموزش مهارت‌های زندگی کودکان پاک و سالم بار می‌آیند

گپ‌وگفتی با علیرضا متولی، نویسنده مجموعه سبک زندگی برای کودکان

اشاره

آغاز فعالیت‌های حرفه‌ای علیرضا متولی به سال ۱۳۶۲، به عنوان عضو تحریریه مجله «کیهان بچه‌ها» برمی‌گردد. در این نشریه در رشته‌های متفاوت، از جمله داستان، نوشته‌هایی از او منتشر شده است. تحصیل در رشته روان‌شناسی در «دانشگاه شهید بهشتی» باعث شد به آموزش مهارت‌های زندگی گرایش پیدا کند. در سال‌هایی که به مهارت‌های زندگی توجهی نمی‌شد، مطالبی از او در این زمینه در نشریه کیهان بچه‌ها منتشر می‌شد. از سال ۱۳۷۷ تاکنون با نشریات دانش‌آموزی رشد و دیگر نشریات موضوعی در زمینه آموزش مهارت‌های زندگی مشارکت دارد. وی اینک مسئول کارگروه آموزش مهارت‌های زندگی و سبک زندگی نشریات دانش‌آموزی رشد است. نوشته‌های او در سال‌های اخیر، به سمت مخاطب نوجوان میل کرده است، ولی مانع از آن نشده است که در حوزه کودکان و خردسالان فعالیت‌هایی انجام ندهد. مجموعه شش جلدی «سبک زندگی برای کودکان» که توسط «انتشارات مدرسه» منتشر شده، حاصل فعالیت شش ساله او در

نشریه رشد نوآموز است.

این گفت‌وگو به مناسبت حضور این مجموعه، در پانزدهمین جشنواره کتاب رشد با وی انجام شده است.

❖ با تشکر، اگر به‌طور خلاصه بخواهید تعریفی از آداب و مهارت‌های زندگی ارائه دهید، چه می‌فرمایید؟

مهارت زندگی چیزی است که در طول تاریخ وجود داشته است. خانواده‌ها ابتدا مهارت‌های زندگی را به کودکان یاد می‌دهند؛ مثل سلام کردن به بزرگ‌ترها، بستن بند کفش، احترام به بزرگ‌ترها، قهر نکردن، عصبانی نشدن، رعایت حقوق دیگران و نظایر آن. در یک کلام می‌توان گفت: زندگی علاوه بر دانش زندگی کردن به مهارت هم نیاز دارد.

زندگی کردن، مهارت است و مهارت به مجموعه‌ای از رفتارهایی گفته می‌شود که در اثر تجربه و تمرین و حتی آزمایش و خطا

در فرد درونی می‌شود.

به عبارت دیگر قرار است کودک ما با این آموزش‌ها به کدام نقطه برسد؟

به خود زندگی! دانش‌آموز وقتی از مدرسه فارغ‌التحصیل می‌شود، باید بتواند با استفاده از این مهارت‌ها، از پس زندگی خودش برآید. مثلاً برای پیدا کردن شغل و کارهای اداری و تأمین مخارج زندگی‌اش مهارت داشته باشد؛ زندگی در شهر را بلد باشد؛ بتواند به‌طور صحیح با دیگران رابطه برقرار کند و به شکل صحیحی نسبت به دیگران ابراز احساسات کند؛ آمادگی تشکیل خانواده بر محور عشق را به دست آورد. به‌علاوه مسئولیت‌پذیر باشد؛ به بزرگ‌ترها احترام بگذارد؛ هویت مالی و مذهبی خود را بشناسد و....

❖ خودتان در مجموعه "سبک زندگی برای کودکان"، چه رویکردی را دنبال کرده‌اید؟

در سال‌های اخیر در بازار کتاب، مجموعه‌های زیادی در زمینه مهارت‌های زندگی منتشر شده‌اند؛ اما این کتاب‌ها عموماً ترجمه‌اند و می‌شود گفت فرهنگ دیگران را به ما منتقل می‌کنند. اگرچه بسیاری از مقولات مهارت‌های زندگی عمومی‌اند، اما هر جامعه‌ای موارد فرهنگی خاص خودش را هم دارد که ترجمه کتاب می‌تواند موجب فراموشی آن‌ها شود. من خواسته‌ام کتاب‌هایی بنویسم که منطبق بر فرهنگ خودمان و برخاسته از آن باشد.

تلاشم این بوده است که مهارت‌های زندگی ایرانی را به کودکان و نوجوانان خودمان یاد بدهم. ما در مقابل انبوهی از کتاب‌های مهارت‌های زندگی قرار گرفته‌ایم که ترجمه شده‌اند و من سعی کرده‌ام کتابی بنویسم که مختص مردم کشور خودمان باشد. متأسفانه در فضای مجازی، خیلی از مناسبت‌ها و جشن‌های کشورهای دیگر تبلیغ و ترویج می‌شود و کودکان ما فرهنگ زندگی می‌توانیم کودکان و نوجوانانمان را به سمت فرهنگ ناب و غنی ایرانی سوق بدهیم.

❖ دو عنوان از این مجموعه، درباره نقش و اهمیت «خانواده» است. در این دو کتاب چه مسائلی را با کودکان در میان گذاشته‌اید؟

در گذشته ما با خانواده گسترده روبه‌رو بودیم. تعداد افراد فامیل و بچه‌ها زیاد بود و خانواده‌ها با وجود مسائل زندگی ایرانی و بعضی اختلافات روزمره، روزگار خوبی را سپری می‌کردند. الان آن زندگی، به زندگی آپارتمانی تبدیل و خانواده

❖ استفاده صحیح از آداب و مهارت‌های زندگی چه تأثیری در زندگی ما دارد؟

ما خلق شده‌ایم برای زندگی کردن، درس خواندن، غذا خوردن، تفریح کردن، راه رفتن و این‌ها را برای زندگی کردن لازم داریم. هدف آموزش و پرورش این است که بچه‌ها را به سمت حیات طیبه یعنی زندگی پاک هدایت کند؛ و زندگی پاک حاصل دانش، ایمان و مهارت است. اکنون ما بچه‌ها را به سمت کسب مهارت در تست زدن می‌بریم و برای کنکور دادن آماده می‌کنیم. در بین فارغ‌التحصیلان دانشگاه افرادی می‌بینیم که رفتار اجتماعی مناسبی ندارند؛ از چراغ قرمز عبور می‌کنند؛ مسئولیت گفتارها و رفتارهایشان را نمی‌پذیرند و نمی‌توانند با دوستان یا خانواده خود به خوبی رفتار کنند

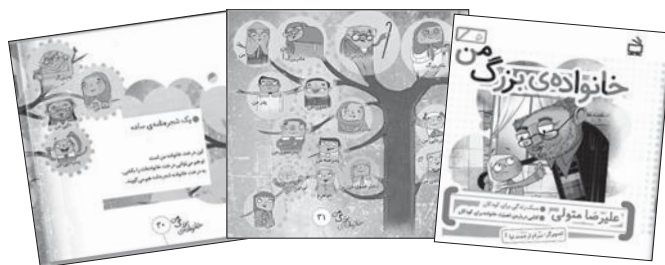
کتاب‌هایی هم که در زمینه مهارت‌های زندگی نوشته می‌شوند، صرفاً آشنایی با مهارت‌های زندگی کردن است؛ در حالی که مهارت با تمرین دادن بچه‌ها برای بهتر زندگی کردن حاصل می‌شود؛ به عبارت دیگر مهارت زندگی عملیاتی کردن دانش است و نه خود دانش.

❖ چه اتفاقی افتاده که ما امروزه، در عصر فناوری، از یاد دادن مهارت‌های زندگی صحبت می‌کنیم؟

اتفاق تازه‌ای نیفتاده؛ فقط توجه به آن افزایش یافته است. شاید یکی از دلایل این باشد که وقتی آموزش و پرورش رسمی در ایران به وجود آمد، اولیا آموزش مهارت‌های زندگی را از وظایف مدرسه برشمردند؛ اما آموزش و پرورش آن را وظیفه خود تلقی نکرد؛ در صورتی که در آموزش و پرورش دنیای پیشرفته این وظیفه را برای خودشان تعریف کرده‌اند. در سال‌های اخیر توجه به این موضوع افزایش یافته و در نتیجه برای آن کتاب درسی هم تألیف شده است. البته در بخش آموزش مهارت‌های زندگی، فقط مندرجات کتاب را امتحان می‌گیریم و مهارت کسب شده توسط بچه‌ها را نمی‌سنجیم. برای سنجش دقیق مهارت، باید وضعیت بچه‌ها را در بدو ورود به مدرسه و پایه، بررسی کنیم و اگر رفتارهایش رو به پیشرفت باشد، باید آن‌ها را مورد تشویق قرار دهیم و اگر چنین نبود، به او کمک کنیم. آموزش و پرورش این وظیفه را به عهده گرفته، اما در عمل به‌طور نسبی آن را انجام داده است.

❖ هدف ما از آموزش مهارت‌های زندگی به بچه‌ها چیست؟





یکی از مهارت‌های زندگی که آن را آموزش نداده‌ایم، گفتن «نمی‌دانم» است. اگر جواب صحیح را نمی‌دانیم، باید بگوییم نمی‌دانیم. باید جواب را پیدا کنیم. یعنی حرکت کنیم برای یافتن جواب. مثلاً دست کودک را بگیریم و بگوییم بیا برویم جواب سؤال را بپرسیم و جواب را پیدا کنیم. مثلاً از معلم بپرسیم. با این روش به کودک یاد می‌دهیم که بیشتر سؤال‌ها پاسخ دارند. به کودک یاد می‌دهیم، که با صبر و حوصله دنبال جواب سؤالات خود باشد و به قدری تلاش کند که پاسخ سؤالات خود را بیابد.

❖ در مجموعه سبک زندگی، کتاب «رفتار من» درباره رفتارهای ناپسند کودکان است. چگونه می‌شود رفتارهای ناپسند کودکان را برای کودکان با زبان کودکانه بیان کرد؟ در این کتاب درباره امانت‌داری، تهمت زدن، مغرور نشدن، کینه نداشتن، تلافی نکردن و... گفته‌ایم و در آخر به کودک گفته‌ایم چه کاری خوب است و چه کاری بد. مواجهه کودک با رفتارهای ناپسند باید به موقع انجام بشود و پاداش و تنبیه را به موقع دریافت کند. او باید این قاعده را که «آنچه برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران هم نپسند» تمرین کند. پرهیز دادن کودک از رفتارهای بد باید این گونه باشد که اگر غیبت می‌کند، ابتدا بگوییم کار بدی کردی و اگر این رفتار تکرار شد، تنبیه باید به گونه‌ای نرم باشد که مثلاً هنگام غیبت به حرفش گوش نکنیم و اگر غیبت کردن را ترک کرد برای او پاداش در نظر بگیریم. این رفتارها مراقبت دائمی لازم دارند. اگر کودکان مهارت‌های زندگی را از ابتدا بیاموزند، پاک بار می‌آیند. یعنی به همان حیات طیبه‌ای که هدف آموزش و پرورش ایران است می‌رسند. رفتارهای پدر و مادر و برنامه‌های تلویزیونی بر رفتارهای بچه‌ها تأثیر دارند. در بعضی سریال‌ها، بچه‌ها رفتارهایی را می‌آموزند که برای زندگی‌شان مضر است. کودکان نباید پای سریال‌هایی بنشینند که مربوط به سن آن‌ها نیست.

کوچک شده است. در این دو کتاب ما خانواده بزرگ و کوچک را معرفی می‌کنیم و به کودکان یاد می‌دهیم که خانواده بزرگ شامل بچه‌های عمه، خاله، دایی و عمو است. بودن پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها را در این خانواده بزرگ مفید می‌دانیم و در پی آن هستیم که این مهم را با زبان کودکانه به آن‌ها آموزش بدهیم. داخل این کتاب شجره‌نامه ساده‌ای هم طراحی شده بود و از ناشر خواسته بودیم که یک صفحه برای تمرین کودکان و نوشتن شجره‌نامه خالی باشد، اما ناشر موافقت نکرد.

❖ موضوع محوری یکی دیگر از کتاب‌های مجموعه، سؤال کردن است. سؤال کردن چه نقشی در شخصیت کودکان دارد که آن را مستقلاً موضوع یک کتاب قرار داده‌اید؟ برتری انسان به تفکر است. انسان از آن نظر با حیوان متفاوت است که فکر می‌کند و ریشه تفکر سؤال کردن است. همه ما این روایت معروف را شنیده‌ایم که یک ساعت تفکر بهتر از ۶۰ سال عبادت است. بچه که بودم این سؤال ذهنم را مشغول می‌کرد که: فکر کردن چیست و چگونه انجام می‌شود؟ بزرگ‌تر که شدم به این نتیجه رسیدم که متفکرین ما با سؤال به جواب‌هایشان می‌رسیدند و بعضی وقت‌ها ما سؤال کردن را بلد نیستیم. به نظرم رسید، کتابی بنویسم که بچه‌ها بدانند چگونه سؤال کنند؛ کجا بپرسند و از چه کسی بپرسند و بدانند جواب بعضی سؤال‌ها را هنگامی که دانش آن‌ها بیشتر بشود، می‌فهمند. پاسخ خیلی از سؤالات در آینده معلوم خواهد شد و سؤالاتی هم هستند که فقط خدا جوابشان را می‌داند. شاید تا به حال کتابی به این صورت نوشته نشده باشد. ما همیشه تشویق می‌کنیم که کودک پرسشگر باشد، اما روش صحیح پرسش کردن را به او آموزش نداده‌ایم. این کتاب آموزش سؤال کردن به‌طور صحیح است.

❖ والدین چگونه باید به پرسش‌های بچه‌ها جواب بدهند که آن‌ها روحیه کنجکاوی و پرسشگری خود را از دست ندهند؟ چطور می‌توانیم بچه‌ها را پرسشگر بار بیاوریم؟



قصه‌های بیداری

واکاوی ویژگی‌های قصه‌های کودکان و خردسال در گفت‌وگو با لاله جعفری، نویسنده ادبیات کودک

اشاره

لاله جعفری، داستان‌نویس، در سال ۱۳۴۵ در اصفهان متولد شد. وی دارای مدرک کارشناسی هنرهای دراماتیک از دانشگاه تهران است. از جمله فعالیت‌های او نوشتن فیلم‌نامه‌های تلویزیونی کودک و نوجوان، برگزاری جلسات قصه‌نویسندگان در «سروش کودکان» در سال ۱۳۸۴، برگزاری جلسات قصه‌نویسندگان در «انجمن نویسندگان» در سال ۱۳۸۶ و برگزاری جلسات قصه‌نویسندگان در «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» در سال ۱۳۸۷ بوده است. وی اکثر آثار خود را برای مخاطبان کودک و نوجوان نوشته است.

«باغ وحش کوچک من» هم مجموعه‌ای پنج جلدی با نام‌های کلاغ زرنگ، طوطی باهوش، گاو مهربان، خروس خوش صدا و گریه ملوس است که در قالب شعر و داستان علمی برای گروه خردسال نوشته شده است. در هر داستان کودک با یک حیوان آشنا می‌شود. مجموعه ده‌جلدی «قصه‌های گاوگولی» هم یک کار مشترک است که در هر جلد آن، پنج قصه کوتاه، تخیلی و مستقل آورده شده است و انتظار می‌رود کودک به‌واسطه آن‌ها با اشیای پیرامونش ارتباط برقرار کند. این مجموعه برای گروه سنی (الف) و (ب) مناسب است و ناشر آن قدیانی است.

❖ خانم جعفری مجموعه‌های «قصه‌های موش کوچولو»، «باغ وحش کوچک من»، و «قصه‌های گاوگولی» امسال به جشنواره کتاب رشد راه یافته‌اند. هر سه مجموعه را در سال ۱۳۹۵ منتشر کرده‌اید؟

بله، «قصه‌های موش کوچولو» یک مجموعه پنج جلدی ویژه خردسالان است که در هر کتاب یک ماجرای مستقل با شخصیت واحد روایت می‌شود. در این اثر بر عناصر چهارگانه طبیعت، تأکید شده است و هدف این است که کودک با این قصه‌ها، به کشف خود و توانایی‌هایش برسد. این اثر توسط انتشارات امیرکبیر به چاپ رسیده است. مجموعه

❖ نوشتن برای گروه سنی کودک و نوجوان چه سختی‌هایی دارد؟

دو گروه کودک و نوجوان را اسم بردید، اما گروه خردسال را هم داریم که با این دو تفاوت دارد. البته تا چند سال پیش، خیلی مرز مشخصی بین کودک و خردسال قائل نبودند. به همین دلیل ممکن بود کتاب‌های که به نام کودک تولید می‌کردند، درواقع برای خردسالان هم مناسب بودند. یعنی در گذشته کودک شامل هر دو گروه می‌شد؛ اما امروزه خردسالان کاملاً از کودکان تفکیک شده است. قصه‌های گروه خردسال خیلی کوتاه‌ترند و خیلی از





**نویسنده خلاق حتی
در کار سفارشی نیز
خلاقیت خود را بروز
می‌دهد**

پیچیدگی‌های قصه‌های گروه کودک و نوجوان را ندارند. معمولاً تم واحدی دارند و بدون حاشیه رفتن، خردسال را به بطن داستان و ماجرای کتاب می‌برند. در گروه سنی کودک پیچیدگی داستان و تعداد شخصیت‌ها بیشتر است و آثار گروه سنی نوجوان کاملاً فرق دارند. حتی ممکن است در یک داستان، روایت‌های داستانی موازی اتفاق بیفتد و صرفاً یک اتفاق دنبال نشود. فضاها متفاوت‌اند و شخصیت‌ها متعدد و به لحاظ مفهومی نیز پیچیده‌تر هستند.

گروه خردسال، کودک و نوجوان از نظر سنی چگونه تفکیک می‌شوند؟

البته بنده خیلی به تمایز سنی مشخصی اعتقاد ندارم. یعنی نمی‌توانم بگویم که مثلاً ۳ تا ۶ سال خردسال محسوب می‌شود یا بچه‌های ۶ تا ۹ سال کودک‌اند و بعد از آن وارد دوره نوجوانی می‌شوند. به نظر بنده این تقسیم‌بندی به شرایط و فضای زندگی و فرهنگی خردسال، کودک و نوجوان بستگی دارد. این سه گروه اگر در یک فضای فرهنگی و همراه با کتاب و کتاب‌خوانی بزرگ شوند، خیلی تفاوت خواهند داشت.

مثلاً در قصه‌های ترجمه‌ای، آشکارا می‌توان دید که قصه‌های ویژه چهارساله‌ها در یک کشور پیشرفته غربی، پیچیدگی و حجم بیشتری نسبت به قصه‌های چهارساله‌های ما دارد.

با توجه به عصر الکترونیک و رواج تبلت و بازی‌های رایانه‌ای، برای دعوت و تشویق کودکان و نوجوانان به کتاب و کتاب‌خوانی چه راهکاری می‌توان ارائه داد؟

البته راه‌های زیادی وجود دارد. بنده در مجله‌های «نبات» و «نی‌نی‌نبات» (برای گروه‌های سنی زیر ۳ سال تا ۱۲ سال) به‌عنوان سردبیر و کارشناس ادبی فعالیت می‌کنم. در این مجلات مطالبی وجود دارند که گویا و هوشمند شده است و کودک با گوشی هوشمند می‌تواند مطالب را گوش کند. این خودش ترفندی است که کودک از همان تبلت و گوشی به شکل مناسب بهره بگیرد. باید از فناوری موجود استفاده بهینه کرد. ترفند دیگر این است که روی موضوع کتاب‌خوانی در مهدکودک‌ها و مدرسه‌ها کار شود. تعدادی از نویسندگان کودک و نوجوان به مدرسه‌ها و مهدکودک‌ها می‌رفتند و با بچه‌ها درباره داستان و داستان‌نویسی صحبت می‌کردند و به آن‌ها آموزش می‌دادند. از جمله تجربیات خوبی که بنده به دست آوردم این بود که بچه‌ها برخلاف تصور اولیه، به کتاب و کتاب‌خوانی بسیار علاقه‌مندند، اما از امکانات و آموزش‌های لازم در این زمینه برخوردار نیستند. بنده با بچه‌ها به‌صورت کارگاهی کار می‌کردم و بچه‌ها شروع به داستان‌گویی می‌کردند. به نظرم بزرگ‌ترین کمک‌کننده در این مسیر آموزش و پرورش

و سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOها) هستند که این برنامه‌ها را به صورت متمرکز، منظم و مستمر پیگیری کنند و ادامه دهند.

بزرگ‌ترین دغدغه شما در نوشتن چیست؟
مادر بنده ناظم مدرسه بود و وقتی که من کودک بودم، هر روز برای من از کتابخانه مدرسه کتابی به امانت می‌آورد و بعد از مطالعه، آن را با کتاب دیگری جابه‌جا می‌کرد. به خاطر دارم که کتاب «دختر کبریت فروش» اندرسون تأثیر بسیار عمیقی روی من گذاشت. مهر، عطوفت و رقت قلبی که من از این داستان دریافت کردم، در وجود من ته‌نشین شد و هنوز هم آن تصویر کودکی را به خاطر دارم. من دوست دارم که ادبیات من و نویسندگان کودک و نوجوان، آنچه را که نیاز کودک امروز است، مانند دعوت به آرامش، صلح و شادی و دوری از حس‌های منفی مانند خشم، نفرت و کینه، در نهاد کودکان ته‌نشین کند و در ضمیر ناخودآگاه آن‌ها ماندگار سازد. همان گونه که در افسانه‌های ما خیر و شر وجود دارد و در بچه‌ها نهادینه شده است، دوست دارم که داستان‌های من نیز چنین تأثیری داشته باشند. من دوست دارم داستان‌های من لوح سپید و پاک روح کودکان را خدشه‌دار نکند.

البته مشکلی که گریبان‌گیر اغلب نویسندگان ماست، درد نان است و مانع از این می‌شود که نویسنده‌های ما فارغ‌البال کارهای دلی خود را بنویسند. اوج خلاقیت در کارهای دلی شکل می‌گیرد. امروزه ناشران تعیین‌کننده‌اند و کتاب‌ها را سفارش می‌دهند. نویسنده هم چون هیچ حمایتی ندارد، مجبور است به این سفارش‌ها و خواسته تن دهد. البته نویسنده خلاق حتی در کار سفارشی نیز خلاقیت خود را بروز می‌دهد.

بزرگ‌ترین دغدغه شما قصه‌ها باید بچه‌ها را به خواب ببرند یا بیدار کنند؟

پرسش شما دو وجه دارد: می‌توان یک پاسخ سطحی به این پرسش بدهیم و بگوییم قصه‌ها با هم فرق دارند. یک سلسله قصه، مانند لالایی‌ها برای خواباندن خردسالان و کودکان سن‌های پایین مناسب هستند. این نوع قصه‌ها نباید واکنش کودکان را برانگیزند. قصه‌هایی مانند «سنگول و منگول» که پر از حس، هیجان، ترس و توجه است، برای خواباندن مناسب نیستند.

اما اگر معنای عمیق خواب و بیداری، نه شکل فیزیکی آن، مد نظر باشد، بنده معتقدم آگاهی و هوشیاری موجود در پس زمینه ذهن نویسنده، با خواندن قصه، ولو به‌طور غیرمستقیم در ناخودآگاه کودک شکل می‌بندد و ماندگار می‌شود؛ حتی اگر کتاب در وهله اول، جنبه سرگرم‌کننده و تفریحی داشته باشد که نخستین کارکرد ادبیات است. پس اگر این آگاهی و هوشیاری در پس زمینه ذهن نویسنده باشد، در هر قصه‌ای که می‌نویسد، آگاهی و هوشیاری در ناخودآگاه کودک جاری می‌شود. اما اگر نویسنده بخواهد به آگاهی‌بخشی تظاهر کند و

کارش آموزشی باشد، در لایه‌های ذهن بچه‌ها رسوخ نمی‌کند و شاید اصلاً با آن ارتباط نگیرند.

❖ به نظر شما قصه‌های قدیمی بهتر بودند یا قصه‌های امروزی؟

ما چیزی به نام «افسانه» داریم و زمانی که از قصه قدیمی نام می‌بریم، منظورمان معمولاً افسانه است. افسانه‌ها نسل به نسل و سینه به سینه روایت شده‌اند. ابتدا به شکل شفاهی بوده‌اند و بعد مکتوب و به مرور زمان تصحیح و ویرایش شده‌اند. قصه‌گو ممکن بود با توجه به احساسی که کودک هنگام شنیدن افسانه و قصه از خود بروز می‌داد، لحن یا ماجرای داستان را کمی تلطیف یا تشدید یا تصحیح کند. به لحاظ روان‌شناسی این موضوع بررسی شده که افسانه‌ها ضربه‌ای به روحیه کودکان نمی‌زند. کودکان از قصه‌های قدیمی می‌آموزند که اگر کار بدی انجام دهند، عاقبت خوبی نخواهند داشت و اگر کار خوبی انجام دهند، پاداش خواهند گرفت. به این دلیل هیچ وقت نباید افسانه‌ها را کنار گذاشت.

از سوی دیگر، داستان‌های امروزی با توجه به زمان کنونی و مسائل امروز کودک نوشته می‌شوند. کودک امروز به دلیل وجود فیلم، سینما، اینترنت و ... نسبت به کودک ۵۰ سال پیش دایره اطلاعات بیشتری دارد. تعاملات و مسائل در زندگی امروزی با قدیمی خیلی فرق کرده است و محیط اجتماعی و خانوادگی کودک امروز، کوچک‌تر شده است؛ اما کودک قدیمی به صورت گروهی با خاله، دایی، عمو، مادربزرگ و پدربزرگ زندگی می‌کرد و توجه به مسائل روز کودک و نوجوان در قصه‌های امروزی بسیار حائز اهمیت است. زبان و نثر کودک امروزی با کودک ۵۰ سال پیش تفاوت دارد. البته نباید به بهانه طرح مسائل روز مشکلات امروز جهان مانند ترور و جنگ‌ها را مستقیماً به ادبیات کودک و نوجوان وارد ساخت و در صورت نیاز می‌توان از قالب طنز استفاده کرد. ادبیات جدید با این ویژگی‌ها باید در آگاهی بخشی قالب داستان‌های قدیمی و افسانه‌ها را الگوی خود قرار دهد.

❖ تصویرگری در کتاب‌های کودک و نوجوان چه اهمیتی دارد؟

هر چه رو به سن پایین، خردسالی و کودکی می‌رویم، بچه‌ها بیشتر به سمت تصویر کشیده می‌شوند. به عبارت دیگر، حرف اول را تصویر می‌زند.

تصویرگری اگر با محتوا و رده سنی مخاطب کتاب متناسب نباشد، سطح کتاب را یا بالا می‌برد یا پایین می‌آورد. به عبارتی تصویرگری به خصوص در کتاب‌های کودکان و خردسالان بسیار تعیین کننده است. در گروه سنی نوجوان هر چه تصویرگری کمتر و کمرنگ‌تر باشد، بیشتر مورد پسند است.

❖ امروزه در عرصه ادبیات کودک و نوجوان چه کمبودی

احساس می‌شود؟

گروهی از نویسندگان با مسیر جامعه هم‌گام می‌شوند. یعنی

مسائل و مشکلات روز جامعه را در کتاب‌هایشان نقل می‌کنند. من با این سبک نویسندگی مخالف هستم. در این روزگار نیاز داریم که در وجود کودکان شادی، نشاط و آرامش تزریق کنیم. حتی اگر پیامی مهم و از مسائل اساسی جامعه است، باید از قالب مناسبی که با روح کودک و نوجوان مطابقت دارد، بهره بگیریم. مسائلی مانند تک‌فرزندی و تک‌والدی که از مسائل روز ماست، یا اختلاف طبقاتی در مدرسه‌ها، اگر هم طرح می‌شوند، باید در قالب‌های مناسب کودکان امروزی آورده شوند.

❖ و سخن پایانی؟

من فکر می‌کنم تأمین مالی نویسندگان و حمایت از آن‌ها را باید جدی گرفت تا آن‌ها مجبور به سفارشی‌نویسی نشوند و تن به کارهایی ندهند که خودشان هم زیاد نمی‌پسندند. نباید خیلی راحت از کنار این قضیه بگذریم. به خود نویسندگان نیز پیشنهاد می‌کنم که هرازگاهی نشست و جلسه‌ای کارگاهی با هم داشته باشند. این جلسات باعث رشد، بالا رفتن انگیزه و استفاده از انرژی جمعی نویسندگان می‌شود. همین‌طور جلسات بین بچه‌ها و

نویسندگان به صورت کارگاهی، دوره‌ای و منظم برگزار شود. آموزش و پرورش و سازمان پژوهش می‌تواند متولی این امر باشد تا نویسنده درگیر هماهنگی‌های از این دست نباشد.

تصویرگری اگر با محتوا

و رده سنی مخاطب

کتاب متناسب نباشد،

سطح کتاب را یا بالا

می‌برد یا پایین می‌آورد.

به عبارتی تصویرگری

به خصوص در کتاب‌های

کودکان و خردسالان

بسیار تعیین کننده است





از خدا ممنونم که شاعر کودکانم!

پای صحبت اکرم کشایی، شاعر کتاب «کلید کلید، دسته کلید»

اشاره

اولین شعرش را وقتی گفت که دختر کوچولوی پنج ساله‌ای بود و روی صندلی خودرو، کنار پدرش نشسته بود. او از پنجره خودرو به درخت‌های کنار جاده نگاه می‌کرد و فریاد می‌زد: «باد شاخه درختا رو تکنون می‌ده... تکنون تکنونش می‌ده...»!

مجموعه شعر خردسال «کلید کلید، دسته کلید» در سال ۱۳۹۵ توسط انتشارات «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» به چاپ رسید و امسال در پانزدهمین جشنواره کتاب رشد حضور دارد. این کتاب شامل شعرهای کوتاهی است که به تقویت نیروی تخیل در خردسالان کمک می‌کند. سراینده اشعار این کتاب اکرم کشایی است که در سال ۱۳۵۸ در تهران متولد شده است. او هم اکنون کارشناس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. از دیگر کتاب‌های او می‌توان «صبح یک روز اردیبهشتی»، «و گنجشک و بند رخت (داستان کودک)» را نام برد. با او گفت‌وگویی ترتیب دادیم که از نظر شما می‌گذرد.

و جست‌وجو درباره خردسالان، کودکان و نوجوانان برای من روشن کرد که تفاوت‌های زیادی در ساختار اندیشه، تخیل و فضای ذهنی آن‌ها وجود دارد و به همین نسبت، شعر خردسال و شعر کودک و نوجوان» با هم بسیار متفاوت‌اند.

❖ شما در کتاب «کلید کلید، دسته کلید» چه هدفی را دنبال کرده اید؟

در این کتاب گاه تلاش کرده‌ام، از طریق به هم آمیختگی ابهام و تخیل، بچه‌ها را در خیال‌پردازی شعر سهیم کنم. مثلاً در این شعر:

وقتی که آب رودخونه

کف می‌کنه یواش یواش

شاید که قورباغه داره

لیف می‌زنه به دست و پاش

یک علت خیالی احتمالی برای کف کردن آب رودخانه آورده شده است. کلمه «شاید» که همراه با نوعی از ابهام است، باعث می‌شود راه بر تخیل خردسال بسته نشود. شاید کف کردن آب رودخانه علت دیگری داشته باشد... از آنجا که در مخاطب خردسال هنوز تفکر منطقی شکل نگرفته و دایره آموخته‌های او کم است، همین ناآگاهی و ابهام، ظرفیت زیادی از تخیل و

❖ از آنجا که قبلاً با انتشار مجموعه شعر «صبح یک روز اردیبهشتی» به عنوان شاعر نوجوان شناخته شده‌اید، چطور شد که این بار برای خردسالان سرودید؟

در چند سال اخیر، حضورم در جلسات مجله رشد کودک و انجمن شاعران کودک، زمینه مناسبی را فراهم آورد تا بتوانم برای خردسالان هم شعر بگویم. در این میان، مطالعه

خیال‌پردازی را در ذهن او ایجاد می‌کند. این ویژگی - البته به صورت حساب شده - می‌تواند دست‌مایه شاعران برای سرودن شعر خردسال باشد.

❖ فکر می‌کنید در یک کتاب شعر خردسال، مخاطب از چه چیزی لذت می‌برد؟

خردسالان از بازی‌های زبانی، موسیقی و آهنگ در شعر لذت می‌برند. در کتاب «کلیدکلید، دسته کلید» تلاش کرده‌ام به این موضوع توجه داشته باشم و بر بار موسیقی کلام بیفزایم.

❖ مضمون شعرهای کتاب شما چیست؟

یکی دیگر از تلاش‌های من در این مجموعه شعر، به کار بردن تنوع موضوعی و ایجاد فضاهای متفاوت بوده است. «آرزوی مورچه برای قایق‌سواری و برگی که خدا برای او می‌اندازد تا قایقش باشد»، «پنجره‌ای که از خستگی بسته شده و وقتی بیدار شد و چشم‌هایش را باز کرد، ما باید نازش کنیم» و «خورشیدی که شاید یک روز توپ بچه‌ای بوده و به آسمان شوت شده است»، از جمله مضمون‌هایی بوده‌اند که به دنبال ایجاد فضاهای متنوع سروده شده‌اند:

خورشید زرد قلقلی

خورشید گرد مهریون

توپ کدوم بچه بوده

که شوت شده به آسمون؟...

❖ از نظر شما چطور می‌توان وارد حوزه ادبیات کودک شد؟

ورود به حوزه ادبیات کودکان در همه قالب‌های ادبی از جمله شعر، حساسیت زیادی را می‌طلبد و به مطالعه و تجربه فراوانی در این حوزه نیاز دارد. من این حساسیت را درک می‌کنم و می‌کوشم با آگاهی از ویژگی‌های این مقطع سنی، ناخواسته در آثارم آسیبی به مخاطب وارد نکنم. از یکی از شعرهای همین کتاب و قبل از چاپ آن خاطره‌ای دارم، شعر ابتدا یک‌بندی بود و به این صورت:

روی لباسم

عکسِ یه شیره

وقتی که خوابم

گازم نگیره؟

مدتی قبل از چاپ کتاب با خودم فکر کردم، مبدا این شعر با آنکه طنز آمیز است، برای یک مخاطب خردسال احساس ناامنی

ایجاد کند! از خودم پرسیدم: اگر مخاطب خردسالی این شعر را بخواند و مثلاً روی لباسش عکس یک گربه، شیر، فیل یا... باشد، مبدا شعر را باور کند! موضوع را با دوست روان‌شناسی مطرح کردم. به من گفت: نه ضرورتاً همه بچه‌ها، ولی ممکن است بعضی از بچه‌ها باورش کنند. لذا پیشنهاد داد یا کلاً شعر را حذف کنم یا اینکه بلافاصله در بندی که اضافه می‌کنم، پایان‌بندی مناسبی برایش بسازم. در نهایت شعر به این شکل درآمد:

روی لباسم

عکسِ یه شیره

وقتی که خوابم

گازم نگیره!

گاز نمی‌گیره

ببین چه نازه!

همش می‌خنده

دمش درازه!

❖ نظرتان را درباره نوشتن شعر به زبان شکسته و به زبان معیار برای خردسالان و کودکان بگویید؟

از آنجا که خردسالان هنوز خواندن و نوشتن را یاد نگرفته‌اند و شعر برای آن‌ها خوانده می‌شود، سرودن شعر به زبان شکسته مشکلی برایشان به وجود نمی‌آورد. اما به محض ورود به دبستان و آشنا شدنشان با شکل صحیح کلمات، ضرورت دارد شعرهایی را در کتاب بخوانند که به زبان معیار نوشته شده است و نه شکسته.

❖ وجمله پایانی شما؟

از خدا ممنونم که خواست من شاعر کودکان باشم. از معلم‌های شرم، خانم شکوه قاسم‌نیا، آقای مصطفی رحماندوست و آقای بیوک ملکی خیلی ممنونم. از خودم توقع دارم که نسبت به این نعمت، همیشه حساس باشم و بتوانم آثار قابل قبولی از خودم به جا بگذارم. چه خوب بود اگر تمام کتاب‌هایی که در حوزه ادبیات کودکان قرار می‌گیرند، قبل از چاپ و توزیع، علاوه بر ارزشیابی‌های فنی و تخصصی از منظر ادبیات، از دید روان‌شناس کودک هم ارزیابی شوند. من فکر می‌کنم این موضوع به ویژه در حوزه نشر کتاب کودک و نوجوان اهمیت زیادی دارد.

بعد از چاپ این مجموعه شعر برای خردسالان، هدفم بیشتر تمرکز بر شعر خردسال و تجربه فضاهای جدید در همین گروه سنی است؛ تا خدا چه بخواهد.





ضرورت بازنگری شاخص‌های تولیدات دوره پیش دبستانی

پای صحبت رخساره فضلی، سرداور حوزه پیش دبستانی

اشاره

گروه پیش دبستانی از جمله گروه‌هایی است که دو دسته از کتاب‌ها را بررسی کرده است: کتاب‌هایی «درباره کودکان» و نیز آثاری «برای کودکان»؛ دو حوزه که گرچه در هر دو پیش دبستان مطرح است، اما مخاطبان متفاوتی دارند. از این رو، دکتر رخساره فضلی، داور این گروه، معتقد است، کتاب‌ها باید در دو گروه مجزا بررسی شوند. به گفته این داور، علاوه بر این باید به نکات مهمی توجه کرد که از جمله آن‌ها می‌توان به غلبه ترجمه بر تألیف، توجه به خانواده‌ها به عنوان مهم‌ترین نهاد در شکل‌گیری شخصیت و هویت کودک، و نیز بازنگری در شاخص‌های ارزیابی تولیدات دوره پیش دبستان اشاره کرد.

صرفاً به رنگ‌آمیزی و کارهایی از این دست بپردازند. در حالی که این کار با ویژگی‌های کودکان و حتی اهداف و رویکردی که ما در نظام آموزشی دوره پیش دبستان تنظیم کرده‌ایم، همخوانی ندارد. این موضوع هم کودکان و هم نظام آموزشی را دچار مشکل می‌کند. چرا که کودکان در دوره پیش دبستانی فرصت خوبی برای رشد همه جانبه دارند، ولی با استفاده از این قبیل کتاب‌ها، به انجام کارهای تکراری محدود می‌شوند که قاعدتاً خیلی هم خوشایند آن‌ها نیست و نتایج خوبی هم در بر ندارد.

❖ کتاب‌هایی را که در این دوره از جشنواره به گروه پیش دبستانی رسید چگونه ارزیابی می‌کنید؟

هر چه دقت و فرهنگ‌سازی در رابطه با کودکان بیشتر می‌شود، انتظار می‌رود کتاب‌های بهتری هم تولید شوند، اما آنچه در سنوات گذشته هم به چشم می‌خورد و امسال نمود بیشتری دارد، غلبه آثار ترجمه است. این موضوعی فرهنگی است که باید خیلی جدی به آن بپردازیم. نکته عجیبی که در این تولیدات وجود دارد، آن است که حتی داستان‌های کوتاه ساده هم ترجمه شده‌اند و این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند. که آیا واقعاً ما این قدر در این حوزه فقیر و ناتوانیم؟ در حالی که ادبیات و فرهنگ ما بسیار غنی است،

❖ در حوزه پیش دبستانی اصلی‌ترین نیاز مخاطبان ما چیست؟
آنچه برای کودکان در دوره پیش دبستانی نیاز داریم، کتاب‌های کار یا به اصطلاح کاغذ و قلمی نیستند. چه بسا این کتاب‌ها باید به حداقل برسند. این مسئله‌ای جدی است که باید مورد توجه قرار گیرد. آنچه اکنون تولید می‌شود، عموماً شرايطی دارد که از کودکان پیش دبستان انتظار می‌رود کتاب و قلمی داشته باشند و

چطور ممکن است برای مسائل خیلی ساده هم دست به ترجمه بزنیم؟ حتی در میان کتاب‌ها مجموعه‌هایی درباره بازی با رنگ‌ها بود که باز هم ترجمه شده بود! موضوعاتی را که بخشی از زندگی جاری و فرایندهای اصلی زیست ماست، ضرورتی ندارد ترجمه کنیم! ترجمه و تألیف از نظر هزینه هم چندان تفاوتی ندارند. تنها تفاوت آن‌ها در وقت و همتی است که باید به خرج داد. به نظرم، مواردی از این دست، به ویژه در داستان‌ها که کودکان با مؤلفه‌های فرهنگی آن‌ها همانندسازی می‌کنند و هویتشان را شکل می‌دهند، باید مورد توجه قرار بگیرند. در حال حاضر این حساسیت را در آثار نمی‌بینم.

در تصاویر هم موضوع به صورت جدی به چشم می‌خورد. تصاویر کتاب‌ها به‌طور عمده نکاتی اساسی دارند. از جمله اینکه خیلی از آن‌ها با متن تناسب ندارند. برای کودکان پیش‌دبستان که در تفکر انتزاعی محدودیت دارند، تصاویر کمک‌کننده‌اند. در واقع، تصویر ابزاری است تا پیام کاملاً منتقل شود و به کودک این فرصت را می‌دهد که در فضای ذهنی خودش داستان را بازسازی کند. اما برخی تصاویر به‌گونه‌ای هستند که پیام را منتقل نمی‌کنند. بنابراین، ما فرصت تصویرسازی ذهنی را از بچه‌ها می‌گیریم. از سوی دیگر، کلمات هم از دیگر ابزارهایی هستند که به پردازش ذهنی کودکان کمک می‌کنند. در حال حاضر، در داستان‌ها کلماتی به‌کار می‌روند که کودکان از نظر فرهنگی و فضای شناختی با آن‌ها عجین نیستند. از سوی دیگر، تصاویری را می‌بینند که با کلام دریافتی‌شان انطباق ندارند. شما خودتان را بگذارید جای یک کودک چهار پنج ساله که چطور پیامی را دریافت می‌کند که از لحاظ کلمات نمی‌تواند آن را پردازش کند و تصویر هم کمکی به او نمی‌کند!

❖ شاید این موضوع به سیاست‌گذاری ناشران نیاز داشته باشد.

بله، قطعاً نیازمند آن است که ناشران سیاست‌گذاری کنند. از طرف دیگر، دفتر دوره پیش‌دبستانی باید به‌طور ویژه و با توجه به گروه سنی خودش دیده شود. باید ویژگی‌های کودکان و انتظارات ما در شاخص‌ها در نظر گرفته شوند؛ مانند اینکه حدود انتظار ما در یادگیری و نیازهای رشدی کودکان چیست؟ علاوه بر این، کتاب‌های دوره پیش‌دبستان باید به دو گروه «برای کودکان» و «درباره کودکان» تقسیم و هر کدام از گروه‌ها جداگانه بررسی شود.

❖ کتاب‌های تألیفی در این حوزه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

کتاب‌های تألیف شده متفاوت بودند، اما در حوزه کتاب‌های «درباره کودکان» به‌نظر می‌رسد از نظر ادبیات و منابع علمی به غنای خوبی می‌رسیم؛ که در این منابع به ضرورت دوره پیش‌دبستان و اهمیت آن در شکل‌گیری شخصیت و هویت کودکان تأکید می‌شود. این نشان می‌دهد که در حال رسیدن به فهم مشترک

هستیم. اما در میان کتاب‌ها، آثاری که برای خانواده‌ها باشد، نبود. در حالی که خانواده‌ها در دوره پیش‌دبستانی نهادی مهم هستند که همه هویت و شخصیت کودک تحت‌تأثیر آن‌هاست. روش‌های فرزندپروری برای گروه‌های سنی گوناگون هم از جمله موضوعات مهمی است که درباره آن‌ها کتابی نبود.

❖ به‌طور کلی، به نظر تان آیا کتاب‌هایی که در این دوره از جشنواره به گروه شما رسیدند، می‌توانند پاسخ‌گوی نیاز مخاطبان باشند؟

حدود ۵۷ عنوان کتاب به گروه ما رسید. اگر بخواهم بگویم چند درصد پاسخ‌گوی نیاز نظام آموزشی ما در دوره پیش‌دبستان است، درصد زیادی نیست. باید از فرصت جشنواره استفاده کنیم تا کسانی را که در این حوزه فعالیت دارند، به حرکت به سمت اهداف نظام آموزشی ترغیب کنیم. قصه‌ها و شعرها و بقیه کتاب‌های دوره پیش‌دبستان ویژگی خاص خود را دارند و لازم است مؤلفان و ناشران با دقت بیشتری وارد این وادی شوند. در برخی از موضوعات هم تولیدات کمی داریم؛ مانند مسائل روز جامعه که والدین با آن درگیر هستند. گرچه دنیای امروز دنیای ارتباطات و الکترونیک است و دسترسی به اطلاعات راحت‌تر شده است، اما اگر خانواده‌ها در برخورد با فرزندانشان به مشکل برخوردند، نمی‌دانند باید چه راهکاری در پیش بگیرند. از این رو، نیازمند منابع موثقی در حوزه آسیب‌ها هستند که مؤلفان باید به آن‌ها هم توجه داشته باشند.

❖ فکر می‌کنید جشنواره در این حوزه چه کاری می‌تواند انجام دهد؟

فکر می‌کنم مهم‌ترین کار جشنواره، جهت دادن به تولیدات در کشور است. طبیعی است بسیاری از ناشران تمایل دارند در این مسیر حرکت نکنند، اما برخی نمی‌دانند باید چه کنند. از سوی دیگر، باید فضای تولید آثار مدیریت شود. سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی به‌عنوان یک بخش مهم در وزارت آموزش و پرورش برای هدایت تولید منابع و بسته‌های آموزشی، باید سیاست‌گذاری و چارچوب و معیارهای دقیقی را ترسیم کند. البته این معیارها باید مبتنی بر اهداف، ویژگی‌ها و نیازهای مخاطب باشند. مثلاً در دوره پیش‌دبستانی که منابع به‌صورت غیر متمرکز تولید می‌شوند، نیازمند بسته‌های آموزشی هستیم. بنابراین، اگر قرار است جشنواره به رسالتش عمل کند، باید براساس نیازها و اهداف و انتظارات نظام آموزشی، فضای تولیدات را به گونه‌ای تنظیم و هدایت کند که به تدریج ناشران به نیازها پاسخ دهند. من فکر می‌کنم جشنواره می‌تواند چنین فضای را ایجاد کند تا کسانی که اهل فکر و قلم هستند، بیشتر و تخصصی‌تر وارد این حوزه شوند.





رشد تألیف با تربیت معلم - مؤلف

بای صحبت لیلی محمدحسین، نویسنده و داور گروه علوم تربیتی

اشاره

در پانزدهمین دوره از جشنواره کتاب رشد، گروه علوم تربیتی ۹ عنوان کتاب در سطح درجه یک و ۴۲ کتاب در سطح درجه دو را بررسی کرد. لیلی محمدحسین، داور این گروه، معتقد است، یکی از مسائل پیش روی علوم تربیتی، کمبود آثار تألیف شده و نیز پژوهش‌های بنیادی و کاربردی در کلاس درس است. از این رو، به نظر می‌رسد مهم‌ترین راهکار، تربیت و پرورش معلم - مؤلفانی است که بتوانند تجربه و دانش خود را در قالب کتاب ارائه کنند.

بینابین حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی بودند. البته اگر در حوزه روان‌شناسی هم بودند، با آنچه مدنظر جشنواره است، خیلی فاصله داشتند برخی از کتاب‌ها هم کتاب شدنشان ارزشمند نبود. مثلاً جمع‌آوری‌های اقدام‌پژوهی‌های معلمان که در بسیاری از وبگاه‌ها قابل دسترسی است و مستنداتش را می‌توان به راحتی پیدا کرد. از این رو، گروه داوران علوم تربیتی احساس کرد این کتاب‌ها اطلاعات چندانی به دانش معلمان اضافه نمی‌کنند.

❖ خانم محمدحسین، کتاب‌هایی که در حوزه علوم تربیتی به دست شما رسیدند، چطور بودند؟

۹ کتاب درجه یک و ۴۲ کتاب درجه دو در گروه علوم تربیتی بررسی شد. مخاطب برخی کتاب‌ها دانش‌آموزان بودند و برخی هم معلمان و مدیران. چند کتاب هم مخاطب بسیار عام داشت که ربطی به حوزه آموزش نداشت؛ در واقع،

❖ دقیقاً چه کتاب‌هایی در حوزه علوم تربیتی قرار می‌گیرند؟ کتاب‌هایی که در حوزه روان‌شناسی تربیتی نوشته می‌شوند؛ یعنی هرآنچه به رشد مربوط است و معلم یا مدیر باید بداند مخاطبان‌شان از لحاظ رشدی چه ویژگی‌هایی دارند؟ یکی دیگر از حوزه‌ها هم به آموزش معلمان و مدیران مربوط است؛ یعنی راهبردهای آموزشی و مدیریت آموزشی که همه آن‌ها بر نظریه‌ها مبتنی هستند؛ آثاری که به معلم آموزش دهند چگونه

بر مخاطب و کلاسش تأثیر بگذارد و به مدیر کمک کنند چگونه در مدرسه جوی مناسب را برای دانش‌آموزان، اولیا و معلمان ایجاد کند. البته جدا کردن این حوزه از روان‌شناسی سخت است، ولی برداشتی که ما از علوم تربیتی داریم این مؤلفه‌ها را دارد.

❖ **اشاره کردید برخی از کتاب‌ها برای مخاطب دانش‌آموز تولید شده بودند. علوم تربیتی برای دانش‌آموزان چه آثاری را شامل می‌شود؟**

ما این موضوع را به دانش‌آموزان بی‌ربط نمی‌دانیم. مثلاً کتاب‌هایی که سبک‌های یادگیری یا مهارت‌ها و روش‌های مطالعه را آموزش می‌دهند، به حوزه علوم تربیتی مربوط‌اند.

❖ **موازنه تألیف و ترجمه چگونه بود؟**

هم کتاب‌های تألیفی دیده می‌شوند و هم ترجمه. متأسفانه برخی کتاب‌هایی که با عنوان تألیف منتشر شده بودند، در واقع ترجمه بودند! و حتی در مقدمه کتاب هم به این نکته اشاره نشده است که اگر تألیفی هم صورت گرفته، ملاک اصلی کتاب دیگری بوده است. من این را به حساب عجله‌ای می‌گذارم که در انتشار کتاب شده است. اینجا ناشر باید دقت عمل به خرج دهد. مثلاً در میان آثار کتابی بود که یک فصل آن براساس پژوهشی در تهران نوشته شده است، بقیه فصل‌ها بر ترجمه مبتنی هستند. یا در منابع نام کتابی آمده است که احتمالاً اصلی‌ترین منبع است، اما مؤلفان هیچ اشاره‌ای به این موضوع نکرده‌اند.

کتاب‌های تألیف شده هم متأسفانه محدودند. یکی از مشکلاتی که در حوزه علوم تربیتی با آن روبه‌رو هستیم، کمبود پژوهش‌های بنیادی و کاربردی است. در واقع، کار پژوهشی قابل‌استناد کم است. این همه پایان‌نامه در حوزه علوم تربیتی وجود دارد و برخی از آن‌ها هم به کتاب تبدیل می‌شوند، اما موضوع بررسی شده یا شیوه ارائه، آن قدر جذاب نیست که معلم بتواند در کلاس درس از آن استفاده کند. علاوه بر این، ما درباره تألیف مشکل فرهنگی داریم. یعنی مستندسازی و نوشتن کم اتفاق می‌افتد.

❖ **برای حل این مشکلات چه می‌توان کرد؟**

من فکر می‌کنم باید معلم مؤلف تربیت کنیم. در این صورت، به‌ویژه در حوزه علوم تربیتی، موفق‌تر خواهیم بود. افراد توانمندی در این حوزه هستند که یا برای نوشتن اعتمادبه‌نفس کافی ندارند یا نمی‌دانند چگونه دست به تألیف بزنند، اما تجربه و دانش کافی دارند. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی یا دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی می‌تواند در این زمینه از معلمان پشتیبانی کند. مثلاً یک کار پژوهشی در مدارس سراسر ایران انجام گیرد و یک گروه نتیجه آن را بنویسند. افراد این گروه می‌توانند آموزش ببینند که چگونه دست به تألیف بزنند و چگونه یافته‌های خود را به یافته‌های قابل ارائه در کتاب تبدیل کنند. به یقین، اگر برنامه‌ریزی طولانی مدت صورت بگیرد، معلمان مؤلف خوبی در حوزه علوم تربیتی خواهیم داشت.





اندیشه تا لباس فاخر هنر نپوشد، جذابیت ندارد

پای صحبت علاءالدین کیا، سرداور گروه فرهنگ و و هنر

اشاره

علاءالدین کیا، سرداور گروه فرهنگ و هنر، برگزاری جشنواره‌های آموزشی تربیتی مثل جشنواره کتاب رشد را محلی برای تقریب دیدگاه‌های نهاد رسمی آموزش و پرورش کشور و تولیدکنندگان غیررسمی منابع آموزشی می‌داند. وی عقیده دارد، تاکنون در نظام آموزش و پرورش کشور از ظرفیت هنر برای ارتقای فرایند یاددهی - یادگیری غافل بوده‌ایم و از روش‌های سنتی آموزش مثل سخنرانی و تشویق و تنبیه به جای مانده از نیاکانمان استفاده کرده‌ایم. شرح این گفت‌وگو را می‌خوانید:

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. آیا مؤلفان و مصنفان حوزه فرهنگ و هنر با نیازهای دستگاه تعلیم و تربیت آشنا هستند؟

● هدف از آموزش هنر در نظام آموزش و پرورش کشور متعدد است و رویکردهای متفاوتی در حوزه‌های تربیت هنری و زیبایی‌شناختی حاکم است، لذا شاید نتوانیم پاسخ مشخصی به این سؤال بدهیم. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ساحت هنری را به‌عنوان یکی از ساحت‌های شش‌گانه تربیت انسان مورد توجه قرار داده و نظام‌های آموزش و پرورش رسمی و غیررسمی نیز مکلف شده‌اند با کمک یکدیگر دانش‌آموزان را طوری تربیت کنند که در همه ساحت‌ها حد قابل قبولی از دانش و نگرش و

هنر و زیبایی‌شناسی یکی از ساحت‌های شش‌گانه تربیت

آگاهی و مهارت را داشته باشند. بر این اساس، دانش‌آموز باید بتواند پدیده‌های پیرامونش را از نگاه زیبایی‌شناختی مورد توجه قرار دهد.

توان تولید آثار هنری و آشنایی با تاریخ آثار هنری و در نهایت توان نقد و بررسی آثار هنری از دیگر اهداف آموزش هنر است. بنابراین لازم است مؤلفان و مصنفان منابع آموزشی غیررسمی با استانداردها و رویکردهای آموزش و پرورش کشور آشنا باشند تا منابع آموزشی - تربیتی را با توجه به ویژگی‌های جنسی و سنی مخاطبان تولید کنند. باید بپذیریم، ما هنوز در ابتدای این راهیم و در حوزه تولید منابع هنری و زیبایی‌شناختی سابقه‌چندانی نداریم. امیدواریم آموزش و پرورش بتواند اهداف و منویات خود را از طریق همین جشنواره‌ها به تولیدکنندگان حوزه فرهنگ و هنر اعلام کند و آن‌ها را به مثابه سرمایه‌های مادی و فکری خود در خدمت آموزش و پرورش درآورد.

❖ در فرایند فرهنگ‌سازی برای نگارش کتاب‌های مناسب در حوزه فرهنگ و هنر، با چه مشکلاتی مواجه هستیم؟

● احتمالاً مهم‌ترین مشکلات به استفاده‌کنندگان و مخاطبان حوزه آموزش فرهنگ و هنر باز می‌گردد که مهم‌ترین آن‌ها دانش‌آموزان‌اند. دانش‌آموزان هنوز درک درستی از آموزش هنری و زیبایی‌شناختی ندارند، اگرچه به یادگیری اشتیاق دارند، ولی توجه به این حوزه با سایر ساحت‌ها هم‌سنگ نیست. مشکل دوم متوجه تولیدکنندگان و صاحبان آثار است که آن‌ها هم به تولید مجله و کتاب در این حوزه رغبتی ندارند. باید کمک کرد آن‌ها نیز سرمایه‌های فکری خود را به سمت آموزش هنر، مطابق با استانداردهای آموزش و پرورش رسمی کشور و مورد تأیید اسناد فرادستی، ببرند. مشکل دیگر هم این است که آموزش‌های هنری در کشور ما به نسبت نوپا است و ادبیات این حوزه، ریشه در خارج مرزهای‌مان دارد که با نظام آموزش و پرورش رسمی چندان سازگار نیست این منابع باید بومی‌سازی و ملی‌سازی شوند. علاوه بر این‌ها، تنوع، پیچیدگی و ماهیت هنر باعث می‌شود بیان تازه و خلاقانه در این حوزه آسان نباشد. پاسخ به نیازهای رو به تزاید مخاطبان باید با لباس فاخر و جذابی پوشانده شود و این دشوار است.

❖ کتاب‌های امسال تا چه حد با اهداف و رویکردهای برنامه درسی جدید هم‌خوانی دارند؟

● امسال در کتاب‌های ارسالی به جشنواره، متأسفانه تعداد کتاب‌های ترجمه بیشتر بود و مؤلفان داخلی سهم کم‌تری از مجموع کتاب‌ها داشتند. لذا آثار متناسب با فرهنگ و مذهب

خودمان کمتر تولید شده‌اند. علاوه بر آن، کتاب‌های امسال بیشتر به سنین پایین و دوره‌های پایین تحصیلی می‌پرداختند. همچنین، غلبه تنها با چند شاخه هنری بود و در عمل کتاب‌های نقاشی و رنگ‌آمیزی برای کودکان «وجه غالب» داشتند، در حالی‌که ما انتظار داریم در حوزه‌هایی مثل هنرهای آوایی، هنرهای ترسیمی، صنایع دستی و تجسمی هم شاهد تولید آثار ارزنده باشیم که متأسفانه تولیدات این بخش اندک بود.

❖ در حوزه فرهنگ و هنر، بهترین آثار به کدام رشته‌های هنری مربوط بودند و کتاب‌های برگزیده نسبت به سایرین چه امتیازاتی دارند؟

● هر اثری که اهداف چندگانه آموزش و پرورش، یعنی توان نقد هنری، آشنایی با تاریخ هنر، ارتباط مناسب با محیط پیرامون و توان تولید آثار هنری را مد نظر قرار دهد، از نگاه ما اثر برتر تلقی می‌شود. البته کیفیت چاپ، رنگ، طراحی و تصاویر هم مهم هستند، اما در درجه اول، تولید داخلی بودن کتاب برای ما اهمیت دارد و در درجه بعد کتاب‌هایی که به لحاظ کیفیت و زیبایی‌شناختی خوب باشند.

❖ با توجه به اینکه هنر ابزاری برای تبیین و معرفی افکار و اندیشه‌ها و وسیله تربیت انسان‌هاست، به نظر شما نظام تربیتی و آموزشی ما در بهره‌گیری از این ابزار چقدر موفق عمل کرده است؟

● در رویکرد ما هنر چتری است که همه ساحت‌های تربیتی را در برمی‌گیرد؛ یعنی در تربیت سیاسی، اجتماعی، علمی و فناورانه، بدنی، اقتصادی و اخلاقی، باید از بستر هنر استفاده شود، وگرنه روش‌های تربیتی نافذ نخواهد بود. ایده و اندیشه تا زمانی که در لباس فاخر هنر پوشانده نشود و جذابیت لازم را پیدا نکند، در جان متربی نفوذ نخواهد کرد. ما تاکنون در نظام آموزش و پرورش کشور از ظرفیت هنر برای ارتقای فرایند یاددهی - یادگیری غافل شده‌ایم و از روش‌های سنتی مثل سخنرانی و تشویق و تنبیه به جا مانده از نیاکان‌مان استفاده کرده‌ایم که این روش‌ها در تربیت چندان اثربخش نیستند. اگر نتوانیم خودمان را با رویکردهای هنری نوین در امر آموزش تطبیق دهیم، از این قافله عقب می‌افتیم. البته جا دارد از تلاش‌های سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در این بخش تشکر کنم که از طریق برگزاری رویدادهایی مثل جشنواره کتاب رشد، گام‌های مؤثری در این حوزه برداشته است. امید که در آینده نه‌چندان دور شاهد استفاده از ابزارهای هنری و خلاقانه در اعتلای آموزش و پرورش کشورمان باشیم.





وقتی «ورزش» و «تربیت بدنی» مترادف پنداشته می‌شوند

بای صحبت طیبه ارشاد، سرداور گروه تربیت بدنی و سلامت

اشاره

طیبه ارشاد، مسئول گروه تربیت بدنی و سلامت دفتر تألیف کتب درسی و داور پانزدهمین جشنواره کتاب رشد، درباره کتاب‌های امسال جشنواره عقیده دارد، هنوز بسیاری از ناشران فرقی میان حوزه ورزش و تربیت بدنی قائل نیستند و آن‌ها را مترادف می‌پندارند. بنابراین، اغلب کتاب‌ها به موضوعات ورزشی اختصاص دارند و ما با کمبود تولید آثار مناسب در بخش تربیت بدنی مواجه هستیم.

پانزدهم چگونه بوده است؟

خوش‌بختانه در این دوره از جشنواره شاهد حضور چندین اثر تألیفی در حوزه تربیت بدنی و ورزش بودیم که نسبت به جشنواره قبل، رشد مثبتی را نشان می‌دهد، اما هنوز هم این ضرورت وجود دارد که ناشران محترم در گزینش و چاپ آثار تألیفی نگاه دقیق‌تر و تخصصی‌تری داشته باشند، تا آثار تألیفی صرفاً به جمع‌آوری مطالب محدود نشوند و «ان‌شاءالله» مؤلفان در پی تألیف کتاب‌های کاربردی با هدف دانش‌افزایی در مخاطبان باشند.

❖ در جشنواره‌های گذشته کتاب رشد، آثار ترجمه‌ای در حوزه سلامت و تربیت بدنی نسبت به آثار تألیفی حضور پررنگ‌تری داشتند. این وضعیت در آثار رسیده به جشنواره

❖ در تولیدات این حوزه با چه کمبودهایی مواجه هستیم؟
● حوزه تربیت بدنی و ورزش از گستره موضوعی وسیعی

جشنواره، تعداد معدودی کتاب مرتبط با حوزه تربیت بدنی داشتیم.

❖ **جاذبه‌های بصری کتاب‌ها تا چه حد به معیارهای داوری نزدیک‌اند؟**

● کتاب‌های این حوزه همچنان به لحاظ جاذبه‌های بصری ضعیف هستند و انتظار می‌رود با ظرفیت بالایی که در موضوعات وجود دارد، توجه به زیباسازی ظاهری کتاب‌ها بیش از پیش مدنظر ناشران و صاحبان آثار قرار گیرد.

❖ **سطح آثار را از لحاظ شکلی، مثلاً ذکر منابع و مآخذ، طراحی واژه‌نامه، نمایه و تصویرها چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

● متأسفانه برخی از کتاب‌ها صرفاً با اهداف تجاری وارد بازار نشر می‌شوند و استانداردهای لازم را به لحاظ شکلی ندارند. رفع این اشکال هم باید به عنوان یک ضرورت مورد توجه ناشران واقع شود.

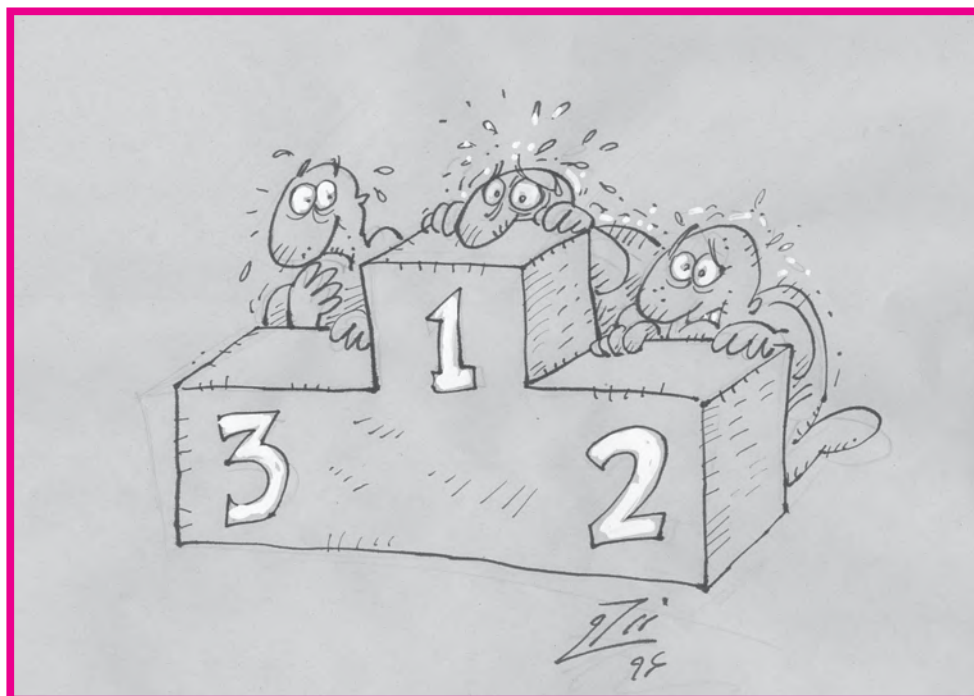
❖ **آیا کتاب‌های رسیده به جشنواره، از لحاظ بومی سازی و توجه به نیازهای روز جامعه مخاطب (دانش آموزان و معلمان)، توانمند ظاهر شده‌اند؟**

● با توجه به اینکه اکثر کتاب‌ها، آثار ترجمه‌ای یا تألیفات گردآوری شده هستند، همچنان در زمینه بومی سازی و توجه به نیازهای روز دانش آموزان و معلمان بسیار ضعیف هستند.

برخوردار است که تفاوت معنایی بین موضوعات این حوزه- که اغلب در جامعه یکسان پنداشته می‌شوند- بسیار است. به طور مشخص، از منظر صاحب نظران، «تربیت بدنی» به معنای تربیت از طریق بدن و حرکت معنا می‌شود و «ورزش» شامل دانش و فنون رشته‌های گوناگونی است که افراد در سطوح مختلف می‌توانند به آن بپردازند، اما متأسفانه به دلیل اینکه این دو واژه نزد عموم مترادف یکدیگر به کار می‌روند، این یکسان پنداری به میان ناشران هم نفوذ کرده است. به همین دلیل، در جشنواره هم بیشتر شاهد حضور کتاب‌های ورزشی هستیم و پرداختن به تربیت بدنی به معنای واقعی آن، مغفول واقع شده است. لذا ما در این حوزه نیازمندیم در بخش‌های ورزش، درس تربیت بدنی، بازی، تفریحات سالم، زندگی فعال و موضوعات بهداشت، تغذیه و ایمنی که از محورهای اصلی محتوایی درس تربیت بدنی هستند، شاهد تألیف آثار ارزنده باشیم.

❖ **آیا آثار راه یافته به مرحله نهایی جشنواره، در حفظ رویکردها، اهداف و اصول مورد تأکید در برنامه درسی تربیت بدنی موفق عمل کرده‌اند؟**

● همان‌طور که اشاره شد، متأسفانه ناشناخته بودن برنامه درس تربیت بدنی نزد ناشران موجب شده تولیدات بیشتر در حوزه ورزش باشند. البته امسال در بین آثار راه یافته به





نقطه ضعف مؤلفان و ناشران بی‌توجهی به مهارت‌افزایی است

پای صحبت محمد لطفی‌نیا، سرداور گروه مکانیک

اشاره

محمد لطفی‌نیا، کارشناس مسئول مکانیک «دفتر تألیف برنامه‌ریزی و کتب درسی فنی و حرفه‌ای»، دارای لیسانس صنایع چوب از دانشگاه شهید رجایی و فوق‌لیسانس برنامه‌ریزی درسی از دانشگاه آزاد است. «سند تحول بنیادین نظام آموزشی» و «سند برنامه درسی ملی» به آموزش‌های پودمانی و مهارت‌آموزی اهمیت زیادی داده‌اند. لذا منابع کمک‌آموزشی که در تفهیم و تسهیل عناصر و فرایند یاددهی و یادگیری نقش بسزایی ایفا می‌کنند، لازم است به آموزش‌های مزبور و مهارت‌آموزی بیش از پیش بپردازند. در ادامه، گفت‌وگوی جوانه را با داور گروه مکانیک می‌خوانید.

● گروه مکانیک از رشته‌های مکترونیک خودرو، صنایع فلزی، ساخت و تولید، صنایع چوب، تأسیسات، مکترونیک و چاپ تشکیل شده و هر سال کتاب‌های متعددی در این گروه منتشر می‌شوند. در سال گذشته، باتوجه به تراکم کاری و فعالیت تألیف کتاب‌های درسی، بررسی و داوری همه کتاب‌ها میسر نشد. از ۲۲ عنوان تنها ۹ عنوان بررسی و بقیه جا ماندند. لذا بررسی و داوری مجموعه کتاب‌های موجود در ماه‌های آبان و آذر ۱۳۹۶ انجام گرفت.

❖ آیا رویکردهای کتاب درسی در آثار داوری شده دنبال شده‌اند؟ یعنی علاوه بر دانش‌افزایی و آشنایی با فرایند علم مکانیک، به روش‌های علمی و مهارت تفکر توجه شده است؟
● بله، در ترجمه و تألیف کتاب‌های مورد بررسی و داوری شده این رویکردها محسوس هستند. حتی یکی از این کتاب‌ها که

❖ چرا گروه مکانیک سال گذشته هیچ کتاب برگزیده و تقدیری در جشنواره کتاب رشد نداشت؟

چشم می‌خورد، اما سایر کتاب‌ها بیشتر حاصل گردآوری از آثار و محتوای کتاب‌های چاپی گذشته هستند.

❖ آیا آثاری که در این حوزه تولید می‌شوند، پاسخ‌گوی نیازهای جامعه، به خصوص دانش‌آموزان و معلمان هستند؟ با چه ضعف‌ها و کمبودهایی در این حوزه مواجه هستیم؟

● باتوجه به اینکه اسناد تحولی و برنامه درسی ملی که در حال اجرای پایه‌های ۱۰ و ۱۱ و تألیف کتاب‌های پایه ۱۲ هستیم، می‌توان گفت: ناشران بخش خصوصی هنوز به‌طور کامل و گویا در حوزه فنی و حرفه‌ای به محتواهای اصلی نپرداخته‌اند. البته کتاب‌های موجود، همچنان به عنوان منابع کمک‌آموزشی و کمک‌درسی می‌توانند به بهبود و تسهیل کیفیت آموزش مهارتی هنرستان‌ها کمک کنند. امید است با اتمام یک دوره کامل کتاب‌های درسی نظام جدید که در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای به‌صورت شش پودمان در سه سال در حال آموزش است، مؤلفان و ناشران رویکردهای جدیدی را در تألیف کتاب‌های خود دنبال کنند که درنهایت به اشتغال‌زایی بینجامد؛ ان‌شاءالله. البته دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش، در پاسخ به نیاز علمی و آموزشی هنرآموزان و معلمان، با تألیف کتاب‌های راهنمای هنرآموز یا راهنمای معلم، گام مثبت و مهمی برداشته است. تنها نقطه ضعف مؤلفان و ناشران بی‌توجهی به نیاز اصلی و مهم مخاطبان، یعنی مهارت‌افزایی است. ناشران بیشتر به شمارگان و فروش بیشتر و در نتیجه، درآمدزایی توجه دارند تا محتوای مناسب و مفید. البته با همین داوری شاید به رویکرد مثبتی در این زمینه برسیم.

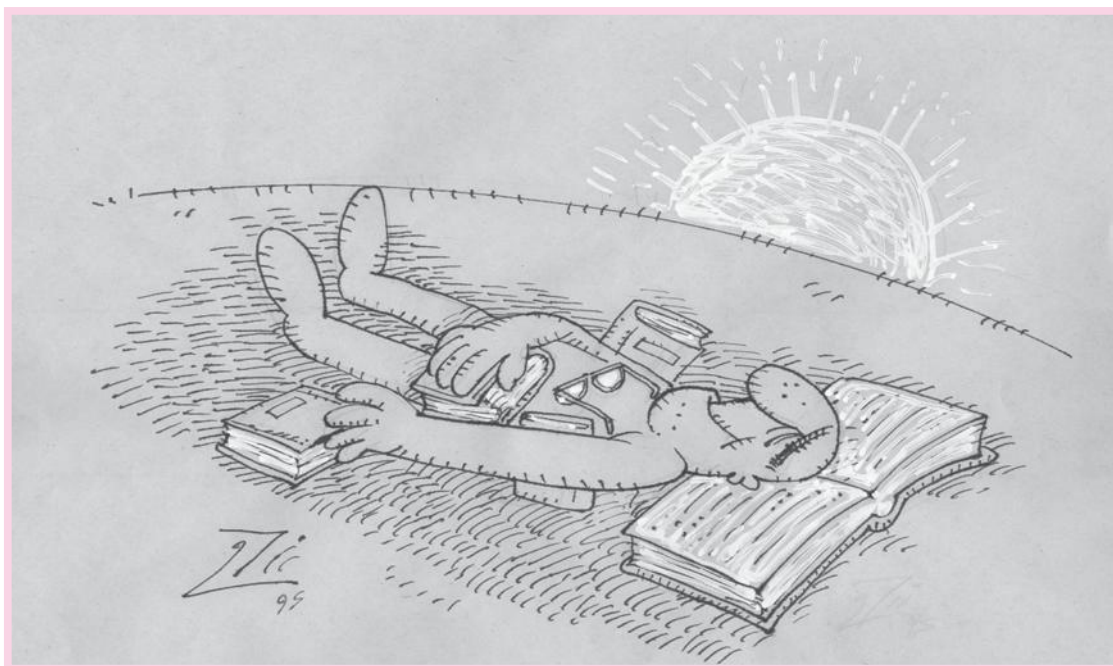
بالاترین رتبه را هم به‌دست آورد و از زبان آلمانی ترجمه شده، کاملاً آموزشی، مهندسی و کاربردی است. یعنی از محتوای آن در هر سه پایه ۱۰، ۱۱ و ۱۲ در چندین رشته استفاده و بهره‌برداری شده است. سایر کتاب‌ها نیز یا به تسهیل یادگیری کمک می‌کنند و یا به اجرای پروژه‌های عملی که به مهارت‌آموزی منجر می‌شوند پرداخته‌اند. در داوری به این موضوعات بیش از پیش توجه شده است.

❖ آیا گروه داوری از کمیت و کیفیت آثار رسیده به جشنواره رضایت داشت؟

● چهار اثر برتر و برگزیده شرایط کمی و کیفی لازم را دارند و از نظر داوران کاملاً آموزشی هستند.

❖ آیا در این گروه کتاب برگزیده خواهیم داشت؟ اگر جواب مثبت است نقاط قوت این اثر را نسبت به سایر آثار ذکر کنید.

● بله، در این دوره دو عنوان کتاب به عنوان اثر برگزیده انتخاب و به جشنواره معرفی شدند. جامع‌ترین کتاب در گروه تحصیلی رشته صنایع چوب و میلمان بوده است و ۱۹۷ امتیاز از ۲۰۰ امتیاز کسب کرد. در متن این کتاب در خصوص برخی رشته‌ها، مانند تأسیسات، ساختمان، برق و معماری، مطالب جامع و مفیدی مطرح شده است. اثر دوم مهارت اجرای پروژه‌های چوبی و دکوراسیون را مرحله به مرحله تشریح و تبیین می‌کند. به علاوه، چند مهارت، از جمله طراحی و نقشه‌کشی، استفاده از ابزار و ماشین‌آلات رشته صنایع چوب و اجرای پروژه‌های کامل چوبی را آموزش می‌دهد. می‌باشد. در این دو عنوان کتاب نوآوری و به‌روز بودن مطالب به





تصویرسازی برای کودکان و نوجوانان را غالباً افراد تازه‌کار انجام می‌دهند

پای صحبت سعید راصد سرگروه داوری آداب و مهارت‌های زندگی

اشاره

سعید راصد، سرداور گروه آداب و مهارت‌های زندگی، در خصوص فرایند داوری در جشنواره کتاب رشد عقیده دارد، «اینکه داوران از سابقه آموزش و کار با کودک برخوردارند و خود روان‌شناس هستند، از نکات قوت داوری‌های جشنواره است، چرا که این افراد تجربه و تعهد کافی در صیانت از حقوق نویسندگان و مؤلفان را دارند و می‌کوشند از دایره انصاف و عدل بیرون نروند.»

وی درباره جشنواره کتاب رشد می‌گوید: «تصویر برای کودکان و نوجوانان بسیار مهم است، ولی متأسفانه در کتاب‌های این گروه

سنی، افراد مبتدی یا تازه‌کار تصویرسازی را انجام می‌دهند. در نتیجه، کار جذابیت لازم را ندارد و گاه موجب بدآموزی نیز می‌شود. مشروح گفت‌وگوی جوانه با ایشان را می‌خوانید:

❖ حوزه آداب و مهارت‌های زندگی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی از جایگاهی ویژه برخوردار است. آیا آثار تولید شده فعلی در این حوزه می‌توانند نیازهای جامعه، به خصوص قشر نوجوان و جوان را در دست‌یابی به سبک زندگی مناسب ایرانی - اسلامی برآورند؟
قبل از تولید آثار باید فهم درستی از سبک زندگی ایرانی -

دوستان در ترجمه این کتاب‌ها آفرین گفت. تصاویر این کتاب‌ها نیز واقعاً گویا و کم‌نظیرند.

❖ آیا نگاه بومی و انطباق با فرهنگ و ارزش‌های ملی و دینی مورد نظر دستگاه تعلیم و تربیت در آثار رعایت شده است؟

دقیقاً با همین نگاه به آثار رسیده توجه شده است. یعنی باید متوجه باشیم نوشتار یا تصویر پیامی است که به مخاطب ما می‌رسد و اگر از تمام زوایای علمی و هنری به پرداخت آن توجه نشود، نه تنها مفید واقع نمی‌شود، بلکه آثار پنهان و مخرب آن بسیار تأثیرگذارتر از محسناتش خواهد بود.

❖ کتاب‌های امسال در تأمین نیازهای حال و آینده گروه مخاطبان و ارائه راهکارهای عملی مواجهه درست با چالش‌های زندگی تا چه اندازه موفق عمل کرده‌اند؟

در آثار ترجمه عمده کارهای خوبی صورت گرفته است و در آثار تألیفی نقاط ارزنده خاص کمتر مشاهده می‌شود.

اسلامی در ذهن نویسندگان و ناشران وجود داشته باشد. ولی به نظر می‌رسد مطالب دینی به شکلی عمیق مورد توجه قرار نگرفته و فهم نشده‌اند. به همین لحاظ آثار موجود نیز برجستگی خاصی ندارند.

❖ نقاط قوت و ضعف آثار به لحاظ شکلی و محتوایی چیست؟

آثار ایرانی را نویسندگان کاربرد به رشته تحریر در نیاورده‌اند و نویسندگان بنام کمتر وارد این حوزه و عرصه شده‌اند. به همین لحاظ غنای لازم در آثار مؤلفان ایرانی دیده نمی‌شود (از جمله ادبیات پیش پا افتاده و نازیبا، نبود خلاقیت و نوآوری در نوشته‌ها و تصاویر، و به‌روز نبودن مطالب مطرح شده براساس نیاز مخاطب. اما در آثار خارجی کم و بیش مطالب ارزنده‌ای می‌توان یافت؛ از جمله، کتاب‌هایی که سرکار خانم شعبان‌نژاد به زبان آزاد ترجمه کرده‌اند، جالب هستند و مفاهیمی مانند اینترنت، محیط زیست، دوستی، خودآگاهی و خانواده را در بر دارند. ترجمه سرکار خانم شریفی در مورد عزت‌نفس نیز از کتاب‌های ارزنده است. می‌توان به حسن انتخاب و سلیقه





کتاب‌های کشاورزی باید مجموعه گیاهان قابل کشت در هر منطقه را هدف قرار دهند

پای صحبت عابدین آریان‌پور، سرداور گروه کشاورزی

اشاره

عابدین آریان‌پور، کارشناس رسمی گروه کشاورزی دفتر تألیف کتاب‌های درسی، در رشته زراعت مدرک کارشناسی ارشد دارد. او در معرفی خود می‌گوید: «متولد روستا و کشاورز زاده‌ای هستم که همانند همه بچه‌های این قشر از کودکی در کنار پدر بزرگ و پدرم کشاورزی کرده‌ام.

این کارشناس که در تنظیم اسناد برنامه درسی رشته امور زراعی و تألیف کتاب‌های این رشته مشارکت داشته است، به عنوان سرداور گروه کشاورزی، با جشنواره کتاب رشد نیز همکاری کرده است. متن گفت‌وگوی جوانه با آریان‌پور را می‌خوانید:

❖ با توجه به اهمیت مهارت‌آموزی در اسناد تحولی و برنامه درسی ملی، آیا آثاری که به طور کلی در این حوزه تولید می‌شوند، پاسخ‌گوی نیازهای جامعه، به خصوص قشر دانش‌آموز- معلم، هستند؟ در این حوزه با چه ضعف‌ها و کمبودهایی مواجه هستیم؟

به طور قطع نمی‌توان منکر تأثیر کتاب در بالا بردن سطح دانش شد، اما به نظر من، اگر در تألیف کتاب‌های کشاورزی به دو نکته اساسی توجه شود، هم کتاب‌ها کاربردی‌تر خواهند بود و هم علاقه مخاطبان به خواندن کتاب بیشتر خواهد شد:

نکته اول: با توجه به اینکه کشاورزی به شرایط آب و هوایی وابسته است و در کشور ما نیز شرایط آب و هوایی متنوعی وجود دارد، ما در هر منطقه انواع خاصی از گیاهان را می‌توانیم کشت کنیم. بنابراین، اگر تألیف کتاب‌ها به صورتی باشد که مجموعه گیاهان قابل کشت در هر منطقه (آیش و تناب) را هدف قرار دهد، علاوه بر کاربردی‌تر شدن کتاب‌ها، به حفظ محیط زیست و به‌ویژه منابع مهمی مانند آب و خاک کمک بزرگی خواهد شد.

نکته دوم: هر چند در سال‌های اخیر در این حوزه کتاب‌های زیادی به چاپ رسیده‌اند، اما در بیشتر این کتاب‌ها سطح‌بندی مشاغل دیده نمی‌شود یا بهتر است بگوییم کمتر دیده می‌شود. برای نمونه، اگر کتابی در خصوص گندم یا هر محصول دیگر نوشته می‌شود، مؤلفان سعی می‌کنند تمام نکات دانشی، اعم از مورفولوژی، گیاه‌شناسی، فیزیولوژی و اکولوژی این محصولات را، بدون در نظر گرفتن مخاطبان هدف، بیاورند.

به طور کلی، دانش‌هایی فراتر از سطح مخاطب، علاوه بر اینکه مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، در مواردی هنجرویان را به دلیل سنگین بودن مطلب از کتاب و کتاب‌خوانی گریزان می‌کنند. می‌توان برای متخصصان علاقه‌مندتر کتاب‌های سطح بالاتر را تدوین کرد.

● **آیا نگاه بومی و انطباق با شرایط اقلیمی و نیازهای مورد نظر دستگاه تعلیم و تربیت در آثار داوری شده رعایت شده‌اند؟**
● اگر منظور از بومی بودن و انطباق با شرایط اقلیمی کلی و کشوری باشد، تا حدودی رعایت شده است، اما با توجه به اینکه کشور ما شرایط آب و هوایی متنوعی دارد، کمتر در کتاب‌های تألیف شده به مجموعه گیاهان قابل کشت در هر منطقه پرداخته شده است.

● **نسبت آثار تألیفی و ترجمه‌ای به چه صورت بود و کدام آثار به لحاظ کیفی برتری داشتند؟**

● از ۱۳ عنوان کتاب ارسالی تنها دو کتاب ترجمه و بقیه تألیفی بودند. البته قضاوت کردن در زمینه کیفی بودن کدام گروه (تألیفی یا ترجمه‌ای) کار سختی است. چون از هر گروه کتاب‌هایی با کیفیت‌های گوناگون ارائه شده بودند. اما به طور

کلی، با در نظر گرفتن سطح جامعه هدف (هنرجویان)، تألیف کتاب در زمینه کشاورزی با رویکرد منطقه‌ای مفیدتر خواهد بود.

● **کتاب‌های امسال تا چه حد با اهداف و رویکردهای برنامه درسی جدید درس‌های کشاورزی هم‌خوانی داشتند؟**

هر چند کتاب‌های امسال نسبت به سال‌های گذشته، با برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر شایستگی هم‌خوانی بیشتری دارند، اما هنوز با تألیف کتاب‌ها با رویکرد شایستگی‌محور فاصله هست. امیدواریم در سال‌های آینده، با تألیف کتاب‌های درسی نظام جدید و به کمک رسانه‌ها، به ویژه دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، کتاب‌های شایسته‌محور مطابق با استاندارد عملکردی جامعه هدف و به صورت منطقه‌ای داشته باشیم.

● **لطفاً از داوری آثار در بخش کشاورزی بگویید.**
۱۳ عنوان کتاب در زمینه کشاورزی به گروه داوری تحویل شد. که این کتاب‌ها در سه مرحله ارزیابی و داوری شدند:

مرحله اول: در نشست اعضای گروه داوری، مقرر شد کتاب‌ها به صورت گردشی در اختیار داوران توزیع شود تا هر داور تمام ۱۳ کتاب راه یافته به پانزدهمین دوره جشنواره کتاب رشد را به طور جداگانه، با توجه به فرمت طراحی شده، ارزیابی کند.

مرحله دوم: در جلسه بعد، اعضای گروه ضمن تحویل فرم‌های داوری برای هر ۱۳ کتاب، میانگین امتیازات را محاسبه و درباره چگونگی و دلایل امتیازدهی گفت‌وگو کردند. در نهایت چهار کتاب به عنوان نامزد انتخاب شدند. سپس مقرر شد هر یک از اعضای داوری، با توجه به استدلال سایر همکاران، با بررسی دوباره چهار کتاب، در فرصتی چند روزه، کتاب برگزیده یا قابل تقدیر را انتخاب و در جلسه بعدی اعلام نظر کند.

مرحله سوم: هر یک از اعضای گروه داوران، به بیان نقاط قوت و ضعف هر کتاب پرداخت. در ادامه جلسه رأی‌گیری به عمل آمد و در نهایت یک کتاب به عنوان برگزیده تشخیص داده شد و بر اساس آیین‌نامه جشنواره، برای او کتاب هم تقاضای عنوان تقدیری شد که بسته به موافقت کمیته علمی جشنواره دارد.





نوش‌داروی عصر دیجیتال

بررسی اهمیت سواد رسانه‌ای در گفت‌وگو با فریبرز بیات، داور گروه مطالعات اجتماعی

اشاره

مطالعات اجتماعی از جمله حوزه‌های یادگیری است که تنوع زیرشاخه‌هایش آن را به یکی از گسترده‌ترین گروه‌های جشنواره کتاب رشد تبدیل کرده است. با وجود این گستردگی، تنها ۲۲ عنوان کتاب به مراحل نهایی داوری این گروه راه پیدا کردند. فریبرز بیات، داور گروه مطالعات اجتماعی، معتقد است: این کتاب‌ها آینه نشر علوم اجتماعی در کشور نیستند و بسیاری از آثار در جشنواره شرکت نداشته‌اند. البته این به معنی بیگانگی آثار جشنواره با کتاب‌های این حوزه هم نیست و بیات معتقد است: حوزه سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی که مدتی است به دغدغه دست‌اندرکاران آموزش و پرورش تبدیل شده، یکی از موضوع‌های به‌روز و مهمی است که در کتاب‌های این دوره از جشنواره به چشم می‌خورد.

❖ در این دوره از جشنواره چه تعداد کتاب به حوزه علوم اجتماعی رسیده است؟
۲۲ عنوان کتاب که ۱۰ کتاب سطح اول و ۱۲ کتاب سطح دوم

هستند. البته من فکر می‌کنم بضاعت مؤلفان، مترجمان و به‌طور کلی حوزه نشر علوم اجتماعی بسیار بیش از این میزان است. کتاب‌های بسیار زیادی در حوزه علوم اجتماعی منتشر شده‌اند که بسیاری از آن‌ها رویکرد آموزشی و کمک‌آموزشی دارند، اما در جشنواره مشارکت نداشتند. در سال‌های آینده فکر می‌کنم دبیرخانه جشنواره باید بتواند کتاب‌های بیشتری را در این حوزه پوشش دهد. در این صورت ما می‌توانیم تصویر جامع‌تری از آنچه در حوزه علوم اجتماعی منتشر شده است، داشته باشیم و در نهایت آثار بهتری را انتخاب و گزینش کنیم.

❖ حوزه مطالعات اجتماعی شامل چه کتاب‌ها و گروه‌هایی است؟

تاریخ، جغرافیا، حقوق، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و... حوزه‌هایی بودند که در گروه علوم اجتماعی بررسی شدند. با توجه به گستردگی زیرشاخه‌های علوم اجتماعی تعداد کتاب‌ها قابل توجه نبود. از آنجا که ما باید کتاب‌های بهتر و مناسب‌تری را معرفی کنیم، نمی‌توانیم به این تعداد کتاب اکتفا کنیم. باید تصویر جامع‌تری داشته باشیم و براساس آن قضاوت کنیم.

❖ در این دوره از جشنواره به موضوع سواد رسانه‌ای به صورت ویژه‌ای پرداخته شده است. آیا در این بخش هم کتاب به چشم می‌خورد یا نه؟

بله. اتفاقاً یکی از نقاط قوت کتاب‌های علوم اجتماعی امسال آثاری بودند که در حوزه سواد رسانه‌ای، سواد اطلاعاتی، انقلاب دیجیتال و از این قبیل موضوعات منتشر شده‌اند. به نظر من واکنش خیلی خوب مؤلفان و ناشران است که نشان می‌دهد، فضایی که در آن قرار گرفته‌ایم اغلب رسانه‌ای شده است. اغلب کتاب‌ها هم مفید و قابل استفاده هستند که یکی از مهم‌ترین نقاط قوت این حوزه است.

❖ این گروه از کتاب‌ها بیشتر تألیفی بودند یا ترجمه‌ای؟
آثار تألیفی هم بودند، اما اکثریت با آثار ترجمه شده بود؛ مثل معرفی شبکه‌های اجتماعی یا معرفی سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی. در برخی از کتاب‌ها سعی شده بود ارتباطی بین سواد اطلاعاتی و رسانه‌ای با حوزه مدرسه و یادگیری و برنامه‌ریزی درسی ایجاد شود که این هم از نقاط قوت کتاب‌ها بود.

❖ در برخی از حوزه‌ها این تفکر وجود دارد که در عین ضرورت استفاده از منابع ترجمه شده، باید به فکر تألیف برای مخاطب ایرانی هم بود. آیا در مورد حوزه سواد رسانه‌ای هم این مرزبندی را قائل هستید؟

طبیعتاً دانش‌های جدید باید زبان خود را پیدا کنند و با نیازها و مسائل بومی گره بخورند. به نظر من برخی از کتاب‌های رسیده، در این جهت تلاش کرده بودند. مثلاً سعی کرده بودند، اولیا و معلمان را با ویژگی‌های سواد رسانه‌ای و مهارت‌های استفاده از رسانه‌ها آشنا کنند تا آن‌ها یک‌جانبه قضاوت نکنند و لزوماً تحت تأثیر هر پیامی قرار نگیرند. حتی در سطح کلان، برنامه‌ریزان آموزشی بتوانند در مبحث سواد رسانه‌ای برنامه‌ریزی کنند. این‌ها از جمله مواردی بودند که مؤلفان سعی کرده بودند به آن‌ها بپردازند. با توجه به اینکه امسال دومین سالی است که کتاب سواد رسانه‌ای به کتاب‌های درسی اضافه شده است، این تلاش را باید به فال نیک گرفت. چرا که نشان می‌دهد، ناشران حساسیت‌های اجتماعی و نیازهای نظام آموزشی را درک کرده‌اند.

❖ به این نکته اشاره کردید که کتاب‌ها باید با نیازهای بومی ما گره بخورند و برای مخاطب آشنا باشند. واقعاً نیاز مخاطبان ما در این حوزه چیست؟

واقعیت این است که جریان رسانه‌ای شدن در دنیا اتفاق افتاده است. این جریان عاملی ساختاری است و زندگی و دنیای آینده ما را شکل می‌دهد. اما تأثیرش در حوزه آموزش و یاددهی - یادگیری بسیار بیشتر است و در آینده بیشتر هم خواهد شد.

درک این نکته که در آینده آموزش به سوی رسانه‌ای شدن پیش می‌رود و ما باید خودمان را با این موضوع تطبیق دهیم، یک گام به جلو است. مثلاً باید بدانیم که در آینده احتمالاً کتاب‌ها از حالت چاپی خارج خواهند شد، دسترسی به اطلاعات و تبادل آن بسیار راحت‌تر خواهد بود، امکان جست‌وجو برای دانش‌آموزان بیشتر فراهم می‌شود و... این جریان تأثیرات خیلی زیادی در حوزه آموزش دارد که ما هنوز گام‌های اول آن را طی می‌کنیم. باز کردن این چشم‌اندازها موضوع مهمی است.

از سوی دیگر، رسانه‌ای و اطلاعاتی شدن جهان این واقعیت را به دنبال دارد که ما در معرض اطلاعات پراکنده و متنوعی هستیم. اینکه چگونه خوراک اطلاعاتی‌مان را مدیریت کنیم تا بتوانیم رفتار مناسب و متعادلی داشته باشیم و اطلاعات را اعتباریابی کنیم، از جمله موضوعاتی است که در سواد رسانه‌ای به آن‌ها می‌پردازند. در دنیای رسانه‌ای شده، آن‌قدر انتشار اطلاعات خرد و پراکنده ذهن مخاطب را درگیر می‌کند که قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری را از دست می‌دهد. یکی از کارکردهای سواد اطلاعاتی همین است که مخاطب را با مهارت‌های لازم برای مواجهه با این جهان رسانه‌ای شده آشنا می‌کند. سواد رسانه‌ای به ما امکان می‌دهد که به راحتی به

اتوبان اطلاعاتی تبدیل نشویم و اطلاعات را بدون در نظر گرفتن صحت آن حمل نکنیم.

❖ در بسیاری از حوزه‌ها شاهد آثار تألیفی معلمان هستیم. آیا با توجه به آشنایی معلمان با نیازهای دانش‌آموزان آیا می‌توانیم در حوزه سواد رسانه‌ای هم برای تألیف کتاب مناسب به آن‌ها تکیه کنیم؟

بله، چرا که معلمان ترویج‌دهنده همه علوم و دانش‌ها - از علوم تجربی تا علوم انسانی - هستند. بنابراین در حوزه سواد رسانه‌ای هم معلمان می‌توانند برای آموزش و جلوگیری از بدآموزی‌هایی که در این حوزه وجود دارد، پیشگام باشند. در دنیای جدید رسانه فقط فناوری یا فن و تکنیک نیست. رسانه اکنون به زبان و فرهنگی تبدیل شده است که با آن زندگی می‌کنیم. درواقع حوزه رسانه‌ها به بستری تبدیل شده است که همه فعالیت‌ها در آن شکل می‌گیرند. بنابراین معلمان که ترویج دهنده علم و دانش هستند، در این حوزه هم می‌توانند پیشگام باشند، به‌ویژه که آن‌ها برای دانش‌آموزان نقش مرجعیت دارند.

❖ معلمان می‌خواهند در این حوزه دست به تألیف بزنند، لازم است چه پیش‌شرط یا ویژگی خاصی داشته باشند؟
معلمان باید بیش و پیش از همه با فناوری‌ها آشنا شوند و

ما در معرض اطلاعات پراکنده و متنوعی هستیم. اینکه چگونه خوراک اطلاعاتی‌مان را مدیریت کنیم تا بتوانیم رفتار مناسب و متعادلی داشته باشیم و اطلاعات را اعتباریابی کنیم، از جمله موضوعاتی است که در سواد رسانه‌ای به آن‌ها می‌پردازند



و نیز والدین را سنجین می‌کند. آن‌ها اگر نتوانند این فاصله و شکاف را جبران کنند، نقش مرجعیت معلم و والدین از بین می‌رود. بنابراین، آن‌ها باید بتوانند خود را با این وضعیت تطبیق دهند. در غیر این صورت رسانه‌ها نقش خود را پررنگ می‌کنند.

❖ **با این تفاسیر، نقش جشنواره را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ فکر می‌کنید عملکرد جشنواره چگونه بوده است؟**

با توجه به وضعیت موجود عملکرد خوبی داشته است. با وجود اینکه آنچه به جشنواره رسیده است، تصویر کامل و واقعی حوزه نشر ما نیست، اما چندان هم با آن بیگانه نیست. مانند حضور کتاب‌هایی درباره رسانه‌ای شدن که نشان می‌دهد، حوزه نشر نسبت به این موضوع واکنش نشان داده است.

این نکته را هم باید بدانیم که دنیا به سمت چهار معیار اصلی حرکت می‌کند: ۱. رسانه‌ای شدن؛ ۲. جهانی شدن؛ ۳. فردی شدن؛ ۴. تجاری شدن.

ما باید واکنش مناسبی در این زمینه‌ها داشته باشیم. در حوزه رسانه‌ای و تجاری شدن کتاب‌هایی به دست ما رسیده‌اند، اما در حوزه‌های دیگر کتاب‌های کمتری به چشم می‌خورد که این نقطه ضعف است. مثلاً در حوزه مفاهیم محض علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، نظریه‌های جامعه‌شناسی و مباحث نوین این حوزه کتابی که با رویکرد آموزشی این مباحث را برای معلمان یا دانش‌آموزان ارائه کرده باشد، تقریباً وجود نداشت. همچنین در حوزه آسیب‌های اجتماعی که جامعه ما درگیر آن است، کتابی به جشنواره نرسیده بود. به‌طور کلی به نظر من جشنواره موفق بوده است، گرچه هنوز تا نقطه کمال فاصله دارد و لازم است که واقعیت‌های حوزه نشر در آن تجلی پیدا کند.

مهارت‌های لازم در این زمینه را کسب کنند. در عین حال، باید سواد اطلاعاتی و رسانه‌ای لازم را هم داشته باشند تا بتوانند تولیدات رسانه‌ای را نقد و ارزیابی کنند و این مهارت‌ها را در اختیار دانش‌آموزان نیز قرار دهند. خوشبختانه معلمان داریم که در شبکه‌های اجتماعی فعال هستند. آن‌ها گروه‌های گوناگون درسی را تشکیل داده‌اند و به فعالیت‌های حرفه‌ای می‌پردازند. این موضوع نه فقط در شهرها، بلکه در روستاها هم دیده می‌شود.

❖ **در جشنواره کتاب رشد، هم نیاز معلمان و والدین مطرح است و هم نیاز دانش‌آموزان. در زمینه سواد اطلاعاتی نیاز کدام یک از این گروه‌ها را بر دیگری ارجح می‌دانید؟**

واقعیت این است که همه ما در این جهان رسانه‌ای شده هستیم و پیش از آنکه غرق شویم، باید مهارت‌های آن را یاد بگیریم چرا که فرصتی نیست و همه ما خواه ناخواه درگیر این ماجرا شده‌ایم. چه بسا دانش‌آموزان بیشتر از معلمان و والدین درگیر رسانه‌ها شده باشند. بنابراین، اگر بخواهیم به دانش‌آموزان اولویت ندهیم، ممکن است مسائل و مشکلاتی ایجاد شود. سرعت رسانه‌ای شدن و فناوری‌های نوین بسیار زیاد است، آن قدر که ما باید همه این گروه‌ها را با هم پیش ببریم. در شرایط منطقی قاعدتاً باید معلمان و والدین در این زمینه پیشگام باشند، اما سرعت رسانه‌ای شدن اجازه نمی‌دهد که آن‌ها چنین نقشی را ایفا کنند.

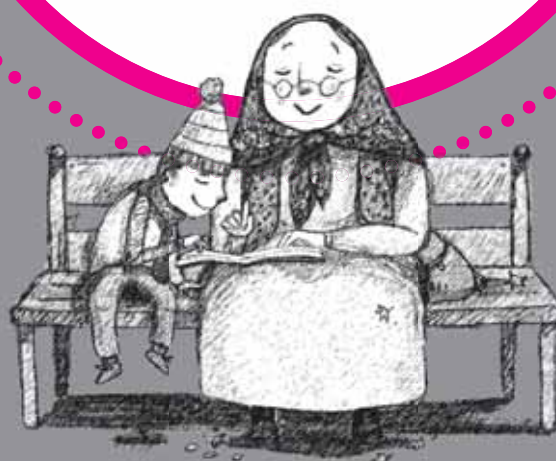
علاوه بر این، رسانه‌ای شدن و سرعت زیاد آن باعث جابه‌جایی نقش‌ها شده است. مثلاً قبلاً والدین بودند که تصمیم می‌گرفتند، بچه‌ها در چه سنی از چه رسانه‌ای استفاده کنند یا با چه مباحثی آشنا شوند. اما الان فرزندان هستند که به والدین توصیه می‌کنند وارد چه گروه یا کانالی شوند! یعنی فرزندان زودتر از والدین وارد این دنیا شده‌اند. این وضعیت مسئولیت معلمان، آموزش و پرورش





کارنامه
و بیانیه
گروه‌های دآوری
پانزدهمین جشنواره
کتاب‌رشد

سال ۱۳۹۶ س



معصومه شجاعی

آداب و مهارت‌های زندگی

سعید راصد (۱۳۴۴)، تهران

دانشجوی دکترای روان‌شناسی تربیتی از دانشگاه خوارزمی است. ۳۳ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش دارد و با گروه‌های دینی، آداب و مهارت‌های زندگی، و روان‌شناسی تربیتی همکاری کرده است. از جمله سوابق علمی و پژوهشی او می‌توان تألیف کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی، کتاب تفکر و سبک زندگی، پیشگیری اولیه از اعتیاد و رفتارهای پرخطر، روان‌شناسی پایه یازدهم و روش تدریس هدیه‌های آسمان تربیت معلم را نام برد.



روفا دهقان منشادی (۱۳۳۹)، تهران

کارشناس ارشد مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی است. از جمله سوابق خدمتی ایشان می‌توان به مشاوره و مدیریت مدرسه و عضویت شورای تألیف کتاب‌های درس «تفکر و سبک زندگی» اشاره کرد. وی طرح تلاوت قرآن کریم (ویژه مربیان تربیتی) را تدوین کرده است.



سید امیر رون (۱۳۴۵)

دکترای برنامه‌ریزی درسی، مسئول گروه برنامه‌ریزی پرورشی، سلامت و تربیت، آداب و مهارت‌های زندگی و بنیان خانواده در «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب‌درسی»، مدرس دانشگاه‌ها و مراکز تربیت معلم و استادیار و عضو هیئت علمی «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» با بیش از ۳۰ سال سابقه خدمت فرهنگی، ایشان در تدوین «برنامه درسی ملی» و تألیف کتاب درسی «تفکر و سبک زندگی» برای پایه‌های هفتم و هشتم مشارکت داشته است و کتابی نیز درباره اصول تألیف کتاب‌های درسی دارد.





بیانیه گروه داوری آداب و مهارت‌های زندگی

بررسی‌ها نشان می‌دهند، تلاش‌های انجام شده در آموزش و پرورش نیازهای موجه کودکان و نوجوانان امروز را برآورده نمی‌سازند و خلأ آموزش‌هایی از جنس مهارت‌های زندگی بیش از پیش احساس می‌گردد. اکنون وقت آن است یک بار از خود با صراحت بپرسیم، این همه آموزش از جنس نظری برای چیست؟ آموزش‌های نظری آیا مبتنی بر انسان‌شناسی درست و صحیحی انجام گرفته‌اند؟ آیا وقت آن نرسیده است که در برنامه‌های آموزشی خود بازنگری جدی داشته باشیم؟

در پاسخ به این سؤالات و با توجه به نیازهای جامعه می‌توان گفت، مهارت‌های مهمی می‌توانند جایگزین بسیاری از درس‌های نظری شوند. در نظام آموزش رسمی کشور باید اطلاعاتی به دانش‌آموزان منتقل شود که در آینده به کارشان می‌آید و گاهی از مشکلات زندگی آن‌ها می‌گشاید. یعنی باید بتوانیم قابلیت و توانمندی افراد را در خودآگاهی، برقراری ارتباط سالم با دیگران، شهروندی متعهد بودن، متفکر و اهل انتخاب احسن، و مسئولیت‌پذیر بودن بالا برد تا افراد در خود احساس عزتمندی، کرامت نفس و استقلال رأی و نظر کنند.

گروه داوران آداب و مهارت‌های زندگی از تمامی ناشران و نویسندگان محترم که در این زمینه تلاش درخوری کرده‌اند، تشکر می‌کند، زیرا تا حد زیادی به مباحث و موضوعات مهم و مناسبی پرداخته‌اند که مورد نیاز جامعه است؛ مباحثی مثل عزت نفس، ارتباط مؤثر، محبت و دوستی، اینترنت، محیط زیست، نگرانی و استرس، دوستی، تغذیه و وزن مناسب که در نوع خود جالب و شایسته تقدیرند. از آثار ارسالی، ۳۴ اثر به مرحله و فرایند داوری وارد شدند. داوران، براساس موازین علمی (موضوع، نحوه پردازش و نیاز جامعه)، شش کتاب را به عنوان نامزد معرفی کردند.

پیشنهادهای

آنچه در برنامه درسی این حوزه یادگیری اهمیت دارد و لازم است پدیدآورندگان و ناشران در آثار تألیفی و آموزشی جدید به آن بپردازند، عبارت‌اند از:

- ارزش نهادن به مسائل بومی و فرهنگ اسلامی - ایرانی؛
- توجه به نیازهای روحی - جسمی مخاطبان این عصر؛
- کاربردی بودن مطالب و موضوعات؛
- خلاقیت و نوآوری و پرهیز از تکرار روش‌های معمول؛
- استفاده از ادبیات فاخر و پرهیز از بدآموزی و بازاری بودن اثر؛
- اهمیت دادن به تألیف و سبقه تألیف بر ترجمه؛
- استفاده از هنر تصویرگری جذاب و مبتنی بر اصول زیباشناسی.



آموزش پیش دبستانی

رخساره فضلی (۱۳۴۳)، اراک

دکترای روان‌شناسی تربیتی دارد. وی در پست‌هایی از جمله دبیری، سرگروه آموزشی، کارشناس مسئول، مشاور معاون وزیر و مدیر کل دفتر آموزش پیش دبستانی در خدمت آموزش و پرورش بوده است.

بعضی سوابق علمی - پژوهشی او عبارت‌اند از: راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه‌های دانشجویان کارشناس ارشد، ارائه مقالات متعدد در «فصل‌نامه‌های تعلیم و تربیت» و «خانواده و پژوهش» ارائه الگویی برای ارتقای کیفیت آموزش دختران روستایی در مناطق کم‌تر توسعه یافته. مؤلف کتاب‌های «راهنمای آموزش در کلاس‌های چندپایه»، «بخوانیم و بنویسیم» و «راهنمای تدریس اجتماعی، جغرافیا و تاریخ»، «وضعیت افت تحصیلی در نظام آموزشی عمومی کشور» و «چرا بچه‌ها مدرسه را دوست ندارند» از دیگر آثار او هستند. او همچنین هماهنگ‌کننده ملی تهیه و تدوین گزارش نهایی برنامه آموزش برای همه، نماینده دانشگاه فرهنگیان و کارشناس مسئول مطالعات و برنامه‌ریزی نیز بوده است.



مریم اسفندیاری (۱۳۵۶)، ری

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی از دانشگاه آزاد اسلامی است. در سمت‌های آموزگاری، مدرسی، مدیر آموزگاری، سرگروه آموزشی، مدیریت اجرایی گروه‌های آموزشی شهرستان‌های تهران و ریاست اداره دفتر آموزش پیش دبستان خدمت کرده است. از جمله سوابق علمی پژوهشی او همکاری در پروژه‌های علمی و پژوهشی در دفتر آموزش پیش دبستان، مدرس دوره‌های ضمن خدمت مربیان پیش دبستانی و داوری آثار دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی است. از مهم‌ترین آثار تألیفی او می‌توان کتاب‌های چهارجلدی کتاب کار کودک با عنوان «دنیای من» و تألیف مجموعه کتاب‌های کودک «اداره کل آموزش و پرورش شهرستان‌های تهران را نام برد.



زهرا سادات یاسینی (۱۳۳۴)، تهران

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی از دانشگاه آزاد است. از سوابق و حوزه‌های خدمت وی در آموزش و پرورش می‌توان به سمت‌های مربیگری پیش دبستان، معاونت مدرسه در دوره ابتدایی و راهنمایی، مشاوره برنامه‌ریزی تحصیلی و شغلی دبیرستان، عضویت گروه‌های آموزشی شهر تهران و وزارت آموزش و پرورش، کارشناس صدای معلم آموزش و پرورش شهر تهران و محقق برنامه سیمای معلم شبکه ۲ و مدرس آموزش ضمن خدمت اشاره کرد. وی عضویت تحریری مجله رشد آموزش ابتدایی، داوری جشنواره الگوهای برتر تدریس، همکاری در تألیف کتاب‌های راهنمای معلم دوره‌های دوم و سوم ابتدایی و پیش دبستان و عضویت شورای برنامه‌ریزی کتاب درسی مطالعات اجتماعی را در کارنامه سوابق علمی - پژوهشی خود دارد. پیک‌های نوروزی سال‌های ۷۵ و ۷۶ شهر تهران، مجموعه کتاب‌های مهارت‌های تفکر دوره پیش دبستان و کتاب راهنمای مرتبط آن را تألیف کرده است و در تألیف و تولید کتاب راهنمای معلم و چند مورد دیگر همکاری مؤثر داشته است. از مهم‌ترین سوابق اجرایی وی مدیریت اجرای طرح و برنامه آموزش مهارت‌های زندگی آموزش و پرورش شهر تهران است.





بیانیه گروه دآوری کتاب‌های آموزشی پیش دبستانی

محتوای آموزشی دوره پیش دبستان به عنوان یکی از دوره‌های رسمی در نظام آموزشی کشور با استناد به اسناد بالادستی و اساسنامه آموزش و پرورش دوره پیش دبستانی به صورت غیرمتمرکز و بومی در هر استان تولید می‌شود که توجه مؤلفان و مترجمان علاقه‌مند به حوزه کودک، حاکی از نگاه مثبت جامعه به این گروه سنی است. با توجه به تولید منابع در این بخش، در دو محور «درباره کودک» و «برای کودک»، لازم است سازمان‌دهی نحوه تولید و ارزیابی و نظارت بر آن مورد توجه دقیق‌تری قرار گیرد. با توجه به غیراجباری بودن و تولید غیرمتمرکز محتوا، دوره پیش دبستانی شرایطی خاص دارد. در این بخش، ۱۱ کتاب در گروه اول و ۴۶ عنوان در گروه دوم معرفی شده‌اند. در مجموع، تعداد آثار «ترجمه‌ای» در بین محتواهای ارائه شده چشمگیر است. از بین ۵۷ اثر، ۴۱ عنوان ترجمه هستند که ۷۲ درصد کل این گروه را شامل می‌شوند. این نکته قابل تحلیل است که آیا آثار برگزیده ترجمه قابلیت تولید و تألیف در کشور را نداشته‌اند؟

از نقاط قوت کتاب‌های این گروه این است که:
تنوع آثار ارائه شده به گروه پیش دبستانی در دو محور درباره کودک و برای کودک قابل توجه است.

بعضی از نقاط ضعف کتاب‌های این دوره عبارت‌اند از:

۱. آموزش مستقیم و ورود به برنامه درسی ابتدایی در کتاب‌های کار کودکان پیش دبستانی؛
۲. ناهماهنگی و تطابق نداشتن کتاب‌ها با ویژگی‌ها و فضای شناختی و فرهنگ بومی و ملی ایرانی - اسلامی؛
۳. رعایت نشدن اصول حاکم بر آموزش‌های پیش دبستانی، منطبق با اساسنامه پیش دبستانی؛ (نکته قابل توجه اینکه با وجود رعایت نشدن اصول حاکم، باز هم کتاب‌ها در گروه‌های اول و دوم قرار گرفته‌اند).

به منظور رفع ضعف‌ها، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شوند:

۱. ارائه چارچوب و شاخص‌های تدوین محتوای کودک به ناشران و مؤلفان علاقه‌مند؛
۲. بازبینی معیارهای ارزیابی در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، تا بررسی آثار با دقت بیشتری صورت گیرد؛
۳. تشکیل جلسات هم‌اندیشی و نشست‌های تخصصی برای تولید آثار برای کودک و درباره کودک از طریق سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، با گروه مؤلفان و ناشران به منظور هم‌سویی آموزش و پرورش با نهادهای برون دستگاهی آماده ارائه خدمات به کودکان.
۴. آموزش ارزیابان و داوران کتاب‌های پیش دبستانی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی از حیث دارا بودن شایستگی‌های حرفه‌ای و تخصصی.



آموزش و پرورش کودکان استثنایی

علی اسلامبولچی مقدم (۱۳۳۶)، تهران

کارشناس ارشد کودکان استثنایی از دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران است و به مدت ۲۹ سال به عنوان کارشناس برنامه ریزی آموزشی و توان بخشی کودکان استثنایی در سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور خدمت کرده است. ۲۲ سال تدریس در دانشگاه های آزاد، تربیت معلم کودکان استثنایی و دانشگاه جامع علمی - کاربردی از جمله فعالیت های فرهنگی او هستند. عضویت در شورای بررسی آثار و تألیفات سازمان آموزش و پرورش استثنایی و نیز شورای برنامه ریزی درسی دوره تربیت معلم در رشته آموزش و پرورش استثنایی، و عضویت دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی و هیئت تحریریه نشریه تعلیم و تربیت استثنایی از سوابق اجرایی او محسوب می شوند. تاکنون موفق به ترجمه و انتشار پنج کتاب در حوزه آموزش و پرورش استثنایی شده است.



منیره عزیزی (۱۳۵۱)، هرسین کرمانشاه

دانشجوی دکتری روان شناسی و آموزش کودکان استثنایی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز است و ۲۸ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش استثنایی را دارد. ترجمه کتاب راهکارهای علمی کار با کودکان اُتیسم، تألیف محتوای ویژه طیف اُتیسم (آموزش گام به گام به کودکان و دانش آموزان طیف اُتیسم)، تدوین طرح ارزشیابی توصیفی ویژه طیف اُتیسم و اجرای پژوهشی تأثیر مداخله های رفتاری بر کاهش علائم دانش آموزان بیش فعال/ کاستی توجه (ADHD) از جمله آثار او هستند. وی معلم دانش آموزان کم توان ذهنی، معلم رابط دانش آموزان ناشنوا و معلم دانش آموزان با اختلال رفتاری هیجانی بوده و کارشناس برنامه ریزی دانش آموزان با اختلال های رفتاری - هیجانی و اختلال های طیف اُتیسم و مدیریت سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور را در سوابق اجرایی خود دارد.



هاجر عمل صالح (۱۳۴۲)، رشت

کارشناس ارشد روان شناسی کودکان استثنایی از دانشگاه آزاد اسلامی است. آموزگار و مشاور مرکز آموزش استثنایی ایمان تهران، متخصص تست های هوش اداره آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران، کارشناس مشکلات ویژه یادگیری سازمان کودکان استثنایی تهران، کارشناس کودکان کم توان ذهنی (پیش از دبستان)، مشاور دبستان نمونه دولتی و معاون آموزشی مرکز آموزش استثنایی ایمان تهران بوده است. عضو مؤلفان کتاب های فارسی و علوم دانش آموزان کم توان ذهنی است و در کارنامه فعالیت های پژوهشی اش بررسی کتاب های مرتبط برای معرفی در کتاب نامه رشد، ترجمه کتاب های مرتبط با کودکان بیش فعال دچار مشکلات نوشتاری، داوری جشنواره های تدریس سازمان کودکان استثنایی کشور، عضویت در گروه هنجاریایی و کسler کودکان و همکاری با مرکز روان پزشکی دکتر سهرابی را دارد. علاوه بر این، همکار دوره های آموزش ضمن خدمت و مدرس آموزش خانواده در مدرسه استثنایی و انجمن خیریه دخترانه مرزی پیام شاد و آموزش یاددهی - یادگیری مربیان است.





بیانیه گروه دآوری آموزش و پرورش کودکان استثنایی

در جشنواره امسال، ۲۵ عنوان کتاب در حوزه روان‌شناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی به مرحله نهایی راه یافتند که ۱۵ عنوان ترجمه و ۱۰ عنوان تألیف بودند. آثار راه یافته به مرحله نهایی، به ترتیب با موضوعات «اختلالات رفتاری - هیجانی» (۹ عنوان)، «اختلالات طبیعی اتیسم» (۵ عنوان)، «آسیب دیده شنوایی» (۴ عنوان)، «توان بخشی و مهارت‌های ادراکی - حرکتی»، هنردرمانی و کتاب‌های آموزشی تمرینی» (هر یک ۲ عنوان) و «گروه کم‌توان ذهنی» (۱ عنوان) بودند. مناسب و به‌روز بودن آثار ترجمه شده و کیفیت آن‌ها، بالا بودن کیفیت چاپ، توجه ویژه به اختلالات طیف اتیسم و مشکلات رفتاری - هیجانی، و کاربردی‌تر شدن آثار ارسالی به جشنواره در گروه کودکان استثنایی را از نقاط قوت کتاب‌های این دوره ذکر کرد.

نقاط ضعف

- تراکم کتاب‌های راه یافته به جشنواره در یک یا دو گروه از گروه‌های هفتگانه کودکان استثنایی؛
- نبود کتاب‌هایی در گروه‌های کودکان و دانش‌آموزان، آسیب دیده بینایی، چندمعلولیتی، مشکلات ویژه یادگیری، کم‌توان ذهنی و...؛
- ضعف محسوس آثار تألیفی نسبت به آثار ترجمه شده؛
- نبود کتاب‌های کمک‌درسی مناسب برای گروه‌های متفاوت کودکان استثنایی؛
- حضور نداشتن ناشران شناخته شده و فعال در حوزه روان‌شناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی در جشنواره؛

پیشنهادهای

- تألیف و ترجمه آثاری درخصوص بازی و تربیت‌بدنی کودکان و دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه؛
- ترغیب مؤلفان، مترجمان و ناشران به تهیه آثاری درباره کودکان و دانش‌آموزان آسیب دیده بینایی، چندمعلولیتی، مشکلات ویژه یادگیری، جسمی - حرکتی و...؛
- توجه ویژه به کتاب‌های کمک‌درسی و آموزشی خاص کودکان و دانش‌آموزان استثنایی؛
- تلاش در جهت کاهش هزینه‌های چاپ و نشر کتاب‌های کودکان استثنایی.



اقتصاد، حسابداری و بازرگانی

عادل پیغامی (۱۳۵۲)، تهران

مدرک دکترای علوم اقتصادی را از دانشگاه امام صادق(ع) گرفته است. عضو گروه تألیف کتاب درسی اقتصاد از سال ۱۳۸۰، همکار علمی پژوهشکده نوآوری و برنامه‌ریزی درسی، همکار علمی دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، عضو کارگروه علوم انسانی سند تحول بنیادین و عضو کمیسیون تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی آموزش و پرورش بوده و آثار علمی - پژوهشی متعددی دارد؛ از جمله: کتاب دو جلدی «تعلیم و تربیت اقتصادی» و «سواد مالی»، «مؤلفه‌های نرم در تلاقی اقتصاد و فرهنگ»، در جستارهای اقتصاد مقاومتی» در شش جلد، «گفتارهای عدالت اجتماعی»، «نیکوکاران نابکار» و «ثروت ملل».

در حال حاضر معاون پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع) و رئیس مرکز تحقیقات این دانشگاه است.



زنده‌یاد داوود سلطانی (۱۳۴۱)، تهران

کارشناس مدیریت صنعتی از دانشگاه آزاد اسلامی است. به‌عنوان هنرآموز به مدت سی سال در آموزش و پرورش خدمت کرده و پنج سال است که پس از بازنشستگی به تدریس اشتغال دارد. از جمله آثار وی تألیف شش عنوان کتاب با موضوع حسابداری و کاربرد رایانه است و عضویت در شورای برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های رشته حسابداری، داوری جشنواره‌های کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد در چند سال اخیر و هنرآموزان و مدیریت هنرستان از جمله فعالیت‌های اوست.

متأسفانه دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، روزهایی پس از پایان داوری گروه اقتصاد، حسابداری و بازرگانی در فقدان، این داور فرزانه، معلم پرتلاش و صديق و دوست مهربان خود، مرحوم خلد آشیان داوود سلطانی نشست که از بارزترین مصادیق آیه شریفه "عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ" بود و بر همگان معلم اخلاق؛ او که تا آخرین لحظات عمر در سنگر مقدس مدرسه به تعلیم و تربیت دانش آموزان پرداخت. یقیناً آتش یاد و خاطره این یار سفرکرده تا جاودان در دل صاحب نظران باقی خواهد ماند.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



بتول عطاران (۱۳۳۵)، تهران

دکترای اقتصاد از دانشگاه پونا در هندوستان است. از جمله سوابق خدمت وی در آموزش و پرورش و مراکز آموزش عالی می‌توان تدریس در مراکز تربیت معلم، آموزشکده فنی و حرفه‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه علامه طباطبائی، و همکاری با دفتر تألیف آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی را نام برد. وی عضویت در کمیسیون برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی گروه حسابداری و بازرگانی و سردبیری مجله رشد آموزش فنی و حرفه‌ای را در سوابق اجرایی خود دارد.





بیانیه گروه داوری اقتصاد، حسابداری و بازرگانی

عرصه اقتصاد، حسابداری و بازرگانی نقش بی‌بدیلی در بهبود اقتصاد کلان، توسعه و پیشرفت ملی و ارتقای اقتصاد در سطح بنگاه‌ها و خانواده‌ها ایفا می‌کند. از این‌رو، توجه به حوزه تعلیم و تربیت و همچنین حوزه نشر و اشاعه دانش و اطلاعات ناظر بر این عرصه از اهمیت بسزایی برخوردار است. در پانزدهمین دوره جشنواره کتاب رشد، در گروه حسابداری، بازرگانی و اقتصاد، متأسفانه تعداد کتاب‌های رسیده مورد تأیید بسیار کم بود. این امر امکان انتخاب کتاب‌های برتر و شایسته را با محدودیت مواجه ساخت. همچنین، بیشتر کتاب‌های تأیید شده از جنس کتاب‌های دانشگاهی بودند. طبعاً محتوای کتاب‌های کمک‌درسی، دانش‌افزایی و فعالیت باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموختگان را با فناوری روز رشته‌ها آشنا و به مهارت‌های لازم برای جذب در بازار کار نائل کند. همچنین، آنان را قادر سازد در فرایند آموزش مادام‌العمر، دانش و مهارت کسب شده خود را منطبق بر تغییرات فناوری در مجموعه مشاغل مشابه ارتقا دهند و به‌روز کنند.

هیئت داوران، نوآوری در محتوا و موضوعات، پاسخ‌گویی به نیاز مخاطبان، وسعت عرصه مخاطبان و توجه به ارزش‌های اسلامی را از جمله نقاط قوت کتاب‌های این دوره اعلام می‌دارد. در عین حال، قدیمی بودن برخی از منابع و محتواها، دانشگاهی بودن و تناسب نداشتن با مخاطب تعلیم و تربیت، و در مواردی تأکید بیش از حد بر بازار، نبود کتاب‌های کمک‌آموزشی به معنای واقعی و حضور کتاب‌های «حل المسائل» را در فهرست، از نقاط ضعف نشر کتاب‌های آموزشی و تربیتی معرفی می‌کند.

نقاط ضعف کتاب‌های این گروه را می‌توان چنین برشمرد:

۱. بازار هدف ناشران، محدوده سنی ۱۲ تا ۱۸ سال را که هدف اصلی این جشنواره است، پوشش نمی‌دهد.
۲. هدف اصلی ناشران پوشش دوره‌های تحصیلی دانشگاهی یا ورود به دانشگاه است که این موضوع در محدوده کتاب‌های دانش‌افزایی دانش‌آموزان، مدیران و معلمان قرار نمی‌گیرد.
۳. ناشران محترم با فرایند برنامه درسی، تولید کتاب‌های درسی و کمک‌درسی مؤثر، و اهداف کتاب‌های آموزش و مهارتی چندان آشنا نیستند و کماکان بر حوزه دانشی تأکید می‌ورزند.
۴. متأسفانه بازار نشر به تولید کتاب‌های بازاری پسند می‌پردازد؛ از جمله کتاب‌های نکته و حل المسائل. در حالی که این‌گونه کتاب‌ها تفکر و خلاقیت متربی را ضعیف می‌کنند و در نهایت از بین می‌برند.
۵. به نظر می‌رسد، اغلب کتاب‌های موجود در بازار نشر، به‌خصوص در زمینه‌های حسابداری و بازرگانی و اقتصاد هدف متناسب با نهادهای تعلیم و تربیت ندارند و عمدتاً محتوای گردآوری شده و ترجمه‌ای دارند.

به باور اعضای این گروه داوری، استفاده از فناوری‌های نوین در حوزه نشر و اشاعه دانش، متناسب با نیازهای مخاطبان حوزه تعلیم و تربیت، در کارآمدی حوزه نشر و ایفای مسئولیت‌های فرهنگی و اجتماعی آن نقش مؤثری خواهد داشت. ضمن اینکه با کاهش هزینه‌های نشر و نزدیک شدن به اقتصاد خانوارها، تعداد متقاضیان کتاب‌ها افزایش و در نتیجه بازار نشر رونق خواهند داشت. مؤلفان و ناشران با عنایت بیشتر به اسناد بالادستی آموزش و پرورش می‌توانند فضایی آکنده از تعامل دوسویه را برای ارتقای حوزه علمی و فرهنگی کشور و رونق حوزه نشر رقم بزنند.



بازی و سرگرمی

کبری مالمیر (۱۳۴۸)، آبادان

کارشناس ارشد علوم و تحقیقات و کارشناس بازیگری و کارگردانی و عضو گروه پیش‌دبستانی «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی» با حدود ۲۰ سال سابقه خدمت فرهنگی. ایشان که در تدوین برنامه درسی پیش‌دبستان و تولید شش حلقه فیلم آموزشی مشارکت داشته، مجری کارگاه‌های استانی برای مربیان پیش‌دبستانی و کارگاه‌های مهارت‌های زندگی و اختلالات یادگیری و تدریس «نمایش خلاق و بازی برای کودکان» را از سال ۱۳۷۷ آغاز کرده است.



علیرضا باقری جلی (۱۳۵۱)، تهران

دانش‌آموخته مترجمی زبان انگلیسی از دانشگاه علامه طباطبائی تهران است. به مدت دو سال و نیم در مدارس تدریس کرده و در حال حاضر کتابدار دبستان «صلحا» منطقه ۴ است. در آموزشگاه‌های زبان انگلیسی نیز به‌صورت ترمیک به گروه سنی کودک و نوجوان تدریس کرده است. ترجمه هفت جلد کتاب کودک و نوجوان (علمی، داستان و سرگرمی)، داستان، شعر، مطالب علمی، و ترجمه و تألیف مطالب سرگرمی برای مجلات کودک و نوجوان (کیهان بچه‌ها، رشد دانش‌آموز، رشد نوجوان، دوچرخه و همشهری) از فعالیت‌های ایشان است. وی در ویرایش شش فرهنگ‌نامه همت گمارد که فرهنگ‌نامه دوجلدی «کلید دانش»، و فرهنگ‌نامه‌های «نوآور» و «ورزش» از جمله آن‌ها هستند. عضویت در شورای سردبیری رشد دانش‌آموز (در سال تحصیلی ۸۳ - ۸۴) و همکاری با انتشارات به‌نشر به مدت سه سال نیز از سوابق اجرایی او هستند.



طاهره خردور (۱۳۴۴)، تهران

دانش‌آموخته علوم تربیتی، ۱۴ سال سابقه تدریس در دوره ابتدایی، سرگروه گروه‌های آموزشی پایه چهارم اداره کل شهر تهران به مدت سه سال، نویسنده کتاب کودک و مدیر داخلی مجله «رشد کودک» با بیش از ۲۰ سال سابقه خدمت ادبی و مطبوعاتی. ایشان علاوه بر تألیف کتاب کار برای درس‌های فارسی، ریاضی و علوم دوره ابتدایی، بیش از ۵۰ عنوان کتاب دارد که از جمله آن‌هاست: «یه برکه یه ماهی» و «قصه میوه‌ها».





بیانیه گروه داوری بازی و سرگرمی

هر فعالیتی که کودک از روی میل و رغبت و شور و اشتیاق انجام دهد، بازی نامیده می‌شود. بازی بخشی از زندگی کودکان را تشکیل می‌دهد. آن‌ها از طریق بازی رفتارهای جدید می‌آموزند و فرصت شناخت دنیای پیرامونشان را کسب می‌کنند. بازی همچنین مهم‌ترین راه برای بیان احساسات و عواطف است. آن‌ها ضمن بازی با اطرافیان خود ارتباط برقرار می‌کنند. بسیاری از بازی‌هایی که کودکان در طول رشد انجام می‌دهند، تأثیر زیادی بر تجارب بزرگ‌سالی آن‌ها می‌گذارد. بازی می‌تواند شخصیت کودکان را بسازد و روح انسان‌دوستی، مشارکت و همکاری را در آن‌ها به وجود آورد.

در این دوره از جشنواره، داوران از میان ۱۱ عنوان کتاب بازی و سرگرمی رسیده به گروه، هیچ کتابی را نامزد دریافت جایزه معرفی نکردند. متأسفانه در این دوره نیز سهم کتاب‌های بازی و سرگرمی راه یافته به مرحله داوری کم بود.

- در بیشتر آثار مقدمه یا پیش‌گفتار روشن و مناسبی که درک درستی از محتوای کتاب را شامل شود، وجود نداشت یا اینکه در تعریف‌ها عبارتی کلیدی وجود نداشتند.

- تعدادی از بازی‌ها که از متون خارجی ترجمه شده بودند، برای کودکان ایرانی متناسب‌سازی نشده بودند و با فرهنگ جامعه ایرانی مغایرت داشتند.

- تصویرگری برخی کتاب‌ها با ارزش‌های فرهنگی و بومی متناسب نبودند.

- برخی از آثار ترجمه‌های روان نداشتند و برخی دیگر ویرایش نشده بودند.

- شرح بعضی بازی‌ها برای اجراکننده آن‌ها نامفهوم بود.

- بسیاری از بازی‌ها با گروه سنی مخاطبان‌شان تناسب نداشتند.

- در تعدادی از آثار فهرست منابع و مآخذ وجود نداشت. در حالی که اثر از روی منابع خارجی کپی شده بود، نامی از منابع نیامده بود.

پیشنهادهای

- توجه بیشتر مؤلفان و ناشران به تألیف کتاب‌های بازی و سرگرمی؛

- اهتمام به چاپ و انتشار کتاب‌های بازی و سرگرمی ترجمه‌ای که بومی‌سازی شده باشند؛

- توجه به ذکر منابع استفاده شده از آثار.



تعلیم و تربیت دینی

سید محمد دلبری (۱۳۵۴)، سبزوار

دکترای الهیات (علوم قرآن و حدیث) است. آموزگار و دبیر مدارس، رئیس گروه «قرآن و معارف دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی» و حدود ۲۶ سال در آموزش و پرورش بوده است. از مؤلفان «کتاب دین و زندگی ۳» بوده و خود کتابی تحلیلی در مورد «داستان زندگی حضرت ابراهیم» با رویکرد تربیتی قرآن دارد.



فاطمه رضائی (۱۳۴۴)، تهران

دکترای تعلیم و تربیت اسلامی دارد. سی سال در همه دوره‌های تحصیلی در آموزش و پرورش خدمت کرده است. با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان برنامه و بودجه، و سازمان صداوسیما نیز همکاری کرده است. از جمله آن‌ها می‌توان به تدریس، عضویت در شورای برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، مشارکت در ساخت فیلم و نرم‌افزار چند رسانه‌ای آموزشی (ویژه معلمان ابتدایی)، عضویت در گروه داوران جشنواره کتاب رشد و جشنواره تصویرگری کتاب‌های درسی و معاونت برنامه‌ریزی دوره ابتدایی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی اشاره کرد. از جمله مقاله‌های وی «آموزش اخلاق در برنامه جدید تعلیم و تربیت دینی دوره ابتدایی هدیه‌های آسمان»، رویکرد نوین تعلیم و تربیت دینی دوره ابتدایی و دیدگاه برنامه جدید تعلیم و تربیت دینی دوره ابتدایی در مورد یادگیری هستند.



باسین شکرانی (۱۳۶۰)، سنقر

دانشجوی دکترای فلسفه اسلامی دانشگاه قم است. عضویت در شورای برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های هدیه‌های آسمان، پیام‌های آسمان و دین و زندگی از سال ۱۳۸۸ تاکنون از سوابق خدمت وی در آموزش و پرورش است. از مؤلفان کتاب‌های «ملاصدرا»، «ارزش دانش»، «آفاق تمدنی انقلاب اسلامی» و «زندگی و ابعاد شخصیت امام صادق (ع)» است. از دیگر آثار او تألیف کتاب‌های درسی «هدیه‌های آسمان» پایه ششم، «پیام‌های آسمان» پایه نهم و «دین و زندگی» پایه دهم و یازدهم است و کتاب دین رشد، نوشته یوحنا قمیر را ترجمه کرده است.





بیانیه گروه داوری تعلیم و تربیت دینی

تعلیم و تربیت دینی به معنای عمیق و گسترده آن، مهم‌ترین هدف نظام اسلامی و به‌طور اخص نظام آموزشی رسمی و غیررسمی کشور اسلامی است. بر همین اساس، کتاب‌های آموزشی، کمک‌آموزشی و کمک‌درسی باید بستری برای تقویت اندیشه، ایمان و عمل دینی و برنامه‌ریزی برای دستیابی به معرفت نسبت به برنامه جامع تربیتی اسلام را فراهم کنند تا مخاطبان این توانایی را به دست آورند که در زندگی فردی و اجتماعی خود، خدا را محور قرار دهند، به شکل فعال در جامعه اسلامی حضور یابند، آن را به سوی آرمان‌های اسلامی سوق دهند و در برابر آسیب‌های اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی ایستادگی کنند.

با وجود تلاش‌های سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، آنچه در این دوره از داوری جشنواره کتاب رشد در حوزه تعلیم و تربیت دینی شاهد هستیم، تکرار ملال‌آور اشکالاتی است که در دوره‌های قبل وجود داشتند که در رأس آن‌ها، کم بودن تعداد آثاری است که به جشنواره ارسال شده‌اند. این در حالی است که هر ساله در این حوزه، تولیدات بسیار زیادی وارد بازار نشر می‌شوند، اما فرایند مناسبی برای شناسایی این آثار و هدایت آن‌ها به سوی جشنواره وجود ندارد. از این رو، بسیاری از ناشران و مؤلفان اساساً از این جشنواره اطلاعی ندارند و در صورت اطلاع هم احتمالاً انگیزه‌ای برای شرکت در آن ندارند. اشکال مهم دیگر آثار ارسالی این است که آثار، در حالی که باید علاوه بر اتقان علمی و تناسب با نیازهای مخاطبان و ویژگی‌های انحصاری آنان، با کتاب‌های درسی متناسب و در خدمت توسعه، تثبیت و تعمیق مفاهیم آن‌ها باشند و با استفاده از شیوه‌های جدید در ارائه محتوا، به تمام حیطه‌های مورد نیاز از جمله کتاب‌های مرجع، ارزشیابی، کمک‌درسی و کمک‌آموزشی توجه کنند، صرفاً براساس سلیقه شخصی مؤلفان نوشته می‌شود و هیچ برنامه‌ای نیز برای هدایت آن‌ها به سمت اهداف برنامه درسی وجود ندارد.

در عین حال، در این جشنواره شاهد آثار بسیار خوبی نیز بودیم. این آثار از ویژگی‌هایی نظیر حرکت برای مفهوم‌سازی در ذهن مخاطب، انطباق با زندگی روزمره، بهره‌گیری از عنوان‌ها و گزاره‌هایی گویا، تعاملی بودن و کاربردی بودن برخوردار بودند. امید است با همت دست‌اندرکاران این جشنواره، در آینده نه‌چندان دور شاهد رونق کتاب‌های شایسته‌تر در این حوزه باشیم.



تفکر و پژوهش

میترا دانشور (۱۳۴۲)، تهران

دکترای برنامه‌ریزی آموزشی از راه دور دارد و دارای ۳۳ سال سابقه تدریس، تحقیق، برنامه‌ریزی و تألیف، رئیس گروه تفکر و پژوهش و آداب و مهارت‌های زندگی دفتر تألیف کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و متوسطه نظری است و تجربه تولید حدود ۱۶ عنوان برنامه و کتاب درسی، مدیریت یا مشارکت در انجام بیش از ۳۰ پروژه پژوهشی، نظارت بر انجام ۱۱ پروژه تألیف و پژوهش و نگارش بیش از ۲۵ مقاله علمی و پژوهشی را در کارنامه سوابق علمی - پژوهشی و مروری خود دارد.



محمد حسن حسینی (۱۳۴۸)، تهران

مهندس متالوژی از دانشگاه شهید باهنر کرمان است. از سوابق علمی او می‌توان مدیریت دانش و توسعه یادگیری، مدیریت گروه استان در گروه پژوهشی آسمان دانشگاه صنعتی شریف، تحقیق و مربیگری دوره‌های تفکر و یادگیری برای بچه‌ها، دبیری علمی مجموعه ده جلدی قصه‌های تفکر برای کودکان انتشارات مدرسه، مشاوره علمی قصه‌های تفکر و یادگیری و نشر قصه‌های فکری در مجله رشد کودک را نام برد.



احمد غلامحسینی (۱۳۳۷)، تهران

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی از دانشگاه تربیت‌معلم است. از جمله سوابق خدمت وی در آموزش و پرورش می‌توان به تدریس در تمام دوره‌های تحصیلی و مراکز تربیت‌معلم، راهنمای تعلیماتی دوره ابتدایی و مدیریت مدرسه راهنمایی، کارشناس گروه ابتدایی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف، کارشناس مسئول گروه تربیت‌معلم و کارشناس پاره‌وقت گروه تفکر و پژوهش اشاره کرد.

علاوه بر این، هدایت و مشارکت برنامه‌های درسی دوره‌های کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد تربیت‌معلم، همکاری در تألیف کتاب‌های درسی تفکر و پژوهش، تفکر و سبک زندگی هفتم و هشتم، همکاری در تولید برنامه درسی ملی کمیسیون محتوا، نظارت بر تولید راهنمای معلم کتاب‌های درسی ریاضی و علوم تجربی و همکاری در تألیف کتاب راهنمای معلم و تفکر و پژوهش، تفکر و سبک زندگی دوره‌های هفتم و هشتم را در سوابق علمی - پژوهشی خود دارد. از وی تاکنون مقاله‌هایی در مجله جوانه به چاپ رسیده است.





بیانیه گروه داوری تفکر و پژوهش

برای اینکه کودکان و نوجوانان خوب تربیت شوند و در زندگی خود و دیگران افراد مفید و مؤثری باشند، باید به تفکر منطقی، خلاق، نقاد، سیستمی و بینش علمی مجهز شوند. این مهم تنها در سایه انتقال اطلاعات به ذهن آنان اتفاق نمی‌افتد، بلکه حاصل روش‌هایی است که طی آن کودکان گفتمان، پرسشگری، فکر کردن و یادگیری را نیز تجربه می‌کنند و در حل مسائل زندگی به کار می‌برند. تولید کتاب‌های کمک‌آموزشی و تربیتی، فرصتی برای پاسخ‌گویی به این نیاز جامعه است. برگزاری جشنواره کتاب رشد فرصتی است ارزشمند برای شناسایی و معرفی تولیدات فاخر، و هدایت مؤلفان و ناشران علاقه‌مند به حوزه پرورش تفکر.

در این دوره از جشنواره، گروه داوری تفکر و پژوهش ۱۵ عنوان کتاب را بررسی کردند. چهار عنوان کتاب‌ها به دانش‌افزایی مربیان، نه عنوان به کتاب راهنمای معلم و مربی برای پرورش تفکر و دو عنوان به معرفی یکی از ابزارهای تفکر برای عموم اختصاص داشتند. به منظور افزایش اعتبار نتایج داوری، سه داو، به‌طور جداگانه کلیه کتاب‌ها را براساس معیارهای مورد نظر ارزیابی کردند. در جلسه نهایی، کتاب‌های برگزیده براساس میانگین نظرات و اجماع داوران، از منظر قابلیت کتاب در ایجاد موقعیت‌های یادگیری مؤثر، تعیین و به دبیرخانه جشنواره معرفی شدند.

از نکات قابل توجه در کتاب‌های این دوره، توجه بیشتر به «طراحی موقعیت‌های مؤثر پرورش تفکر» و «تولید محتوای کاربردی» و «ارائه راهکارهایی به مربیان و معلمان» است.

کم‌توجهی به پرورش تفکر خلاق و نظام‌دار، نبود تمرکز بر مسائل زندگی واقعی کودکان و نوجوانان، و کم‌توجهی به تولید کتاب برای نیازها و سطوح سنی متفاوت دانش‌آموزان و اولیا، از نقاط ضعف کتاب‌های این دوره بوده است.

در نهایت، راهکارهای اجرایی زیر به تولیدکنندگان پیشنهاد می‌شوند:

- تولید محتوای مناسب برای تبیین مبانی نظری برنامه پرورش تفکر در دوره‌ها و گروه‌های متفاوت سنی، به دور از پیچیدگی و اطناب ملال‌آور یا ایجاز مخمل؛
- تولید کتاب‌هایی برای پرورش تفکر خلاق، تفکر سیستمی، سواد اطلاعاتی و سواد رسانه‌ای؛
- توجه بیشتر به تولید محتوای داخلی به جای ترجمه؛
- توجه به اصل تنوع در طراحی موقعیت‌های مؤثر یادگیری، با استفاده از مسائل زندگی واقعی کودکان و نوجوانان ایرانی؛
- توجه به مؤلفه‌های ایجاد نشاط و سرزندگی در طراحی فعالیت‌ها؛
- توجه بیشتر به اصول زیبایی‌شناسی و تصویرگری کتاب‌ها (متناسب با ارزش‌های فرهنگی و بومی)؛
- توجه ویژه به تصویرگری و کیفیت جلد کتاب‌ها؛
- ذکر منابع و مآخذ، و آوردن واژه‌نامه‌ها و نمایه در کتاب‌ها، با رعایت اصول و استانداردهای لازم.



چند موضوعی

سپیده چمن‌آرا (۱۳۵۰)

دانشجوی دکتری ریاضی با گرایش آموزش ریاضی است. از جمله سوابق خدمت او عبارت‌اند از: دبیری ریاضی دبیرستان‌های تهران، مسئول گروه ریاضی دوره‌های ابتدایی و متوسطه ۱، مدرس دوره‌های ضمن خدمت، سردبیری «رشد آموزش ریاضی برهان متوسطه ۱».

وی بیش از ۲۶ سال سابقه خدمت در عرصه آموزش ریاضی دارد و آثاری از جمله کتاب درسی «هندسه تحلیلی و جبر خطی» تألیف کرده و مقالاتی نیز در کنفرانس‌های «آموزش ریاضی ایران» و «روانشناسی آموزش ریاضی ایران» ارائه داده است.



تسرین قلی‌زاده (۱۳۴۱) شمیران

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی است. از سوابق خدمت او در آموزش و پرورش می‌توان سرگروه آموزش ابتدایی در منطقه و وزارت آموزش و پرورش، مدرس کشوری کتاب‌های فارسی جدیدالتألیف و مدرس کشوری ریاضی پایه‌های ابتدایی - گروه ارزشیابی توصیفی اشاره کرد. در سوابق علمی و پژوهشی وی می‌توان به تألیف ۵۰ عنوان کتاب با موضوع‌های کمک‌درسی و کمک‌آموزشی و کتاب‌های ریاضی راهنمای والدین در سال‌های اول تا سوم ابتدایی اشاره کرد.



سعید کفایتی (۱۳۴۸)، تهران

کارشناس ارشد آموزش زبان آلمانی و کارشناس آموزش ابتدایی است. در دوره‌های متفاوت تحصیلی تا دانشگاه و آموزش ضمن خدمت معلمان سابقه تدریس دارد. در مدارس از جمله مجتمع بین‌الملل، مدرسه کره‌ای‌ها و مدارس شهر باکو کار کرده و در آلمان نیز دوره آموزش خلاق را طی کرده است. ضمن همکاری با مجلات رشد (از سال ۱۳۷۹)، در تألیف کتاب‌های درسی همکاری دارد و خود نیز مؤلف چند جلد کتاب کمک‌درسی است.

علاوه بر این، در یک مجموعه تلویزیونی به‌عنوان محقق و در بخش راهنمایی و رانندگی کشور به‌عنوان مشاور حضور داشته است.





بیانیه گروه داوری چند موضوعی

کتاب‌های کمک‌آموزشی چندموضوعی بستر مناسبی برای تألیف نوآورانه و بکر آموزشی هستند؛ و این موقعیت در کتاب‌هایی که جدا از هم تألیف و منتشر می‌شوند، وجود ندارد. در رویکردها و نگاه‌های جدید آموزشی به مهارت‌های مختلف در کنار یکدیگر توجه می‌کنند و بر تلفیق موضوعات و مهارت‌های حوزه‌های گوناگون با یکدیگر تأکید می‌شود همان‌طور که این امر در برنامه درسی ملی نیز قرار گرفته است. در کتاب‌های چندموضوعی به خوبی می‌توان فعالیت‌های آموزشی مناسب و غنی را که با نگاه تلفیقی تدوین و تألیف شده باشند، مطرح کرد.

متأسفانه در حال حاضر چنین نگاهی در تألیفات این گروه به چشم نمی‌خورد و از بازار نشر این کتاب‌ها، تنها هشت کتاب به مرحله داوری پانزدهمین جشنواره کتاب رشد راه یافتند. این محدودیت تعداد نشان می‌دهد کتاب‌های منتشر شده در این حوزه، غالباً برای استفاده دانش‌آموزان و معلمان مناسب نیستند. در میان هشت کتاب حاضر نیز، با وجود برخی جنبه‌های نسبتاً مثبت و امیدوارکننده، نقاط ضعف قابل تأملی به چشم می‌خورد.

درواقع، بیشتر این کتاب‌ها چند کتاب کاملاً مجزا هستند که در یک مجلد به یکدیگر ملحق شده‌اند. به همین دلیل، برای کاستن از حجم کتاب، مطالب آموزشی به شکل مناسب و کامل نوشته نشده و در نتیجه نیازهای واقعی دانش‌آموزان و معلمان پاسخ نگرفته‌اند. در اغلب آن‌ها به سؤالات کتاب‌های درسی پاسخ داده شده است. به عبارت دیگر، کتاب‌های حل المسائل قدیم شکل جدیدی به خود گرفته‌اند؛ رویکردی که با تأکید روحیه جست‌وجوگری در برنامه درسی منافات دارد. حجیم بودن، ضعف گرافیکی، تکرار عبارات، محتوای غیرتخصصی، اشکالات علمی و آموزشی، فقدان روش‌های آموزش نوین یا درس‌نامه‌هایی با ایده‌های جدید و متناسب با برنامه درسی ملی و کتاب‌های درسی، از دیگر نقاط ضعف بارز کتاب‌های موجود هستند.

با این حال به نظر می‌رسد نویسندگان و ناشران برای دستیابی به یکی از اهداف مهم تولیدات آموزشی، یعنی علاقه‌مندتر کردن دانش‌آموزان به شیوه‌های متفاوت، تلاش‌هایی کرده‌اند، ولی متأسفانه این تلاش‌ها چندان موفق نبوده‌اند. همچنین، در بعضی از این منابع ایده‌هایی برای کمک به معلمان در تدریس به چشم می‌خورند که به کیفیت بهتر نیاز دارند.

گروه داوری کتاب‌های چندموضوعی، برای بهبود کیفیت کتاب‌های این حوزه، پیشنهاد می‌دهد به ویرایش علمی محتوا، گرافیک کار، نمونه‌خوانی محتوا و اصلاح اشکالات ناشی از امور فنی در تولیدات توجه کافی شود. همچنین، ناشران و مؤلفان برای کتاب‌های خود هدف آموزشی مشخصی هم‌سو با برنامه درسی ملی تعیین کنند و ناشران، تألیفات مؤلفان غیرمتخصص را چاپ نکنند. در خاتمه، مجدداً تأکید می‌کنیم، شایسته است در کتاب‌های چندموضوعی، به جای کنار هم چسبانیدن چند کتاب مجزا، به رویکردهای تلفیقی و کاربردی توجه شود.



داستان آموزش ابتدایی

ناصر نادری، (۱۳۴۶)، تهران

کارشناس ارشد فلسفه و حکمت اسلامی است. تاکنون به مدت ۳۳ سال به عنوان معلم، مربی، کارشناس، مدیر واحد کتاب و معاون مجلات رشد به آموزش و پرورش خدمت کرده است. بعضی سوابق علمی پژوهشی او عبارتند از: دبیری و داوری جشنواره‌های ملی (شهید حبیب غنی‌پور، کانون پرورش فکری، کتاب سال و رضوی)، عضویت در شورای نویسندگان مسجد جوادالائمه (ع)، انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، انجمن قلم ایران، همکاری با مطبوعات (از سال ۵۹ تاکنون)، سردبیری مجلات رشد جوان، سال‌نامه رشد و عضویت در شورای سردبیری مجلات دانش‌آموزی رشد. بعضی سوابق اجرایی وی نیز عبارتند از: معاونت مجلات رشد، مدیریت کتاب رشد، مشاوره طرح‌های فرهنگی - ادبی یا برخی ناشران معتبر، مدیریت هماهنگی گروه‌های تولید محتوای انتشارات مدرسه و دبیری گروه معارف و قرآن و انتشارات مدرسه.



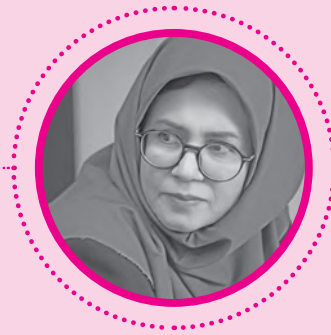
جعفر توزنده جانی (۱۳۴۱)

دانش‌آموخته رشته اتوماتیک هنرستان اقبال لاهوری کرمان (۱۳۶۰) و عضو هیئت مدیره انجمن نویسندگان کودک و نوجوان است. وی به مدت هفت سال با مجلات رشد همکاری کرده است. از این نویسنده داستان‌های کودک و نوجوان تاکنون کتاب‌های داستان مقدماتی از جمله «میهمانی دیوها»، «کرمی که هیولا شد»، «افسون زنگ»، و «بهشت گمشده بابام» به چاپ رسیده‌اند.



مرجان فولادوند

دکترای ادبیات دارد و نویسنده و پژوهشگر است. طراح و سردبیر مجله همشهری بچه‌ها به مدت چهار سال بوده و هشت کتاب در رده سنی کودکان و نوجوانان از او به چاپ رسیده است. دو مجموعه داستان نیز برای بزرگسالان تولید کرده و چندین مقاله و مصاحبه در موضوعات تخصصی ادبیات داشته است. ترجمه کتاب‌های طوطی و بازرگان وی در فهرست برگزیدگان کتابخانه بین‌المللی کودک مونیخ قرار گرفته و از چندین جشنواره کشوری نیز جایزه دریافت نموده است. از سوابق اجرایی ایشان داوری کتاب سال دفاع مقدس در بخش زندگی‌نامه داستانی (سال ۸۶)، سرداوری جشنواره ربع قرن دفاع مقدس در بخش خاطرات (سال ۸۷)، داوری جشنواره کتاب رشد بخش کودک و نوجوان (سال ۹۴) و داوری و سرداوری سه دوره جشنواره کتاب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان است.





بیانیه گروه داوری داستان - آموزش ابتدایی

داستان همزاد آدمی است و میل به نقل رخدادهای زندگی، چه تلخ و چه شیرین، همواره در او تجلی کرده است. با وجود تحولات فناورانه، انسان امروز همچنان به داستان نیاز دارد و علاوه بر دغدغه بیان دیدگاه و رهیافت‌های خود از هستی و زندگی، در التذاذ زبانی و لذت‌های خیالی، به غنای وجود خود افزوده است.

داستان از بهترین و شیواترین شیوه‌های بیانی است و در مسیر پویایی زندگی انسان، در لطایف عاطفی و احساس و ظرایف ذهنی و اندیشه‌ای، عنصری تأمل‌آفرین محسوب می‌شود. ارسال ۸۷۹ اثر از مجموع ۶۷ ناشر در بخش ادبیات داستانی کودک در سال ۱۳۹۵ به جشنواره کتاب رشد، گویای توجه جدی ناشران و پدیدآورندگان، به این گونه ادبی جذاب است. البته در این میان برخی ناشران با نگاه تخصصی و اصلاح ساختار خود و تشکیل شورای کارشناسی داستان در انتخاب موضوع (سوژه)، تولید آثار ارزشمند ادبی و رعایت بخش‌های ادبی و تکنیک‌های داستان‌نویسی، درون‌مایه‌های تأمل‌آفرین، اصول کتاب‌سازی خلاق و جذاب، حساسیت‌های پرورشی و زبانی، موفق‌تر بوده‌اند.

نقاط قوت

- ورود نویسندگان و مترجمان جدید و خلق فضای نو
- توجه به اصول کتاب‌سازی حرفه‌ای (کاغذ سبک و تصویرسازی)
- توجه به موضوعات خاص و غیربازاری در بخش ترجمه بین ناشران خصوصی
- توجه ویژه به «رمان کودک»

نقاط قوت

- ضعف ساختاری و قصه‌پردازی در برخی آثار تألیفی
- غلبه آثار فانتزی نسبت به آثار واقع‌گرایانه (رئالیستی) و بیگانگی با مسائل کودکان امروز جامعه
- ضعف زبان و فارسی‌نویسی در آثار و بیگانگی با ادبیات کهن فارسی
- ضعف کتاب‌سازی و نبود خلاقیت در شکل ارائه محتوا و چاپ
- توجه نشدن به کودکان دارای نیازهای خاص
- بی‌توجهی به دنیای کودکان در فضای مدارس
- ضعف و پرورش و توجه نکردن به نقش ویرایش در فرایند کتاب‌سازی

پیشنهادهای

- تشکیل شورای تخصصی داستان در ساختار تشکیلاتی ناشران
- توجه به ویرایش و استفاده از ویرایش روان حرفه‌ای
- توجه پدیدآورندگان به ذخایر ارزشمند ادبیات کهن فارسی
- توجه به نیازسنجی از مخاطبان (کودکان) و پرداختن به دغدغه‌های امروزی آنان
- با امید و آرزوی روزهای بهتر برای ادبیات داستانی در ایران و رونق و ترویج فرهنگ مطالعه در بین کودکان



داستان آموزش متوسطه

حبیب یوسفزاده (۱۳۴۴)، تهران

کارشناس ارشد مترجمی زبان انگلیسی و ناظر محتوایی مجلات رشد است. سال‌ها مدیر داخلی مجله «رشد نوجوان» پس از آن سردبیر آن مجله و سپس سردبیر مجله رشد معلم بوده است. جشنواره‌های متعدد فرهنگی، از جمله «جشنواره انتخاب کتاب سال شهید حبیب غنی‌پور» را داوری کرده است. از جمله تألیفات او می‌توان به زندگی‌نامه تنی چند از بزرگان از جمله «علی‌اکبر صنعتی» و «شهید باکری» اشاره کرد. آثار معروفی از جمله رمان «بی‌خانمان» اثر هکتور مالو را نیز ترجمه کرده است. در چهار دوره برگزیده جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان سال (۷۷ - ۸۹ - ۹۱ - ۹۳) در رشته گزارش نویسی و در یک دوره برگزیده «جشنواره کتاب معلمان مؤلف» سال ۱۳۸۱ بوده است.



محمد مهدوی شجاعی (۱۳۴۳)، سلماس

کارشناس علوم تربیتی است و به‌عنوان دبیر زبان و ادبیات فارسی دوره متوسطه ۳۳ سال سابقه تدریس دارد. مسئول بخش داستان کیهان بچه‌ها و مدرس کلاس‌های داستان‌نویسی است. وی داوری چند دوره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد را بر عهده داشته است.



محمدعلی قربانی (۱۳۵۰)، شهریار

کارشناس ارشد مترجمی زبان انگلیسی از شهرضا است. از جمله سوابق خدمت وی در آموزش و پرورش می‌توان به «سردبیری مجله رشد جوان» و «عضویت شورای کارشناسی مجله رشد نوجوان، رشد معلم و رشد برهان متوسطه، و دبیری طرح «دیجیتال کردن نشریات رشد» اشاره کرد.

برگزیده مسابقه بهترین مترجم کشور توسط دفتر مطالعات ادبیات داستانی و برنده جایزه بهترین تیتیر در جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان در سال ۹۴ است. داوری پنج دوره جشنواره کتاب نماز، شش دوره جشنواره شهید غنی‌پور، پنج دوره جشنواره بنیاد حفظ آثار و یک دوره جشنواره یوسف را در کارنامه سوابق علمی - پژوهشی خود دارد. از مهم‌ترین تألیفات او «معلم روشنیایی، ۳۸ خطای رایج داستان‌نویسان، آخرین رویای یوسف و سردار خطیب» را می‌توان نام برد. از سوابق اجرایی او مدیریت روابط عمومی شرکت سداد ماشین (۱۰ سال)، کارشناس داستان انتشارات مدرسه، کارشناس انتشارات بنیاد شهید به مدت پنج سال و مدیریت پروژه پایش آثار داستانی بنیاد ادبیات داستانی است.





بیانیه گروه داوری داستان آموزش متوسطه

در دنیای امروز صاحب‌نظران هر روز بیش از پیش در این باور راسخ‌تر می‌شوند که قصه و داستان می‌تواند احساسات و عواطف مخاطبان را جهت دهد.

داستان‌های خوب می‌توانند برای مخاطب و بویژه کودکان نقش «شبه‌ساز زندگی» را ایفا کنند. نکته مهم این است که تأثیر داستان بر مخاطب از خردسالی به بزرگسالی رفته‌رفته کمتر می‌شود و طلایی‌ترین فرصت تأثیرگذاری، دوران خردسالی است. سوءتغذیه فرهنگی که امروز از آن می‌نالیم، تا حد زیادی سر از جاده‌های پریپیچ و خم زندگی درمی‌آوریم و بیشتر از آنکه به مقصد برسیم، خبرساز می‌شویم!

خلاصه اینکه، یک ملت با هویت تا زمانی به حیات خود ادامه می‌دهد که بتواند ارزش‌های متعالی خود را در فرزندانش تداوم ببخشد و برای چنین استمراری هیچ چیز با داستان‌های شورانگیز که بر روح و جان مخاطب رسوخ نماید، برابری نمی‌کند. در این گروه تعداد ۵۴ عنوان آثار داستانی اعم از تألیف و ترجمه و بزرگسال و نوجوان مورد بررسی قرار گرفتند. لازم به ذکر است که آثار داستانی رسیده به دفتر سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی طی ماه‌های گذشته توسط کارشناسان این دفتر ارزیابی شده بودند و این ۵۴ عنوان در واقع آثار دارای حدنصاب کیفی برای ورود به چرخه داوری بوده‌اند. این گروه بعد از بررسی اولیه و کنار گذاشتن آثاری که در سال‌های گذشته چاپ شده بودند و برخی ناشران در چاپ‌های جدید به عنوان «چاپ نخست» معرفی کرده بودند، با توجه به معیارهای مندرج در فرم داوری، تعداد هشت کتاب را قابل بررسی در دور نهایی دانست و از میان آنان چهار اثر را به عنوان نامزد دریافت جایزه معرفی نمود.

۱. متأسفانه غلبه آثار ترجمه بویژه در بخش نوجوان نگران کننده است. به‌طوری که قریب به ۷۵٪ آثار را شامل می‌شود. آن‌هم ترجمه‌هایی که در گزینش آن‌ها نگاه تجاری حاکم بوده و به ندرت آثاری یافت می‌شوند که از نظر تأثیرگذاری با رسالتی که برای داستان تعریف شده، همخوانی داشته باشند. این داستان‌های غالباً کم‌مایه گاهی چنان وابسته به بافتار (context) فرهنگ مبدأ هستند که جز اتلاف وقت و سردرگمی ثمری ندارند. کثیری از این آثار که خشونت و سحر و جادو را برای جذب مخاطب چاشنی خود کرده‌اند، به هیچ وجه در خور جامعه‌ای که به دنبال هویت ایرانی و اسلامی است، نیستند. تأثیر این فراورده‌های خوش طعم و بدون ارزش غذایی گاه تاحدی است که عده‌ای از نویسندگان بومی را نیز به گرت‌برداری فرمی و محتوایی از آنان سوق داده و منجر به خلق آثاری «خارجی‌زده» شده است. به‌طوری که می‌توان گفت با پدیده «استحاله مؤلف» روبه‌رو هستیم.

۲. در آثار تألیفی، بسیاری از سوژه‌ها تحت تأثیر نوستالژی نویسندگان هستند و کمتر داستانی یافت می‌شود که پیرنگ آن‌ها برآمده از نیازها و مسائل مخاطب امروز باشد و با روحيات و زبان وی تجانس داشته باشد.

۳. در بازنویسی‌های متون کهن و روایات دینی، کهنگی زبان و کم‌رنگ بودن تکنیک‌های داستان پردازی از جذابیت آثار کاسته است که به نوبه خود می‌تواند اثرگذاری آن‌ها را تحت‌الشعاع قرار دهد.

از جمله نقاط قوت آثار تألیفی که البته تعدادشان بسیار کم بوده و مصداق بارز آن‌ها نامزدهای این دوره هستند، عبارتند از:

- توجه به ارزش‌ها و فرهنگ بومی و آموزه‌های اخلاقی،
- درونمایه تأثیرگذار و بهره‌مندی از عناصر داستانی متناسب با سن مخاطبان،
- نوآوری در کشف سوژه،
- گرایش به معنی‌گرایی در خلق جهان داستان.

۱. گاهی مشاهده می‌شود چندین ترجمه از یک اثر به بازار کتاب راه یافته است که تشخیص سطح کیفی آن‌ها برای مخاطب چندان ساده نیست. این امر به دلیل اشباع بازار نه‌چندان پرونق کتاب، علاوه بر سردرگمی مخاطب، ممکن است موجب زبان مادی برای ناشران محترم شود. لذا پیشنهاد می‌شود قبل از گزینش یک اثر برای ترجمه، سوابق آن در بازار نشر کتاب بررسی شود.

۲. گروه داوری در حین ارزیابی کتاب‌ها متوجه گردید برخی آثار مطرح از سوی ناشران به دبیرخانه جشنواره ارسال نشده‌اند. لذا پیشنهاد می‌شود لااقل فهرست نامزدهای جشنواره‌های مهم ادبی همچون جایزه جلال یا جشنواره شهید حبیب غنی‌پور تهیه و از طریق تماس با ناشران آن‌ها، تهیه و در چرخه داوری گنجانده شوند.

۳. پیشنهاد می‌شود در دوره‌های آتی، برای بررسی آثار ترجمه شیوه‌نامه‌ای مجزا تهیه شود و به‌طور مثال صراحتاً مشخص گردد که جشنواره کدام یک از عوامل را ارزش‌گذاری می‌نماید؛ نویسنده، مترجم یا ناشر؟ و در صورتی که کیفیت ترجمه مدنظر باشد، امکان تطبیق اثر با ترجمه آن فراهم گردد. یا مثلاً تاریخ چاپ اصل اثر مدنظر است یا تاریخ ترجمه آن.

۴. در خاتمه پیشنهاد می‌شود، فهرستی از دلایل عدم‌پذیرش آثار توسط کارشناسان دفتر سامان‌دهی تهیه و در اختیار ناشران محترم قرار گیرد تا در فرایند نشر آثار آتی مدنظر قرار دهند. از آنجا که اصل همدلی ایجاب می‌کند همگی خود را نشسته در یک کشتی بدانیم، تمام سعی کارشناسان دفتر سامان‌دهی این است که با تأکید بر نقاط قوت آثار و ارائه بازخورد در خصوص ضعف‌ها، ناشران محترم را در نشر آثار مفیدتر و جذاب‌تر یاری نمایند.



محمدرضا شکرریز (۱۳۵۶)، شیراز

کارشناس ارشد مهندسی فناوری اطلاعات از دانشگاه شیراز و دانشجوی دکترای مدیریت فناوری اطلاعات است. به مدت ۲۰ سال در پست‌های هنرآموزی هنرستان‌های شهرستان‌های تهران، مدیریت هنرستان فنی‌وحرفه‌ای، و کارشناس تألیف کتاب‌های فنی‌وحرفه‌ای دفتر تألیف سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی خدمت کرده است و در سال ۹۰ به‌عنوان معلم نمونه منطقه انتخاب شده است.

از سوابق علمی و پژوهشی او می‌توان به تدریس در دانشگاه‌های فنی‌وحرفه‌ای و علمی و کاربردی، نظارت بر پروژه آموزش مجازی تجارت الکترونیکی، نظارت محتوایی شش عنوان نرم‌افزار آموزشی، داوری جشنواره تولیدات محتوای الکترونیکی، جشنواره رسانه‌های دیجیتال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نهمین و یازدهمین جشنواره کتاب رشد، جشنواره جوان خوارزمی و نیز عضویت در شورای رایانه دفتر تألیف نظری، کمیسیون تخصصی رشته کامپیوتر و کمیته راهبردی نظام جدید آموزشی اشاره کرد. تاکنون شش عنوان کتاب در قالب کتاب درسی و چهار عنوان مقاله در مجله رشد به چاپ رسانده است.



مریم آزادی (۱۳۵۷)، تهران

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد رودهن و کارشناس نرم‌افزار کامپیوتر است. از مهم‌ترین سوابق اجرایی وی می‌توان به ۱۰ سال همکاری با حوزه فناوری اطلاعات منطقه ۶ تهران و یک سال همکاری در حوزه امور مالی و حسابداری و نیز همکاری با دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی (از سال ۸۲ تاکنون) به‌عنوان ارزیاب محصولات غیرمکتوب در حیطه رایانه از نظر محتوایی و ارزیابی فنی و همکاری با بخش مکتوب و نیز داوری دو دوره جشنواره جوان خوارزمی در سطح منطقه و داوری وبلاگ‌ها در پرسش مهر دانش آموزی اشاره کرد. «تحقیق در خصوص هوشمندسازی مدارس شهر تهران» در سال ۹۲ نیز از فعالیت‌های او محسوب می‌شود.



زهرا سلیمی‌زاده (۱۳۵۹)، اسلام‌آباد غرب

دانشجوی کارشناس ارشد مهندسی کامپیوتر (هوش مصنوعی و رباتیک) است. از سوابق او در آموزش و پرورش می‌توان به تدریس در آموزشکده فنی و هنرستان‌های فنی و کاردانش، سرپرستی بخش هنرستان، کارشناس گروه‌های آموزشی و تکنولوژی منطقه هفت، داوری جشنواره‌های خوارزمی، تولید محتوای الکترونیکی و تدریس در دوره‌های ضمن خدمت اشاره کرد.

آثار متعددی دارد، از جمله: طراحی صفحات وب مقدماتی؛ طراحی صفحات وب پیشرفته؛ سیستم عامل مقدماتی؛ سیستم عامل پیشرفته (انتشارات دیباگران)؛ «بسته‌های نرم‌افزاری، جلد‌های اول و دوم»، انتشارات گویش نو.





بیانیه گروه داوری رایانه

با اینکه علوم رایانه نسبت به سایر علوم عمر کمی دارد، توانسته است در عصر اطلاعات به عنوان زیرساخت سایر شاخه های علمی به کار گرفته شود. به همین دلیل، پیشرفت در اکثر حوزه ها، تجهیز به علم رایانه را می طلبد.

بدون شک چاپ کتاب های مناسب در این حوزه می تواند تسهیل گر آموزش مخاطبان باشد. گروه داوری رایانه از بین شش کتاب راه یافته به مرحله پایانی، با انتخاب یک کتاب برگزیده، فرایند داوری را به پایان رساند.

رویکرد داوران در انتخاب کتاب های مذکور، روان بودن شیوه آموزش، تسهیل فرایند یاددهی - یادگیری، توجه به نیازهای مخاطب شاخه فنی و حرفه ای و کار دانش، و همچنین به روز بودن محتوا بوده است.

پیشنهادهای

بدیهی است، وجود کتاب های مناسب در این زمینه می تواند علاوه بر رشد مخاطب، به غنای کتاب نامه های رشد، جشنواره های کتاب نامه های آموزشی و در نتیجه کتابخانه های مدارس بیفزاید. امید است ناشران، مؤلفان و سایر دست اندرکاران حوزه نشر با ثبت و ارسال کتاب های خود در سامانه رشد، گام مهمی در پیشبرد اهداف آموزشی بردارند.



عزت‌الله فولادی (۱۳۴۸)، خرم‌آباد

دکترای تخصصی مشاوره در مرحله دفاع از رساله است و مشاور شورای عالی آموزش و پرورش می‌باشد. از سی سال سابقه کار حدود ۲۰ سال آن را در حوزه ستادی وزارت آموزش و پرورش و سایر سازمان‌ها در قسمت‌هایی از جمله مرکز ملی پرورش استعدادها در خشان، معاونت آموزش ابتدایی، شورای عالی آموزش و پرورش، معاونت پرورشی و تربیت بدنی معاونت ابتدایی خدمت کرده است و با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، معاونت برنامه‌ریزی و نیروی انسانی، سازمان ملی جوانان، ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور، وزارت بهداشت و آموزش پزشکی و سازمان نظام روان‌شناسی کشور همکاری کرده است.



سعید راصد (۱۳۴۴)، تهران

دکترای روان‌شناسی تربیتی از دانشگاه خوارزمی است. ۳۳ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش دارد و با گروه‌های دینی، آداب و مهارت‌های زندگی، و روان‌شناسی تربیتی همکاری کرده است. از جمله سوابق علمی و پژوهشی او می‌توان تألیف کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی، کتاب تفکر و سبک زندگی، پیشگیری اولیه از اعتیاد و رفتارهای پرخطر، روان‌شناسی پایه یازدهم و روش تدریس هدیه‌های آسمان تربیت معلم را نام برد.



علیرضا غلامی (۱۳۴۷)، تهران

کارشناس ارشد روان‌شناسی است. وی ۲۳ سال سابقه کار در پست مشاوره دارد. تألیف بخشی از کتاب‌های «روان‌شناسی سلامت»، «روان‌شناسی سال سوم نظری»، و مقاله پژوهشی «حافظه پنهان» که در «ژرنال سوئد» به چاپ رسیده، از جمله آثار او هستند. از سوابق اجرایی او می‌توان مشاوره تحصیلی، مدیریت داخلی مجله رشد مشاور مدرسه، داور جشنواره‌های کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد، عضویت هیئت تحریریه رشد معلم و داور جشنواره خوارزمی را نام برد.



بیانیه گروه داوری روان‌شناسی



دانش روان‌شناسی و مشاوره، به‌عنوان شاخه‌ای علمی، از گستره و سرعتی روزافزون برخوردار است، به طوری که گاهی کتابی که به تازگی منتشر شده است، نیازمند بازنگری و به‌روزرسانی می‌شود. گروه داوری روان‌شناسی با قدردانی از شرکت مؤلفان، مترجمان و ناشران گرامی در این جشنواره، اعلام می‌کند، از مجموع آثار ارسالی با موضوع روان‌شناسی، ۲۵ اثر به مرحله داوری راه یافتند. شایان ذکر است، آثار در حوزه‌های روان‌شناسی اجتماعی، آموزش و پرورش و کلاس درس، خانواده، اخلاق و فضائل، مشاوره و درمان، و مسائل بین‌فردی از تنوع خوبی برخوردار بودند. از نقاط قوت آثار این دوره می‌توان توجه به خلاقیت در حوزه چاپ کتاب، در نظر گرفتن ذائقه خوانندگان، تأکید بر ارزش‌ها و فرهنگ بومی جامعه و به‌روز بودن منابع را نام برد. در پایان و به منظور تأکید بیشتر، انتظار می‌رود علاوه بر اولویت دادن به کتاب‌های تألیفی در حوزه روان‌شناسی و مشاوره، ترجمه کتاب‌ها با دقت علمی و با توجه به مؤلفه‌های فرهنگی - ارزشی جامعه انتخاب شود تا علاوه بر ارتقای علمی و تسهیل خدمات بهینه و کارآمد حوزه روان‌شناسی و مشاوره، بیش از پیش به رشد رویکرد علمی فرهنگی توجه به نیاز جوانان جامعه پاسخ داده شود.



شهرناز بخشعلی زاده (۱۳۴۱)، تهران

دانشجوی دکترای رشته برنامه درسی آموزش عالی دانشگاه شهید بهشتی است. از سال ۶۰ به مدت پنج سال دبیر مدارس منطقه ۱۵ بود. در سال‌های ۷۶ تا ۸۹ به عنوان کارشناس ریاضی دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری انجام وظیفه کرده است. از آن پس تاکنون به عنوان کارشناس علوم پایه پژوهشگاه مطالعات در دفتر مطالعات تیمز و پرلز ادامه خدمت داده است. از جمله سوابق علمی پژوهشی و آثار وی می‌توان به انجام پژوهش‌های مرتبط با بدفهمی‌های ریاضی دانش‌آموزان و هدایت پایان‌نامه‌های دانشجویان کارشناس ارشد به عنوان استاد راهنما، تألیف و ترجمه بیش از ۲۰ عنوان کتاب و تولید بیش از ۵۰ مقاله علمی پژوهشی و علمی ترویجی اشاره کرد.



زهره پندی (۱۳۵۶)، تهران

کارشناس ارشد مهندسی صنایع مؤسسه عالی آموزش مدیریت و برنامه‌ریزی است. حدود ۲۰ سال سابقه تدریس در مدارس را دارد. از جمله سوابق علمی و پژوهشی وی عضویت در تیم تألیف کتاب‌های درسی دوره دوم دبستان و دوره اول متوسطه و طراحی با عضویت تیم طراحی کارگاه‌های یادگیری در حوزه‌های ریاضی و آموزش برای معلمان است.



سمیه السادات میرمعینی (۱۳۵۹)، تهران

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی از دانشگاه آزاد و کارشناس دبیری ریاضی از دانشگاه تربیت معلم تهران است. ۱۸ سال سابقه تدریس ریاضی در دوره متوسطه (۱) و (۲) را دارد، به مدت چهار سال سرگروه ریاضی و درس پژوهی شهر تهران بوده و کارشناس همکار گروه ریاضی دوره متوسطه (۱) در دفتر تألیف کتاب‌های درسی است. وی در حوزه ریاضی متوسطه (۱) تألیف و ترجمه دارد. کارشناس دوره راهنمایی دفتر تألیف نیز از سوابق اجرایی او محسوب می‌شود.





بیانیه گروه داوری ریاضی

گروه داوران ریاضی از تلاش‌های قابل تقدیر بخش خصوصی در جهت ارتقا و تعالی آموزشی دانش‌آموزان و پیاده‌سازی اهداف آموزشی و تربیتی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی تشکر می‌کند. همچنین بر خود لازم می‌داند اعلام کند، هر کتابی که به چاپ می‌رسد، قطعاً نیازهای آموزشی گروهی از دانش‌آموزان را در نظر دارد و برای دستیابی به برخی اهداف آموزشی مناسب است، لکن به منظور بررسی کتاب‌های تولید شده، داوری‌ها براساس معیارهایی انجام شده‌اند که نمایانگر میزان تطابق کتاب‌ها با مقاصد آموزشی و برنامه‌های درسی و میزان کمکی است که به دانش‌آموزان، معلمان و والدین برای رسیدن به این اهداف ارائه می‌دهند. این اهداف شامل اهداف موضوعی (دانش و مهارت‌های ریاضی)، اهداف فرایندی (فرایندهای مورد توجه در آموزش ریاضی)، پرورش مهارت‌های تفکر و غیره می‌شوند. بدین منظور، برای ارزیابی کتاب‌ها، ویژگی‌هایی در نظر گرفته شدند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- الف. ویژگی‌ها و معیارهای مورد توجه برای ارزیابی کتاب کار
 - برای حیطه‌ها و هدف‌های گوناگون یادگیری، تمرین و فعالیت داشته باشد؛
 - از سؤال‌های صرفاً تکراری، یکنواخت و کلیشه‌ای پرهیز کند و اصل را بر تکرار نگذارند؛
 - با سرفصل‌های برنامه درسی هماهنگ باشد و برنامه را تقویت کند؛
 - فرصت‌هایی برای کاربرد یافته‌های علمی در میدان عمل فراهم سازد؛
 - شامل تنوعی از فعالیت‌ها از جمله رسم شکل، تکمیل جدول، طراحی و ساخت وسیله، رسم نمودار و جدول و پازل، فعالیت‌های عملی و کارورزی و هنری باشد؛
 - مهارت‌های تفکر (از جمله تفکر واگرا و خلاق) را تقویت کند و فرصت‌هایی برای اندیشیدن، فکر کردن، استدلال کردن و ارزیابی فرایندهای تفکر فراهم آورد؛
 - مخاطبان را با پرسش و مسئله مواجه کند، به طوری که آنان برای طی کردن روش علمی و حل مسئله، انگیزه داشته باشند؛
 - ارتباط درونی ریاضی و ارتباط ریاضیات با سایر درس‌ها، علوم و زندگی روزمره را تبیین کند؛
 - شامل پاسخ مستقیم تمرین‌ها و مسئله‌ها نباشد و در صورت لزوم، برای حل مسائل و تمرین‌ها، صرفاً راهنمایی یا جواب آخر ارائه شود؛
 - فرصت‌هایی برای رشد و توسعه ارتباطات کلامی (توضیح دادن، توصیف کردن) در زمینه ریاضی فراهم کند؛
 - فرصتی برای خودارزیابی در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد؛
 - از طریق انجام فعالیت‌ها و تمرین‌ها، فرصت‌هایی برای برطرف شدن ضعف‌های آموزشی دانش‌آموزان فراهم آورد؛

- فرصت‌هایی برای پرورش مهارت جست‌وجوگری و پژوهش فراهم آورد؛
- با آوردن نمونه سؤال‌های امتحانی سال‌های قبل، آموزش را در خدمت ارزشیابی قرار ندهد.
- ب. ویژگی‌ها و معیارهای مورد توجه برای ارزیابی کتاب‌های دانش‌افزایی دانش‌آموزان
 - در چارچوب برنامه‌های درسی مصوب باشد و آن را تکمیل و تأیید و تقویت کند و توسعه دهد؛
 - کنجکاوی و تفکر دانش‌آموز را تحریک کند و بر علاقه و نشاط او نسبت به ریاضی بیفزاید؛
 - از ارائه تعریف‌ها و خلاصه و دسته‌بندی کردن مفاهیم پرهیز کند. دانش‌آموزان را به سرعت به قواعد و دستورهای ریاضی نرساند و بیان کتاب قاعده‌ای نباشد؛
 - ارتباط درونی ریاضیات و شبکه مفهومی مفاهیم و محتوا را برای دانش‌آموزان قوت بخشد و گسترش دهد؛
 - پ. ویژگی‌ها و معیارهای مورد توجه برای ارزیابی کتاب‌های جنبی و سرگرمی
 - در طرح معماها، سرگرمی‌ها و محتوای مناسب، تنوع وجود داشته باشد؛

ادامه در صفحه ۱۷۲



زبان‌های خارجی

محمدرضا عنانی سراب (۱۳۲۷)

دکترای آموزش زبان انگلیسی به غیرانگلیسی‌زبانان را از دانشگاه لیدز انگلستان گرفته است. وی دبیری زبان انگلیسی، کارشناس مسئولی گروه زبان‌های خارجی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی و عضویت هیئت‌های علمی گروه زبان انگلیسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی را در کارنامه سوابق اجرایی خود دارد. از فعالیت‌های حرفه‌ای او می‌توان به سرپرستی و عضویت هیئت کمیته برنامه‌ریزی زبان انگلیسی پیش‌دانشگاهی، سرپرستی و عضویت کمیته تولید برنامه کارشناسی ناپیوسته مراکز تربیت معلم و طراحی و اجرای دوره‌های تأمین مدرس آموزش زبان انگلیسی دوره متوسطه در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و نیز عضویت شورای برنامه‌ریزی زبان‌های خارجی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی و سردبیری مجله رشد آموزش زبان خارجی اشاره کرد. وی تاکنون هفت کتاب و ۲۴ مقاله در مجله آموزش زبان انگلیسی نوشته است.



فریبا پیوندی (۱۳۵۰)، تهران

کارشناس ارشد زبان‌شناسی از دانشگاه تهران است. ۱۸ سال سابقه تدریس در دوره‌های پیش‌دانشگاهی، دبیرستان و راهنمایی قدیم و نیز مدارس دوره اول و دوم متوسطه جدید و ۹ سال سابقه فعالیت در گروه‌های آموزشی هر دو دوره را دارد. بعضی از سوابق علمی و پژوهشی وی عبارت‌اند از: تدریس در دانشگاه پیام نور شهریار؛ مدرس میانی ضمن خدمت کتاب‌های جدیدالتألیف پایه‌های هفتم و هشتم؛ سرگروهی زبان انگلیسی راهنمایی و دبیرستان منطقه ۱۱؛ سرگروهی زبان انگلیسی دوره متوسطه اول منطقه ۶ و داوری جشنواره رشد. وی در سال تحصیلی ۹۲ - ۹۱ معلم نمونه منطقه ۶ شد و تدریس در مدارس فرزندان و نمونه دولتی به مدت پنج سال و نیز همکاری با دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در زمینه داوری کتاب‌های آموزشی از جمله سوابق اجرایی اوست.



مهرک رحیمی (۱۳۴۹)، تهران

دکترای تخصصی زبان‌شناسی کاربردی و محاسباتی آکادمی علوم روسیه را دارد. از سوابق شغلی وی می‌توان عضویت در هیئت علمی گروه زبان انگلیسی، معاون آموزشی پژوهشی دانشکده علوم انسانی، عضویت در شورای انتشارات و استاد مشاوره انجمن علمی زبان انگلیسی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی را نام برد. کاربرد فناوری در آموزش زبان (CALL)، یادگیری و روان‌شناسی (SLA) و تهیه و تدوین مطالب درسی از جمله پژوهش‌های وی محسوب می‌شوند. از دیگر فعالیت‌های او عضویت در هیئت تحریریه مجله فناوری کتاب و ارائه مقالات در کنفرانس‌هاست. افتخارات زیادی در حیطه فعالیت‌های خود به دست آورد؛ از جمله: مدیر نمونه دانشگاه، پژوهشگر قابل تقدیر دانشگاه و استاد برگزیده دانشجویان دانشکده علوم است.





بیانیه گروه داوری زبان‌های خارجی

با بررسی کتاب‌های کمک‌آموزشی و کمک‌درسی ارسالی به پانزدهمین جشنواره رشد، دو روند بارز را در این تألیفات می‌توان مشاهده کرد:

روند اول، تداوم روش سنتی در قالب برنامه درسی جدید زبان انگلیسی است. مشخصات بارز این روند عبارت‌اند از: برجسته کردن و توجه به فرم زبان به جای معنی و کاربرد آن، آزمون‌محوری، نبود خلاقیت و نوآوری در انتخاب و ارائه محتوی، تأکید بر کلیشه‌های زبانی و استفاده نکردن از جلوه‌های بصری و رسانه‌های آموزشی.

روند دوم، فاصله گرفتن از روش‌های سنتی و حرکت به سمت برنامه درسی جدید زبان انگلیسی است. مشخصه‌های بارز این روند عبارت‌اند از: خلاقیت و نوآوری در انتخاب و ارائه متون و فعالیت‌های مناسب، استفاده از جلوه‌های بصری برای یادگیری مؤثرتر، توجه و پرداختن به چهار مهارت زبانی و استفاده از انواع رسانه‌ها، به‌ویژه لوح فشرده.

تعدادی از ناشران کتاب‌های کمک‌آموزشی که در رشد و توسعه روند اول نقش مهمی داشته‌اند، کوشیده‌اند با ایجاد تیم‌های تألیف، به مقوله تألیف کتاب‌های کمک‌آموزشی به‌صورت تخصصی بپردازند و از خرد جمعی دبیران زبان انگلیسی بهره ببرند.

پیشنهادهای

با وجود تلاش‌های ناشران در این زمینه، هنوز تا رسیدن به وضعیت مطلوب تألیف کتاب‌های آموزشی و کمک‌آموزشی فاصله زیادی وجود دارد که لازم است ناشران به نیازهای مخاطبان خود و به‌ویژه مخاطب‌شناسی به‌طور کلی توجه ویژه‌ای مبذول دارند و سعی کنند نیازهای مخاطبان را در اولویت قرار دهند. به‌ویژه در مقدمه کتاب‌ها لازم است مخاطبان کتاب معرفی و نیازهای آن‌ها عنوان شود. به نظر می‌رسد در این زمینه بهتر است مرزبندی بین کتاب‌های کمک‌آموزشی و کمک‌درسی به دقت مورد توجه قرار گیرند تا مخاطبان در انتخاب کتاب دچار سردرگمی نشوند.

ناشران نگاهی مجموعه‌ای به تألیف کتاب‌های کمک‌آموزشی دارند و به نظر می‌رسد توجه ویژه و اختصاصی به جنبه‌های زبان‌آموزی از جمله مهارت‌های شفاهی، خوانداری و نوشتاری (به شکل تألیف جداگانه و تخصصی) صورت نگرفته است. کتاب‌های کمک‌درسی نیز قسمت عمده تألیفات را به خود اختصاص داده‌اند، در حالی که نیاز به کتب کمک‌آموزشی نیز احساس می‌شود. پیشنهاد می‌کنیم ناشران در این زمینه نیز گام بردارند.



زبان و ادبیات فارسی

جعفر ربانی (۱۳۳۳)، اصفهان

کارشناس ارشد مدیریت فرهنگی از دانشگاه تهران است. دبیر دبیرستان، معاون پرورشی استان کهگیلویه و بویراحمد، معاون هنرستان رازی اصفهان، مدیر کل دفتر انتشارات کمک آموزشی، معاون دفتر تألیف، کارشناس مسئول ویرایش، کارشناس مسئول مجلات رشد، معاون سازمان دانش آموزی، سردبیر مجله رشد معلم، سردبیر مجله رشد راهنمایی تحصیلی و ویراستار کتاب‌ها و مجلات بسیاری بوده است.

بعضی از آثار او عبارت‌اند از: «هویت ملی»، «از انشا تا نویسندگی»، «بیت المقدس»، «مثنوی جوان»، «گزیده سنین النبی علامه طباطبایی»، «معلمان بزرگ ما» (زیر چاپ)، «فرهنگ‌نامه نام‌آوران» کتاب سال جمهوری اسلامی در سال ۸۷، «کتاب کار سه جلدی فارسی دوره راهنمایی» و «دانش‌نامه سه جلدی کتاب‌های فارسی راهنمایی».

وی در سال ۱۳۸۳ به عنوان کارشناس نمونه کشوری از سوی سازمان امور اداری و استخدامی کشور مورد تشویق قرار گرفته است.



علی رضایی (۱۳۵۴)، شهریار

دانشجوی کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی است. از جمله سوابق خدمت وی می‌توان کارشناس و ارزیاب کتاب‌های کمک‌درسی و کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، داور پنج دوره جشنواره کتاب رشد، تدریس دوره‌های ضمن خدمت فرهنگیان، داور مسابقات ادبی، فرهنگی و جشنواره‌های الگوهای برتر تدریس را نام برد.

وی دبیر نمونه استانی شهرستان‌های استان تهران است و در تألیف بیش از ۱۵ جلد کتاب کمک‌درسی و کمک آموزشی ادبیات فارسی متوسطه‌های اول و دوم مشارکت داشته است.



مرجان سجودی (۱۳۵۱)، تهران

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی است. مدرس آموزش ضمن خدمت، داور مسابقات، معاون پژوهشی همکار و مؤلف کتاب‌های درسی است. از جمله مهم‌ترین آثار علمی پژوهشی وی کتاب‌های «نگارش پایه یازدهم»، فارسی و «نگارش پایه ششم دبستان، فارسی آموزی مقدماتی» (ویژه غیرفارسی‌زبانان) و فارسی آموز (جلد چهارم از مجموعه‌ای چهار جلدی) هستند.

سوابق اجرایی متعددی دارد؛ از جمله: عضویت در شورای برنامه‌ریزی کتاب فارسی دوم و سوم راهنمایی (قدیم)؛ تدریس دوره‌های تأمین مدرس دفتر تألیف (از سال ۸۹ تاکنون)، عضویت در شورای برنامه‌ریزی کتاب هفتم و هشتم، سرگروهی زبان و ادبیات فارسی وزارت آموزش و پرورش و داور مسابقات پرسش مهر.





بیانیه گروه داوری زبان و ادبیات فارسی

زبان و ادبیات فارسی زبان ملی ما ایرانیان و وسیله تفهیم و تفاهم میان مردمان با زبان‌ها و گویش‌های متنوع است و شاعران و نویسندگانی بی‌بدیل به جهان فکر و اندیشه عرضه کرده است. از این‌رو، اهتمام به آموزش آن به طریق صحیح از اهمیتی دوچندان برخوردار است. در این راستا، لازم است به تولید کتاب‌های آموزشی و تربیتی، بیش از پیش بها دهیم و معلمان و دانش‌آموزان را در دستیابی به بهترین آثار یاری کنیم. با پایان گرفتن پانزدهمین جشنواره کتاب رشد، اینک ضمن تشکر از اولیای محترم جشنواره، گروه داوری زبان و ادبیات فارسی لازم می‌داند گزارشی از فعالیت خود را به شرح زیر اعلام کند. نخست خاطر نشان می‌سازیم که در سال تعداد قابل توجهی کتاب به دبیرخانه جشنواره نقطه قوتی است که باید ضمن حفظ آن، در جهت افزایش این تعداد نیز تلاش کرد.

گروه داوری در مجموع ۵۷ عنوان کتاب را بررسی و امتیازبندی کرد. در این میان، کتابی که بتواند به‌عنوان برگزیده معرفی شود، حائز امتیاز لازم نشد. تنها یک کتاب به‌عنوان «تقدیری» معرفی شد. لذا ضمن بیان چند نکته در مورد نقاط ضعف کتاب‌های این گروه، چند پیشنهاد نیز به منظور بهبود وضعیت کتاب‌های آموزشی ارائه می‌کنیم.

۱. با توجه به انتخاب تنها یک کتاب به‌عنوان «تقدیری»، اذعان می‌کنیم که به‌طور کلی کمیت کتاب‌های آموزشی - تربیتی رسیده به جشنواره، اعم از تألیف و ترجمه، بر کیفیت آن‌ها غلبه دارد؛ ضمن اینکه تعداد کتاب‌های کار برای دوره ابتدایی در میان آن‌ها چشمگیرتر است.
۲. به نظر می‌رسد، ناشران محترم در تولید کتاب‌های کار، به‌ویژه در دوره ابتدایی، باید بیش از پرداختن به انبوه کردن داده‌ها، گرافیک، صفحه‌آرایی، تصویرگری‌های فانتزی و چاپ و کاغذ گران، سعی در تولید کارهای اصیل، خلاقه و مؤثر در جهت آموزش هرچه بهتر زبان فارسی داشته باشند.
۳. کمبود کتاب‌های آموزشی - تربیتی مناسب برای دوره متوسطه، در آموزش زبان و ادبیات فارسی، به شدت محسوس است.

پیشنهادهای

۱. با عنایت به کاستی‌هایی که به آن‌ها اشاره شد، ضرورت دارد دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، با همکاری ناشران مربوط، با تشکیل جلسات کارشناسی، روند تولید کتاب‌های آموزشی تربیتی در حوزه زبان و ادبیات فارسی را به‌طور انتقادی بحث و بررسی کند.
 ۲. پیشنهاد می‌شود دبیرخانه جشنواره در کنار اعلام فراخوان به ناشران برای ارسال کتاب‌های خود، رأساً نیز به تهیه کتاب‌های مناسب از ناشران، به‌ویژه ناشران طراز اول و شناخته شده اقدام کند تا از این طریق، هم بر کیفیت کتاب‌های انتخابی و هم بر کیفیت جشنواره افزوده شود.
 ۳. پاره‌ای از کتاب‌های رسیده به مرحله داوری، از کتاب‌های عمومی هستند و به‌طور خاص نمی‌توان آن‌ها را در گروه کتاب‌های تألیفی آموزشی - تربیتی طبقه‌بندی کرد. از این‌رو پیشنهاد می‌کنیم، ضوابط دقیق‌تری در این خصوص تدوین شود تا هم ناشران این‌گونه کتاب‌ها را به جشنواره نفرستند و هم کارشناسان محترم در مرحله انتخاب مقدماتی با دید روشن‌تری به این امر مهم مبادرت ورزند.
- در پایان برای مسئولان محترم برگزاری جشنواره و ناشران محترم آرزوی موفقیت داریم.



سلامت و تربیت بدنی

طیبه ارشاد (۱۳۵۱)، تهران

دانشجوی دکترای مدیریت راهبردی در ورزش دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات است. دبیر تربیت بدنی و مسئول تربیت بدنی دختران در منطقه ۱۶ تهران، سرگروه آموزشی شهر تهران و مسئول گروه تربیت بدنی دفتر تألیف بوده است. مجری پژوهش در حوزه برنامه درسی تربیت بدنی و سلامت، مبنی بر اسناد بالادستی و تحولی آموزش و پرورش، مجری تهیه راهنمای برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری سلامت و تربیت بدنی در برنامه درسی ملی، مؤلف و مسئول گروه تألیف کتابهای راهنمای معلم تربیت بدنی در دورههای ابتدایی و متوسطه‌های اول و دوم، و کارشناس علمی فیلمهای آموزشی تربیت بدنی است. از سوابق اجرایی وی می‌توان دآوری و ارزیابی کتابهای حوزه تربیت بدنی، سردآوری جشنواره‌های کشوری الگوهای برتر تدریس تربیت بدنی و نظارت بر اجرا و مدرس دوره‌های تربیت مدرس عالی تربیت بدنی در سطح کشور را نام برد.



جواد ازمون (۱۳۴۴)، قم

دکترای تربیت بدنی با گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی از دانشگاه تربیت معلم تهران است و معلم تربیت بدنی، کارشناس، کارشناس مسئول، معاون مدیر کل در تشکیلات تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش و مدرس دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی بوده است. از جمله سوابق علمی - پژوهشی وی می‌توان پژوهش در حوزه تربیت بدنی مدارس، ترجمه و تألیف مقالات علمی در حوزه تربیت بدنی مدارس، ترجمه و تألیف مقالات علمی در حوزه تربیت بدنی مدارس، ترجمه چند کتاب در حوزه تربیت بدنی مدارس و همکاری در تألیف کتابهای راهنمای معلم درس تربیت بدنی را نام برد. از سوابق اجرایی وی معاونت مدیر کل دفتر تحقیقات و توسعه معاونت تربیت بدنی و معاونت دانشکده تربیت دبیر شهید رجایی را می‌توان نام برد.



عباس اردستانی (۱۳۴۳)، ورامین

کارشناس ارشد دانشگاه تربیت بدنی (دانشگاه خوارزمی) است. وی عضویت هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان و عضویت شورای برنامه‌ریزی درسی تربیت بدنی سازمان پژوهش را در کارنامه سوابق خدمت در آموزش و پرورش دارد. از مهم‌ترین تألیفات او کتابهای آمادگی جسمانی پایه دهم فنی و حرفه‌ای، راهنمای معلم پایه‌های هفتم تا دوازدهم دوره متوسطه می‌باشد و در ترجمه کتاب آمادگی جسمانی معلولان و کتاب تربیت بدنی فنی و حرفه‌ای (به عنوان عضو گروه) فعالیت کرده است. مدیریت گروه تربیت بدنی پردیس شهید چمران و مدیریت فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولین (۱۸ سال) از سوابق اجرایی او به شمار می‌روند.





بیانیه گروه دآوری سلامت و تربیت بدنی

پانزدهمین جشنواره کتاب رشد، فرصت مجدد و مغتنمی را در اختیار گروه سلامت و تربیت بدنی قرار داد تا ضمن قدردانی و ابراز خرسندی از توجه مؤلفان و ناشران به اهتمام و مشارکت در تولید محتوای مرتبط با درس تربیت بدنی و سلامت، فرصت‌ها، ضرورت‌ها، کاستی‌ها و چالش‌های پیش روی این حوزه برنامه‌ریزی درسی را به اطلاع مسئولان و دست‌اندرکاران حوزه تولید و نشر محتوا برساند. در این جشنواره، از ۲۰ عنوان کتاب راه یافته به مرحله پایانی، دو کتاب نامزد دریافت عنوان برگزیده شدند و در نهایت یک کتاب برگزیده معرفی شد. نکته قابل تأمل در این دوره، حضور بیشتر آثار تألیفی نسبت به دوره قبل بود، ولی متأسفانه اغلب کتاب‌های تألیفی حاوی محتوای گردآوری شده بودند که با تألیف کاربردی و علم فاصله بسیار دارد. همچنین، تکراری بودن موضوعات کتاب‌ها حاکی از مطلع نبودن ناشران از نیازهای این حوزه است.

از این‌رو گروه داوران توجه به نکات زیر را در ادامه فعالیت‌های ارزشمند تلاشگران عرصه نشر آثار تربیت بدنی و علوم ورزشی لازم می‌داند:

- با توجه به عنوان جشنواره (کتاب‌های آموزشی و تربیتی) چاپ کتاب‌ها با نظارت دقیق‌تر و تخصصی‌تر انجام پذیرد.

- به نیازهای مخاطبان، اعم از معلمان و دانش‌آموزان، توجه شود.

- رویکرد، اهداف و موضوعات برنامه‌های درسی تربیت بدنی مد نظر قرار گیرند.

- آثار با جاذبه‌های بصری بیشتری تهیه و تدوین شوند.

- در آثار ترجمه‌ای به کاربردی بودن، نو و به‌روز بودن آن‌ها بیشتر توجه شود.



شعر و قصه آموزش پیش دبستانی

جعفر ابراهیمی نصر (متخلص به شاهد) (۱۳۳۰)، اردبیل

نشان درجه یک هنری (معادل دکترا) دارد. از جمله سوابق خدمتی او همکاری با مجلات رشد (از نخستین شماره‌های آن‌ها) و همکاری با انتشارات مدرسه و انتشارات رشد است. وی شاعر، نویسنده و پژوهشگر ادبیات کودک و نوجوان، سردبیر «جنگ ادبی آیش» در کانون پرورش فکری، مسئول شورای شعر کانون تا بازنشستگی (۲۲ سال)، دبیر جشنواره کتاب کودک در کانون (سه دوره) و دبیر جشنواره مطبوعات کانون (هفت دوره)، داور کتاب سال جمهوری اسلامی (۱۰ دوره) داور جشنواره کتاب رشد (دو دوره) داور و سرداور کتاب دفاع مقدس (سه دوره) و نیز نویسنده برنامه کودک رادیو به مدت ۱۰ سال (از سال ۱۳۶۰) بوده است.



مجید راستی (۱۳۳۳)، تهران

کارشناس ادبیات انگلیسی مجتمع دانشگاهی علامه طباطبایی است. از جمله سوابق علمی - پژوهشی او فعالیت در حوزه ادبیات کودک، برگزاری کلاس‌های نویسندگی خلاق در حوزه ادبیات کودک است و از مهم‌ترین آثار او کتاب‌های «دنیا می‌خواست به دنیا بیاد»، «ماجرای علی کوچولو (دو جلدی)»، «پسر کوچولویی به نام غوره (چهار جلدی)»، «پادشاهی که کشورش را گم کرد»، «جوجه تیغی‌های پسرعمو»، «بی بی و بابا (سه جلدی)» و «آرزوی آدم‌آهنی» را می‌توان نام برد. دو دوره قائم مقام مدیر گروه و سپس دو دوره هم مدیر گروه کودک شبکه ۲ بوده است. علاوه بر این سه دوره داور جشنواره تئاتر کودکان (سبز)، دو دوره داور جشنواره انیمیشن تلویزیون، یک دوره داور جشنواره کتاب غنی‌پور و داور جشنواره سینمای کودک نیز بوده است.



مدیر مسئولی فعالیت‌های انتشاراتی و مطبوعاتی، سردبیری مجله رشد کودک به (مدت سه سال) و عضویت در شورای سردبیری مجلات رشد دانش‌آموزی و سردبیری مجله «گلک» نیز از سوابق اجرایی او محسوب می‌شوند.

سوسن (معصومه) طاق‌دیس (۱۳۳۸)، شیراز

سابقه خدمت در حوزه‌های گوناگون دارد؛ از جمله صدا و سیما، آموزش و پرورش، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، انتشارات مدرسه، انتشارات امیرکبیر و انتشارات افق. از جمله آثار او کتاب‌های قدم یازدهم، شیطان و شمشیر، یکی بود، خدا پاسخ داد و سفر به سوی خدا را می‌توان نام برد.





بیانیه گروه داوری شعر و قصه آموزش پیش دبستانی

داوران این بخش پس از بررسی دقیق کتاب‌های رسیده به جشنواره، به موارد زیر رسیدند: انتشار کتاب با مخاطبان پیش دبستانی، همیشه از دغدغه‌های اصلی و دلسوزان ادبیات کودک و نوجوانان بوده است، چرا که تا چند سال پیش، کتاب‌هایی که برای این گروه سنی منتشر می‌شوند چندان نیازهای آنان برآورده نمی‌ساختند. ضمن آنکه حال و هوای بیشتر کتاب‌ها تجاری بود و نوع کتاب‌سازی‌ها و مطالب کتاب‌ها مناسب گروه سنی مورد نظر نبود.

خوشبختانه در سال‌های اخیر این اتفاق فرخنده افتاده است که می‌توان به صراحت اعلام کرد ادبیات پیش دبستانی کم‌کم دارد هویت و استقلال خود را به دست می‌آورد و این، در نوع کتاب‌های تألیفی، به خوبی آشکار است. اما هنوز به نظر می‌رسد در مواردی ناشران در کتاب‌سازی‌ها از کتاب‌های ترجمه‌ای الهام می‌گیرند.

در بخش قصه‌های تألیفی، اگرچه بیشتر کتاب‌ها، موضوعات تکراری دارند و شباهت‌هایی به هم، اما نمونه‌های نسبتاً خوب هم در کنار آن‌ها به عمل آمده که نشان از آینده درخشان در ادبیات پیش دبستانی دارد.

با این وصف در بخش کتاب‌های شعر هنوز کمبود داریم. کیفیت کتاب‌های شعر خوب شده، اما کمیت بسیار پایین است. در بخش ترجمه، تنوع موضوع خیلی بیشتر از سال‌های گذشته شده است. در مواردی از نظر موضوعی تطابق گروه سنی وجود ندارد. یعنی کتاب‌ها بیشتر برای گروه سنی کودک هستند تا پیش دبستانی. این در حالی است که در شناسنامه، کتاب برای گروه سنی پیش دبستانی معرفی شده است. همچنین، مطالب گاهی مناسب پیش دبستانی هستند، اما تصویرگری‌ها و نوع کتاب‌سازی‌ها مناسب این گروه سنی نیست. در سال‌های اخیر، افزایش انتشار قابل قبول کتاب‌های مناسب جای خوش حالی دارد.



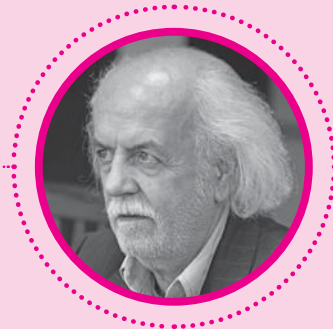
بابک نیک‌طلب (۱۳۴۶)، تهران

کارشناس زبان و ادبیات فارسی است و با نشریات همکاری دارد. بعضی از آثار او عبارت‌اند از: «پیشواز روشنی» نشر جوانه (۱۳۷۱)؛ «نردبانی از ستاره» شعر نوجوان، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (۱۳۸۱)؛ «تا خیابان خوشبخت» مجموعه شعر نوجوان، کانون پرورش فکری (۱۳۸۹)؛ کتاب شایسته تقدیر فصل بهار؛ «عروس آسمون» مجموعه شعر کودک، انتشارات مدرسه (۱۳۸۶)؛ «هم این قشنگ، هم اون قشنگ»، مجموعه شعر کودک، نشر پیدایش (۱۳۹۳)؛ «با فرفره‌ها به شادی باد بگرد»، مجموعه رباعی برای نوجوانان، کانون پرورش فکری (۱۳۹۴). وی برنده لوح زرین چهارمین جشنواره کتاب سال کانون پرورش فکری (سال ۷۲) و برنده کتاب سال سروش نوجوان در سال ۷۲ است. در پنجمین جشنواره شعر فجر در سال ۱۳۹۰ به‌عنوان نفر اول بخش شعر کودک و نوجوان معرفی شد و سرو زرین و جوایز این جشنواره را دریافت کرد.



حسین احمدی (۱۳۳۹)، روستای رندان استان تهران

دانش‌آموخته رشته علوم تربیتی در گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه آزاد اسلامی و دوره‌های آزاد آموزش ادبی و نمایشی و شعر است. در طول خدمت خود مسئول امور هنری منطقه ۵ آموزش و پرورش، معاون پرورشی مدرسه و کارشناس و داور جشنواره‌های سرود کشوری در مسابقات هشتگانه بوده است. فعالیت در مرکز هنرهای نمایشی، شرکت در جلسات شعر کودک و نوجوان، تولید کتاب‌های شعر و ارائه مقاله پیرامون شعر و ادبیات، انجام پژوهش‌های ادبی پیرامون زندگی بزرگان مذهب و فرهنگ و ادب و نیز تاریخ ایران بعد از اسلام از جمله سوابق علمی - پژوهشی ایشان هستند. از سوابق اجرایی او می‌توان به داوری سه دوره مسابقات فرهنگی ستاد اقامه نماز کشور، کارشناس آثار شعر و نثر ادبی مخاطبان کیهان بچه‌ها به مدت ۱۲ سال، همکاری با دفتر تألیف کتب درسی در تفکیک کتاب هنر دوره راهنمایی به سه پایه و اجرای نمایش در جبهه‌های جنوب در دوران دفاع مقدس نیز اشاره کرد.



اتوسا صالحی (۱۳۵۱)، تهران

شاعر، نویسنده و مترجمی است که تاکنون بیش از ۶۰ عنوان کتاب برای کودکان و نوجوانان منتشر کرده است. از میان آن‌ها می‌توان به آثاری چون «حتی یک دقیقه کافی است» (رمان نوجوان)، «دلم برای تو تنگ است»، «کی خواب میمون کوچولو را دیده»، «ماشین قشنگ من کاهو» (داستان کودک)، ترانه‌ای برای باران (مجموعه شعر برای نوجوانان)، مجموعه ۱۲ جلدی قصه‌های شاه‌نامه (بازآفرینی)، مجموعه تام گیتس و جونی بی جونز (داستان ترجمه) و دریای عزیز (شعر به زبان ساده) اشاره کرد. جوایزی نیز از جشنواره‌های گوناگون دریافت کرده است که نشان «کلاغ سفید» کتاب برگزیده کتابخانه مونیخ، «جایزه پروین اعتصامی» کتاب تقدیری «کتاب سال وزارت ارشاد»، جایزه «بانوی فرهنگ» وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، لوح زرین و دیپلم افتخار «جشنواره کتاب و مطبوعات کانون پرورش فکری» از جمله آن‌هاست.





بیانیه گروه داوری شعر و نثر ادبی

هیئت داوران گروه شعر و نثر ادبی پس از دو مرحله داوری و بحث و تبادل نظر از بین کلیه آثار ارائه شده تعداد ۲۲ عنوان کتاب را به ارزیابی دقیق گذاشت و به اتفاق آرا یک کتاب به عنوان برگزیده انتخاب شد. در مجموع کارهای ارائه شده در این دوره از جشنواره، کیفیت و کمیت مناسبی در زمینه شعر کودک و نوجوان مشاهده شد. چهره‌های جوان، با استعداد و خلاق به مجموع شاعران افزوده شده‌اند که به رشد و گسترش این حوزه ادبی کمک می‌کنند. البته توجه خاص سازمان‌های فرهنگی متولی ادبیات کودک و نوجوان نیز لازم است. اما در زمینه نثر ادبی و غیرداستانی متأسفانه ضعف و کمبود چشمگیری وجود دارد.

جای آثار مطلوب و الگوهای شایسته نثر ادبی خالی است. ضعف تألیف، توجه نکردن به معیارهای ادبی و زبان شعری و تکرار مضمون و سوژه‌های دم‌دستی و آسان‌گیری سرودن و نوشتن برای مخاطب کودک و نوجوان.

البته در کنار این ضعف‌ها، برخی نقاط قوت نیز به چشم می‌آید، از جمله:

۱. رعایت ایجاز و اختصار در ارائه مفاهیم و مضمون‌های نو؛
۲. نزدیکی به دغدغه‌های کودک و نوجوان؛
۳. اهتمام در منظومه‌سرایی برای گروه سنی کودک؛
۴. توجه به نقش تصویرگری و کتاب‌سازی مناسب برای مخاطبان کودک و نوجوان در اغلب آثار.



حسن حذر خانی (۱۳۵۱)، کرج

دکترای شیمی را از دانشگاه شیراز گرفته است. ۲۲ سال در مدارس تیزهوشان و نمونه‌مردمی و مدارس خارج از کشور سابقه تدریس شیمی دارد و مؤلف کتاب درسی است. از سوابق علمی - پژوهشی وی می‌توان مدرس دانشگاه فرهنگیان، مشاوره پایان‌نامه‌های دانشجویان کارشناس ارشد و دکترا را نام برد. چندین مقاله نیز در مجلات معتبر بین‌المللی به چاپ رسانده و در همایش‌های گوناگون آموزش علوم شرکت کرده است. وی رئیس گروه تحقیق، توسعه و آموزش علوم پایه، کارشناس مسئول گروه شیمی در دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری است و دبیر اولین همایش ملی آموزش علمی با رویکرد کاوشگری بوده است.



محبوبه زین‌الدین بیدمشکی (۱۳۴۸)، تهران

کارشناس ارشد آموزش شیمی دانشگاه شهید رجایی است. به مدت ۲۷ سال دبیر شیمی دبیرستان‌های مناطق ۱۵ و ۱۳ تهران بوده است و یکی از مؤلفان سناریوی آموزشی برای مجموعه فیلم‌های آموزشی (آموزش مفهومی شیمی ۳) به شمار می‌رود. تألیف مقالات متعدد پژوهشی در همایش‌های ملی بین‌المللی (آموزش شیمی، آموزش الکتروشمی، روش‌های نوین آموزشی، آموزش علوم و فناوری، تأکید بر جهان اسلام و...) از دیگر آثار پژوهشی اوست. عضویت در دبیرخانه شیمی، سرگروهی شیمی منطقه، همکاری با گروه‌های آموزش متوسطه (۱) و همکاری با گروه شیمی دفتر تألیف کتاب‌های درسی از دیگر سوابق اجرایی او محسوب می‌شوند.



ماندانا فتوحی (۱۳۴۵)، تهران

کارشناس ارشد شیمی آلی و کارشناس دبیری شیمی است. یک دوره سرگروه شیمی منطقه ۱۵ و چهار دوره سرگروه شیمی منطقه یک، سرگروه جشنواره IT کشور در سال ۸۵ و طراح سؤال هماهنگ خارج از کشور پایه اول دبیرستان در سال ۷۸ بوده است. یکی از مؤلفان کتاب کار «شیمی و زندگی» (نامزد کتاب برگزیده جشنواره کتاب رشد) و برگزیده فعالیت‌های اقدام‌پژوهی منطقه یک تهران است. از دیگر آثار او «تألیف کتاب شیمی ۲ و آزمایشگاه و چند مقاله در مجله «رشد آموزش شیمی» و تولید چند مولتی مدیای آموزش شیمی پیش‌دانشگاهی است. در تهیه سی‌دی آموزشی «آزمایش‌های شیمی» با گروه شیمی شهر تهران همکاری داشته است و چند سال معاونت مدارس، عضویت در گروه پژوهش و تحقیق و داوری جشنواره‌های تدریس دبیر و داوری تکنولوژی شهر تهران در سال‌های ۸۵ و ۸۶ از سوابق اجرایی او محسوب می‌شوند.





بیانیه گروه داورى شیمی

امروزه کتاب‌های آموزشی و کمک‌آموزشی در شمارگان بالا به چاپ می‌رسند و در سطح گسترده‌تری از آن‌ها استفاده می‌شود. شاید اولین سؤال بسیاری از اولیا و دانش‌آموزان در مواجهه با متخصصان هر رشته، پرس‌وجو از کتاب مناسبی است که روند آموزش را به واقع تسریع کند و از هدررفت وقت مخاطب بکاهد. داوران کتاب‌های آموزشی می‌توانند با بررسی دقیق میزان تحقق اهداف آموزشی در لایه‌های برگ‌های کتاب‌ها، مانع از ورود کتاب‌های کم‌اهمیت و بی‌ارزش به بازار کتاب‌های آموزشی شوند.

تعداد کتاب‌های راه یافته به مرحله دوم بسیار اندک (کمتر از انگشتان دست) بود. این مطلب ضمن آنکه گویای توجه داوران به نقش سازنده و تأثیرگذار این کتاب‌ها در بهبود کیفیت آموزش است، از تولید شدن کتاب‌های مناسب آموزشی شیمی در سال گذشته نیز خبر می‌دهند. نکته قابل تأمل اینکه در میان همین تعداد معدود کتاب، جای خالی کتاب‌های حمایتی (معلم و دانش‌آموز) به شدت احساس می‌شد. تقریباً همه کتاب‌های راه یافته به این مرحله از نوع کتاب‌های کار و تمرین بودند.

در راستای توجه به اهمیتی که این کتاب‌ها در آموزش و کیفیت آن دارند، گروه داورى، ضمن احترام به تمام مؤلفان و نویسندگان کتاب‌های آموزشی، که یقیناً با دغدغه بهبود کیفیت آموزش قدم به این عرصه نهاده‌اند، اعتقاد دارد، هیچ یک از کتاب‌های راه یافته به این بخش شایسته عنوان برگزیده یا تقدیری نیستند. چه آنکه «برگزیده» عنوانی است که انتظار ما را از یک منبع آموزشی تا حدی بالا می‌برد که تنها به رعایت اهداف کتاب‌های درسی و پوشش دادن آن‌ها بسنده نکنیم (هرچند این مهم کاملاً رعایت نشده بود). همچنین، حفظ کردن ظاهر کتاب، همچون همه کتاب‌های پیشین و چیش عناصر به ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین شیوه‌ها، ما را به انتخاب کتاب برگزیده یا قابل تقدیر قانع نکرد.

منبع آموزشی برگزیده قادر است مخاطب امروزی را که به شدت محو جلوه‌های تکنولوژی دنیای پیرامون شده، جذب کند، پاسخ‌گوی نیازها و چالش‌های آموزشی او باشد و بر توجه و تمایل او به مطالعه بیفزاید. ملالت، تکرار و استفاده از شیوه‌های معمول در تولید کتاب‌های آموزشی باید جای خود را به ارائه خلاقانه، تعاملی، کشف مفهوم و جست‌وجوگری در منابع بدهد. به‌ویژه کمترین انتظار از منابع کمک‌آموزشی و آموزشی، حرکت در راستای تغییرات کتاب‌های درسی و تطبیق دادن خود با آن‌هاست. بنابراین، با توجه اینکه در کتاب‌های مورد ارزیابی هیچ‌یک از موارد فوق رعایت نشده و تنها به خلاصه کردن مطالب کتاب‌های درسی و طراحی سؤال و تمرین در همان قالب‌های کلیشه‌ای و معمول اکتفا شده بود، هیئت داوران هیچ‌یک از آن‌ها را شایسته تقدیر با عنوان برگزیده ندانست و با علم به اینکه دقت و ریزبینی در این عرصه، در درازمدت سبب افزایش کیفیت کتاب‌های آموزشی می‌شود، چشم‌انتظار تولید منابع ارزشمند در آینده است.



علوم تجربی

مریم انصاری (۱۳۴۶)، تهران

کارشناس ارشد فیزیولوژی جانوری از دانشگاه خوارزمی است. ۲۷ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش دارد. از جمله سوابق علمی - پژوهشی وی همکاری در تألیف کتاب‌های علوم دوره ابتدایی و زیست‌شناسی دبیرستان، راهنمای معلم و کتاب کار علوم و زیست‌شناسی است. وی موفق به چاپ مقاله علمی و آموزشی در مجله رشد آموزش زیست‌شناسی شده است و کارشناس زیست‌شناسی و علوم دفتر تألیف و دبیری زیست‌شناسی دبیرستان‌های تهران از جمله سوابق اجرایی او هستند.



بهداد اصفهانی (۱۳۴۹)، تهران

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی از دانشگاه آزاد اسلامی و کارشناس علوم تجربی است. ۲۵ سال در مدارس راهنمایی شهر تهران تدریس کرده است. همچنین سرگروه علوم تجربی شهر تهران، مسئول دبیرخانه علوم تجربی شهر تهران، مسئول گروه درس‌پژوهی شهر تهران، کارشناس مسئول آموزش متوسطه دوره اول مناطق ۱۹ و ۲ تهران، و داور جشنواره کتاب رشد بوده است.

از جمله سوابق علمی - پژوهشی او می‌توان به مسئولیت گروه و تیم درس‌پژوهی شهر تهران، داوری آثار پژوهشی دبیران شهر تهران در بخش علوم تجربی، عضویت کارگروه «رویکرد فرهنگی - تربیتی دفتر آموزش راهنمایی، وزارت آموزش و پرورش اشاره کرد. وی مؤلف مجموعه کتاب‌های «ارزشیابی نوین آموزشی» و مجموعه کتاب‌های «آشتی با علوم» است.



بتول فرنوش (۱۳۳۳)، تهران

کارشناس ارشد دانشگاه آزاد و کارشناس فیزیک دانشگاه صنعتی شریف است. سابقه سی سال تدریس فیزیک و بیست سال همکاری با گروه علوم تجربی دفتر تألیف با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی دارد. کتاب‌های درسی علوم تجربی دوره ابتدایی، کتاب راهنمای معلم علوم تجربی دوره ابتدایی و کتاب‌های کار (انتشارات مدرسه و مبتکران) از جمله تألیفات او به شمار می‌روند. وی داوری چندین دوره جشنواره کتاب رشد را نیز در کارنامه خود دارد.





بیانیه گروه دآوری علوم تجربی

پرورش شایستگی‌های پایه و مهارت‌های فرایندی علمی، یادگیری راه یاد گرفتن، ارتقای خواندن و درک مطالب علمی و پرورش تفکر علمی در دانش‌آموزان، از اهداف مورد نظر برنامه حوزه تربیت و یادگیری علوم تجربی است.

کتاب‌های مناسب علمی - آموزشی و کمک‌درسی که برای دانش‌آموزان و معلمان تهیه می‌شوند، بخشی از رسانه‌های آموزشی به شمار می‌روند که برای دستیابی به اهداف مورد نیاز می‌توانند برنامه درسی آموزش علوم را یاری دهند.

گروه داوران از میان ۳۵ اثر راه یافته به مرحله پایانی جشنواره، شامل کتاب‌های ترجمه شده، ترجمه و تألیف و کتاب کار، شش عنوان کتاب را به عنوان نامزد معرفی و سرانجام از میان آن‌ها دو کتاب را به عنوان کتاب‌های شایسته تقدیر انتخاب کرد.

توجه به ویراستاری علمی و ادبی کتاب‌ها، ارائه مفاهیم علمی به زبان ساده و روان، استفاده از تصویرهای گویا و جذاب در کتاب‌های تألیفی، توجه به آشنا کردن دانش‌آموزان با روند تولید و تاریخ علم، توجه به حفظ محیط زیست و معرفی حیات وحش ایران زمین. از نقاط قوت کتاب‌های این دوره به شمار می‌آید.

توجه نکردن به ارائه منابع مورد استفاده در کتاب‌های تألیفی، بی‌توجهی به رویکردهای جدید آموزش علوم تجربی به‌ویژه در کتاب‌های کار، و هماهنگ نبودن برخی کتاب‌های ترجمه‌ای با فرهنگ اسلامی - ایرانی را نیز می‌توان از نقاط ضعف کتاب‌ها برشمرد.

پیشنهادهای برای افزایش کیفیت کتاب‌های علوم توجه به رویکرد جدید آموزش علوم، به‌ویژه در کتاب‌های کمک‌درسی متعدد کتاب کار؛ توجه به استانداردهای لازم برای کتاب مانند نهادینه‌سازی و مقدمه برای معرفی کتاب و بیان هدف؛ ارائه منابع مورد استفاده و در کتاب‌های تألیفی؛ توجه بیشتر به ویراستاری علمی و ادبی کتاب‌ها (در ترجمه و در تألیف)؛ تألیف کتاب‌های مناسب برای آموزش معلمان (علمی و روش‌های آموزش) با زبان مناسب برای معلمان دوره‌های گوناگون؛ توجه به رویکرد دینی و فرهنگی در کتاب‌های ترجمه‌ای؛ توجه به برگردان دقیق واژه‌ها و اصطلاح علمی.



محمدرضا حشمتی (۱۳۴۴)، تهران

کارشناس ارشد آموزش و پرورش تطبیقی است. در حال حاضر معلم درس تفکر و سبک زندگی و سردبیر مجله رشد معلم است. وی یکی از اعضای تیم نویسندگان کتاب «فرهنگ‌نامه مشاغل» است که در سال ۱۳۹۲ عنوان کتاب برگزیده جمهوری اسلامی ایران را به دست آورد. وی داوری چندین دوره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد را در کارنامه اجرایی خود دارد.



سیده فاطمه شبیری (۱۳۵۰) تهران

کارشناس ارشد علوم تربیتی (تحقیقات آموزشی) دانشگاه تربیت معلم تهران است. دبیری ریاضی مناطق ۱، ۲ و ۱۲ و نیز درس تفکر و سبک زندگی پایه‌های هفتم و هشتم متوسطه منطقه‌های ۲ و ۳ تهران از سوابق او در آموزش و پرورش است. وی از سال ۱۳۸۳ تاکنون عضو تحریریه مجله رشد مدرسه‌فردا است. از سوابق علمی و پژوهشی و مهم‌ترین آثار وی می‌توان پژوهش در حوزه کاربرد ICT در آموزش و پرورش و تألیف کتاب رایانه در خانه (به سفارش دفتر امور زنان نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها) را برشمرد. برگزاری کارگاه‌های مهارت‌های زندگی برای دانش‌آموزان متوسطه و اولیای آن‌ها و برگزاری کارگاه گفت‌وگو (وابسته به مؤسسه امام موسی صدر) از سوابق اجرایی وی به شمار می‌روند.



لیلی محمدحسین (۱۳۴۲)، تهران

کارشناس ارشد زبان و ادبیات انگلیسی و معاون منابع انسانی «مؤسسه منظومه خرد» است. ۲۷ سال سابقه آموزش زبان انگلیسی دارد و به مدت ۱۴ سال در طراحی و اجرای کارگاه‌های آموزشی برای معلمان، مدیران و کارشناسان آموزش و پرورش داشته است. در برنامه آموزشی «تضمین کیفیت در مدارس اسکاتلند» و نیز برنامه «آموزشی ستاد فرهنگی ژاپن برای مدیران و معلمان دوره متوسطه» شرکت کرده و عضو شورای برنامه‌ریزی مجله رشد آموزش راهنمایی بوده است. از جمله آثار وی «مغز و آموزش»، «بینایی سیستمی»، «بهبود مستمر در کلاس درس»، «یادگیری از طریق هم‌یاری»، «تفکر خلاق» و «حل مسئله» را می‌توان نام برد.





بیانیه گروه دآوری علوم تربیتی

از دیدگاه داوران این حوزه، کتاب‌های حوزه علوم تربیتی به کتاب‌هایی اطلاق می‌شود که به ارتقای مهارت‌های آموزشی و پرورشی معلمان، مدیران و کارشناسان آموزش و پرورش می‌پردازد. اعتقاد راسخ داریم که در صورت پشتیبانی از انجام پژوهش‌های بنیادین و کاربردی، پژوهشگران به انجام پژوهش‌های بیشتر، حول مسائل چالش‌برانگیز آموزش و پرورش تشویق می‌شوند و در نتیجه تعداد تألیفات این حوزه ارتقا می‌یابد. این‌گونه پژوهش‌ها را می‌توان بلافاصله در کلاس‌های درس به کار بست و به اهداف عالی آموزش و پرورش نزدیک شد.

در بررسی گروه دآوری، از ۵۳ کتاب دریافتی از دبیرخانه، ۳۶ کتاب از حیطه دآوری خارج و ۱۷ کتاب به‌طور دقیق ارزیابی شدند. معیار داوران برای حذف کتاب‌ها عام بودن بیش از حد مضمون‌های کتاب، ارتباط نداشتن با حوزه علوم تربیتی و جمع‌آوری مطالب تکراری بود. از ۱۷ کتاب مورد دآوری، پنج کتاب ترجمه‌ای و ۱۲ کتاب تألیفی بود که مایه خرسندی است.

نقاط ضعف

- متأسفانه بخش عمده‌ای از متون بعضی از کتاب‌های تألیفی ترجمه‌ای بود و گاهی مؤلفان آشکارا رعایت امانت نکرده بودند.

نقاط قوت

- از نقاط قوت کتاب‌های دریافتی، پرداختن به موضوع‌های مبتلابه آموزش و پرورش، مسائل کلاس درس و ارتباطات فردی بین دانش‌آموزان و معلمان است.

پیشنهادهای

پیشنهاد گروه دآوری برای ارتقای کیفی کتاب‌های حوزه علوم تربیتی، پشتیبانی از معلم - مؤلف است تا معلمان، مدیران و مشاوران شاغل در مدارس بتوانند تجربه‌های دست اول خود را در اختیار همگان قرار بدهند. در صورتی که رشته‌های مرتبط با حوزه علوم تربیتی و تربیت معلم در دانشگاه‌ها به تعریف پژوهش‌های بنیادین و کاربردی در محیط مدرسه و کلاس درس بپردازند و آموزش و پرورش به حمایت از انجام این پژوهش‌ها بپردازد، آن‌گاه می‌توانیم شاهد رشد تألیفات اثربخش در این حوزه باشیم.



فرهنگ و هنر

علاءالدین کیا (۱۳۴۲)، نوشهر

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه آزاد اسلامی و کارشناس پژوهش علوم اجتماعی از دانشگاه تهران است. دبیری دبیرستان‌ها و مراکز آموزش ضمن خدمت، همکاری با دفتر وزارتی حوزه سستادی، ریاست گروه آموزش و پرورش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، معاونت پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش و مدیریت کل فرهنگی دانشگاه فرهنگیان از جمله سوابق آموزش و پرورش او هستند.

وی مدارک و سوابق علمی و پژوهشی متعددی دارد، از جمله مدرک خوش‌نویسی با درجه ممتاز از انجمن خوش‌نویسان ایران. او بیش از ۳۰ پژوهش در حوزه‌های تعلیم و تربیت و امور فرهنگی و هنری انجام داده و راهنمای بیش از ۱۰۰ پایان‌نامه و پروژه تحصیلی دانشجویی بوده است. وی عضو گروه پژوهش هنر پژوهشکده برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی و عضو کمیته دآوری اقدام‌پژوهی‌های برتر معلمان است، از سوابق اجرایی او عضویت در هیئت تحریریه مجله رشد و مدیریت اجرایی جشنواره فرهنگی و هنری دانش‌جو معلمان کشور نیز قابل ذکرند.



مرضیه پناهیان پور (۱۳۴۸)، تهران

کارشناس هنرهای تجسمی است. ۲۵ سال به‌عنوان دبیر هنر مدارس خدمت کرده است و با دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، به‌عنوان عضو شورای برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی فرهنگ و هنر، همکاری دارد. مقالات متعددی به چاپ رسانده است که از جمله آن‌ها «به‌کارگیری و تلفیق ریاضی و هنر در آموزش فراکتال‌ها در کلاس درس» است.



کاوه تیموری (۱۳۴۴)، تهران

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه علامه طباطبایی است. از جمله سوابق خدمت او در آموزش و پرورش سردبیری مجله رشد آموزش هنر، تدریس در مراکز تربیت معلم، و مشاور قائم‌مقام وزیر در انجمن اولیا و مربیان، رئیس گروه آموزش و مدرس انجمن خوش‌نویسان ایران هستند.

نگارش هشت عنوان کتاب هنری و دو عنوان کتاب در حوزه علوم اجتماعی، و انجام دو طرح پژوهشی در فرهنگستان هنر و اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران از جمله کارهای او هستند.





بیانیه گروه داوری فرهنگ و هنر

بی شک یکی از مهم ترین ساحت های تعلیم و تربیت «ساحت هنری و زیبایی شناختی» است و وزارت آموزش و پرورش موظف است از همه امکانات و ظرفیت های درونی و بیرونی برای تقویت حس زیبایی شناختی و هنری دانش آموزان استفاده کند. تولید منابع آموزشی و تربیتی توسط ناشران بخش غیردولتی و علاقه مندان به این حرفه، از رویکردهایی است که می تواند در این مسیر به برنامه ریزان و مجریان امور تعلیم و تربیت کمک شایانی کند.

در حال حاضر، تولید کتاب های هنری با ضعف ها و قوت های قابل توجهی روبه روست. این مهم، از نظر میزان تولید کتاب در این زمینه، تناسب با دوره ها و سنین گوناگون تحصیلی، کیفیت هنری و زیبایی شناختی این کتاب ها، نوع مخاطبان و تنوع رشته ها و حوزه های هنری، قابل بررسی است.

از نقاط قوت کتاب های رسیده به این گروه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ارتقای کیفیت چاپ و تولید برخی کتاب ها از نظر گرافیک و صفحه آرایی.
۲. تازه و خلاقانه بودن برخی کتاب ها و ارائه روش های تازه در آموزش هنر.
۳. رویکرد فرهنگی و تربیتی مناسب و نزدیک شدن به استانداردهای وزارت آموزش و پرورش.

همچنین نقاط ضعف زیر در کتاب ها مشهود بود.

۱. تعداد اندک کتاب های حوزه هنر در مقایسه با سال های گذشته (تنها ۱۱ عنوان)؛
۲. برجسته بودن تعداد کتاب های ترجمه شده نسبت به کتاب های تألیفی (۴۵ درصد تألیف و ۵۵ درصد ترجمه)؛
۳. نبود تنوع کافی در پرداختن به رشته های متنوع هنری مانند عکاسی، سفالگری و طراحی؛
۴. کمبود منابع آموزشی و تربیتی برای سال های بالاتر تحصیلی به ویژه دوره دوم متوسطه و تمرکز منابع تولید شده فعلی بر سنین دبستان و پیش از دبستان و همچنین بی توجهی به تولید کتاب برای معلمان و خانواده ها.

پیشنهادهای گروه داوری فرهنگ و هنر به ناشران و مسئولان و نیز دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی به شرح زیر است:

۱. ترغیب تولیدکنندگان به ورود بیشتر به همه حوزه های هنری و توجه انواع مخاطبان آموزش و پرورش؛
۲. ترغیب و تشویق مؤلفان به تولید کتاب های متناسب با فرهنگ ملی و بومی ایران اسلامی؛
۳. ترغیب معلمان و خانواده ها به استفاده بیشتر از کتاب های تولید شده و در نتیجه اقتصادی شدن تولید این منابع؛
۴. اجرای نشست های توجیهی و هماهنگی برای بیان استانداردها و شاخص های کتاب های تربیتی و آموزشی با افراد حوزه نشر.



سید جواد بهشتی (۱۳۳۳)، کاشان

تحصیلات حوزوی خارج فقه دارد. معاونت آموزش نهضت سوادآموزی دهه ۷۰ و مدیر کل قرآن و عترت و نماز ده ۸۰ وزارت آموزش و پرورش و مشاور وزیر در امور قرآن و عترت و نماز از سوابق خدمتی ایشان هستند. تاکنون حدود ۲۰ عنوان کتاب و مقالاتی در نشریات به چاپ رسانده و در تولید «فرهنگ‌نامه قرآن» و «فرهنگ‌نامه صحیفه» مشارکت کرده است. وی داوری چند دوره جشنواره کتاب رشد را نیز در کارنامه خود دارد.



بهروز رضایی کهریز (۱۳۴۷)، اردبیل

دانشجوی کارشناس ارشد الهیات است. از سال ۱۳۶۶ نویسندگی برای کودکان و نوجوانان را آغاز کرده و بیش از ۱۰ سال سردبیری مجله‌های «امید آینده‌ساز» و «رشد دانش‌آموز» را بر عهده داشته است. از سال ۱۳۸۸ در بخش «معاونت کتاب و سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی» با دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی همکاری دارد. مجموعه ۱۲ جلدی «قصه‌های خدا»، «فرهنگ‌نامه طلایی نوآموز» و «آرزوهای یک چوب» از آثار او در حوزه کودکان و نوجوانان است و دو فرهنگ‌نامه قرآنی را در دست انتشار دارد.



فاطمه فاخر (۱۳۴۵)، رودسر

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی است. از جمله حوزه‌های محل خدمت وی می‌توان کارشناس قرآن حوزه ستادی، کارشناس برنامه‌ریزی شوراهای دانش‌آموزی، کارشناس برنامه‌ریزی اوقات فراغت، کارشناس نظری و پیش‌دانشگاهی و دوره تکمیلی بزرگسالان، کارشناس امور فرهنگی و هنری و دبیری را نام برد. تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه‌های جامعه علمی - کاربردی و دوره‌های ضمن خدمت کوتاه‌مدت فرهنگیان نیز جزو سوابق علمی پژوهشی او هستند. از دیگر سوابق آموزشی وی می‌توان به مدرسی کلاس آموزش خانواده، سرگروهی آموزشی و داوری جشنواره خوارزمی اشاره کرد. وی در ساحت‌های گوناگون قرآنی، اجتماعی و تربیتی در روزنامه‌ها، ماه‌نامه‌ها و مجلات مقاله نوشته و مقاله «مدرسه قرآن با رویکرد مدرسه‌محوری» از جمله مقالات اوست.





بیانیه گروه داوری قرآن

گروه داوری قرآن، قدردان همه پدیدآورندگان و ناشران گران قدری است که در حوزه قرآنی فعال اند. به خصوص سپاس گزار نشرانی است که آثار خود را با هدف عرضه در آموزشگاه‌ها، برای ارزیابی به دبیرخانه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی سپرده‌اند و به سهم خود به رونق این جشنواره، که دغدغه محوری آن کتاب و کتابخوانی است، افزوده‌اند.

خوش‌بختانه در بین کتاب‌های رسیده آثار ارجمندی به چشم می‌خورند که درواقع می‌توان آن‌ها را مایه مباهات شمرد. آشکار است پدیدآورنده و ناشر برای به ثمر رسیدن آن زحمتی چشمگیر متحمل شده‌اند. اما دریغ که بسیار اندک‌اند؛ و نیز جای دریغ است که در سرزمین اسلامی ایران و با وجود فعالیت‌های فراوان قرآنی، کتاب‌های قرآنی سهم اندکی در خیل کتاب‌های تولید شده دارند و با وجود برگزاری دو جشنواره مستقل قرآنی توسط سازمان پژوهش، تنها ۱۷ عنوان کتاب به گروه داوری قرآن راه یافته‌اند و ناشران محترم کتاب‌های قرآنی، با وجود اطلاع از برگزاری جشنواره، از ارسال آثار تازه خود خویشتن‌داری می‌ورزند.

آثار تولید شده برای کودکان و نوجوانان نیز غالباً به داستان‌های قرآنی محدود می‌شوند. در حالی که اقیانوس پهناور و ژرف قرآن، مشحون از معارف گران‌سنگی است که درباره هر کدام یا هر دسته از این معارف - بسته به ذوق و هنر پدیدآورندگان - می‌توان کتاب‌های متعدد در سطوح گوناگون، اعم از خردسال، کودک، نوجوان، جوان و معلم، پدید آورد.

نکته درخور توجه دیگری که در کتاب‌های قرآنی به چشم می‌خورد، سهل و ساده انگاشتن موضوع توسط برخی ناشران است؛ به نحوی که گاه قصه‌های نوشته شده حتی از ابتدایی‌ترین اصول قصه‌نویسی بی‌بهره‌اند؛ حال آنکه این آثار به دلیل حساسیتی که دارند - نه تنها نیازمند ویرایش ادبی دقیق و البته متناسب با سطح ذهنی و آموزشی کودک هستند، بلکه لازم است توسط افراد آشنا به قرآن نیز مطالعه شوند تا از لغزش‌های احتمالی پیشگیری شود. در بررسی کتاب‌های قرآنی این دوره با برخی ویژگی‌های ارزشمند از سویی و برخی ضعف‌های آزاردهنده از سوی دیگر روبه‌رو بودیم که برای پرهیز از زیادی گفتار از آن‌ها چشم می‌پوشیم. در پایان، متواضعانه به ناشران و پدیدآورندگان که دغدغه گسترش فرهنگ قرآنی را دارند و عمر و سرمایه خود را در خدمت قرآن قرار داده‌اند. پیشنهاد می‌کنیم:

- پیش از تألیف کتاب، اهداف برنامه درسی دینی و قرآن را از نظر بگذرانند و تعامل خود را با گروه دینی و قرآن دفتر تألیف کتاب‌های درسی و دبیرخانه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی افزایش دهند تا با شناسایی فضاهای خالی و تمرکز کوشش‌ها و سرمایه‌های خود در آن بخش‌ها در گسترش فرهنگ دینی و قرآنی نقشی مؤثر ایفا کنند؛ - در طرح موضوعات قرآنی، ضمن آنکه نسبت به نیازها و علاقه‌های مخاطبان خود حساسیت دارند، شرایط زمانی و سطح ذهنی آن‌ها را مورد توجه قرار دهند و در تولید آثار از مشورت ناشران موفق قرآنی، یا کارشناسان آشنا، امین و دلسوز بهره بگیرند؛

- کتاب خوب نیازمند توجه به هر دو بعد محتوا و ظاهر است. خواندن کتاب‌هایی که از سازمان‌دهی و زبان مناسب برخوردارند و از قلم‌هایی روان بهره گرفته‌اند، مطالعه را آسان و لذت‌بخش و اثر آن را ماندگارتر می‌کند. همچنین، بهره‌گیری از هنر و جذابیت‌های بصری، که از گذشته‌های دور در کتابت آثار قرآنی به کار گرفته می‌شد، از ملزوماتی است که باید در نشر این گونه آثار به آن‌ها توجه جدی داشت.

- سطح‌بندی مطالب و تولید مطالب برای مخاطب تعریف شده، موجب هدف‌گذاری صحیح و تولید کتاب‌هایی مناسب‌تر می‌شود و چه بسا توجه و اقبال بیشتر مخاطب را به دنبال داشته باشد. به‌عکس، گسترده‌تر کردن دایره مخاطبان شاید موجب از دست دادن هر دو سوی طیف و مثل «از اینجا رانده و از آنجا مانده» شود.

- کوشش برای کاربردی کردن مطالب کتاب‌ها، و ارتباط دادن آموزه‌های دینی و قرآنی با زندگی روزمره و مسائل پیرامونی مخاطب، از شایسته‌ترین شگردها برای جذب وی به سوی مطالعه است.

- و بالاخره، با عنایت به اهمیت مطالبی که در منابع دینی عرضه می‌شود، باید کوشید امانت‌دارانه منابع اصلی مطالب را به مخاطب نشان داد و امنیت خاطر او را فراهم آورد؛ ضمن اینکه با آماده‌سازی نمایه‌ای از موضوعات، می‌توان یافتن مطالب و موضوعات مطلوب را برای او آسان کرد.



عابدین آریان پور (۱۳۵۰)، دورود

کارشناس ارشد زراعت از دانشگاه آزاد دزفول است. ۱۸ سال سابقه هنرآموزی هنرستان‌های سوسنگرد و اهواز و دماوند، سرگروهی آموزشی استان خوزستان، سرگروهی آموزشی منطقه دماوند و کارشناس رشته امور زراعی دفتر تألیف و برنامه‌ریزی درسی را در کارنامه سوابق خود در آموزش و پرورش دارد. وی کارشناس محصول گرای کشت و صنعت نیشکر و صنایع جانبی امیرکبیر، عضو کمیسیون شورای برنامه‌ریزی در برنامه درسی رشته امور زراعی در دفتر تألیف کتاب‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش در گروه کشاورزی است. کتاب‌های درسی «آب، خاک و گیاه»، «کتاب راهنمای هنرآموز تولید و پرورش حبوبات»، «عملیات خاک‌ورزی»، «راهنمای هنرآموز کتاب عملیات خاک‌ورزی»، «دانش فنی امور زراعی»، «دانش فنی رشته امور باغی»، «دانش فنی رشته ماشین‌های کشاورزی»، «دانش فنی امور دام» و کتاب «همراه هرجوی رشته امور زراعی» را تألیف کرده است.



جلیل تاجیک (۱۳۳۰)، شهریار

کارشناس ارشد باغبانی از دانشگاه علوم تحقیقات است. ۳۰ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش دارد؛ در سمت‌های سرپرستی بخش زراعت و باغبانی معاونت فنی و ریاست هنرستان کشاورزی دارد. از مهم‌ترین آثار او می‌توان تألیف کتاب‌های درسی (گیاهشناسی، تولید محصولات باغی کتاب‌های پایه دهم، فنی و حرفه‌ای پایه یازدهم، کتاب‌های کشت خارج از گلخانه گل گلایل و مریم و پرورش گلخانه و بیرون از گلخانه سنبل و لاله) و بازنگری کتاب درسی تولید محصولات باغی و کتاب درسی گیاهشناسی را نام برد.



سیدناصر خالقی میران (۱۳۶۰)، مشهد

دکترای تخصصی تغذیه دام از دانشگاه تربیت مدرس را دارد. با داشتن ۱۲ سال سابقه کار در آموزش و پرورش، در پست‌های هنرآموزی رشته امور دامی، کارشناس امور کار دانش و کشاورزی اداره کل آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران، کارشناس مسئول فنی و حرفه‌ای آن اداره کل خدمت کرده و مدرس دانشگاه‌های پیام نور، فنی و حرفه‌ای و دانشگاه فرهنگیان است.





بیانیه گروه داوری کشاورزی

با توجه به تنوع آب‌وهوای ایران، برای تولید محصولات کشاورزی، به تربیت نیروی انسانی برحسب شرایط خاص مناطق نیاز است. وجود کتاب‌ها و سایر رسانه‌های آموزشی مرتبط و خاص مناطق در این زمینه.

با توجه به عناوین کتاب‌های کشاورزی در زمینه‌های زراعی، باغی، دامی، ماشین‌های کشاورزی و صنایع غذایی، باید بررسی و غربالگری صورت گیرد تا آثاری که در زمینه آموزش کشاورزی (برای هنرجویان یا هنرآموزان) مناسب هستند معرفی و استفاده شوند. البته کتاب‌هایی که در زمینه کشاورزی ارسال شده‌اند نسبت به آنچه در این حوزه منتشر شده، بسیار ناچیز است و از این نظر باید علت مشخص و رفع شود.

نقاط قوت

استفاده از تصاویر متناسب با موضوع و همچنین کاربردی (عملیاتی) بودن آن‌ها از نقاط قوت کتاب‌های این دوره است.

نقاط ضعف

از نقاط ضعف آن‌ها نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: نبودن یا کم‌رنگ بودن منابع، به‌روز نبودن بسیاری از آن‌ها و منطقه‌ای نبودنشان که سبب می‌شود بخش‌هایی از کتاب‌ها در همه مناطق کاربردی و عملیاتی نباشند.

پیشنهادهای

- ارتباط بیشتر با ناشران و جذب کتاب‌های مربوط به رشته‌های تحصیلی برای داوری؛
- معرفی کتاب‌های برگزیده به هنرستان‌های کشاورزی؛
- مشخص کردن اهداف آموزشی در حوزه کشاورزی و نظرسنجی درباره تولید و بسته‌های آموزشی، از جمله کتاب‌های مورد نیاز این رشته و ارسال نتیجه نظرسنجی به مؤلفان و کارشناسان رشته‌ها.



مدیریت خانواده، بهداشت و کودک‌پاری

سید رحمن هاشمی (۱۳۲۷)، زنجان

دارای تحصیلات حوزوی و کارشناس ارشد عرفان اسلامی از دانشگاه آزاد است. مسئولیت آموزش و پرورش تاکستان، معاونت دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، مسئولیت آموزش و پرورش ماه‌نشان، کارشناس مسئول دفتر تربیت معلم، مشاوره فرهنگی شهرداری منطقه ۲ تهران و کارشناس رشته مدیریت خانواده را در کارنامه خدمت خویش دارد. از جمله تألیفات او عبارت‌اند از: «عصمت در عرفان و کلام اسلامی»؛ مطابقت کتاب خلاف شیخ طوسی با نسخه دست‌نویس چهار نسخه از ایران، نجف، تاشکند و لبنان؛ «صلح در قرآن و منشور حقوق بین‌المللی»؛ ترجمه «التفسیر فی ضوء التمدن الاسلامی» (پرتوی در تمدن اسلام). از دیگر سوابق اجرایی وی می‌توان کارشناس مدیریت خانواده و معاونت آموزشی مؤسسه پژوهشی مشاوران مدیریتی دانشگاه صنایع و معدن شعبه البرز را نام برد.



محبوبه خلفی (۱۳۳۵)، ملایر

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی از دانشگاه الزهرا (س) است. از سوابق خدمت ایشان در آموزش و پرورش تدریس اقتصاد و آمار، مدیریت هنرستان و دبیرستان، کارشناس مسئول دفتر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و عضویت کمیسیون کتاب‌های دفتر تألیف رشته مدیریت خانواده است.

وی مقالات متعددی درباره فعال کردن انجمن اولیا و مربیان، وضعیت فارغ‌التحصیلان رشته مدیریت آموزشی، و اهمیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به چاپ رسانده و در تألیف کتاب «اقتصاد و هزینه‌ها در رشته مدیریت خانواده» با دفتر تألیف همکاری کرده است. از سوابق اجرایی او دبیری کمیته استراتژی دفتر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، مشاوره امور بانوان، ریاست گروه اقتصاد و آمار و داوری جشنواره کتاب‌های رشد را می‌توان نام برد.



سارا فرجاد (۱۳۳۳)، بیرجند

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی علوم تربیتی است و سی سال سابقه تدریس در هنرستان‌ها را دارد. علاوه بر این، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی بوده و ۲۵ سال با دفتر تألیف فنی و حرفه‌ای و کار دانش همکاری کرده است. از جمله سوابق علمی پژوهشی وی «عضویت کمیسیون تألیف کتاب‌های مربی کودک، عضویت شورای برنامه‌ریزی درسی رشد کودک‌پاری، عضویت کمیسیون آموزش‌های فنی و حرفه‌ای شورای عالی» بوده است و تاکنون موفق به تألیف کتاب کار و فناوری پایه دهم و کتاب فنون مراقبت و نگهداری کودک، کتاب‌های درسی هنرجو، راهنمای هنرآموز و کتاب‌های همراه هنرجو در رشته مربی کودک (نظام جدید) شده است.





بیانیه گروه دآوری مدیریت خانواده، بهداشت و کودک‌یاری

رشته مدیریت خانواده و بهداشت و کودک‌یاری در کشور، نیروی انسانی لایق و شایسته را تربیت می‌کند تا مدیران شایسته و مربیان برجسته‌ای در کودک‌یاری و بهداشت و مدیریت خانواده تحویل جامعه دهد. با ارتقای سطح آموزش مهارت‌های متنوع و ارائه اصول و مبانی تربیت بدنی و ملی، ارزش‌های والای اسلامی را پاسداری نمایند، و به توسعه روابط اجتماعی و اقتصادی بالنده‌ای نائل گردند و در مقابل تهاجم فرهنگی دشمنان انقلاب و کشور ایستادگی نمایند و در طول عمر خود در اداره کردن کشور ایران و حفظ نظام مقدس اسلامی ایران را به سرافرازی برتر برسانند.

تعداد کتاب‌های واصله به گروه دآوری بالغ بر ۱۱۴ جلد حکایت از توجه ناشران و مؤلفان و مترجمان عزیز می‌کند و این کتاب‌ها غالباً موجب دانش‌افزایی و ارتقای سطح دانش و بینش هنرجویان و هنراوران رشته‌ها را در برداشت از آنجایی که هدایت نسل جوان در این برهه از زمان به تلاش و کوشش دانشمندان و مؤلفان و مترجمان و ناشران عزیز، بستگی دارد انتظار می‌رود همه ناشران و مؤلفان محترم با شرکت در این نوع جشنواره‌ها حمایت عملی خود را به فرزندان این سرزمین با ارسال کتاب‌های مطلوب و در خور رشته‌های مذکور به اثبات برسانند و خود را خادم فرهنگ جامعه و تعلیم و تربیت به حساب بیاورند تا در دنیا و عقبا از پاداش برتر الهی برخوردار باشند.

ضمن تشکر از همه مؤلفان و مترجمان و ناشران گرامی کتاب‌ها در سطح نسبتاً شایسته و خوبی بود و پاسخ‌گوی نیاز روز هنرآموزان و هنرجویان و اولیا و مدیران و معاونین مدارس را در برداشت و اکثراً در راستای برنامه درسی رشته‌های مذکور بود و از صاحبان رسانه‌ها انتظار داریم همواره تألیفات منطبق با برنامه‌های درسی را برای ارزیابی ارائه نمایند.

گروه داوران انتظار دارند:

۱. کتاب‌هایی را که از منابع علمی برخوردارند برای ارزیابی ارائه نمایند، زیرا منابع و مآخذ در هر کتابی به‌عنوان مرجع علمی، کیفیت آثار و تولیدات علمی را اعتبار خاصی می‌بخشد و به ارزش علمی کتاب می‌افزاید.

۲. سطح اطلاعات علمی متناسب با رشته‌های آموزشی و مطابق برنامه‌های درسی وزارت آموزش و پرورش باشد.

۳. به نمایه یا کتاب‌نامه، فهرست و مندرجات و مشخصات فیزیکی توجه بیشتری به عمل آورند.

۴. در ارائه تصاویر و به صحافی کتاب دقت بیشتری مبذول دارند.

۵. به صفحه‌آرایی با کیفیت مطلوب توجه نشان دهند تا موجب انبساط خاطر خوانندگان کتاب‌ها را فراهم بیاورند.

از ناشران محترم انتظار می‌رود:

۱. تلاش و کوشش خود را همواره به انتظارات واقعی هنرآموزان و هنرجویان معطوف دارند و در این راستا بیشتر با کارشناس درسی هر رشته مشاوره لازم را داشته باشند.

۲. تلاش مضاعفی در تبلور استعدادها و مطالعه‌کنندگان کتاب‌های هم‌سو با کتب درسی را مد نظر داشته باشند.

۳. هر قدر کتاب‌ها در راستای برنامه‌های درسی تألیف و نشر یابد، ارتقای سطح علمی و رشد و شکوفایی دانش‌آموزان و هنرجویان را فراهم خواهد ساخت.

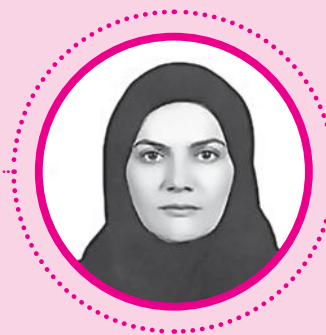
۴. نسبت به کاهش قیمت کتاب توجه نمایند تا دانش‌آموزان و نوآموزان توان خرید کتاب‌ها را داشته باشند.



مطالعات اجتماعی و سواد رسانه‌ای

حوری قاهری (۱۳۵۱)، ساوه

کارشناس ارشد ژئومورفولوژی از دانشگاه تهران است. ۲۴ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش دارد. از جمله آثار او می‌توان به مقاله «بررسی پتانسیل‌های لرزه‌خیزی در تهران»، نشریه جغرافیایی (در گروه‌های آموزشی)، جزوه آموزشی «جغرافیای قطر» (برای استفاده دانش‌آموزان ایرانی ساکن قطر) و سند تولید کتاب‌های آموزشی غیردرسی در حوزه مطالعات اجتماعی اشاره کرد. سرگروهی جغرافیای شهر تهران، عضویت در شورای برنامه‌ریزی گروه جغرافیای دفتر تألیف و عضویت در هیئت تحریریه مجله رشد جغرافیا از مهم‌ترین سوابق اجرایی او محسوب می‌شوند.



فریبرز بیات (۱۳۴۲)، تویسرکان

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه آزاد اسلامی است. از جمله سوابق خدمت وی در آموزش و پرورش دبیری مرکز مطالعات راهبردی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، سردبیری سال‌نامه رشد و نیز فصل‌نامه رشد آموزش علوم اجتماعی است. مجری و عضو تیم تدوین پرسش‌نامه پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ در تهران بوده و بررسی رابطه عام‌گرایی و اخلاق در قرآن، بررسی «وجدان کاری در ایرانیان»، مشترک با دکتر مسعود حی، بررسی «بحران اخلاقی» (پژوهشی بین شهروندان تهرانی) «اخلاق رسانه‌ای و تغییر ارزش‌ها در بین شهروندان تهرانی» را انجام داده است.

از جمله سوابق اجرایی وی دبیری سابق مدرسه همشهری، دبیری گروه اجتماعی روزنامه همشهری، معاونت پژوهشی مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سردبیری فصل‌نامه رسانه نیز هستند.



سوسن نوروژی (۱۳۴۴)، مشهد

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی را از دانشگاه آزاد تهران دارد. با ۲۴ سال سابقه خدمت در آموزش و پرورش، در حوزه‌های معاونت آموزش متوسطه، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش و دفتر تألیف و برنامه‌ریزی انجام وظیفه کرده است. مجری طرح «بررسی میزان انطباق رشته ساخت و تولید با نیازهای صنعت در این رشته» بوده و مقاله علمی پژوهشی «بررسی وضعیت مجموعه‌سازی کتابخانه‌های مدارس ابتدایی دولتی شهر تهران (۱۳۸۸) را در همایش ملی کتابخانه‌های آموزشگاهی و مقاله «مروری بر تحقیقات انجام شده در زمینه تأثیر مدارس هوشمند بر فرایند یاددهی - یادگیری» را در دومین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پرورش (۱۳۹۶) به چاپ رسانده است. از سوابق اجرایی او می‌توان به «کارشناس گروه مطالعات اجتماعی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی»، «عضویت شورای برنامه‌ریزی و نظارت بر تألیف کتاب‌های مطالعات اجتماعی پایه پنجم ابتدایی و پایه‌های هشتم و نهم متوسطه» و «داوری دو دوره جشنواره کتاب رشد» اشاره کرد.





بیانیه گروه دآوری مطالعات اجتماعی و سواد رسانه‌ای

هیئت داوران سپاس ویژه خود را از توجه دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی به نقش کتاب‌های کمک آموزشی و کمک‌درسی در تسهیل اهداف برنامه درسی کلی در حوزه مطالعات اجتماعی اعلام می‌کند. توسعه روزافزون دانش و دستاوردهای علمی در حوزه مطالعات اجتماعی از یک سو و ظرفیت محدود کتاب‌های درسی برای بسط بعضی از مفاهیم و موضوعات این حوزه از سوی دیگر، ایجاب می‌کند تولید منابع تکمیلی آموزشی در راستای اهداف برنامه درسی حوزه مطالعات اجتماعی، به منظور دانش‌افزایی و روزآمدسازی اطلاعات دانش‌آموزان و معلمان، به‌طور جدی در دستور کار قرار گیرد. حوزه وسیع مطالعات اجتماعی انتظار تولید تعداد زیادی کتاب را با عنوان‌ها و موضوعات متنوع داشت، حال آنکه تنها ۳۲ عنوان کتاب در این حوزه دریافت شد که نشان‌دهنده توجه اندک جامعه دانش‌پژوهان و مؤلفان ما به حوزه تألیف و ترجمه کتاب‌های مطالعات اجتماعی است.

ورود به عصر جامعه اطلاعاتی و رسانه‌ای شدن جهان موجب شده است در این دوره از جشنواره کتاب‌های چندی به حوزه رسانه‌ها، سواد رسانه‌ای، سواد اطلاعاتی، انقلاب دیجیتالی و شبکه‌های اجتماعی اختصاص یابد. جهانی شدن اقتصاد و تجارت و گسترش مناسبات بومی، مالی و بانکی نیز واکنش مناسبی را به ناشران این دوره داشته است و کتاب‌های در خور توجهی در این دوره به بیان موضوعات اقتصاد، بانک، پول و مناسبات مالی و تجاری برای گروه‌های متفاوت سنی پرداخته‌اند. علاوه بر این، انتشار کتاب‌هایی در حوزه باستان‌شناسی، با توجه به ظرفیت‌های کشورمان در این زمینه، و خلأ آثاری از این دست، قابل تقدیر است.

از نقاط ضعف کتاب‌های این دوره می‌توان به این موارد اشاره کرد:
- شیوه ارائه محتوا در اغلب کتاب‌های دریافتی یکسان و یکنواخت است که با توجه به رده سنی مخاطبان، انگیزه چندانی برای پیگیری مطلب ایجاد نمی‌کند.
- محتوای ارائه شده با یافته‌های جدید علمی این حوزه متناسب نیست.
- جای کتاب‌هایی که به مفاهیم، نظریه‌ها، صاحب‌نظران و موضوعات جامعه‌شناختی، به شکل ساده و آموزشی، بپردازد، خالی بود. همچنین خلأ کتاب‌های مربوط به حوزه آسیب‌های اجتماعی تهدیدکننده گروه سنی جوان و نوجوان کشور احساس می‌شود.

پیشنهادهای

۱. تولید کتاب‌های دانش‌افزایی، فعالیت‌های کاوشگری و آموزش مهارت‌های جغرافیایی در دستور کار مؤلفان و ناشران محترم قرار گیرد.
۲. در تألیف کتاب‌هایی که مخاطب آن‌ها معلمان هستند، اهتمام جدی‌تری صورت پذیرد. در این راستا بهتر است نیازهای مخاطبان اولویت‌بندی شوند.
۳. با توجه به دگرگونی شیوه‌های آموزش و پژوهش، کتاب‌های متناسب با روش‌ها و پژوهش‌های بومی جهانی در حوزه آموزش مطالعات اجتماعی تألیف شوند.
۴. با توجه به عدم موضوع و علاقه‌مندی مخاطبان به مفاهیم این حوزه، نیازها و علاقه‌های مخاطبان در این حوزه بررسی و فهرست‌بندی شوند.



محمد لطفی‌نیا (۱۳۴۹)، زنجان

کارشناس صنایع چوب از دانشگاه شهید رجایی، کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی از دانشگاه آزاد است. از سوابق ۲۴ ساله خدمت او در آموزش و پرورش می‌توان به کارشناس فنی استان کردستان، مدیریت هنرستان ماندگار صنعتی تهران و همکاری با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی اشاره کرد. وی مؤلف ۱۰ عنوان از کتاب‌های تخصصی رشته صنایع چوب و مبلمان و دو کتاب با عنوان‌های «الگوهای برنامه‌ریزی درسی» و «استاندارد عملکرد معلم» است.

از دیگر سوابق اجرایی او کارشناس مکانیک و کارشناس مسئول مکانیک دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کارودانش است.



ناصر جمادی، (۱۳۴۸)، تهران

دانش‌آموخته رشته تأسیسات تهویه و تبرید دانشگاه شهید رجایی در سال ۸۴ است. ۲۸ سال سابقه تدریس در هنرستان‌های کشور و حضور در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را به‌عنوان کارشناس دفتر فنی و حرفه‌ای و کارشناس دفتر تألیف کتاب‌های درسی از سال ۹۴ تاکنون دارد. علاوه بر این، طراح سؤال کشوری و سؤال‌های استانی و داور و مسابقات کشوری هنرستان‌هاست. از مهم‌ترین آثار او می‌توان تألیف کتاب‌های پایه‌های دهم و یازدهم و تألیف چند کتاب کمک‌آموزشی را نام برد.



بهروز خطیبی (۱۳۵۴)، تهران

دانشجوی کارشناس ارشد تبدیل انرژی دانشگاه یادگار امام (ره) است. از جمله سوابق کاری او می‌توان به ۱۸ سال هنرآموزی، هشت سال سرگروهی آموزشی استان و نیز عضویت گروه تألیف و برنامه‌ریزی درسی رشته مکانیک خودرو و کارشناس دفتر تألیف رشته مکانیک خودرو اشاره کرد.

مسئولیت دبیرخانه استانی شهرستان‌های استان تهران و کارشناس دفتر تألیف کتب فنی و کارودانش نیز از سوابق اجرایی او محسوب می‌شوند.





بیانیه گروه داوری مکانیک

ارزیابی و داوری چنین آثاری بسیار مفید و سازنده است و کتاب‌ها باید با صرف وقت مناسب و با دقت داوران و کارشناسان تخصصی این رشته بررسی شوند. در این دوره، تعداد ۲۰ عنوان کتاب کمک‌آموزشی نسبتاً جامع در گروه مکانیک، از رشته‌های صنایع چوب و مبلمان، تأسیسات، مکانیک خودرو، ساختار تولید و صنایع فلزی ارزیابی، بررسی و امتیازدهی شدند.

اکثر کتاب‌های کمک‌آموزشی، فنی و حرفه‌ای و کاردانش هستند و فقط یادگیری کتاب‌های درسی را تسهیل می‌کنند. در اکثر کتاب‌ها، بیشتر مؤلفان از مجموع کتاب‌های گذشته اثرات را گردآوری و بازنویسی کرده‌اند. مثلاً کتاب‌های «کار و فعالیت یا تمرین» از مجموع کتاب‌های تألیف شده قبلی خود مؤلفان، که در منابع هم به آن‌ها اشاره شده است، فراهم آمده‌اند. انتظار می‌رود به کتاب‌های نوپدید و جدید که ضمن به‌روز و علمی‌تر بودن، کمک شایانی به جامعه هنرجویان یا هنرآموزان و حتی دانشجویان می‌کنند، بهای بیشتری داده شود و از چاپ کتاب‌های تکراری، مانند «گام به گام»‌های متعدد با عنوان‌های جدید و محتوای نسبتاً تکراری پرهیز شود. در پایان، از زحمات همه عزیزان و دست‌اندرکاران دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی تقدیر و تشکر می‌شود.



نمایش، فیلم و سینما

وحید نیکخواه آزاد (۱۳۳۵)، تهران

دانش‌آموخته رشته جامعه‌شناسی دانشگاه تهران است. وی علاوه بر فعالیت طولانی در زمینه ادبیات کودک و نوجوان (از جمله سردبیری مجله کیهان بچه‌ها، مدیریت تولید کتاب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و عضویت در شورای انتشارات کانون)، در زمینه سینما و تلویزیون نیز فعال بوده است. همچنین مدیریت گروه‌های کودک و نوجوان شبکه‌های یک و دوی سیما و بنیاد سینمایی فارابی، مجموعه‌های تلویزیونی متعدد (از جمله سمندون، خودروی تهران ۱۱) و آغوش‌های خالی و فیلم‌های سینمایی پرشماری را برای مخاطبان کودک و نوجوان به تولید رسانده است. از مهم‌ترین فیلم‌های سینمایی او به‌عنوان تهیه‌کننده می‌توان به «گلنار» پاتال و آرزوهای کوچک، «مدرسه پیرمردها»، «تان و شعر»، «نصرت‌الله و فرزندانش» و «آینه» اشاره کرد. وی همچنین کارگردانی فیلم‌های سینمایی «علی وانی»، «نصف مال من، نصف مال تو»، «دیو و دلبر»، «فرزندخوانده» و نیز «گنجشک اشی مشی» را در کارنامه خود دارد.



حسن دولت‌آبادی (۱۳۳۵)، ساری

مدرک درجه یک هنری در رشته کارگردانی (معادل دکترا) از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کارشناس ارشد کارگردانی تئاتر از دانشگاه آزاد است. سردبیری و طراحی دو مجله شکوفه انقلاب و جوانه انقلاب در امور تربیتی و کارشناس تئاتر استان مازندران از فعالیت‌های اوست. در دوره‌های کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد در آموزش و پرورش و دانشکده‌های هنر، هنر و معماری، سوره و دانشگاه آزاد اسلامی تدریس کرده و جشنواره‌ها و فستیوال‌های استانی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی را داوری کرده است. بیش از ۵۰ مقاله به چاپ رسانده و اجرای چندین طرح ملی، تولید فیلم، نمایش‌های رادیویی و تولیدات تلویزیونی را به عهده داشته است. از مهم‌ترین سوابق اجرایی وی معاونت مدیرکل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مازندران، ریاست اداره ادبی و هنری فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران و عضویت شورای تصویب صدای استان‌های کشور است. تاکنون موفق به نگارش و انتشار ۵۶ عنوان کتاب شده و ۱۳ بار در جشنواره‌ها برگزیده شده است.



وحید گلستان (۱۳۵۸)، کازرون

کارشناس ارشد سینما، مدرس دانشگاه و پژوهشگر سینما، نویسنده و کارگردان است. نویسنده و کارگردان فیلم سینمایی «تُتُل و راز صندوقچه» و چندین تله‌فیلم و ده‌ها فیلم کوتاه (مستند داستانی و انیمیشن) است. از جمله سوابق اجرایی او داوری جشنواره‌های گوناگون از جمله فیلم فجر، کودک و رشد است. در اجرای طرح‌های پژوهشی ملی و بین‌المللی نیز همکاری کرده است. مقاله‌هایی نیز در ISI و ISC به ثبت رسانده است. وی فیلم‌نامه «ده ثانیه» و کتاب‌های «کاربرد فیلم آموزشی» و «تئانه‌شناسی سینما و تئاتر» را نیز تولید کرده است.





بیانیه گروه داوری نمایش، فیلم و سینما

گروه داوری بخش نمایش، فیلم و سینما، در پانزدهمین جشنواره کتاب رشد، در پایان داوری کتاب‌های این بخش، لازم می‌داند نکاتی را یادآور شود:

۱. به نظر می‌رسد کتاب‌های منتشر شده در این حوزه بیش از آثاری باشند که به جشنواره راه یافته‌اند. ضروری است سازوکاری اتخاذ گردد که به شناسایی همه کتاب‌های این حوزه منجر شود تا جشنواره با غنای بیشتر و به شکل جامع‌تری برگزار گردد.

۲. برای تشویق ناشران به تولید بیشتر کتاب‌هایی با رویکرد آموزشی و تربیتی، پیشنهاد می‌شود در کنار برگزیدن کتاب‌های برتر، جایزه‌ای برای بهترین ناشران در عرصه کتاب‌های آموزشی و تربیتی در نظر گرفته شود.

۳. برای جلب توجه بیشتر ناشران به اهمیت انتشار کتاب‌های آموزشی و تربیتی، پیشنهاد می‌شود دبیرخانه جشنواره با برگزاری جلسات منظم با نویسندگان، مترجمان و ناشران، روندی پویا و مستمر در تولید کتاب‌های مناسب و کاربردی برای استفاده آموزگاران، مربیان تربیتی و پرورشی، و نیز دانش‌آموزان پایه‌گذاری کند.

۴. همچنین پیشنهاد می‌شود، پژوهش‌های جامع برای شناسایی موضوعات مورد توجه و نیاز آموزش و پرورش در زمینه‌های گوناگون صورت پذیرد و حاصل آن در اختیار نویسندگان، مترجمان و ناشران قرار گیرد تا کتاب‌های مناسبی که می‌توانند به فعالیت‌های مرتبط غنای بیشتر ببخشند، به تولید برسند.

گروه داوری بخش نمایش، فیلم و سینما، برای همه نویسندگان، مترجمان و ناشران آثار آموزشی و تربیتی، و نیز برای مسئولان محترم برگزارکننده جشنواره کتاب رشد آرزوی توفیق روزافزون دارد.



گروه داوری هنرهای تجسمی و مباحث عمومی

خدیجه بختیاری (۱۳۴۵)، تهران

کارشناس ارشد هنر اسلامی از دانشگاه سوره است. ۱۷ سال گرافیک و نیز هنر را در هنرستان‌های شهرستان‌های تهران و شهر تهران آموزش داده و مدرس آموزشکده‌های هنر نیز بوده است. عضویت در کمیسیون‌های تخصصی رشته گرافیک را نیز در سوابق خدمت خود دارد. از جمله فعالیت‌های علمی پژوهشی او تألیف مقالات هنری و پژوهشی در مجله رشد هنر و مجله رشد فنی و حرفه‌ای، همکاری در تألیف کتاب‌های درسی رشته گرافیک و فتوگرافیک و شرکت در جشنواره‌های تجسمی و ارائه آثار را می‌توان نام برد. وی ۱۷ سال کار اجرایی در گروه‌های آموزشی شهرستان‌های تهران و شهر تهران، شش سال مربی‌گری هنری و فرهنگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شهر تهران و هشت سال داوری و نظارت بر داوری جشنواره‌های هنرهای تجسمی را بر عهده داشته است.



بشری گل‌بخش (۱۳۴۵)، کرمان

کارشناس ارشد پژوهش هنر دانشگاه هنر است و از انجمن خوش‌نویسان ایران مدرک ممتازی دارد. ۱۹ سال سابقه خدمت رسمی و ۱۵ سال خدمت غیررسمی دارد. از جمله سمت‌های احراز شده وی سرگروه صنایع دستی استان تهران، عضو کمیسیون برنامه‌ریزی و تألیف دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش رشته‌های گوناگون هنری، کارشناس برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش، کارشناس مسئول برنامه‌ریزی و تألیف، ریاست گروه هنر دفتر برنامه‌ریزی و تألیف فنی و حرفه‌ای و کاردانش و رئیس کارگروه هنر در پژوهشکده برنامه‌ریزی آموزشی را نام برد. از وی تاکنون سه مقاله در مجلات رشد و ۱۶ کتاب به چاپ رسیده است که از جمله آن‌ها می‌توان به مقاله‌های «معرفی برنامه صنایع دستی، پاسخ اشکالات کتاب‌های تاریخ هنر و کتاب راهنمای معلم کار و فناوری پایه هشتم، کتاب درسی کار و فناوری پایه هشتم، کتاب درسی چله‌کشی و بافت انواع گلیم، کتاب درسی نصب دستگاه و تولید جاجیم و زیلو و کتاب درسی پرداخت و سرویس‌کاری فرش اشاره کرد.



سیدهمایون موسوی (۱۳۵۰)، تویسرکان

کارشناس ارشد نقاشی از دانشگاه هنر تهران است. از سال ۱۳۷۵ به مدت سه سال هنرآموز و از آن پس به مدت پنج سال کارشناس برنامه‌ریزی و تألیف بوده است و در ادامه خدمت به‌عنوان هنرآموز انجام وظیفه کرده است. از جمله سوابق علمی - پژوهشی وی می‌توان به عضویت در کمیسیون تخصصی تألیف ۱۰ عنوان کتاب درسی و راهنمای معلم دوره فنی و حرفه‌ای گروه هنر، انجام چند پژوهش در دفتر تألیف فنی و حرفه‌ای، و نیز تألیف کتاب درسی کارگاه چاپ دستی (۱) فنی و حرفه‌ای متوسطه اشاره کرد. وی در سوابق اجرایی خود سرگروهی آموزشی استان تهران، چندین دوره داوری جشنواره شرکت‌های آموزشی و تربیتی و داوری جشنواره تجسمی و مسابقات علمی عملی را دارد.





بیانیه گروه داوری هنرهای تجسمی و مباحث عمومی

رویکرد جشنواره کتاب رشد، ارتقا و گسترش فرهنگ مطالعه و مراجعه به کتابهای کمک‌درسی و کمک‌آموزشی متناسب با برنامه‌های درسی و تغییرات ناشی از آن در کتابهای درسی است. در راستای تحقق این هدف و ارتقای کیفیت این جشنواره، از ناشران، نویسندگان و مؤلفان انتظار می‌رود، علاوه بر کتابهای عمومی هنر، کتابهایی را به جشنواره ارسال کنند که با اهداف برنامه‌های درسی آموزش و پرورش هماهنگ باشند و زمینه استفاده و بهره‌مندی بیشتر هنرجویان و هنرآموزان از این منابع را فراهم آورند. بنابراین، در اینجا اعلام می‌دارد، تعداد زیادی از کتابهای ارسالی در این راستا نبودند. همچنین، ذکر این نکته ضروری است که در ارزیابی این کتابها، برای دو گروه مخاطب اصلی هنرجویان و هنرآموزان، شاخص‌های ویژه‌ای طراحی شدند و داوری براساس آنها انجام گرفت. آثاری که به جشنواره راه یافتند، از هر دو منظر رویکردهای آموزشی و تربیتی برای هنرجویان و هنرآموزان و سپس سایر مخاطبان مورد توجه قرار گرفتند و در پایان نیز مناسب‌ترین کتابها انتخاب شدند. از این‌رو، نتایج اعلام شده به معنای نادیده گرفتن تلاش دیگر نویسندگان و ناشران نیست. در برخی موارد فاصله نتایج و امتیازها چنان نزدیک به هم بود که کار داوری را با چالش جدی مواجه می‌کرد. اما گروه داوری به رعایت مفاد شاخص‌های ذکر شده در برگه‌های ارزیابی موظف بوده و امیدوار است در آینده نزدیک شاهد حضور چشمگیرتر ناشران و مؤلفان کتابهای هنر (در راستای برنامه‌های درسی جدید و نیاز هنرجویان و هنرآموزان در گروه تحصیلی هنر) باشد.



شاهین فرهت (۱۳۲۶)، تهران

درجه دکترای خود را از دانشگاه استراسبورگ فرانسه دریافت کرد. اکنون استاد تمام وقت دانشگاه تهران و عضو شورای موسیقی کشور است. آلبوم سمفونیتا (به یاد حسین سرشار) و سمفونی شماره ۱۶ از کارهای اوست. او تاکنون ۱۷ سمفونی ساخته است.



عزت‌الله الوندی (۱۳۵۳)، توپسرکان

فارغ‌التحصیل تئاتر در گرایش ادبیات نمایشی از دانشگاه هنر است. از جمله مسئولیت‌های اجرایی وی مسئولیت اجرایی جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان (کانون پرورش فکری)، دبیری گروه فرهنگ و هنر و ویراستاری مجله توانا، مسئولیت صفحات موسیقی روزنامه بیان و آفتاب یزد، دبیری جشنواره کبوتران حرم سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، سردبیری هم‌شهری مناطق شهر تهران، دبیری بخش کودک دفتر ادبیات کودک و نوجوان حوزه هنری، و عضویت شورای کارشناسی شعر و داستان مجلات رشد کودک و نوجوان است.

از وی بیش از ۱۸ اثر به چاپ رسیده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به کتاب‌های فردوسی، تپه‌های مهتاب، ایوان بهار، زرین کوب، مأموریت در ایستگاه، سرگذشت موسیقی ایران، و دیو کوچولو و بچه آدم و نیز مجموعه پنج جلدی «بغل می‌خوام، بوس می‌خوام» (شعر خردسال) اشاره کرد. در ضمن، کتاب «فردوسی» وی در جشنواره کتاب رشد (۱۳۸۱) برگزیده شد.



هومان اسعدی (۱۳۴۹)، تهران

دکترای پژوهش هنر و موسیقی‌دان ایرانی را از دانشگاه تربیت مدرس گرفته است. فراگیری موسیقی را با نواختن ساز سه‌تار آغاز کرد و در ادامه به تکمیل اطلاعات خود در زمینه «مبانی موسیقی نظری، موسیقی‌شناسی قومی و شناخت ردیف» پرداخت. استادان در موسیقی محمدتقی مسعودیه، حسین علیزاده، مجید کیانی، داریوش صفوت، داریوش طلایی و داریوش پیرنیاکان بود. اسعدی هم‌اکنون استادیار دانشگاه تهران است. از جمله فعالیت‌های او دبیری چند دوره جشنواره موسیقی جوان (دوره‌های ۷ تا ۱۰)، عضویت شورای فنی ارکستر ملی، عضویت گروه مطالعاتی منابع تاریخی موسیقی سنتی در یونسکو، نمایندگی شورای بین‌المللی موسیقی سنتی یونسکو و سرپرستی کمیته ملی مجموعه بین‌المللی ادبیات موسیقایی یونسکو را می‌توان نام برد. ثبت «ردیف موسیقی ایرانی» در یونسکو از موفقیت‌های این موسیقی‌دان برجسته است.



بیانیه گروه داوران هنر؛ موسیقی



اعضای هیئت داوران بخش کتاب‌های موسیقی بر این باورند که سهم تألیف کتاب‌های موسیقی برای گروه سنی کودک و نوجوان ناچیز و اندک است. از طرف دیگر، بیشتر کتاب‌هایی که در این زمینه تألیف و منتشر می‌شوند، تخصصی و فاقد آگاهی و دانش عمومی لازم برای این گروه سنی‌اند و بایسته است پژوهشگران و نویسندگان به این زمینه توجهی خاص داشته باشند تا خلأ موجود در این زمینه، با نگاه هنری نویسندگان کتاب‌های موسیقی، پر و کاستی‌ها جبران شود.

در این گروه ۱۴ عنوان کتاب در حوزه موسیقی بررسی شد و برخی کتاب‌ها، به دلیل برخوردار نبودن از برخی ویژگی‌های مورد نظر هیئت داوران، از دور رقابت خارج شدند؛ به دلایلی همچون نداشتن عمومیت و صرفاً تخصصی بودن، و جزئی‌نگری در موردسازی خاص.

کتاب‌هایی نیز که اساساً فرم «نوتاسیون» داشتند از رقابت کنار گذاشته شدند. کتاب‌های دیگری هم در فهرست بودند که به دلیل نگاه بخشی و جزئی‌نگر به موسیقی و فرهنگ برخی نواحی کشور و نامناسب بودن برای عموم، از دور رقابت بیرون رفتند.





ادامه از صفحه ۱۳۷

- در طرح معماها و سرگرمی‌ها، سطح‌های متفاوت و توانایی‌های دانش‌آموزان در نظر گرفته شده باشد؛
- سرگرمی‌ها و مطالب جنبی بار آموزشی داشته باشند، به طوری که بتوان از آن‌ها در طرح فعالیت‌های یاددهی - یادگیری بهره جست؛
- به مسائل فرهنگی و ارزش‌های مذهبی، ملی و سنتی توجه داشته باشد؛
- زمینه تفکر فراهم آید؛
- از تصویرها، طرح‌ها و نقاشی‌ها برای جذاب کردن، ایجاد فهم جدید و تعمیق محتوا به خوبی بهره گرفته باشد.

ت. ویژگی‌ها و معیارهای مورد توجه برای ارزیابی کتاب‌های رشد مهارت‌های حرفه‌ای معلمان
- دانش علمی متناسب با سطح آموزش ریاضی را در اختیار معلم قرار دهد؛
- معلم را درگیر انجام فعالیت کند و توجه بیشتری به تعمیق و بسط مفاهیم نشان دهد؛
- مواد و منابع تکمیلی و مورد نیاز معلم را معرفی کند؛
- درخصوص موضوع‌های ریاضی که معلم تدریس می‌کند، محتوای تکمیلی را در اختیار او قرار دهد؛ از جمله تاریخچه، سرگرمی‌های مناسب، معرفی دانشمندان و شگفتی‌ها و زیبایی ریاضی؛
- روابط بین مفاهیم درون حوزه و مرتبط با دیگر حوزه‌ها را برای معلم روشن کند؛
- بر توانایی‌ها و مهارت‌های معلم در هدایت فعالیت‌های یاددهی - یادگیری با تأکید بر دروس یا برنامه درسی ریاضی بیفزاید؛
- معلمان را با چگونگی تفکر و شکل‌گیری دانش در ذهن دانش‌آموز آشنا کند؛
- درخصوص آموزش به‌روز و آشنا کردن معلم‌ها با مباحث جدید آموزش ریاضی و روش‌های جدید بکوشد؛
- معلمان را با ارتباطات افقی و عمودی بین مفاهیم برنامه درسی آشنا کند.

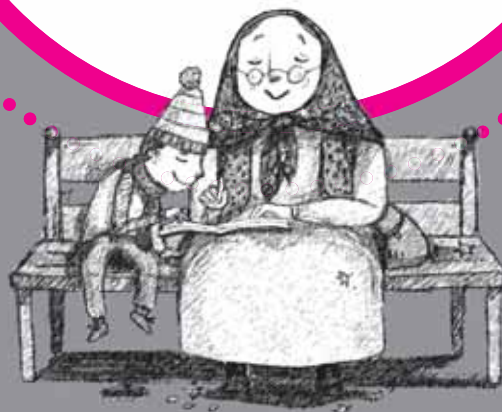
ت. ویژگی‌ها و معیارهای مورد توجه برای ارزیابی کتاب‌های والدین
- اهداف و رویکردها را برای والدین به‌طور ملموس و غیرتخصصی بیان کند؛
- با بیان مثال‌ها و مصداق‌های آموزشی، والدین را با بایدها و نبایدها و رویکردهای آموزشی مدرسه همراه کند؛
- با ارائه سرگرمی‌ها و فعالیت‌های روزمره، فرصت تعامل با ریاضی در زندگی روزمره را برای دانش‌آموزان فراهم کند؛
- با ایجاد فرصت تعامل در خانواده، روحیه مشارکت و لذت بردن از ریاضی را تقویت کند.
گروه دآوری ریاضی جشنواره امیدوار است در جشنواره‌های بعدی بتواند با توجه به معیارهای ارزیابی، کتاب برگزیده و کتاب تقدیری معرفی کند.



تا مرز برگزیدگی

فهرست کامل نامزدهای
پانزدهمین جشنواره
کتاب رشد

سال ۱۳۹۶



در پانزدهمین دوره جشنواره کتاب رشد، از بین ۲۸۲۶ عنوان کتاب آموزشی و تربیتی مناسب، ۱۲۸۴ عنوان کتاب به گروه‌های سی‌گانه داوری سپرده شدند.

در بین این گروه‌های داوری، داستان دوره ابتدایی با ۲۷۵ عنوان، مدیریت خانواده، بهداشت و کودک‌پاری با ۱۰۰ عنوان و شعر و قصه پیش‌دبستانی با ۷۸ عنوان کتاب جزء پرکارترین گروه‌های داوری بودند.

از داوران محترم گروه‌ها خواسته شده بود، بر اساس امتیاز به دست آمده و سهمیه در نظر گرفته شده برای جوایز، تعدادی کتاب را به عنوان نامزد معرفی کنند تا در مرحله بعد کتاب یا کتاب‌های برتر خود را از میان آن‌ها برگزینند.

در بین این گروه‌ها آداب و مهارت‌های زندگی و روان‌شناسی هر یک با معرفی ۷ نامزد بالاترین تعداد و گروه‌های چندموضوعی و سلامت و تربیت بدنی هر کدام با معرفی ۲ عنوان، کمترین تعداد نامزدها را معرفی کردند. دو گروه بازی و سرگرمی و شیمی نیز از معرفی نامزد چشم‌پوشیدند که به تبع آن کتاب برگزیده‌ای نیز نخواهند داشت.

تماشای این کتاب‌ها، که بهترین کتاب‌های گروه خود تشخیص داده شده‌اند، خالی از لطف نیست.

دبیرخانه پانزدهمین جشنواره کتاب رشد

آداب و مهارت‌های زندگی



آموزش عملی مهارت‌های تحصیلی

مؤلف: اعظم امیرخانی، طاهره مهدوی، ریحانه
رامشگر؛ ناشر: یار مانا؛ سال نشر: ۱۳۹۵



سبک زندگی برای کودکان

مؤلف: علی‌رضا متولی؛ ناشر: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان؛ سال نشر: ۱۳۹۵
خانواده بزرگ من: کتابی در باره اهمیت خانواده برای کودکان
خانواده من: کتابی در باره اهمیت خانواده برای کودکان
رفتار من: کتابی در باره رفتارهای ناپسند برای کودکان
سؤال‌های من: کتابی در باره سؤال کردن
مشکلات من: کتابی در باره مشکلات احساسی و راه‌های برخورد با آنها



مجموعه کتاب‌های کوچک ۴۰ نکته‌ای

مؤلفان: لایلا سلیقه‌دار، ابراهیم اصلانی، مرتضی مجدفر؛ ناشر: پیشگامان
پژوهش‌مدار؛ سال نشر: ۱۳۹۵
اسباب‌بازی‌های مزاحم: ۴۰ نکته راهنمای والدین برای خرید اسباب‌بازی و سرگرمی‌های امروزی
خاله خرسه نباش: ۴۰ نکته برای شناخت خطاهای تربیتی والدین
لاک‌پشت یا پروانه: ۴۰ نکته راهنمای والدین برای تقویت مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی فرزندان
متشکرم: ببخشید؛ لطفاً: ۴۰ نکته برای راهنمایی نوجوانان و جوانان در آداب معاشرت
یاد من باشد که...: ۴۰ نکته راهنمای معلمان برای برقراری ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان



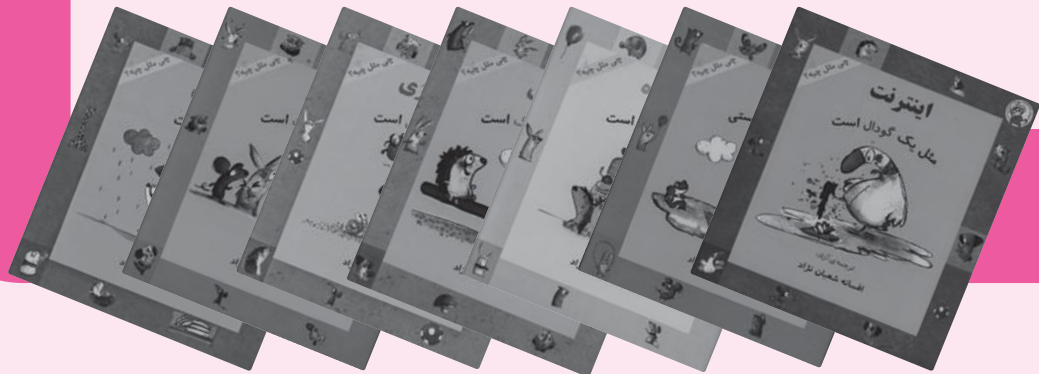
بازگشت رفتگر

مؤلف: آگ ماندینو؛ ترجمه: هانیه
فهیمی؛ ناشر: پل؛ سال نشر: ۱۳۹۴



از همین که هستم، خوش حالم

مؤلف: کریستوفر آدامز، کریستوفر جی. بوچ؛
ترجمه: منصوره شریفی، حمید نمازیها؛ ناشر:
آوای هانا؛ سال نشر: ۱۳۹۵



مجموعه چی مثل چیه؟

مؤلف: اینس، شونا؛ ترجمه: افسانه شعبان‌نژاد؛
ناشر: لویه تو؛ سال نشر: ۱۳۹۵

اینترنت مثل یک گودال است

تو مثل خودت هستی

خانواده مثل یک کیک است

دوستی مثل یک الاکلنگ است

زمین بازی مثل یک جنگل است

عشق مثل یک درخت است

نگرانی مثل ابر است

کیشوندان و مهارت‌های زندگی

مؤلف: ابراهیم رضوانی، الهه حسن‌پور؛
ناشر: قدیانی؛ سال نشر: ۱۳۹۵



آموزش و پرورش کودکان استثنایی



مجموعه تاب آوری در کودکان

مؤلف: نیره آرین فر، مریم کتانی، احمد عابدی؛ ناشر: نوشته؛ سال نشر: ۱۳۹۵
ویژه مادران؛ چگونه کودکانی منعطف و مقاوم در برابر آسیب‌های هیجانی و رفتاری پرورش دهیم؟
ویژه متخصصان؛ چگونه کودکانی منعطف و مقاوم در برابر آسیب‌های هیجانی و رفتاری پرورش دهیم؟
ویژه مشاوران و مربیان؛ چگونه کودکانی منعطف و مقاوم در برابر آسیب‌های هیجانی و رفتاری پرورش دهیم؟

اقتصاد، حسابداری و بازرگانی



فرهنگ و مدیریت: مدیریت استراتژیک رسانه (از تئوری تا عمل)

مؤلف: لوسی کونگ؛ ترجمه: سیدمحمد
اعرابی، سید علیرضا هاشمی، رحیم زارع؛
ناشر: دفتر پژوهش‌های فرهنگی؛ سال نشر:
۱۳۹۲



سواد مالی برای نوجوانان:
راهنمای آموزش سواد مالی
برای اولیا
مؤلف: آقازاده، محرم؛ ناشر:
مرآت؛ سال نشر: ۱۳۹۴





راهنمای معلمان در مورد اختلال نقص توجه، پیش فعالی
 مؤلف: رید، رابرت / جانسون، ژوزف؛ ترجمه: شاهرخ امیری؛ ناشر: فروزش؛ سال نشر: ۱۳۹۵



چگونه حافظه شنیداری کودکان را تقویت کنیم؟
 مؤلف: بئاتریس منس، سوئی دبنی، تانیا دورس؛ ترجمه: زهرا عباسیان نیک؛ ناشر: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان؛ سال نشر: ۱۳۹۵



کمک به کودکان دارای اختلالات طیف در خودماندگی
 مؤلف: استفانی لاکشین، جنیفر گیلیس، ریموند رمانزیک؛ ترجمه: باقر غباری بناب، فرزانه معتمدی شارک، ابوالفضل رشیدی احمدآبادی؛ ناشر: دانژه؛ سال نشر: ۱۳۹۵



گفتار در کودکان کم شنوا نظریه و عمل
 مؤلف: دانیل لینگ؛ ترجمه: سایه طاهباز؛ ناشر: گيسا؛ سال نشر: ۱۳۹۵



هوش معنوی در کسب و کار
 مؤلف: رامش حقیق؛ ناشر: فرهنگ مردم؛ سال نشر: ۱۳۹۵



نظام مدیریت علوی
 مؤلف: محمدحسین پژوهنده؛ ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی؛ سال نشر: ۱۳۹۵





پیش دبستانی: آموزشی

مجموعه رفتارها و احساسات من

مؤلف: سو گریوز؛ ترجمه: فرزانه کریمی؛ ناشر: ذکر؛ سال نشر: ۱۳۹۵
از همه چیز بدم می آید!
اگر این طوری بشود چی؟
چرا نباید؟
شریکی نباشد، عادلانه نیست
کی می ترسد؟
من این کار را نکردم!
من خوش حال نیستم
یک نفس عمیق بکش

مجموعه فعالیت های عملی
برای شنیدن، صحبت کردن
و خواندن برای پیش دبستانی ها
مؤلف: کیتی دو گلاس؛ ترجمه: مریم نوزرآدان؛
ناشر: با فرزندان؛ سال نشر: ۱۳۹۵



پیش دبستانی: قصه و شعر

بهترین داستان های تصویری: اولین زمستان کاب

مؤلف: ربکا الیوت؛ ترجمه: راحله فاضلی؛
ناشر: شهر قلم؛ سال نشر: ۱۳۹۴

داستان های دوست داشتنی:

کالی و مامان و بابا
مؤلف: رتراوت سوزانه برنز؛ ترجمه: منیژه نصیری؛
ناشر: پیک ادبیات؛ سال نشر: ۱۳۹۵

داستانک های شیرین:

یکی مال من یکی مال تو
مؤلف: فریبرز لریستانی؛ ناشر:
پیک ادبیات؛ سال نشر: ۱۳۹۵





رنگین کمان ۲: انس با قرآن کریم در دوره پیش دبستان
 مؤلف: مسعود تهرانی فرجاد، شیرین برزین، کیومرث سلطانی؛ ناشر: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان؛ سال نشر: ۱۳۹۵



مجموعه چهار کتاب آموزشی
 مؤلف: مریم اسلامی؛ ناشر: غنچه؛ سال نشر: ۱۳۹۵
 به مامان و بابام می‌گم
 جلو نیا! جیغ می‌زنم
 دست نزن! به تنم
 دوست ندارم بوسه کنی

کلید یادگیری: آموزش کودکان سه تا هفت سال با رویکرد ویگوتسکی
 مؤلف: گالینا دالیا؛ ترجمه: افسانه اشرفی؛ ناشر: مؤسسه فرهنگی - هنری - پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان؛ سال نشر: ۱۳۹۵



کلید کلید، دسته کلید
 مؤلف: اکرم کشایی؛ ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان؛ سال نشر: ۱۳۹۵



کلاغ سیاه به سفر می‌رود!
 مؤلف: بابک صابری؛ ناشر: مؤسسه فرهنگی فاطمی؛ سال نشر: ۱۳۹۵



قصه‌های گویولی
 برای بچه‌های گویولی (۸):
 مؤلف: لاله جعفری؛ ناشر: قدیانی؛ سال نشر: ۱۳۹۵

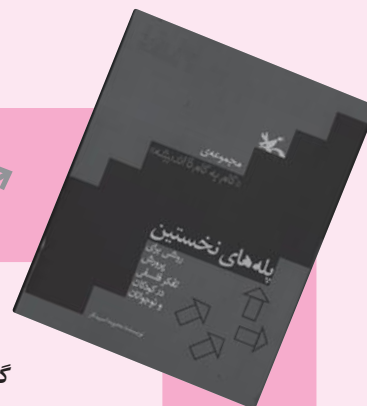


تعلیم و تربیت دینی



خدای ما چه جوریه؟ بر همه کار تواناست
مؤلف: سیدمحمد مهاجرانی؛ ناشر: قدیانی؛ سال نشر: ۱۳۹۵

تفکر و پژوهش



گام به گام تا اندیشه: پله‌های نخستین
مؤلف: محبوبه اسپیدکار؛ ناشر: کانون
پرورش فکری کودکان و نوجوانان؛ سال
نشر: ۱۳۹۵

انتقادی اندیشیدن به زبان ساده
مؤلف: ماندانا سلحشور؛ ناشر: شرکت نشر
فراروان؛ سال نشر: ۱۳۹۴





خداي ما چه جوريه؟ به همه کمک مي کند
مؤلف: سيد محمد مهاجراني؛ ناشر: قدياني؛ سال نشر: ۱۳۹۵



شکر کنيد و رشد کنيد
مؤلف: سجاد شباني
قهرودي؛ ناشر: آرنا؛ سال
نشر: ۱۳۹۵



مهندسي فرآيند دعا
مؤلف: سجاد شباني قهرودي؛
ناشر: آرنا؛ سال نشر: ۱۳۹۵

کودک، داستان و تفکر انتقادي
مؤلف: ليلا مکتبي فرد؛ ناشر: کانون
پرورش فکري کودکان و نوجوانان؛
سال نشر: ۱۳۹۴



نخستين داستانها براي فکر کردن
مؤلف: رابرت فيشر؛ ترجمه: زهرا طباطبائي؛ ناشر:
مؤسسه فرهنگي مدرسه برهان؛ سال نشر: ۱۳۹۵



چند موضوعی

بسته یادگیری فراگیر: سؤالات سه گانه
ریاضی و علوم پنجم دبستان
مؤلف: خسرو داودی، احمد احمدی، عسل برکت،
محمدحسن بازوبندی، مریم انصاری؛ ناشر:
مرآت؛ سال نشر: ۱۳۹۵

سؤال موموکی
مؤلف: کلر ژوبرت؛ ناشر: دفتر نشر
فرهنگ اسلامی؛ سال نشر: ۱۳۹۵

داستان دوره آموزش متوسطه

مجموعه سه دختران
مؤلف: محمدرضا شمس؛
ناشر: افق؛ سال نشر: ۱۳۹۵
دختر گل خندان
دختر ماه پیشونی
دختر نارنج و ترنج

شب به خیر، ترنا
مؤلف: جمال الدین اکرمی؛
ناشر: کانون پرورش فکری
کودکان و نوجوانان؛ سال
نشر: ۱۳۹۵

له یزرع
مؤلف: محمدرضا بایرامی؛
ناشر: کتاب نیستان؛ سال
نشر: ۱۳۹۴

داستان دوره آموزش ابتدایی



اسکلت بخشنده
مؤلف: محمدرضا شمس؛
ناشر: هوپا؛ سال نشر: ۱۳۹۵

ایلا نگهبان باغ وحش
مؤلف: زهرا فردشاد؛ ناشر: هوپا؛
سال نشر: ۱۳۹۵



تمساح‌های رودخانه‌ی تامیونان
مؤلف: سوهی کیم؛ ترجمه: حسین شیخ
رضائی؛ ناشر: مؤسسه فرهنگی فاطمی؛ سال
نشر: ۱۳۹۵



ناصر ایکس-ری
مؤلف: علی آقاغفار؛
ناشر: کتاب ابرار؛ سال
نشر: ۱۳۹۵



ناگازاکی
مؤلف: اریک فی؛ ترجمه:
سعیده بوغیری؛ ناشر: گل
آذین؛ سال نشر: ۱۳۹۵





کامپیوتر

مؤلف: مایک گلداسمیت؛ ترجمه: شراره اسماعیل‌نمازی؛ ناشر: ایده پردازان چکاد؛ سال نشر: ۱۳۹۴



طراحی شبکه

مؤلف: دوگ لو؛ ترجمه: زهرا جاوید؛ ناشر: آوند دانش؛ سال نشر: ۱۳۹۴

۱۰۱ داستان شفابخش برای کودکان و نوجوانان:

کاربرد استعاره در درمان

مؤلف: جورج دابلیو بورنز؛ ترجمه: علی محمد نظری، ندا اسماعیلی‌فر، معصومه نیک‌رو، فهیمه پیرساقی، پایناز اسماعیلی؛ ناشر: آوای نور؛ سال نشر: ۱۳۹۵



خودشناسی

مؤلف: محمد بی‌باک؛ ناشر: یار مانا؛ سال نشر: ۱۳۹۵

درمان مبتنی بر غنی‌سازی

ارتباط: بهبودی از طریق همدلی

عمیق و گفتگوی صمیمانه

مؤلف: رابرت اف ساکا؛ ترجمه:

علی محمد نظری، معصومه نیک‌رو؛

ناشر: آوای نور؛ سال نشر: ۱۳۹۵

روان‌شناسی اجتماعی آموزش و پرورش:

مباحثی در حوزه روان‌شناسی کلاس درس

مؤلف: ای بیباد؛ ترجمه: حسین کارشکی، نادر

آزادصفت، علی سوری؛ ناشر: آوای نور؛ سال

نشر: ۱۳۹۵





طراحی حروف برای فونت فارسی
مؤلف: امید هامونی؛ ناشر: مؤسسه فرهنگی
فاطمی؛ سال نشر: ۱۳۹۵



برنامه نویسی پایتون (۱)
مؤلف: محمدرضا جهانگیر، سیدشهاب
قدسی، علیرضا صالحه؛ ناشر: حلی؛
سال نشر: ۱۳۹۴

فضایل و توانمندی های شخصیت: کتاب راهنما و طبقه بندی (ج. ۱)

مؤلف: کریستوفر پیترسون، مارتین. ای. پی.
سلیگمن؛ ترجمه: کوروش نامداری، مهدی آیتی،
گلی تا امساک، مهسا موحد ابطحی؛ ناشر: یار مانا؛
سال نشر: ۱۳۹۵



روان شناسی



نظریه های رشد

مؤلف: باربارا نیومن، فیلیپ نیومن؛ ترجمه: مجتبی
امیری مجد؛ ناشر: دانژه؛ سال نشر: ۱۳۹۴



کمال گرایی: آگاهی، ارزیابی، درمان
مؤلف: زهراسادات حاجی سید تقی تقوی،
مهرانگیز پیوسته گر؛ ناشر: آوای نور؛
سال نشر: ۱۳۹۵



ریاضی



فهم تیمز (TIMSS) مطالعه بین‌المللی
پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان
در ریاضی و علوم
مؤلف: محرم آقازاده، محرم نقی‌زاده؛ ناشر: مرآت؛
سال نشر: ۱۳۹۴

خودت داستان بنویس

مؤلف: سیمون چشایر؛ ترجمه: حبیب یوسف‌زاده؛
ناشر: طلایی؛ سال نشر: ۱۳۹۵



رازهای قصه‌گویی

مؤلف: باتریس مونته‌رو؛ ناشر: کانون
پرورش فکری کودکان و نوجوانان؛ سال
نشر: ۱۳۹۵



راهنمای آموزش زبان فارسی در دوره ابتدایی
مؤلف: سلیم نیساری، فریدون اکبری شلدره، بهمن
زندى، حسین قاسم‌پور مقدم، معصومه نجفی
پازوکی؛ ناشر: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان؛ سال
نشر: ۱۳۹۴





کتاب مامان باباها - ریاضی اول دبستان
مؤلف: خسرو داودی؛ ناشر: خیلی سبز؛ سال نشر: ۱۳۹۵



مترو تجریش، شربت
سکنجبین، حلقه نامزدی
و ۱۴۲ معمای دیگر
مؤلف: حسین شاهمحمد؛
ناشر: مؤسسه فرهنگی
فاطمی؛ سال نشر: ۱۳۹۵



زبان و ادبیات فارسی



آموزش داستان نویسی سطح یک و سطح دو
مؤلف: پای کوربت؛ ترجمه: محسن سلیمانی؛ ناشر: شرکت
انتشارات ویژه نشر؛ سال نشر: ۱۳۹۵

زنگ املا، زنگ بازی
مؤلف: صفورا ریزانه، شهناز
کریمی هویه؛ ناشر: سنا گستر؛
سال نشر: ۱۳۹۵



ادبیات، کودک دیروز، کودک امروز
مؤلف: حسین شیخ رضائی؛ ناشر: مؤسسه
خانه کتاب؛ سال نشر: ۱۳۹۵



زبان‌های خارجی



بسته مدیریت کلاسی: کاربرگ انگلیسی پایه
دهم ریاضی، تجربی و انسانی
مؤلف: سیدمسعود حاجی سیدحسینی فرد؛ ناشر:
مرآت؛ سال نشر: ۱۳۹۵

کتاب جامع پایه دهم خط سفید
مؤلف: مهدی ذوالفقاری، فهیمه سمایی‌نیا،
فهیمه باقری؛ ناشر: خط سفید؛ سال نشر:
۱۳۹۵



کتاب کار انگلیسی ۱ - پایه دهم
مؤلف: بابک باقری، حمید خزایی؛ ناشر:
خیلی سبز؛ سال نشر: ۱۳۹۵



راهنمای کاربردی کوه‌پیمایی و
طبیعت‌گردی
مؤلف: کارن برگر؛ ترجمه: سامان
شاهین‌پور؛ ناشر: مهرسا؛ سال نشر:
۱۳۹۴



سلامت و تربیت بدنی





kooti kooti watch out you do not catch a cold

(سرما نخوری کوتی کوتی)
مؤلف: حسن زاده، فرهاد؛ ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان؛ سال نشر: ۱۳۹۵

move the world kooti kooti

(دنیا را بلرزان کوتی کوتی)
مؤلف: حسن زاده، فرهاد؛ ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان؛ سال نشر: ۱۳۹۵



Prospect plus 1, 2, 3

مؤلف: ایوان اچ. ویلیامز، مجید
عسکری ازغندی، مهری قاسم زاده،
حامد نعیمی نیا، حسین هاوشکی،
ریحانه ناعمی؛ ناشر: خط سفید؛
سال نشر: ۱۳۹۵



راهنمای گام به گام برای پیشگیری، تشخیص و درمان آسیب های ورزشی

مؤلف: اد ویلسون، گارث جونز؛ ترجمه: امیرحسین
براتی، سیدمحمد حسینی، ندا رضوان خواه، علی
پشبادی؛ ناشر: ورزش؛ سال نشر: ۱۳۹۴



شعر و نثر ادبی



تیر برق و مورچه
مؤلف: شہلا شہبازی؛
ناشر: مؤسسہ انتشارات
امیر کبیر؛ سال نشر: ۱۳۹۵



بوق سگ
مؤلف: بیوک ملکی؛ ناشر: پیدایش؛
سال نشر: ۱۳۹۵



دانستنی های جانوران
ایران و جهان: بی مهرها
مؤلف: محمد کرام الدینی؛ ناشر:
طلایی؛ سال نشر: ۱۳۹۵



دانستنی های جانوران
ایران و جهان: پستانداران
مؤلف: محمد کرام الدینی؛ ناشر: طلایی؛
سال نشر: ۱۳۹۵



دانستنی های جانوران
ایران و جهان: ماهی ها
مؤلف: محمد کرام الدینی؛ ناشر: طلایی؛
سال نشر: ۱۳۹۵



خاطرات مدرسه طلوع
مؤلف: مریم خجسته؛ ناشر:
الهام اندیشه؛ سال نشر: ۱۳۹۵



خنده برگ
مؤلف: فرزانه فتحی؛ ناشر:
کانون پرورش فکری
کودکان و نوجوانان؛ سال
نشر: ۱۳۹۵



آسمان شگفت‌انگیز: فرهنگ‌نامه دانش‌آموزی نجوم و فضا
مؤلف: ناصری، مهدی؛ ناشر: طلایی؛ سال نشر: ۱۳۹۵



زیر میکروسکوپ: در غذای شما
مؤلف: سابرینا کرو؛ ترجمه: مهدی رزاقی
کاشانی؛ ناشر: به‌نشر؛ سال نشر: ۱۳۹۵



زیر میکروسکوپ: در اقیانوس
مؤلف: سابرینا کرو؛ ترجمه: حسن
سالاری؛ ناشر: به‌نشر؛ سال نشر: ۱۳۹۵



علوم تربیتی



اصول و مبانی دیالوگ: روش شناخت و آموزش
مؤلف: محمدرضا نیستانی؛ ناشر: یار مانا؛ سال نشر: ۱۳۹۴

نظارت آموزشی کلاس درس محور (نظارت بالینی)
مؤلف: بیژن عبدالحی؛ ناشر: مرآت؛ سال نشر: ۱۳۹۵



فرهنگ و هنر

بازیگوشی در طراحی: کامل می‌کنم، رنگ
می‌زنم، از همه‌جا، از همه‌چیز
مؤلف: فیونا وات؛ ترجمه: محمدعلی کشاورز؛
ناشر: قدیانی؛ سال نشر: ۱۳۹۵



دایناسورهای مقوایی بسازیم
مؤلف: مری بت کراین؛ ترجمه: علی‌رضا باقری
جیلی؛ ناشر: طلایی؛ سال نشر: ۱۳۹۵





دست‌نامه آموزش حقوق کودک در دیستان و دبیرستان
 مؤلف: دوبر اوکا مالس و [...] دیگران؛ ترجمه: زهره قایینی، ویدا
 محمدی؛ ناشر: مؤسسه فرهنگی - هنری - پژوهشی تاریخ ادبیات
 کودکان؛ سال نشر: ۱۳۹۵

**درس پژوهی، ایده‌ای جهانی برای به‌سازی آموزش و
 غنی‌سازی یادگیری**
 مؤلف: محمدرضا سرکارآرانی؛ ناشر: مرآت؛ سال نشر: ۱۳۹۵



کاراکوری: چگونه مدل‌های کاغذی متحرک بسازیم
 مؤلف: کی سوکه ساکا؛ ترجمه: زینت صفدری؛ ناشر: دیبایه؛ سال نشر: ۱۳۹۵



قرآن



تقابل مثلث قدرت با جریان وحی از دیدگاه قرآن کریم
مؤلف: محمد شریفی؛ ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی؛ سال
نشر: ۱۳۹۵

کشاورزی



حشره‌شناسی و مدیریت تلفیقی
آفات همراه با اطلس رنگی مهم‌ترین
حشرات آفت در ایران
مؤلف: سهیلا تکاور، حسین اکبرلو،
اسدالله آقامیرکریمی؛ ناشر: دانشگاه فنی
و حرفه‌ای؛ سال نشر: ۱۳۹۴

راهنمای نگهداری گیاهان آپارتمانی
مؤلف: دی. جی. هسایون؛ ترجمه: محمدرضا
داهی؛ ناشر: فنی ایران؛ سال نشر: ۱۳۹۳





داستان‌های حیوانات در قرآن کریم
مؤلف: احمد بهجت؛ ترجمه: سیدمحمدحسین
حسینی؛ ناشر: آریان؛ سال نشر: ۱۳۹۴



دایرةالمعارف پیامبران
مؤلف: افسانه موسوی گرمارودی؛
ناشر: محراب قلم؛ سال نشر: ۱۳۹۵



مهربان ترین پیامبر
مؤلف: غلامرضا؛ حیدری ابهری، ناشر:
محراب قلم؛ سال نشر: ۱۳۹۵

**راهنمای میدانی ماهیان آب‌های
داخلی ایران**
مؤلف: اصغر عبدلی؛ ناشر: ایرانشناسی؛
سال نشر: ۱۳۹۵



صنعت شیر

مؤلف: یوستا بولوند؛ ترجمه: فرهاد فره‌نودی؛
ناشر: شباهنگ؛ سال نشر: ۱۳۹۳



مدیریت خانواده و بهداشت و کودکیاری



بدن انسان چگونه کار می‌کند؟ تغذیه و گوارش
مؤلف: روبرت سوالیوان؛ ترجمه: عباسعلی گائینی، بهزاد ساکی؛ ناشر:
مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان؛ سال نشر: ۱۳۹۴

ایران‌شناسی

مؤلف: رضامراد صحرایی، مریم سلطانی، منیره شهباز، فائزه
مرصوص، زهره شیرین‌بخش؛ ناشر: مؤسسه فرهنگی فاطمی؛ سال
نشر: ۱۳۹۵



مطالعات اجتماعی و سواد رسانه‌ای



تمدن‌های بزرگ جهان تمدن روم باستان

مؤلف: محمدعلی علوی‌کیا؛ ناشر:
مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان؛
سال نشر: ۱۳۹۵



تمدن‌های بزرگ جهان: فرهنگ و تمدن ایران در عصر قاجارها: اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

مؤلف: زهرا مروتی؛ ناشر: مؤسسه
فرهنگی مدرسه برهان؛ سال نشر: ۱۳۹۵





جوان، ازدواج و شادکامی

مؤلف: حسین پورشریف؛ ناشر: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث؛ سال نشر: ۱۳۹۵



روان‌شناسی و آموزش مهارت‌های زنashویی و بلوغ افراد نابینا

مؤلف: مریم اصغری؛ ناشر: آوای نور؛ سال نشر: ۱۳۹۳

کتاب جامع سلامت خانواده (دو جلدی)

مؤلف: اسکات لیتین؛ ترجمه: مرجان قائمی، سید علیرضا طلائی زواره؛ ناشر: تیمورزاده؛ سال نشر: ۱۳۹۵



دانش سیاسی در ایران: مجموعه گفت‌وگوها
مؤلف: عبدالوهاب فراتی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی؛ سال نشر: ۱۳۹۴



خانه هنری، پر از دانش و سرگرمی! فضا

مؤلف: فیلیپ آردر؛ ترجمه: محمود مزیانی؛ ناشر: پیدایش؛ سال نشر: ۱۳۹۵



مکانیک



آموزش گام به گام برق و الکترونیک خودرو
به انضمام بررسی تحلیلی مدارات الکتریکی
پراید و سمند
مؤلف: امین زارعی؛ ناشر: کوهسار؛ سال نشر: ۱۳۹۲

دکوراسیون چوبی از طراحی تا اجرا

مؤلف: امیر نظری، رامک فرح آبادی؛ ناشر: فدک ایستایس؛ سال نشر: ۱۳۹۳



موسیقی

تا بردمیدن گل‌ها

مؤلف: محمدرضا فیاض؛ ناشر: شرکت انتشارات
سوره مهر؛ سال نشر: ۱۳۹۴



دانشنامه معرفی رشته‌های دانشگاهی گروه

هنر: مجموعه موسیقی

مؤلف: مؤسسه فرهنگی هنری هدایت فرهیختگان
جوان؛ ناشر: مؤسسه فرهنگی هنری هدایت
فرهیختگان جوان؛ سال نشر: ۱۳۹۴





تمرینات رسم فنی (کتاب فعالیت)
مؤلف: حمیدرضا غلامرضایی؛ ناشر:
مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان؛ سال
نشر: ۱۳۹۳

جداول و استانداردهای صنایع چوب
ترجمه: مراد سلیمی؛ ناشر: دانش بنیاد؛ سال نشر: ۱۳۹۵



شیوه اجرای تقسیمات ناهمگون زمانی دست
راست و چپ در ساز پیانو
مؤلف: مصطفی کمال پورتراب؛ ناشر: شرکت انتشارات
سوره مهر؛ سال نشر: ۱۳۹۴



نخستین دیدار با موسیقی
مؤلف: آنا آرتالیوسکایا؛ ترجمه: میربابا
میررحیم، دلیر حکیم‌آوا؛ ناشر: گیسو؛
سال نشر: ۱۳۹۵



نمایش، فیلم و سینما



آندری تارکوفسکی: عناصر سینما

مؤلف: رابرت برد؛ ترجمه: تورج سلحشور؛ ناشر: کتاب آبان؛ سال نشر: ۱۳۹۳

تجزیه و تحلیل آثار گرافیک در
ارتباط تصویری

مؤلف: مسعود سپهر؛ ناشر: مؤسسه
فرهنگی فاطمی؛ سال نشر: ۱۳۹۵



سرگذشت فرش در ایران

مؤلف: مریم رجبی؛ ناشر: افق؛ سال نشر: ۱۳۹۳

طراحی گرافیک متحرک
مؤلف: حمید صادقیان؛ ناشر: مؤسسه
فرهنگی فاطمی؛ سال نشر: ۱۳۹۵

طراحی گرافیک برای تبلیغات
مؤلف: علی افسرپور؛ ناشر: مؤسسه
فرهنگی فاطمی؛ سال نشر: ۱۳۹۵





سرگذشت بازیگری در ایران
مؤلف: ابراهیم امینی؛ ناشر: افق؛
سال نشر: ۱۳۹۵



سواد بصری در طراحی صحنه تئاتر
مؤلف: مهگان فرهنگ، سعید ذوالنوریان؛ ناشر:
کتاب آبان؛ سال نشر: ۱۳۹۳



فیلمسازی FOR DUMMIES
مؤلف: برایان مایکل استولر؛ ترجمه: پیام
یزدانی؛ ناشر: آوند دانش؛ سال نشر: ۱۳۹۵



نمایشنامه نویسی عروسی
مؤلف: سیمین امیریان؛ ناشر: شرکت انتشارات سوره مهر؛ سال نشر: ۱۳۹۴



هنرهای تجسمی و مباحث عمومی

طراحی گرافیک محیطی
مؤلف: مصطفی اسدالهی؛ ناشر: مؤسسه
فرهنگی فاطمی؛ سال نشر: ۱۳۹۵

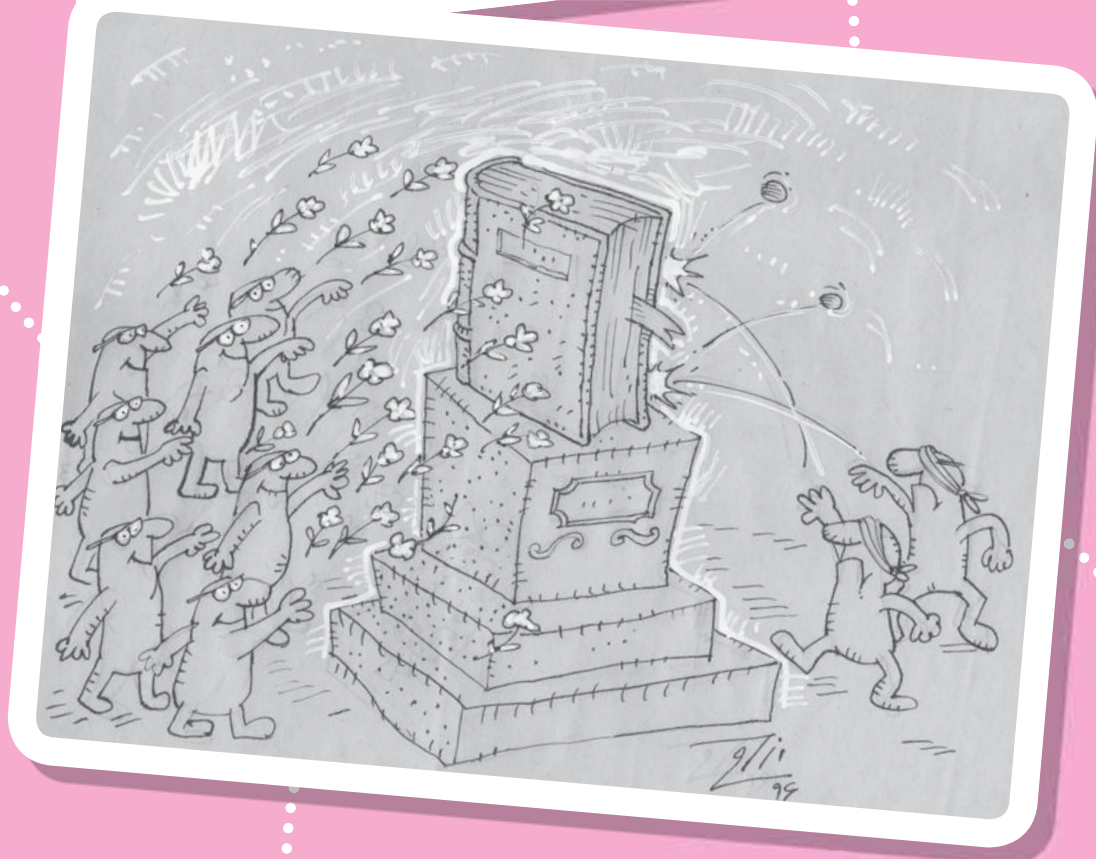


کودک و تصویر ۱
مؤلف: جمال الدین اکرمی؛ ناشر: مؤسسه
فرهنگی مدرسه برهان؛ سال نشر: ۱۳۹۵



بازتاب رسانه‌های چشم‌سواره پانزدهم





رونمایی از تازه‌ترین راهنماهای تولید کتاب‌های آموزشی در مراسم پایانی پانزدهمین جشنواره کتاب رشد



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی موظف است معیارهای ارزشیابی و اعتبارسنجی منابع آموزشی و تربیتی (عمومی و اختصاصی) را تدوین کند و از طریق مقتضی به اطلاع عموم برساند.

ماده ۴ مصوبه ۸۲۸، معیارها و استانداردهای تولید منابع آموزشی و تربیتی

تبصره ۱، بند ب

جشنواره
پانزدهم
در یک نگاه

